

کیمهان ۵۷۵

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۳ تا پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و سوم - شماره ۲۰۴۱

نسخه تکراری «مجتبی»:

جنگ فرسایشی در خارج،
سرکوب در داخل

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم

کیهان شماره ۲۰۴۱ (۵۷۵)

۲۳ تا ۲۹ مرداد ۱۴۰۵

۱۴ تا ۲۰ آوت ۲۰۲۶

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHAN.LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوره: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های رخداد جنگ در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. عالمان می‌توانند این کتاب را مستقلاً از طریق آگهی یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کانفره‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه ها و عاشقانه ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب "نامه ها و عاشقانه ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com



E-mail: pirnia@pirnia.com



کیمهان

فهرست مطالب**

۴	سر مقاله - دریای کاسپین؛ منافع نظام آخر الزماني با منافع ملت و میهن یکی نیست! / حامد محمدی
۴-۵	تیر هفته - نسخه تکراری «مجتبی»: جنگ فرسایشی در خارج، سرکوب در داخل ... / ...
۶	شاهزاده رضا پهلوی: تلاش جمهوری اسلامی برای تصویب «کنوانسیون آکتانو» مغایر با منافع ملی ... / ...
۶-۷	آمریکاشبکه ای از صرافی ها و شرکت های دولتی مر تبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد ... / ...
۷	دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی باید بابت کشتن سر بازان آمریکایی و معتبر ضان ایرانی غرامت بپردازد ... / ...
۸	از کار تر و گروگانگیری سفارت تا تر امپ و به گروگان گرفتن تنگه هرمز ... / ...
۹	اقتصاد بدون تر مز، در سایه ی تنگه هرمز ... / ...
۱۰	وضعیت بحرانی زندان ها: گرمای هوا، ازدحام جمعیت، شیوع ساس و بیماری، غذا و داروی ناکافی ... / ...
۱۱	آتش به جان شمع فتد کاین بنانهاد ... / خیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	گذار از طوفان - خاطرات مر تضي زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۶) ... / ...
۱۴-۱۵	«توافق دفاعی مکه»؛ محور امنیتی جدید میان عربستان، ترکیه و پاکستان ... / گزارش ویژه کیهان لندن
۱۵	برگزاری مراسم یادبود پادشاهان فقید پهلوی در لندن ... / ...
۱۶	رژیم ایران و استراتژی وقت کشی و تفرقه در جبهه ها ... / کفاح محمود (الشرق الاوسط)
۱۷	مشکل «جنگ نا تمام» و سیاست حمله نظامی همراه با معامله! ... / ارفیق خوری (ایندپندنت عربی)
۱۸	عبدالرحمن آل اشد تحلیلگر عربستانی: «اتلاف» علیه رژیم ایران در سه جبهه ... / (الشرق الاوسط)
۱۹	«توافق مکه»؛ دفاع در مقابل اسرائیل یا در برابر جمهوری اسلامی؟! ... / ...
۲۰	کمای دیپلماسی؛ محصول مذاکره برای مذاکره ... / افر د صابری
۲۱	پهباد جمهوری اسلامی با فناوری آمریکایی! ... / افرید خلیفی
۲۱	فرمانده جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی! ... / بهنام محمدی
۲۲-۲۳	حاصل «موقفیت فاجعه بار»؛ توفان الاقصی؛ شکستی که معادلات سر اسر ... / ارفیق خوری (ایندپندنت عربی)
۲۳-۲۴	از بر نامه هسته ای تهران چه خبر؟ بر جدید شد با با این جنگ فقط به تاخیر افتاد؟! ... / (الشرق الاوسط)
۲۴-۲۷	کاسپین؛ ایران چه حقوقی داشت و چه حقوقی در خطر است؟ ... / ارفید اعتباری
۲۸-۲۹	تشدید درگیری های دریایی و تهدید تر امپ: ضربات شدید تر در راه است ... / ...
۲۹	شروط جمهوری اسلامی برای باز گشایی «تنگه هرمز»؛ جی دی ونس: رژیم ایران چند باره شده است ... / ...
۳۰	تاکید ستنکام بر ادامه «محاصره دریایی» جمهوری اسلامی همزمان با مذاکرات ... / ...
۳۰-۳۱	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: تا وقتی آمریکاشروط جمهوری اسلامی را نپذیرد تنگه هرمز باز نخواهد شد ... / ...
۳۱	خبر نگار «الجزیره»؛ مذاکرات بر سر وضعیت تنگه هرمز «به نقطه اول برگشت» ... / ...
۳۲	الجزیره؛ هسته های تحت حمایت سپاه پاسداران در عراق کوچک تر و مخفی تر می شوند ... / ...
۳۳	مذاکره، میانجیگری و توافق در بن بست: برای جمهوری اسلامی، مذاکره همان جنگ است! ... / ...
۳۴-۳۵	تزهایی پیر امون تحولات سیاسی با پتانسیل تأثیر گذاری استراتژیک در یک سال گذشته ... / ارفیدون احمدی
۳۶-۳۷	خط لوله عربستان - اسرائیل، راهگشای بحران انرژی در خلیج فارس ... / ...
۳۷	ختنی ساختن یک شبکه پهبادی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق ... / ...
۳۸	از هواداری نامسئولیت تا ریخی؛ چرا آ آینده ایران به مدارا و تکرر گرای ... / دکتر رضا سعیدی فیروز آبادی
۳۹	تشدید سرکوب در ایران به بهانه ی «وضعیت جنگی» ... / ...
۴۰-۴۲	انتشار نام پیش از ۷۰ متر ض دی ۴۰۴ که زیر حکم «اعدام» قرار دارند ... / ...
۴۲-۴۳	احکام «مجتبی خامنه ای» برای شش فرمانده ارشد نیروهای مسلح؛ حسین طائب به قدرت بازگشت ... / ...
۴۳	سکان «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» در دست یک مجرم بین المللی تحت تعقیب! ... / ...
۴۴	زندگی «نسبه» کارگران در ایران؛ چرخه ویرانگری و حقوق های ناچیز عقب افتاده ... / ...
۴۵	فروش سانیتمتری مسکن با طرح «خانه ریز»؛ توهین به کم درآمدها و بی اثری بر بحران بازار مسکن ... / ...
۴۶	بازگشت تعدادی از متخصصان روس به نیروگاه اتمی بوشهر ... / ...
۴۶-۴۷	پیش از ۳۰ کشور در یک بیانیه مشترک «اعدام» هادر ایران را محکوم کردند ... / ...
۴۷	دادگاه کیفری دمشق بشار اسد و برادرش را غیابی به اعدام محکوم کرد ... / ...
۴۸-۴۹	گفتگو با محمود امیری مقدم، فعال حقوق بشر، درباره افزایش اجرای احکام اعدام در ایران ... / اسارا پور صبری
۵۰	ایرج، خواننده و استاد پیشکوت آواز ایران، در گذشت ... / ...
۵۰-۵۱	بر و فسور فیروزه نهانندی از سوی فیلیپ، پادشاه بلژیک، به لقب بارونس مفتخر شد ... / ...
۵۱	پرگزاری سومین دوره جشنواره بین المللی فیلم «زن، زندگی، آزادی» ... / کتیون حلاجان
۵۲	جدیدترین آمار مهاجرت نخبگان از ایران؛ آمریکایا و امارات مقاصد اصلی جوانان دانش آموخته ... / ...
۵۳	مشکلات جسمی جواد علیکردی پس از چهار ماه انفرادی؛ کاهش شدید وزن و زخم های روی پوست ... / ...
۵۴-۵۵	شکاف تورم میان دهک های درآمدی به بیش از ۱۵ درصد رسید؛ تورم سه رقمی در راه است ... / ...
۵۵-۵۶	مسعود پز شکیان درباره گران شدن بنزین: محاصره هستیم و نمی توانیم بنزین وارد کنیم! ... / ...
۵۶-۵۷	افشای نام «تر استی»؛ ابر دهکار؛ خرید ۴۰ نفتکش وزارت نفت با قیمت «آهن قرصه» و ... / ...
۵۸	تصویر تکانه دهنده از اقتصاد ایران با قرار گرفتن آمار ها و شاخص ها کنار یکدیگر ... / ...
۵۹	افزایش مبلغ قبوض؛ راه جدید دولت برای جبران کسری بودجه ... / ...
۶۰-۶۱	تکانه دهنده و باور تکرر دنی؛ جنگل تراشی در استان گیلان برای دفن زباله! ... / ...
۶۱-۶۲	هشدار یک اقتصاددان: بدون اصلاحات ساختاری، پایان جنگ حکم «مسکن» دارد و اقتصاد را ... / ...
۶۲-۶۳	نابودی طبقه متوسط؛ یک اقتصاددان: اقتصاد ایران وارد دوره «ابر تورم» شده است ... / ...
۶۴-۶۵	پر ونده فساد کلان اقتصادی «تر استی» ها؛ یک نماینده مجلس خواهان افشای نام ابر دهکاران ارزی شد ... / ...
۶۵	بیانیه جمعی از کشتگران و زندانیان سیاسی و خانواده های دادخواه: تمامیت ارضی ایران از کاسپین تا ... / ...
۶۶-۶۷	خبر های کوتاه ... / ...
۶۸	پشت جلد - عکس هفته / ورود لکه های نفتی به جنگل «حرا» قشم



بازنشر
بازنشر

سرمقاله

دریای کاسپین؛ منافع نظام آخرالزمانی با منافع ملت و میهن یکی نیست!

جمهوری اسلامی یک نظام ایدئولوژیک آخرالزمانی است که از بدو تأسیس، منافع ایران و مردم آن را فدای بقای خود، گسترش شیعه‌گری و ستیز با غرب و اسرائیل کرده است. برای چنین حکومتی، حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی کشور تا جایی معنا دارد که برای بقای نظام مؤثر باشد؛ بنابراین اگر اصرار بر منافع ملی یا پافشاری بر حفظ منافع مردم به دردسر و یا از دست رفتن سود نظام تبدیل شود، آن را قربانی می‌کند.

این واقعیت از یکسو نشان می‌دهد که منافع ملی و منافع نظام نه تنها بر هم منطبق نیستند بلکه در مواردی در مقابل یکدیگر قرار دارند؛ و از سوی دیگر، بیانگر اینست که زمامداران کنونی کشور سهم ایران از دریای کاسپین (مازندران/ خزر) را دقیقاً بر همین اساس برپا داده‌اند.

برای جمهوری اسلامی اصلاً سخت نیست بخشی از سرزمین اعم از آب و خاک و همچنین منابع فسیلی و طبیعی ایران را به بیگانگان واگذار کند. پذیرش «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر» نمونه‌ای شاخص از اختلاف و تناقض بین منافع ملی و منافع نظام است.

بسیاری این قرارداد را خیانت‌بارتر از «معاهده ترکمانچای» می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که قاجار دست‌کم جنگیدند و بعد از شکست مجبور به پذیرش آن عهدنامه ننگین و واگذاری بخش‌هایی از خاک ایران شدند؛ اما جمهوری اسلامی سهم ایران از دریای کاسپین را داوطلبانه و دو دستی تقدیم روسیه و همسایه‌های شمالی کرده است. بذل و بخششی که به دلیل تکرار در اشکال گوناگون به «ایران‌فروشی» معروف شده است.

جمهوری اسلامی در ۴۷ سال گذشته، بارها و بارها چوب حراج بر منافع ملی زده است. قرارداد ۲۵ ساله با جمهوری خلق چین، نادیده گرفتن حقایق هیرمند در شرق کشور، و اشتباه محاسباتی در احداث دیوار مرزی با افغانستان در استان سیستان و بلوچستان که سبب شد بیش از ۲۵۰۰ هکتار از خاک ایران، شامل زمین‌ها و مزارع کشاورزان، آنسوی این دیوار مرزی قرار بگیرد. ملاها و پاسداران درواقع برای بقای خود به طالبان هم باج دادند.

همچنین مردم استان‌های شمال غربی ایران نیز به چشم دیدند که عقب‌نشینی ملاها در مقابل ترکیه، پس از کاهش حقایق ایران از رود ارس به دلیل سدسازی‌های آن کشور در سرشاخه‌های این رودخانه‌ی مرزی، چگونه معیشت آنها را بر باد داد. صیادان استان‌های جنوبی ایران نیز شاهد بودند که چینی‌ها چگونه با صید ترال، خلیج فارس و دریای عمان را از ماهی خالی کردند. قطری‌ها نیز سهم ایران از میدان گازی «آرش» را غارت می‌کنند. و اینها تازه همی آنچیزی نیست که از ایران فروخته شده و می‌شود.

ارزان‌فروشی نفت به چین کمونیست، تهاوت منابع فسیلی بجای محصولات وارداتی بی‌کیفیت از چین و هند و سریلانکا و این اواخر احتمال واردات ذرت و سویا از آمریکا فقط برای اینکه حاکمان ضدا ایرانی در قدرت بمانند، تنها بخشی از ضرباتی است که جمهوری اسلامی بر منافع ملی وارد آورده و اتفاقاً از شرق تا غرب عام همدستان دولتی و غیردولتی نیز داشته تا همان‌هایی که هنوز هم به بقای جمهوری اسلامی کمک می‌کنند، چند صباحی بیشتر سود ببرند.

امروز بسیاری از مردم می‌گویند زیرساخت‌هایی که در این جنگ فرسایشی آسیب دیده‌اند، قابل ترمیم و جایگزینی هستند؛ اما آنچه از دست رفته، از یکسو منابعی هستند که یا خرج منافع نظام در داخل و خارج شده و یا به امثال چین و روسیه واگذار شده؛ و از سوی دیگر، سرمایه‌ی انسانی که نابود می‌شود؛ همان مردمی که در خیابان‌ها، برای راهی‌ای از این وضعیت نکبت‌بار، هربار پیاپی می‌خیزند ولی یا قتل عام شده و یا اعدام می‌شوند.

به همین دلیل شاید بتوان سردار پاسدار قاسم سلیمانی را نماینده‌ی تمام‌عیار سیاسی- عقیدتی- نظامی جمهوری اسلامی دانست که در وصیت‌نامه‌اش واقعیت این نظام را که نه تنها ملت بلکه حتی «امت» خودش هم برایش اهمیتی ندارد، اعلام کرد: «قرارگاه حسین‌بن علی، ایران است. بداندین جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند.»

ایران برای جمهوری اسلامی نه «خانه» و «وطن» و «میهن» بلکه یک «پایگاه نظامی» برای گسترش شیعه و اسلام سیاسی و صدور انقلاب اسلامی است. منافع ایران در دریای کاسپین فدای همین دیدگاه آخرالزمانی شده است.

تیر هفته

نسخه تکراری «مجتبی»:

جنگ فرسایشی در خارج، سرکوب در داخل



● جدا از آنکه معادلات جنگ و توافق به چه شکلی پیش برود و عمر بقایای جمهوری اسلامی چقدر باشد، «رهبر سوم» جمهوری اسلامی نیز «مردم» را بزرگترین تهدید علیه نظام ارزیابی می‌کند و بر فاصله ماندگار میان حکومت و ملت آگاه است. در چنین شرایطی است که در میانه جنگ و محاصره دریایی همپنان در حال آرایش و بسیج برای سرکوب اعتراضات شهروندان و محدودتر کردن فضای اجتماعی است. نسخه‌ای تکراری که تا کنون نه تنها شفاف‌بخش نظام نبوده بلکه به خشم و انزجار جامعه علیه نظام بیش از پیش دامن زده است.

اسلامی و البته یار شفیق «مجتبی»، به عنوان فرمانده سازمان بسیج مستضعفین منصوب شد.

هراس از نفوذ، تقلا برای بقا

بخش قابل توجهی از فرماندهان و چهره‌های اصلی تشکیل‌دهنده هرم قدرت در جمهوری اسلامی طی ۱۴ ماه گذشته و طی دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه توسط اسرائیل و آمریکا حذف شدند. کشته شدن علی خامنه‌ای در عملیاتی پیچیده در نخستین دقایق جنگ ۴۰ روزه در نهم اسفندماه، نظام را وارد فصل جدیدی کرد.

مجتبی، پسر دوم از چهار پسر علی خامنه‌ای، پس از چند روز به عنوان رهبر سوم جمهوری اسلامی معرفی شد. با گذشت بیش از پنج ماه از اعلام رهبری وی، ویدیو، تصویر و حتی صدایی از او منتشر نشده است. در حالی که گزارش‌های داخلی و خارجی بیانگر آسیب جسمی شدید وی در حمله آمریکا و اسرائیل به «بیت رهبری» در نهم اسفندماه هستند، اما ادعا می‌شود که او در قید حیات، و در حال پیشبرد وظایف رهبريست! تردید درباره زنده بودن و یا هوشیاری مجتبی خامنه‌ای حتی در میان برخی جریانات حکومت نیز برجسته است اما گفته شده تعداد اندکی از چهره‌های حکومت از جمله مسعود پزشکیان و محمدباقر قالیباف با او دیدارهایی داشته‌اند.

فارغ از آنکه مجتبی خامنه‌ای زنده باشد یا نباشد، اما بقایای جمهوری اسلامی در حال تلاش برای حفظ نظام هستند. در این میان حلقه‌ای که پیشتر نیز با مجتبی

مجتبی خامنه‌ای، رهبر غایب بقایای جمهوری اسلامی، در هفته سوم مرداد ۱۴۰۵ طی احکامی حلقه جدید نظامی- امنیتی را از مهره‌های قابل اعتماد جاسازی کرد. او شش فرمانده جدید نظامی را منصوب کرد و با بازگرداندن حسین طائب به قدرت، تلاش می‌کند بروز اعتراضات گسترده خیابانی جلوگیری کند. این آرایش جدید بیانگر پیشبرد دو رویکرد همزمان و البته تکراری، سرکوب در داخل و تداوم جنگ، است.

در هفته‌ای که گذشت محسن رضایی، مشاور نظامی مجتبی خامنه‌ای، به عنوان دبیر و نماینده او در «شورای عالی امنیت ملی» معرفی شد.

دفتر رهبر جمهوری اسلامی همچنین روز دوشنبه ۱۹ مرداد از انتصاب فرماندهان ارشد نیروهای مسلح توسط «رهبر» خبر داد. بر اساس احکام منتشر شده به «مجتبی»، وی از شش فرمانده جدید نظامی خواسته آماده‌ی تداوم عملیات نظامی علیه آمریکا و اسرائیل باشند.

در این احکام، احمد وحیدی با اعطای درجه «سرلشکری» به عنوان فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و مصطفی ایزدی به عنوان جانشین فرماندهی کل سپاه منصوب شدند.

همچنین علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و کیومرث حیدری به عنوان جانشین رئیس این ستاد، و علی عظمایی به عنوان فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران معرفی شدند. در حکم دیگری منتشر شده به رهبر ناپیدا، حسین طائب از چهره‌های به شدت سرکوبگر جمهوری

به حسین طائب سپرده شد. جدا از حسین طائب، تعداد دیگری از امنیتی‌های نزدیک به خامنه‌ای‌ها و که به یاران «گردان حبیب» معروف هستند نیز در این موازی‌سازی نقش داشتند.

به بیان دیگر نطفه تشکیل شبکه‌ای سیاسی-امنیتی-اقتصادی از سوی مجتبی خامنه‌ای زمانی که او در سنین

شکل‌گیری حلقه مخالف توافقی، و غرق در توهم ایستادگی و مقاومت، برای مجتبی خامنه‌ای موهبتی است که بتواند جریانی را که مذاکره و توافق را راهکار بقای نظام می‌داند و اکنون قوه مجریه (دولت) را در دست دارد به حاشیه براند. در یکی از پیام‌های منتسب به مجتبی خامنه‌ای- در تاریخ ۲۸ خرداد- ۱۴۰۵ مربوط به «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد»

خامنه‌ای نزدیک بوده در حال تثبیت جایگاه خود در رأس قدرت کنونی است.

احکام جدید صادرشده برای فرماندهان نظامی نیز بیانگر همین واقعیت است که تلاشی برای یکدست کردن حلقه تصمیم‌گیر در مورد سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی، به ویژه درباره جنگ و ارتباط با آمریکا و همچنین حد و



جوانی بود و از سال ۱۳۶۵ در «گردان حبیب» در جبهه‌های جنگ ایران و عراق شکل گرفت.

«گردان حبیب» در آن دوران در شلمچه می‌جنگید و مجتبی خامنه‌ای عضو آن بود. بعد از جنگ اعضای این گردان به یکی از حلقه‌های امنیتی-سیاسی حول «مجتبی» تبدیل شدند. برادران طائب، حسین نجات، علیرضا پناهیان، حسن محقق، محمد کوثری، علی فضلی، ابراهیم جباری از جمله اعضای «گردان حبیب» بودند.

موضوع موازی‌سازی اطلاعاتی-امنیتی در «بیت رهبری» در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و با دخالت در انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ و حتی تلاش برای ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی تثبیت شد. اکنون «مجتبی» در حکم انتصاب حسین طائب با تکیه بر «حفاظت از انقلاب اسلامی» خواستار «تقویت شبکه‌ای اطلاعات مردمی، افزایش مهارت‌ها و آموزش‌های لازم توأم با بصیرت‌افزایی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای مقابله‌ی مردم‌پایه با تهدیدات دشمن» شده است.

اینهمه نشان می‌دهد جدا از آنکه معادلات جنگ و توافق به چه شکلی پیش برود و عمر بقایای جمهوری اسلامی چقدر باشد، «رهبر سوم» جمهوری اسلامی نیز «مردم» را بزرگترین تهدید علیه نظام ارزیابی می‌کند و بر فاصله ماندگار میان حکومت و ملت آگاه است. در چنین شرایطی است که در میانه جنگ و محاصره دریایی همچنان در حال آرایش و بسیج برای سرکوب اعتراضات شهروندان و محدودتر کردن فضای اجتماعی است. نسخه‌ای تکراری که تا کنون نه تنها شفابخش نظام نبوده بلکه به خشم و انزجار جامعه علیه نظام بیش از پیش دامن زده است.

به صراحت آمده: «بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی که رئیس‌جمهور محترم به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه آن را صادر نمودم».

این روند نشان می‌دهد موافقان تداوم جنگ و تبدیل آن به روندی فرسایشی کم‌کم دست بالا را در قدرت پیدا می‌کنند و احتمال دارد در هفته‌ها و ماه‌های آینده برخی چهره‌های جریان مقابل مانند عباس عراقچی یا دیگر چهره‌های دولت نیز قربانی موازنه جدید قدرت در جمهوری اسلامی شوند. اینهمه اما مطلقاً به معنای حذف گزینه عدم تسلیم حکومت در برابر آمریکا نیست؛ احتمال پذیرش هرگونه توافق با ایالات متحده با هدف حذف نظام همچنان پابرجاست اما موضوع اصلی برای «مجتبی» و حلقه اطرافیانش، ساز و کار و چگونگی این تسلیم است!

نسخه «مجتبی» و هم‌رزمش در «گردان حبیب»

بازگشت حسین طائب به قدرت توسط «مجتبی» و چند سال پس از آنکه پدرش طائب را به حاشیه رانده بود، بیانگر نسخه رهبر سوم جمهوری اسلامی در رویارویی با مردم ایران است. حسین طائب که نام او با سرکوب‌های خونین اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ (جنبش سبز) و پس از آن گره خورده، از چهره‌های مخوف امنیتی جمهوری است که فعالیت اجرایی خود را از وزارت اطلاعات آغاز کرد. پس از اعتراضات سال ۸۸ معاونت اطلاعات سپاه پاسداران به «سازمان اطلاعات سپاه» (ساس) تبدیل و ریاست آن

مرز سرکوب در داخل برای جلوگیری از تهدید فروپاشی، در جریان است.

از سوی دیگر موضوع «نفوذ» که سبب شده مقامات جمهوری اسلامی حتی از سایه خود نیز بیمناک باشند و یکدیگر را به چشم جاسوس موساد و عامل نفوذی دشمن ببینند، افرادی مورد اعتماد را در حلقه تصمیم‌گیر «مجتبی» شکل داده است.

مسیر سیاست خارجی بقایای نظام: تشدید عملیات تهاجمی

در حکم احمد وحیدی، رهبر جمهوری اسلامی خواستار «ارتقاء مستمر و همه‌جانبه توانمندی‌ها به منظور بازدارندگی حداکثری، و آمادگی هوشمندانه برای اجرای عملیات تهاجمی پرقدرت علیه دشمن» شده است.

این جمله دقیقاً خط سیاسی خارجی بقایای نظام زیر نظر رهبری در خفای نظام را روشن می‌کند. دیگر انتصاب‌های نظامی اخیر نیز بیانگر تأکید این «رهبری» بر تداوم شرایط جنگ فرسایشی و درازمدت است؛ موضوعی که بسیاری از تحلیلگران آن را به زیان دونالد ترامپ در فضای سیاسی ایالات متحده و البته نجات‌بخش جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند! محسن رضایی که بعد از سال‌ها تقلا در وضعیت شکننده جمهوری اسلامی توانست جایگاه خود را در هرم قدرت حکومت ارتقا دهد، از جمله نظامیانی است که مواضع آشکاری بر ادامه جنگ و عدم توافق و تسلیم در برابر آمریکا دارد. این همسویی او با مجتبی خامنه‌ای می‌تواند نظرات محمدباقر قالیباف را که به مذاکره و توافق روی خوش نشان می‌دهد تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر،

آمریکا شبکه‌ای از صرافی‌ها و شرکت‌های دلالی مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد



وزارت خزانه‌داری آمریکا

● اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در ارتباط با این تحریم‌ها گفت: «نظام بانکداری سایه ایران زیر فشار سیاست خشم اقتصادی در حال فروپاشی است و حکومت راه‌های خود برای انتقال پول را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد. هر فرد یا نهادی که به بقای این حکومت کمک کند، خود را در معرض هدف قرار می‌دهد.»

● یکی از شرکت‌های وابسته به «بانک شهر» شرکت ایرانی «فاراب سروش آفاق قشم» و شرکت مستقر در دبی با عنوان «HMS Trading FZ» است که نقش مهمی در بازگرداندن درآمدهای حاصل از فروش نفت ایران در خارج کشور ایفا می‌کند.

● چند شرکت و موسسه مالی نیز که با استفاده از رمزارز در دور زدن تحریم‌ها به جمهوری اسلامی کمک می‌کردند در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

● آمریکا همچنین دو صرافی عمده رمزارز را که مورد استفاده جمهوری اسلامی قرار می‌گرفتند و سیاوش کیوان‌پور گرداننده شبکه‌ای از شرکت‌های مختلف در چند کشور را به دلیل انتقال دارایی‌های دیجیتال، دور زدن تحریم‌ها و تامین مالی سپاه پاسداران تحریم کرد.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) شبکه‌ای از صرافی‌ها و موسسات مالی در کشورهای مختلف را که برای جمهوری اسلامی پول جابجا می‌کردند، تحریم کرد.

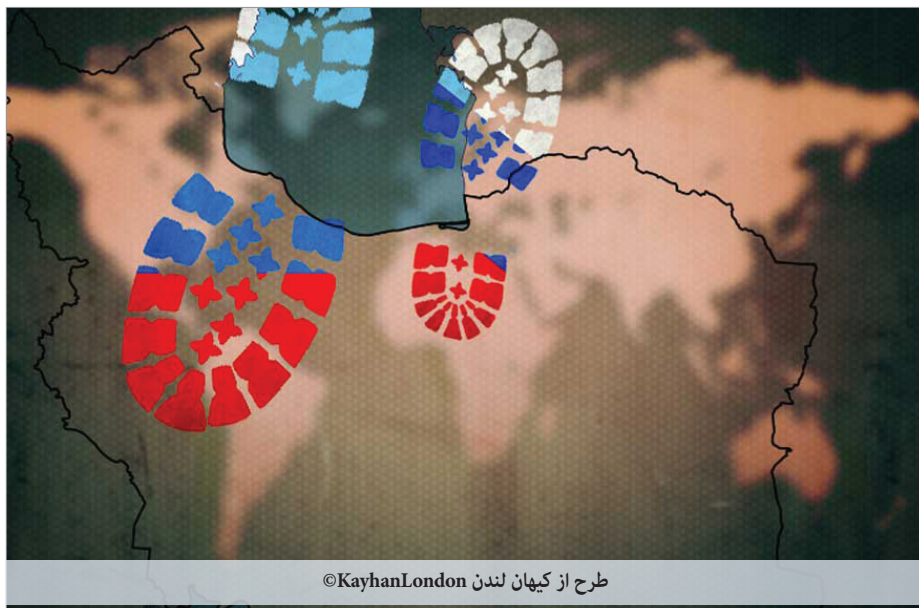
در بیانیه وزارت خارجه آمریکا که جمعه ۱۶ مرداد ۱۴۰۵ منتشر شد آمده، این شبکه اقدام به جابجایی صدها میلیون دلار پول برای حکومت ایران کرده است، اما در شرایطی که رژیم ایران به شدت به ارز خارجی نیاز دارد، به دلیل فساد و سوء مدیریت در شبکه بانکداری سایه، مبالغ هنگفتی را نیز از دست داده است.



شاهزاده رضا پهلوی: تلاش جمهوری اسلامی برای تصویب «کنوانسیون آکتائو» مغایر با منافع ملی ایران است

این بدعتی خطرناک است که با دور زدن اصل اجماع همه کشورهای ساحلی، عملاً جایگاه تاریخی ایران را تضعیف می‌کند و نقش کشور را در تعیین سرنوشت دریای کاسپین

جمهوری اسلامی در شرایط ضعف شدید ساختاری و بحران مشروعیت، قصد پیشبرد و اجرای «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین» (کنوانسیون آکتائو) را دارد. این تلاش رژیم،



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

کاهش می‌دهد. از زمان امضای کنوانسیون آکتائو در سال ۲۰۱۸، بارها هشدار داده‌ام که «پاسداری از منافع ملی از موضع ضعف ممکن نیست». همان زمان نیز تأکید کردم که فرقه تبهکار جمهوری اسلامی، منافع ملت ایران و میهن را قربانی بقای خود می‌کند و در سیاست خارجی، از موضع ضعف به باج‌دهی‌های پی‌درپی تن می‌دهد.

موضع من درباره روند کنونی همان است. تلاش جمهوری اسلامی برای تصویب این کنوانسیون را اقدامی مغایر با منافع ملی ایران می‌دانم.

هیچ تصمیمی درباره منابع، مرزها و حقوق ایران در این پهنه آبی، بدون رضایت و مشارکت واقعی ملت ایران، از مشروعیت برخوردار نخواهد بود. حقوق ایران در دریای کاسپین قابل معامله یا چشم‌پوشی نیست. هرگونه اقدام در جهت تضییع این حقوق، در حافظه تاریخی ملت ایران ثبت و تصمیم‌گیرندگان در برابر ملت ایران پاسخگو و بازخواست خواهند شد.

پاینده ایران
رضا پهلوی

بدون پشتوانه اراده ملت ایران و بدون تضمین روشن و کامل حقوق تاریخی کشور، اقدامی نگران‌کننده و تهدیدی جدی علیه منافع ملی ایران است.

بر اساس معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی، رژیم حقوقی دریای کاسپین بر پایه حقوق مشترک طرفین و اصل توافق و منافع مشترک شکل گرفته بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای تازه‌استقلال‌یافته در «اعلامیه آلماتی» (دسامبر ۱۹۹۱) بر پایبندی به معاهدات شوروی سابق و تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی ناشی از قراردادهای و پیمان‌های آن توسط دولت‌های جانشین تأکید کردند.

بر همین اساس، هرگونه تغییر اساسی در وضعیت حقوقی این پهنه آبی راهبردی باید با توافق مشترک همه کشورهای ساحلی و با رعایت کامل حقوق ایران انجام شود.

با این حال، کنوانسیون آکتائو امکان انعقاد توافقی‌های دوجانبه و چندجانبه میان کشورهای ساحلی درباره بخش‌هایی از بستر و زیربستر دریای کاسپین را پیش‌بینی کرده است؛ بخش‌هایی که قبلاً بخشی از پهنه آبی مشترک ایران و اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شدند.

(۱۹) امرداد) عنوان کرد که از جمهوری اسلامی ایران بابت آمریکایی‌هایی که این رژیم طی سال‌ها کشته یا مجروح کرده است، غرامت خواهد گرفت. او افزود که حکومت ایران باید مسئولیت خسارات و تلفات جانی وارد شده به مردم لبنان، سوریه، یمن و غزه و ۵۲ هزار ایرانی را که به قتل رسانده است بپذیرد.

در این پُست ترامپ نوشت: «می‌بینم که نمایندگان جمهوری اسلامی ایران خواستار دریافت غرامت بابت خساراتی هستند که در جریان درگیری نظامی پنج ماهه اخیر به آنها وارد شده است (درگیری‌ای که به این دلیل آغاز شد که آنها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند)؛ با اینکه این موضوع هرگز در هیچیک از مذاکرات یا جلسات ما مطرح نشده بود!»

او در ادامه از این «ایده» استقبال کرده و نوشته است: «اما این ایده جالبی است، زیرا اکنون من نیز به همین ترتیب از جمهوری اسلامی درخواست غرامت می‌کنم؛ بابت تمام افرادی که آنها با پمپ‌های کنار جاده‌ای و درگیری‌های متعدد، که به آنها شهرت دارند، کشته یا به شدت مجروح کرده‌اند؛ اقداماتی که در ابتدا تحت رهبری سردار سلیمانی انجام می‌شد. این



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

موضوع شامل خانواده‌های کشته‌شدگان حادثه USS Cole و هزاران نفر دیگر که در نبردها کشته شده‌اند نیز می‌شود. علاوه بر این، باید به خانواده‌های صدها هزار معترض بی‌گناهی که جمهوری اسلامی طی ۵۰ سال گذشته کشته است نیز غرامت پرداخت شود؛ و همچنین نباید ۵۲۰۰۰ نفری را که طی پنج ماه گذشته کشته شده‌اند، نادیده گرفت. من به نمایندگان خود دستور داده‌ام که این موضوع را بطور جدی در هرگونه مذاکره آینده، بدون استثناء مطرح کنند. از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم!

پیش از این محمدباقر ذوالقدر دبیر سابق «شورای عالی امنیت ملی» در ۱۷ مرداد طی پیامی نوشته بود که تنگه هرمز تا زمانی که آمریکا رفتار خود را «تصحیح» نکند باز نمی‌شود. او این تغییر رفتار را شامل خودداری از تهدید جمهوری اسلامی، پایان داغی جنگ علیه حکومت ایران و متحدانش در لبنان، فلسطین، یمن و عراق، لغو محاصره دریایی، خروج نیروهای دریایی و هوایی آمریکا از پیرامون ایران، پرداخت کامل غرامت دو جنگ، لغو تحریم‌ها و آزادسازی بی‌قیدوشرط دارایی‌های مسدودشده ایران دانست.

دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی باید بابت کشتن سربازان آمریکایی و معترضان ایرانی غرامت بپردازد

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دوشنبه ۱۰ اوت (۱۹) امرداد) عنوان کرد که از جمهوری اسلامی ایران بابت آمریکایی‌هایی که این رژیم طی سال‌ها کشته یا مجروح

کرده است، غرامت می‌خواهد.

● ترامپ در «سوشال تروث» نوشت: «می‌بینم که نمایندگان جمهوری اسلامی ایران خواستار دریافت غرامت بابت خساراتی هستند که در جریان درگیری نظامی پنج ماهه اخیر به آنها وارد شده است (درگیری‌ای که به این دلیل آغاز شد که آنها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند)؛ با اینکه این موضوع هرگز در هیچیک از مذاکرات یا جلسات ما مطرح نشده بود!»

● وی همچنین افزود: «اما این ایده جالبی است، زیرا اکنون من نیز به همین ترتیب از جمهوری اسلامی درخواست غرامت می‌کنم؛ بابت تمام افرادی که آنها با پمپ‌های کنار جاده‌ای و درگیری‌های متعدد، که به آنها شهرت دارند، کشته یا به شدت مجروح کرده‌اند... علاوه بر این، باید به خانواده‌های صدها هزار معترض بی‌گناهی که جمهوری اسلامی طی ۵۰ سال گذشته کشته است نیز غرامت پرداخت شود؛ و همچنین نباید ۵۲۰۰۰ نفری را که طی پنج ماه گذشته کشته شده‌اند، نادیده گرفت.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دوشنبه ۱۰ اوت

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در ارتباط با این تحریم‌ها گفت: «نظام بانکداری سایه ایران زیر فشار سیاست خشم اقتصادی در حال فروپاشی است و حکومت راه‌های خود برای انتقال پول را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد. هر فرد یا نهادی که به بقای این حکومت کمک کند، خود را در معرض هدف قرار می‌دهد.»

او تأکید کرد: «وزارت خزانه‌داری همچنان این شبکه‌ها را افشا کرده و دسترسی آنها به نظام مالی آمریکا را قطع خواهد کرد.»

وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که با اعلام بی‌اعتباری مورد اعتمادترین واسطه‌های مالی جمهوری اسلامی، رژیم ایران دسترسی خود را به منابع حیاتی درآمد برای بقای اقتصادی که دچار سوء مدیریت است و تأمین نیروهای مسلح و گروه‌های نیابتی بی‌ثبات‌کننده از دست می‌دهد؛ موضوعی که بیش از پیش اعتبار حکومت را نزد مردم ایران تضعیف می‌کند. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده تأکید کرد که به حفظ سیاست فشار حداکثری علیه حکومت ایران و هدف قرار دادن ظرفیت آن برای ایجاد، انتقال و بازگرداندن منابع مالی همچنان متعهد است.

یکی از شرکت‌های وابسته به «بانک شهر» شرکت ایرانی Farab Soroush Afagh Qeshm (FSAQ) «فاراب سروش آفاق قشم» و شرکت مستقر در دبی با عنوان «HMS Trading FZ» است که نقش مهمی در بازگرداندن درآمدهای حاصل از فروش نفت ایران در خارج کشور ایفا می‌کند.

یکی از صرافی‌هایی که تحریم شد «صرافی تیتان» است که سال‌ها بنا به درخواست «بانک شهر» و شرکت تحریم‌شده FSAQ ترانکشن‌های مالی انجام می‌داده است. تا اوایل سال ۲۰۲۶، این صرافی ده‌ها میلیون دلار از دارایی‌های «بانک شهر» را در اختیار داشت.

وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین اعلام کرد که صرافی «تیتان» ارتباط نزدیکی با حسین قربانی زاهد دارد؛ فردی که اخیراً به دلیل حمایت از شبکه کشتیرانی غیرقانونی و دور زدن تحریم‌های مرتبط با محمدحسین شمشانی تحریم شده است.

چند شرکت و موسسه مالی نیز که با استفاده از رمز ارز در دور زدن تحریم‌ها به جمهوری اسلامی کمک می‌کردند در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

آمریکا همچنین دو صرافی عمده رمزارز را که مورد استفاده جمهوری اسلامی بودند و سیاوش کیوان‌پور گرداننده شبکه‌ای از شرکت‌های مختلف در چند کشور را به دلیل انتقال دارایی‌های دیجیتال، دور زدن تحریم‌ها و تأمین مالی سپاه پاسداران تحریم کرد.

بر اساس بیانیه این وزارتخانه، کیوان‌پور متولد ایران و دارای تابعیت دومینیکا و افغانستان از طریق شرکتی در گرجستان صرافی «شلیبت» را اداره می‌کند. آدرس‌های رمزارزی سپاه پاسداران بیش از یک میلیون دلار به «شلیبت» منتقل کرده‌اند و بیش از دو میلیون دلار نیز از «شلیبت» به این آدرس‌ها منتقل شده است. آدرس‌های متعلق به کیوان‌پور یا تحت کنترل او نیز بیش از دو میلیون دلار به صرافی تحریم‌شده «نوبیتکس» انتقال داده‌اند.

«اوفک» همچنین شرکت‌های مرتبط با کیوان‌پور، از جمله «شلیبت جنرال تریدینگ»، «شلیبت تکنولوژی»، «کریپتو هوم» و «ان اف تی هوم»، را تحریم کرد.

صرافی «آبان تتر» نیز به دلیل فعالیت در بخش مالی اقتصاد ایران تحریم شد. وزارت خزانه‌داری اعلام کرد، این صرافی میلیون‌ها دلار ترانکشن مرتبط با نوبیتکس، والکس، بیت‌پین و رمزینکس و صرافی‌های تحریم‌شده ایرانی را پردازش کرده است.

از کارتر و گروگانگیری سفارت تا ترامپ و به گروگان گرفتن تنگه هرمز



تفنگداران نیروی دریایی ایالات متحده در حال اجرای محاصره تنگه هرمز / عکس از «سنتکام»

بدون نیاز به مجوز جمهوری اسلامی) درواقع دربارهی کنترل است. اگر مسیر ایران به عنوان کریدور رسمی شناخته شود، هر کشتی تجاری بطور ضمنی اقتدار مدیریتی جمهوری اسلامی را می‌پذیرد و رژیم تهران می‌تواند برای «خدمات ناوبری»، «حفاظت محیط زیست» و «پایلوتاژ» بدون استفاده از از واژهی ممنوع «عوارض»، هزینه ایجاد کند. پیشنهاد فعلی عمان شامل «هزینه‌های کاربری داوطلبانه» و تشکیل یک کنسرسیوم مدیریت مشترک است که عملاً خواستهی جمهوری اسلامی را در قالب دیپلماتیک برآورده می‌کند، اما موضع آمریکا مخالفت با این پیشنهاد است آنهم با این استدلال که رفت و آمد در تنگه هرمز باید مانند گذشته بدون پرداخت هزینه و بدون نیاز به تأیید جمهوری اسلامی باشد.

تنگه هرمز برگ برندهی ترامپ تا نود روز آینده

اگر ترامپ بتواند تا پیش از ماه اکتبر و با هر روشی تنگه هرمز را بطور امن باز کند، با توجه به اینکه او دور دوم ریاست جمهوری خود را بر عملکرد اقتصادی و مهارت در توافق استوار کرده، می‌تواند آن را به عنوان پیروزی به آمریکایی‌ها بفروشد.

نزدیک شدن ترامپ به تفکرات جی. دی. ونس برای رسیدن به توافق - حتی با پذیرش نقش ضمنی جمهوری اسلامی در تنگه هرمز - به همین دلیل است که آمریکا در هر دور مذاکره به جمهوری اسلامی امتیاز داده و تهدیدهای ترامپ نیز دوام نیاورده است.

با این حال، شکل بازی جمهوری اسلامی بسیار ساده است؛ می‌خواهد آنقدر دوام بیاورد تا تقویم سیاسی آمریکا، ترامپ را وادار به توافقی کند که بر اساس خواست رژیم تهران باشد. تنها یک پرسش باقی می‌ماند: آیا فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که قمار فشارهای اقتصادی - سیاسی بقای خود را بر دوش ملت ایران قرار داده‌اند، با حفظ این استراتژی در مقابل دونالد ترامپ و با وجود محاصرهی دریایی تنگ‌تر، زودتر به نقطه‌ی شکست خواهند رسید یا نه؟

تنگه هرمز تا پیش از ماه نوامبر، از هزینه‌ی اقتصادی خود رژیم در حفظ وضعیت فعلی، بیشتر کند. در چنین وضعیتی، تمام آتش‌بس‌های اعلام شده فرو پاشیده، «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» از بین رفته و دیگر اعلامیه‌های توافق نیز سریعاً توسط رسانه‌های حکومتی جمهوری اسلامی تکذیب شده‌اند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اکنون تنگه هرمز را دارایی استراتژیک خود می‌داند و بعید به نظر می‌رسد در یک روند دیپلماتیک آن را تسلیم کند. پیشتر خبرگزاری رویترز در گزارشی با استناد به «منابع آگاه» از تصمیم‌گیری‌های مقامات جمهوری اسلامی، استراتژی رژیم را فاش کرده بود. تهران می‌تواند آمریکا را در جنگ نظامی شکست دهد، بنابراین به فشار اقتصادی بلندمدت روی آورده تا پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای که اوایل نوامبر برگزار می‌شود، خواسته‌های خود را تحقق بخشد. این استراتژی چهار عنصر دارد:

۱. حفظ اختلالات دریایی و بالا نگه داشتن قیمت نفت.
۲. همزمان گسترش فشار بر تردد در دریای سرخ، فعالیت‌ها در کانال سوئز و تهدید زیرساخت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس برای افزایش هزینه‌ای بیش از قدرت کنترل دریایی آمریکا.

۳. انتظار برای انباشت آسیب‌های اقتصادی در داخل آمریکا (قیمت گاز، تورم، فشار بر بازار اوراق قرضه و کاهش اعتماد مصرف‌کننده).

۴. شرط‌بندی روی آسیب‌پذیری سیاسی ترامپ پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای.

موضع جمهوری اسلامی همیشه ثابت بوده و با چانه‌زنی‌های مداوم هیچ تغییری نکرده است. خواسته‌های رژیم تهران اگرچه بطور معمول در جهت مصرف داخلی و برای راضی نگه داشتن وابستگان و حامیان نظام است، اما از نظر واشنگتن مضحک و غیرقابل پذیرش هستند.

وبسایت مانیتورینگ تنگه هرمز که تحولات این آبراه را رصد می‌کند در گزارشی نوشته است که اختلاف دو مسیر (مسیر آب‌های سرزمینی ایران با هماهنگی جمهوری اسلامی، در برابر مسیر عمان و سازمان دریانوردی بین‌المللی

● «در سال‌های ۱۹۷۹ و ۸۰ میلادی جمهوری اسلامی با گروگان‌گرفتن ۵۲ آمریکایی به مدت ۴۴۴ روز، بر انتخابات آمریکا تأثیر گذاشت. امروز نه افراد، بلکه تنگه هرمز به گروگان گرفته شده است. منطق استراتژیک پشت این گروگانگیری‌ها اما یکسان است: فشار مداوم اقتصادی تا جایی که سرانجام هزینه‌ی سیاسی بر اراده‌ی سیاسی چیره گردد.»

● تهران می‌تواند آمریکا را در جنگ نظامی شکست دهد، بنابراین به فشار اقتصادی بلندمدت روی آورده تا پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای که اوایل نوامبر برگزار می‌شود، خواسته‌های خود را تحقق بخشد.

ایالات متحده بیش از بیست ناو جنگی برای تشدید محاصره‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی در اطراف تنگه هرمز مستقر کرده. با اینهمه رژیم تهران با ناامن کردن این آبراه بین‌المللی به دنبال امتیاز گرفتن از ترامپ است.

ایالات متحده آمریکا در حالی بیش از بیست ناو جنگی برای تشدید محاصره‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی در اطراف تنگه هرمز مستقر کرده که رژیم تهران با اخلاف در کشتیرانی تجاری و اقتصاد جهانی و ناامن کردن این آبراه بین‌المللی به دنبال امتیاز گرفتن از دونالد ترامپ در آستانه‌ی انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکاست.

جمهوری اسلامی از آغاز جنگ اخیر در نهم اسفند ۴۰۴، با توجه به اینکه از نظر نظامی توان رویارویی با ایالات متحده آمریکا را نداشته، تلاش می‌کند تا آن را به یک جنگ اقتصادی بلندمدت از طریق هدف قراردادن بازار انرژی جهان تبدیل کند.

خبرگزاری «سی‌ان‌ان» در یک گزارش تحلیلی که ۸ اوت با عنوان «با تداوم وضعیت اقتصادی پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای، ترامپ با مشکلی مثل کارتر مواجه است» نوشته، در سال‌های ۱۹۷۹ و ۸۰ میلادی جمهوری اسلامی با گروگان‌گرفتن ۵۲ آمریکایی به مدت ۴۴۴ روز، بر انتخابات آمریکا تأثیر گذاشت. امروز نه افراد، بلکه تنگه هرمز به گروگان گرفته شده است. منطق استراتژیک پشت این گروگانگیری‌ها اما یکسان است: فشار مداوم اقتصادی تا جایی که سرانجام هزینه‌ی سیاسی بر اراده‌ی سیاسی چیره گردد.

محدودیت مقایسه کارتر و منطق آتش‌بس‌های شکست‌خورده

در سطح برخورد و نوع نگرش، ترامپ همان کارتر نیست. او در مقابله با جمهوری اسلامی روش‌های نظامی را شدت بخشیده که کارتر حتی به آن فکر هم نمی‌کرد. ۱۴۰ حمله در یک شب، حملات به تأسیسات هسته‌ای و هدف قرار دادن زیرساخت‌های موشکی، تأثیرات فراوانی در تضعیف جمهوری اسلامی داشته است. ترامپ حتی اگر نتواند تنگه هرمز را باز کند، از منظر سیاسی بسیار محکم‌تر از کارتر است.

استفان کالینسون در ادامه‌ی این تحلیل می‌افزاید: «نظامی‌های جمهوری اسلامی این را می‌دانند. آنها معتقدند می‌توانند بیشتر امتیاز بگیرند، اما نه اینکه بی‌نهایت دوام بیاورند. ترمینال‌های نفتی خارک دو هفته بیکار بودند و خریدهای چین نیز با توجه به محاصره‌ی بنادر ایران بسیار محدود شده است. هدف جمهوری اسلامی در قمار کنونی این است که هزینه‌ی شکست سیاسی ترامپ را در بازگشایی

اقتصاد بدون ترمز، در سایه‌ی تنگه هرمز



ریال ایران طی یک سال اخیر بیش از یک سوم ارزش خود را در برابر دلار آمریکا از دست داده و تورم دو رقمی شده است

یارانه‌ای یا «ارز ترجیحی» برای برخی واردات، اعتبارات نقدی ماهانه حدود هفت دلار (به نرخ بازار آزاد) صادر کرده که به گفته میعاد ملکی به افزایش بیشتر قیمت‌ها منجر شده است.

ملکی تاکید کرد که اگر درگیری‌ها پایان یابد و تقاضا به پهنای وضعیت جنگی سرکوب نشود، تورم حتی بالاتر خواهد رفت. آستانه‌ی بحرانی زمانی فرا می‌رسد که دسترسی به مواد غذایی اولیه برای عموم دشوار شود.

بنابر گزارش منابع داخلی، وضعیت سقوط اقتصادی مردم از آمار و ارقام گذشته است. یک شاهد عینی می‌گوید: «بحث بر سر فحطی نیست، بلکه عدم قدرت و توان خرید مردم به دلیل افزایش قیمت نیازمندی‌های روزانه است که هر روز هم بر قیمت آن افزوده می‌شود و از این جهت کالاهای قابل دسترسی نیستند».

در کنار تشدید فشارهای مستمر اقتصادی، قطع مداوم برق و آب مشکلات فراوانی را برای مردم ایجاد کرده است. این در حالیست که جمهوری اسلامی در رسانه‌های خود بر طبل پیروزی در تنگه هرمز می‌کوبد اما، مردم را به صرفه‌جویی و اقتصاد مقاومتی وادار می‌کند.

ساختار جمهوری اسلامی برآمده از اصولی است که غیرقابل تغییرند و اساس سیاست‌گذاری‌های این نظام در طول چهار دهه‌ی گذشته بوده‌اند. اولین اصل نظام ولایت فقیه، شکست‌ناپذیری است که بر پایه‌ی آن، جمهوری اسلامی هیچگاه و در هیچ زمینه‌ای حاضر به پذیرش شکست نیست و در همه حال، خود را پیروز مطلق تعریف می‌کند.

یک مورد دیگر، نوع برخورد نظام با مشکلاتی است که توسط خود زمامداران حکومت به وجود می‌آیند. از نظر مقامات جمهوری اسلامی، آنها در ایجاد مشکلات پیش آمده برای مردم نقشی ندارند و مقصر اصلی را یا خود مردم و یا دشمن خارجی می‌دانند، در حالی که شهروندان در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان هرگز به حساب نمی‌آیند.

رویداد ناگهانی واحد نیست، بلکه همین روند تدریجی است که دسترسی به کالری و تغذیه‌ی اولیه برای بخش بزرگی از جمعیت (و نه فقط فقیرترین‌ها) مختل می‌شود.

اقتصاد ایران دیگر فقط «بد» نیست؛ بلکه وارد مرحله‌ای شده که اگر فشارها ادامه پیدا کند، ممکن است بطور جدی از کنترل خارج شده و بحران عمیق‌تری ایجاد کند. این گزارش‌ها در حالی منتشر می‌شود که مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم اذعان کرده کشور با «مشکلات و دشواری‌ها» روبروست، اما در عین حال اخیرا در یک برنامه تلویزیونی اصرار داشت که جمهوری اسلامی همچنان قدرتمند و محترم است. به گزارش «پرس‌تی‌وی» شبکه‌ی انگلیسی‌زبان حکومت ایران، پزشکیان گفت: «دشمن در تلاش است با اعمال فشار مردم را به اعتراض وادارد».

یک کارمند سوپرمارکت به نام امیرحسین به روزنامه «جهان اقتصاد» گفته است: «در ده ماه گذشته چندین مورد مشکوک به سرقت دیده؛ از جمله سرقت پنیر، کره، کیک، شیرینی و گوشت». او افزود: «فکر می‌کنم فقر دلیل اصلی است. نمی‌توان در مورد همه یکسان قضاوت کرد، اما کسی که یک قلم ساده را می‌دزد، احتمالا تحت فشار بزرگی قرار دارد».

به گفته‌ی میعاد ملکی، که پیشتر یکی از مسئولان امور تحریم‌ها در وزارت خزانه‌داری آمریکا بوده، تورم سالانه‌ی مواد غذایی در اسفند ۴۰۴ به بین ۱۱۲.۵ تا ۱۱۳.۸ درصد رسیده. قیمت نان و غلات ۱۴۰ درصد و محصولات لبنی و تخم‌مرغ ۱۱۶.۸ درصد افزایش یافت. داده‌های مرکز آمار ایران نیز تورم نقطه به نقطه ۱۱۳.۸ درصدی برای غذا و نوشیدنی و ۱۱۲.۵ درصد برای اقلام غذایی را در مقایسه با ماه مشابه سال قبل نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، بحران ارزی فشار بر خانوارها را تشدید کرده است. قیمت دلار آمریکا در ژانویه ۲۰۲۶ به ۱۵۰ هزار تومان رسید و در ژوئیه از ۱۹۴ هزار تومان فراتر رفت. دولت جمهوری اسلامی پس از حذف نرخ ارز

● بنا بر گزارش نیویورک‌پست به قلم آلکس اولیویرا، در تحقیقی که روز چهارشنبه توسط روزنامه «جهان صنعت» در ایران منتشر شده، آمده است که کارکنان سوپرمارکت‌ها با مشتریانی مواجه شده‌اند که اقلام غذایی ارزان قیمت سرقت می‌کنند یا محصولات را داخل فروشگاه بدون پرداخت بهای آن می‌خورند.

● ساختار جمهوری اسلامی برآمده از اصولی است که غیرقابل تغییرند و اساس سیاست‌گذاری‌های این نظام در طول چهار دهه‌ی گذشته بوده‌اند. اولین اصل نظام ولایت فقیه، شکست‌ناپذیری است که بر پایه‌ی آن، جمهوری اسلامی هیچگاه و در هیچ زمینه‌ای حاضر به پذیرش شکست نیست و در همه حال، خود را پیروز مطلق تعریف می‌کند.

● یک مورد دیگر، نوع برخورد نظام با مشکلاتی است که توسط خود زمامداران حکومت به وجود می‌آیند. از نظر مقامات جمهوری اسلامی، آنها در ایجاد مشکلات پیش آمده برای مردم نقشی ندارند و مقصر اصلی را یا خود مردم و یا دشمن خارجی می‌دانند، در حالی که شهروندان در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان هرگز به حساب نمی‌آیند.

اوضاع اقتصادی مردم در حال رسیدن به نقطه‌ی انفجار است اما جمهوری اسلامی به تهدید همسایگان و گردنکشی در تنگه هرمز مشغول است که این وضعیت را وخیم‌تر می‌کند.

در حالی که جمهوری اسلامی تمام هدف خود را بر تهدید همسایگان و گردنکشی در تنگه‌ی هرمز متمرکز کرده، اوضاع اقتصادی مردم در حال رسیدن به نقطه‌ی انفجار است. گزارش‌های مربوط به سرقت نان، پنیر، گوشت و سایر مواد خوراکی اولیه نگرانی‌های جدی را برانگیخته و بیانگر این واقعیت دردناک است که بحران وخیم اقتصادی در ایران، خانوارها را به شکست و فروپاشی همه‌جانبه رسانده است.

بنا بر گزارش نیویورک‌پست به قلم آلکس اولیویرا، در تحقیقی که روز چهارشنبه توسط روزنامه «جهان صنعت» در ایران منتشر شده، آمده است که کارکنان سوپرمارکت‌ها با مشتریانی مواجه شده‌اند که اقلام غذایی ارزان قیمت سرقت می‌کنند یا محصولات را داخل فروشگاه بدون پرداخت بهای آن می‌خورند.

اگرچه این روایت‌ها می‌توانند موردی باشند و گسترش سراسری سرقت مواد غذایی را اثبات نکنند، اما تحلیلگران می‌گویند که این امر نشان‌دهنده‌ی فشار فزاینده‌ی ناشی از تورم، کاهش ارزش ریال و سقوط قدرت خرید شهروندان است.

در همین ارتباط، میعاد ملکی همکار پژوهشی سازمان «دفاع از دموکراسی‌ها» در گفتگو با «فاکس دیجیتال» می‌گوید: «اینها موارد نقل‌شده هستند، اما با داده‌های آماری همخوانی دارند. ایران هم‌اکنون در نقطه‌ی اوج یا نقطه‌ی شکست (Tipping point) قرار دارد». ملکی می‌گوید: «ایران هنوز به آن لحظه‌ی دراماتیک و انفجاری نرسیده، اما شبیه جنگ جهانی دوم داخل محدوده‌ی آن قرار گرفته؛ به حدی که کشور در حال حرکت آهسته و پیوسته به سوی نقطه‌ی شکست است».

او تاکید می‌کند، این نقطه‌ی اوج واقعی، احتمالا یک

وضعیت بحرانی زندان‌ها: گرمای هوا، ازدحام جمعیت، شیوع ساس و بیماری، غذا و داروی ناکافی



● گزارش‌های منتشر شده از شرایط زندان‌های شهرهای مختلف ایران نشان می‌دهد زندانیان در شرایطی دشوار قرار داشته و مشکلات مختلفی مانند کمبود آب و غذا و دارو و شیوع بیماری وضعیتی نگران‌کننده در زندان‌ها ایجاد کرده است.

● افزایش شدید دمای هوا و ناکارآمدی تجهیزات خنک‌کننده وضعیت زندان اوین در تهران را برای زندانیان دشوارتر از پیش کرده است. دمای داخل برخی سالن‌ها به بیش از ۴۰ درجه می‌رسد و کولرهای موجود عملاً توان خنک کردن محیط را ندارند.

● در زندان اوین نگهداری زندانیان سیاسی بند ۷ در کنار زندانیان جرائم کیفری، بسته بودن مداوم درهای سالن‌ها، وضعیت نامناسب هواخوری، شیوع ساس، نبود امکانات ورزشی و شرایط غیربهداشتی، فشار مضاعفی بر زندانیان وارد می‌آورد.

● «سازمان حقوق بشر ایران» گزارش داده جمعیت زندان دستگرد اصفهان در حال حاضر بیش از ۱۰ هزار نفر برآورد می‌شود، در حالی که ظرفیت استاندارد این مجموعه حدود ۴ تا ۵ هزار زندانی عنوان شده است.

گزارش‌های منتشر شده از شرایط زندان‌های شهرهای مختلف ایران نشان می‌دهد زندانیان در شرایطی دشوار قرار داشته و مشکلات مختلفی مانند کمبود آب و غذا و دارو و شیوع بیماری وضعیتی نگران‌کننده در زندان‌ها ایجاد کرده است. در همین حال در شماری از زندان‌ها نیز کمبود فضا به علت حبس هزاران بازداشت‌شده اعتراضات دی ۴۰۴ سبب شده زندانیان در راهرو و کف سلول‌ها بخوابند.

منابع حقوق بشری از بحرانی شدن شرایط زندانیان در زندان‌های مختلف ایران خبر می‌دهند. افزایش دمای درون بندها و نبود وسایل خنک‌کننده، کمبود آب آشامیدنی، غذا، دارو و لوازم بهداشتی، شیوع ساس و بیماری، در کنار ازدحام جمعیت زندانیان از جمله مواردی است که در گزارش‌ها تأکید شده است.

بر اساس گزارش‌ها افزایش شدید دمای هوا و ناکارآمدی تجهیزات خنک‌کننده وضعیت زندان اوین در تهران را برای زندانیان دشوارتر از پیش کرده است. دمای داخل برخی سالن‌ها به بیش از ۴۰ درجه می‌رسد و کولرهای موجود عملاً توان خنک کردن محیط را ندارند. همزمان، نگهداری زندانیان سیاسی بند ۷ در کنار زندانیان جرائم کیفری، بسته بودن مداوم درهای سالن‌ها، وضعیت نامناسب هواخوری، شیوع ساس، نبود امکانات ورزشی و شرایط غیربهداشتی، فشار مضاعفی بر زندانیان وارد می‌آورد. از سوی دیگر، درهای سالن‌ها بطور مداوم بسته نگه داشته می‌شوند و امکان رفت‌وآمد و استفاده از فضای بیشتر برای زندانیان محدود است. این در حالیست که هواخوری زندان نیز در ساعت‌های قابل استفاده زیر تابش شدید آفتاب قرار دارد و همین مسئله استفاده از فضای باز را برای زندانیان دشوار کرده است.

همچنین شیوع گسترده ساس در داخل بندهای زندان اوین از جمله دیگر مشکلات جدی برای زندانیان است. منابع حقوق بشری گزارش می‌دهند زندانیان در چنین شرایطی علاوه بر تحمل دمای بالا، با حشرات موذی و کمبود امکانات لازم برای حفظ بهداشت محیط روبرو هستند.

بر زندانیان را افزایش دهد. همچنین ضرب‌وجرح و شکنجه بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ برای اعتراف‌گیری، محرومیت از حق دسترسی به وکیل، و ملاقات و تماس با خانواده برای تشدید فشار روانی بر این زندانیان نیز از دیگر موارد اشاره شده در این گزارش است.

«سازمان حقوق بشر ایران» در گزارشی از زندان آمل از کاهش شدید جیره غذایی، توزیع مواد غذایی بی‌کیفیت و در مواردی فاسد، وضعیت نامناسب بهداشتی، شیوع شپش و کک و دسترسی بسیار محدود زندانیان به خدمات درمانی خبر داده است. در زندان آمل نیز مانند دیگر زندان‌های کشور ازدحام جمعیت زندانیان، فشار بر بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۴ و شرایط نامناسب بهداشت گزارش شده است.

در اکثر زندان‌های کشور پس از آغاز جنگ ۴۰ روزه و از اسفندماه تا کنون کیفیت و کمیت غذای توزیع شده به شکل قابل توجهی کاهش یافته است. در برخی زندان‌ها وعده‌های ناهار و شام در عمل به یک وعده توزیع غذا کاهش یافته است. از سوی دیگر دسترسی زندانیان به دارو و یا کالاهای عرضه شده در فروشگاه زندانیان نیز محدود شده است. با اینکه زندانیان کالاهای موجود در فروشگاه زندان را خودشان خریداری می‌کنند و همواره این کالاها با قیمتی خیلی بیشتر از قیمت این اقلام در فروشگاه‌های خارج از زندان است، اما حتی این کالاها نیز با کمبود عرضه روبرو هستند. کالاهایی مانند برخی مواد غذایی، آب آشامیدنی و اقلام بهداشتی از جمله کالاهای مورد نیاز زندانیان است که از فروشگاه تأمین می‌کنند.

یکی دیگر از مواردی که در گزارش‌های حقوق بشری درباره مشکلات زندان‌های مختلف مطرح شده عدم رعایت اصل تفکیک جرائم است. به علت ازدحام جمعیت در زندان‌ها با حبس بازداشت‌شدگان دی ۴۰۴، زندانیان سیاسی در کنار زندانیان دارای جرائم کیفری و حتی زندانیان خطرناک نگهداری می‌شوند.

فعالان حقوق بشر شرایط بندهای عمومی زندان اوین طی هفته‌های اخیر را به «یک انفرادی پرجمعیت» تشبیه کرده‌اند که نبود امکانات و گرمای شدید هوا سبب تشدید فشار جسمی و روانی بیشتر بر زندانیانی شده که پیش از این نیز با محدودیت‌های جدی روبرو بوده‌اند.

«سازمان حقوق بشر ایران» در چند گزارش وضعیت بحرانی زندان‌ها را مورد بررسی قرار داده است. این نهاد حقوق بشری در گزارشی از وضعیت زندان دستگرد در اصفهان نوشته جمعیت زندان دستگرد اصفهان در حال حاضر بیش از ۱۰ هزار نفر برآورد می‌شود، در حالی که ظرفیت استاندارد این مجموعه حدود ۴ تا ۵ هزار زندانی عنوان شده است. این اختلاف گسترده میان ظرفیت و جمعیت واقعی، به کمبود تخت، ازدحام در بندها، فشار بر امکانات بهداشتی و رفاهی و پدیده گسترده «کف‌خوابی» منجر شده است. «سازمان حقوق بشر ایران» همچنین وضعیت «بند ویژه» این زندان را نگران‌کننده توصیف کرده و نوشته جایی که در برخی موارد سلول‌های دارای ظرفیت سه تا چهار نفر با ۱۰ تا ۱۵ زندانی پر شده‌اند. زندانیان سیاسی و امنیتی نگهداری شده در این بخش نیز، بنا بر اطلاعات دریافتی، با نظارت مستمر، محدودیت ارتباط با خارج از زندان و فشارهای روانی مواجه هستند.

این گزارش افزوده شماری از زندانیان سیاسی و امنیتی پس از طی مراحل اولیه بازجویی توسط نهادهای امنیتی به این بخش منتقل می‌شوند. از خردادماه ۱۴۰۴ نیز تعداد قابل توجهی از بازداشت‌شدگان پرونده‌های سیاسی و امنیتی به این قسمت انتقال یافته‌اند.

«سازمان حقوق بشر ایران» تأکید کرده بند ویژه تحت نظارت مستقیم حفاظت اطلاعات زندان قرار دارد و سلول‌ها به‌صورت مستمر توسط دوربین‌های مداربسته کنترل می‌شوند. نظارت امنیتی گسترده در کنار محدودیت تماس و ملاقات، فضای بسته‌ای ایجاد کرده که می‌تواند فشار روانی

آتش به جان شمع فتد کاین بنا نهاد

(کیهان لندن شماره ۱۲۳۴ - آذر ماه ۱۳۸۷)

خیراندیشی (احمد احرار)



جنگ با روس منجوس و انگلیس خبیث بسپج کند.
سپهبد امیراحمدی در خاطرات خود داستان را چنین نقل
می کند: «در کرمانشاه شونمان کنسول آلمان مطلق العنان
شده بود. سپیده دمی شونمان به خانه اشرف الواعظین
ملای منبری با نفوذ می رود و می گوید من دیشب حضرت
مسیح را در خواب دیدم که فرمود دعای یکی از مردان
خدا، اشرف الواعظین، در پیشروی قشون آلمان مؤثر خواهد
بود. من هدیه ناقابلی تقدیم می کنم و دولت آلمان نیز
برای روضه خوانی شما همه ساله مستمری مناسب برقرار
می کند. این بگفت و دو کیسه محتوی سکه های طلا جلو
او گذاشت و برخاست و رفت.

اشرف الواعظین روز بعد به منبر رفت و مقدمه ای چید
که حضرت صاحب الزمان وقتی ظهور می کند که دنیا پر
از جور و ظلم شده باشد. آن حضرت از جانب مکه ظهور
می کند. در بین النهرین قبر جدش امام حسین علیه السلام
را زیارت و بالای قبر گریه و زاری می کند و سوگند می خورد
که انتقام خون خود و فرزندانش را از دشمنان دین
خواهد گرفت. بعد، به جانب ایران می آید. پیش از آن که
به خاک ایران برسد مردی گمنام، میانه بالا، کیود چشم،
سفید پوست و مو زرد در کرمانشاه مردم را گرد آورده به
آن حضرت می پیوندد و جنگ های عالمگیر آن حضرت از
اینجا آغاز می گردد. نشانی هایی که اشرف الواعظین می داد
با مشخصات شونمان تطبیق می کرد و موجب شد مردم به
عشق جنگیدن در رکاب مهدی موعود به دور او گرد آیند و
او یکه تاز میدان شد...»

۶۷۳ صفحه تحت عنوان «القائم» مشتمل بر اراجیفی راجع
به امام دوازدهم. اگر همه جرایم آن ناپاک قابل بخشش
بود این یکی بخشودنی نیست. بگو ملعون، ترا چه به
این جسارت ها؟ این قبیل کتابها را علما دین حق دارند
بنویسند. آن هم عالمانی در حد و اندازه علامه مجلسی.
در برابر جلد سیزدهم بحارالانوار تو چلغوز چه داری که
درباره حضرت صاحب الامر و علائم ظهور و مابعد ظهور
بگویی و بنویسی.
تازه اگر هم بنا به مصلحتی قرار باشد امام غایب خود را
نشان دهد یا نماینده ای بفرستد آن را وجوه علما تشخیص
می دهند و اعلام می کنند که این که مجلس محترم خیرگان
به همین منظور در قانون اساسی جمهوری اسلامی
پیش بینی و به لطف خداوند منان در مملکت امام زمان
دایر شده است.

بنا بر چنین مصلحتی بود که در دوران جنگ مقدس
هشت ساله، شها امام همام در حالی که جامه سبز بر تن
و اسب سفید زیر پا داشت بر بلندی ها ظاهر می شد و از
جهه ها دیدن می کرد و به رزمندگان قوت قلب و جرأت
شهادت می بخشید.

در آن هشت سال آیا یک بار شنیدید که یکی از مراجع
نسبت به اصالت این وجود شریف تشکیک کرده باشد؟
در جنگ جهانی اول هم، که دامنه اش به کشور ما کشیده
شد و شرش را در سلسله مقالات «دو قرن فراز و نشیب
مطبوعات» می خوانید، ضرورت اقتضا کرد یک آلمانی در
نقش طلایه دار لشکر امام زمان، شیعیان آن حضرت را برای

طبق گزارش «شهاب نیوز»، در راستای طرح برخورد با
شیادان مدعی امامت یا ارتباط با امام زمان (عج) حکم
اعدام یکی از مشهورترین آنها - علیرضا پیغان - در شهر
مقدس قم صادر شده است.

مشهورترین این مدعیان در جایی نشسته است که دست
کسی به او نمی رسد و امثال علیرضا پیغان جرمشان این
است که می خواهند جلو سوپرمارکت او دکان باز کنند.
در گزارش شهاب نیوز، چند نکته چشمگیر وجود دارد:
۱- می گوید: تعداد مدعیان امامت یا ارتباط با امام زمان
(عج) در قم طی سه سال اخیر افزایش قابل ملاحظه ای
داشته است و علیرضا پیغان یکی از مشهورترین این شیادان
است.

۲- می افزاید: علیرضا پیغان ادعا می کرد امام دوازدهم
است و با شیادی و کلاهبرداری تعداد قابل ملاحظه ای از
افراد ناآگاه و عامی را تحت تأثیر قرار داده بود.

۳- مصطفی برزگر گنجی دادستان عمومی و انقلاب قم، از
بازداشت ۵ مدعی دروغین دیگر مهدویت در استان قم خبر
داد که طی ماههای اخیر ادعا کرده بودند امام دوازدهم،
سیزدهم یا چهاردهم هستند و با شیادی، مریدانی را نیز
برای خود دست و پا کرده بودند.

۴- به همان نسبت که تعداد شیادان مدعی امامت یا
ارتباط با امام زمان به نحو نگران کننده ای افزایش یافته،
تعداد افراد ساده و عوامی که جذب خرافات مذهبی
می شوند نیز بیشتر شده است.
از جرایم متعدد علیرضا پیغان، نوشتن کتابی است در

دیدار با ملا مصطفی بارزانی در کردستان ایران

ملا مصطفی نگاهی به من انداخت و خندید و گفت: دیر آمدید، پیشه‌وری و سران فرقه فرار کرده‌اند! پیشه‌وری هنگامی که عازم فرار به شوروی بود به واحدها دستور داد در مقابل ارتش هیچ‌گونه مقاومتی نشود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳ - از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با
حمید احمدی (۶)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران - برلین

زربخت - مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...

افسرانی بود که در آذربایجان افسر شده بود. ستوان یکم توکلی از دانشجویان رسته پیاده دانشکده افسری تهران بود که به علت شناخته شدن، فرار کرده بود به آذربایجان و در آنجا، درجه ستوان یکمی گرفته بود. افسر دیگر آن گردان، ستوان غریبی آذر بود. بعد از رساندن خبر به سروان احسانی، سوار جیب شدم و حرکت کردیم به طرف واحدهای دیگر، رسیدیم به جبهه سقز یعنی واحدی به فرماندهی سرگرد رامتین که این واحد، از فداییان تشکیل شده بود. سرگرد رامتین از افسرهای فرقه بود. او قبلاً از کارگران راه‌آهن بود که در جریان جنبش آذربایجان و ابراز لیاقت به این سمت برگزیده شده بود. وارد دفترش شدم. سلام و علیک، و بعد از روبروسی، گفت اینجا چه کار می‌کنی؟ گفتم، آمده‌ام و خبر بدی دارم و متأسفانه باید این خبر را به تو بدهم. رامتین از همه جا بی خبر بود. حتی یک رادیو هم نداشتند که لااقل از رادیو خبر را بگیرند. همه چیز تا این حد ابتدایی بود. به هرحال، به او گفتم پیشه‌وری و عده‌ای از سران رفتند و دستور دادند که همه برگردند به واحدهای اولیه‌شان. سرگرد رامتین به این خبر با شک برخورد کرد. عصبانی شد و از کوره دررفت و گفت یعنی چه؟! مگر چنین چیزی می‌شود؟! این پلیتیک خائن است. ما طرح داشتیم که حمله کنیم و سقز را اشغال کنیم. مگر می‌شود؟! گفتم، خب، اگر قبول نداری بیا برویم نزد ملامصطفی و از دهان خودش بشنو. سرگرد رامتین از زنجان با ما دوست بود و هر وقت به تبریز می‌آمد، سری به ما می‌زد. علیرغم اعتقادی که در گذشته به من داشت این خبر را باور نمی‌کرد.

به هرحال، او سوار ماشین خودش شد و به دنبال من به دهکده سرا آمد. به اتفاق، نزد ملا مصطفی رفتیم. ملامصطفی ما را به او گفت. سرگرد رامتین یک مقدار عصبانی شد و داد و بیداد و اعتراض کرد. ملامصطفی گفت چه خبرت است؟ چرا داد می‌زنی؟ این موضوع را که می‌شنوی عین واقعیت است. می‌خواهی قبول کن، می‌خواهی قبول نکن. الان، اگر می‌خواهی جان خودت و افراد زیر فرماندهی‌ات را نجات بدهی، می‌توانی با ما بیایی. وگرنه، خودت تصمیم بگیر. رامتین با بارزانی‌ها نیامد و در مراغه دستگیر

بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هوپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس از آن به خاک عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها - ابوالحسن تفرشیان - ابرام شد و چهار نفر - از جمله مرتضی

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند. مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یک زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران

مرتضی زربخت: بلافاصله رفتم نزد ملامصطفی و خودم را معرفی کردم. گفتم ما سه نفر از تبریز آمده‌ایم، مأموریت و طرح ما اینست که برای پشتیبانی جبهه تدارک ایجاد یک فرودگاه موقت را در این منطقه با شما در میان بگذاریم. ملامصطفی نگاهی به من انداخت و خندید. بعد گفت دیر آمده‌اید، پیشه‌وری و سران فرقه فرار کرده‌اند. گفتم یعنی چه؟ گفت همین است که می‌گویم و سپس تلگراف پیشه‌وری را به دستم داد. من تلگراف را گرفتم و خواندم. مضمون آن چنین بود:

«به همه واحدها که در جبهه‌ها هستند! ارتش ایران برای شروع انتخابات وارد آذربایجان می‌شود. هیچ‌گونه مقاومتی در مقابل این ارتش نشود. تمام واحدها به مراکز اولیه‌شان برگردند. - امضا، پیشه‌وری»

در بین بارزانی‌ها

بعد از خواندن تلگراف پیشه‌وری، پرسیدم، خب، حالا چه‌کار کنیم؟ ملا مصطفی گفت، من در این فکر هستم که افراد ایل بارزانی را نجات بدهم و قصد دیگری ندارم. الان، دیگر به شکل گذشته، فرمانده جبهه‌ای در کار نیست. برای این که خود فرمانده کل، میدان را خالی کرده و رفته است. گفتم، خُب، ما در اختیار شما هستیم. گفت، شما می‌توانید با واحدهای ارتشی که اینجا هستند همراهی کنید و نجاتشان بدهید. گفتم چه کار می‌توانیم بکنیم؟ گفت بروید به واحدها و این حکم پیشه‌وری را به آنها نشان بدهید تا اینان خودشان را نجات بدهند زیرا دیگر ماندنشان در جبهه صلاح نیست. او بعد از این توصیه، رو به من کرد و گفت، ما همین امشب حرکت می‌کنیم و می‌رویم به طرف مهاباد و بعد از آنجا می‌رویم به طرف مرز عراق. واحدهای ارتش آذربایجان دو راه در پیش دارند؛ یا با ما همراهی می‌کنند و از چتر امنیتی ما استفاده می‌کنند، در این صورت همگی باید ساعت ۸ شب در اینجا حاضر باشند تا به طرف مهاباد عقب‌نشینی کنیم؛ راه دوم اینست که واحدها به سمت مراغه و تبریز عقب‌نشینند و راه نامن را برگزینند. او یک جیب و راننده در اختیار ما گذاشت و حرکت کردیم



ملا مصطفی بارزانی

تا به رفقایمان خبر بدهیم. به رفیق تیوای گفتم، رفقا ستوان حق پرست و ستوان مارکریان با تو همکاری خواهند کرد و در غیاب من، اگر کاری و یا مأموریتی بود، این رفقا آماده‌اند و آنان هم گفتند، با کمال میل. من با جیب حرکت کردم. به اولین واحد نظامی که برخوردیم، گردان پیاده سروان اصغر احسانی بود. صدایش کردم، از چادر آمد بیرون. سلام و علیک کردیم و بعد گفتم، آره، چنین تلگرافی شده است. او به راحتی حرف مرا قبول کرد زیرا به من اعتماد داشت. به او گفتم ملامصطفی گفته اگر می‌خواهید عقب‌نشینی کنید و با ما بیایید، ساعت ۸ شب در روستای سرا، واحدها آماده باشد. از آنجا، راهپیمایی می‌کنیم به طرف بوکان و از بوکان می‌رویم به مهاباد. احسانی گفت خیلی خب، من حاضرم. افسرانی که در گردان پیاده با احسانی همکاری می‌کردند، عبارت بودند از: سروان جواد ارتشیر، ستوان یکم محمود توکلی و ستوان علی اصغری. علی اصغری از

اسیر شدید، این کاغذ هم گیر افتاد و یا خودمان آن را از بین بردیم. نمی‌دانم.

قاضی محمد فرستاد برای ما لباس کردی آوردند و ما نیز آنها را پوشیدیم. لباسهای گرمی بود. گرما را نگاه می‌داشت. قاضی محمد به هر یک از ما ۲۰۰ تومان پول توی جیبی داد. بعداً فکر کردم او آدمی بود که در آن شرایط و بدون سراسیمگی و با آن خصوصیات و با آرامش قبول کرد که بماند و کشته شود ولی ملتش را تنها نگذاشت. حمله ارتش که به آذربایجان شروع شد، او در مهاباد ماند و با ارتش مرکزی همکاری کرد و ارتش وارد مهاباد شد و نگذاشت خون از دماغ یک گرد بریزد یعنی ماند و آرامش را حفظ کرد. بعد، خودش و برادرانش را گرفتند، محاکمه کردند و همه آنان را اعدام کردند.

یک طرف قاضی محمد است، یک طرف پیشه‌وری. نمی‌خواهم در این مقایسه بگویم، پیشه‌وری آدم بدی بود. نه، او آدمی بود که اعتقاد به یک مبدائی داشت و یکباره دید پشتش خالی شده و هیچ چاره‌ای نداشت. همان حرفی که قلی‌اوف در تبریز به او زده بود. وقتی آمده بود مقاومت کند، قلی‌اوف به او گفت، ساعت هشت شب در آجی چای حاضر باشید که باید به جلفا بروید! پیشه‌وری گفته بود، یعنی چه؟ ما مبارزه کردیم، به ملتمان قول داده‌ایم، باید بمانیم و مقاومت بکنیم. قلی‌اوف در کنسولگری شوروی در تبریز به او گفت: «سنة گتیرن سنه دی یرگت.» یعنی کسی که تو را آورد، به تو می‌گوید، برو. بله، با همین لحن،

بودند و ملا مصطفی آنان را با حمایت خودش به مهاباد و ننده آورد.

به هرحال، در شهر مهاباد، دفتر قاضی محمد را به ما نشان دادند. ما راه افتادیم و رفتیم به دفتر قاضی محمد.

احمدی: هر هفت نفر افسر به اتفاق هم وارد دفتر قاضی محمد شدید و با او ملاقات کردید؟

زربخت: بله. سلام و علیک کردیم. همه مسلح بودیم و لباس افسری فرقه هم بر تن داشتیم با درجه‌های نظامی. قاضی محمد خیلی به ما عزت و احترام کرد و گفت، بفرمایید بنشینید. پرسید، از کجا آمده‌اید؟ گفتیم در سقر بودیم که این خبر را شنیدیم — تلگراف پیشه‌وری به واحدها — و آمدیم به اینجا. قاضی محمد گفت صبحانه خورده‌اید؟ گفتیم، خیر، شام هم نخورده‌ایم. سفارش داد برایمان نان و پنیر و چای شیرین آوردند. نشستیم به خوردن و صحبت کردن. نخست گفتیم چرا این جوری شد؟ گفت، پریشب یعنی ۲۰ آذر، پیشه‌وری به من تلفن کرد و گفت، به ما دستور دادند که به جلفا برویم. ما هم با زن و بچه‌هایمان به جلفا می‌رویم. شما هم زن و بچه‌ات را بردار و بیار به جلفا که از آنجا به شوروی برویم. قاضی محمد گفت، به او جواب دادم: «نه، من نمی‌آیم. من اینجا می‌مانم، هر بلایی که بر سر ملت آمد، سر من هم بیاید.»

قاضی محمد از ما سؤال کرد، حالا شما می‌خواهید چه کار بکنید؟ گفتیم، ما دلمان می‌خواهد برویم به شوروی. چون راه

شد و به اتفاق سرهنگ صبحی که او هم افسر فدایی بود و قبلاً مسئول سندیکا کارگران کارخانه قند میاندوآب، به دار آویخته شد.

دیدار با قاضی محمد

ملا مصطفی قبل از حرکتان از روستای سرا، به هر یک از ما یک آفتامات داد با تعدادی فشنگ. آفتامات یک اسلحه روسی است و در حد یوزی که خشاب حلزونی می‌خورد. در ساعت ۸ شب روز ۲۱ آذر ۱۳۲۵، واحدهای نظامی برای حرکت آماده شدند. رفیقمان تیوای گفت یک کامیون حامل گوشت، نخود، لوبیا، نان، برنج و غیره توسط ستوان حق‌پرست به بوکان فرستادم تا گردان که به بوکان می‌رسد غذای گرمی داشته باشد. از این محل تا بوکان حدود ۱۸-۱۷ کیلومتر راه بود و هوا هم خیلی سرد بود. بعد از ۳ ساعت راهپیمایی به همراه گردان به بوکان وارد شدیم و احسانی به واحد گردان فرمان ایست داد. وقتی نزدیک آن قلعه ایستادیم، کردها دور و بر واحد را گرفتند و با سربازان پیچ و پیچ می‌کردند که بیاید تا شما را مخفی کنیم و بعد، فرارتان بدهیم. افراد واحد، سربازهای وظیفه بودند. رفیقمان تیوای در کردستان تجربه‌ای داشت. نهیبی به این کردها زد و دستور داد، فوری از کنار واحد دور شوید، والا آتش می‌کنم. و بلافاصله بعد از نهیب، یک رگبار مسلسل رو به هوا شلیک کرد. با شلیک این رگبار، کردهایی که واحد را محاصره کرده بودند، از واحد دور شدند. در بوکان هم در یک قلعه‌ای، یک گردان مستقر بود. نام فرمانده آن گردان، سرگردی بود به نام خاکساری. وقتی ما افسران وارد این قلعه شدیم، دیدیم، کردها دارند انبارها را غارت می‌کنند. صندوق مهمات و کنسرو، هرچه در آن قلعه هست، روی دوشهانشان می‌گذارند و بیرون می‌برند. ما هم زورمان به اینها نمی‌رسید. اصلاً نمی‌دانستیم چه خبر است. بعد، فهمیدیم که فرمانده گردان مستقر در قلعه را دستگیر و سربازان را خلع سلاح کرده و مرخص‌شان کرده‌اند و حالا دارند، انبارها را می‌چاپند. فرمانده گردان آن قلعه، سرگرد خاکساری توسط افراد بوکانی تحویل ارتش شاه شد و در دادگاه صحرایی محکوم و در مهاباد اعدام شد. بعد ما افسران در آن بلیشو از قلعه خارج شدیم تا به گردان بپیوندیم اما با کمال تعجب دیدیم که اثری از سربازان نیست، مثل اینکه برف بودند و آب شدند. در این فاصله افراد بوکانی به طمع تفنگ سربازان آنها را مرعوب و خلع سلاح کرده بودند. ما مجدداً به داخل قلعه مراجعت کردیم.

همان موقع، یک کامیون توی قلعه ایستاده بود. این کامیون حاوی پیت‌های بنزین بود که آنها را به مهاباد حمل می‌کرد. راننده کامیون، سروان تیوای را می‌شناخت. به او گفت، اینجا نایستید، جانتان در خطر است. سروان تیوای گفت، چه کار بکنیم؟ گفت، سوار این کامیون بشوید برویم بیرون. ما سوار آن کامیون شدیم و روی پیت‌های بنزین نشستیم و از آن قلعه خارج شدیم.

ما آدمهای کم تجربه، نه زبان کردی می‌دانستیم و نه جایی را بلد بودیم و نه کسی را می‌شناختیم. جوان بودیم و توی این منطقه غریب و وضعمان نامعلوم. یک چنین سرنوشتی پیدا کرده بودیم و اختیارمان به دست حوادث افتاده بود.

وقتی از سرا حرکت کردیم، دیگر از ملا مصطفی خبر نداشتیم. فقط راهمان به سوی بوکان بود. به هرحال، آن کامیون با پیت‌های بنزین راه افتاد، صبح زود رسیدیم به مهاباد. راننده ما را کنار رودخانه مهاباد پیاده کرد. در مهاباد، سراغ منزل قاضی محمد را گرفتیم. ما هفت نفر افسر بودیم که روز ۲۲ آذر ۱۳۲۵ وارد مهاباد شدیم: احسانی، تیوای، ارتشیار، نیکلا مارکاریان، علی اصغری، توکلی و من. سه افسر دیگر یعنی تفرشیان، رئیس دانا و دباغ زاده با توپها



پیشه‌وری خلع سلاح شده بود. او با اعتقادی که به شوروی داشت، قبول کرده بود که برود.

به هرحال، بیخود نبود که در آستانه انقلاب و سالروز مرگ قاضی محمد در مهاباد — و آنطور که در روزنامه‌ها نوشتند و یادم هست — صدهزار نفر بر مزار قاضی محمد اجتماع و از او تجلیل کردند. حزب دموکرات کردستان ایران، چنین پشتوانه‌ای به دست آورد. بله، قاضی محمد چنین نیروی معنوی داشت. بعد از انقلاب، بزرگترین میدان شهر مهاباد به نام او اسم گذاری شد. نمی‌دانم این نامگذاری هنوز هست یا آن را برداشتند؟ ولی تا مدت‌ها، این میدان به نام قاضی محمد بود و حکومت جمهوری اسلامی هم از او تجلیل می‌کرد زیرا یک چنین اعتقادی مردم داشتند. اما بعد از انقلاب دیدیم که فرقه دموکرات در آذربایجان نضجی نگرفت. طرفدارانی پیدا نکرد. مردم دیگر آن علاقه و اعتقاد را به فرقه دموکرات نداشتند.

دنباله دارد

و چاره دیگری نداریم. خب، آن موقع هنوز در فرمان نبود که کوچکترین خدشه‌ای در کارگردانان شوروی وجود دارد. فکر می‌کردیم شوروی آن «بهشت» موعودی است که با آغوش باز ما را خواهد پذیرفت. ذره‌ای به شوروی و سیاستش شک نداشتیم. استالین را رهبر زحمتکشان جهان می‌دانستیم. به هرحال قاضی محمد گفت، شما با این وضع نمی‌توانید بروید. این اسلحه‌هایی که دارید، قاتل جانتان است. لباسهاتان را هم باید عوض بکنید و لباس کردی بپوشید. بعد از این توصیه گفت من یادداشتی برای سران عشایر کرد می‌نویسم که احتمالاً به دردتان بخورد. بعد، یک یادداشتی برای سران عشایر کرد نوشت. تقریباً به این مضمون: «برادران گرد! اینها افسران آذربایجان هستند که برای کمک به ما آمده بودند. هر کمکی از دستانتان ساخته است، از آنها دریغ نکنید.»

حیف که آن دست خط نمی‌دانم چه شد. شاید وقتی که

«توافق دفاعی مکه»؛ محور امنیتی جدید میان عربستان، ترکیه و پاکستان؛ فراتر از یک اقدام سیاسی

● اهمیت این توافق تنها در مفاد دفاعی آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند بخشی از روند بازتعریف معماری امنیتی خاورمیانه باشد؛ روندی که در آن کشورهای منطقه تلاش می‌کنند در کنار روابط امنیتی خود با قدرت‌های خارجی، ظرفیت‌های دفاعی و بازدارندگی منطقه‌ای مستقلی ایجاد کنند.

● حکومت ایران احتمالاً تلاش خواهد کرد اختلاف منافع میان سه کشور را برجسته کند و مانع تبدیل شدن توافق به یک ساختار نظامی یکپارچه شود. نگرانی اصلی تهران احتمالاً شکل‌گیری فوری یک جنگ جدید نیست؛ بلکه تغییر تدریجی موازنه بازدارندگی در پیرامون ایران است.

● آزمون واقعی توافق مکه نه در زمان امضا، بلکه در اولین بحران امنیتی جدی خواهد بود که یکی از سه کشور را هدف قرار دهد. آن زمان مشخص خواهد شد که عبارت «حمله به یکی، حمله به همه است» صرفاً یک شعار بازدارنده است تا یک تعهد نظامی واقعی!

گزارش ویژه کیهان لندن از ریاض - عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان روز جمعه ۱۶ مرداد (۷ اوت) در مکه «توافق دفاعی مشترک مکه» را امضا کردند؛ توافقی که بر اساس آن، حمله مسلحانه به هر یک از سه کشور، حمله علیه هر سه کشور تلقی خواهد شد.

این توافق در جریان دیدار محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه و شهیار شریف نخست‌وزیر پاکستان به امضا رسید و بر تقویت همکاری‌های دفاعی و بازدارندگی جمعی میان سه کشور تأکید دارد. گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌های بین‌المللی همچنین از همکاری در زمینه رزمایش‌های نظامی، تبادل اطلاعات و فناوری دفاعی حکایت دارد.

اهمیت این توافق تنها در مفاد دفاعی آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند بخشی از روند بازتعریف معماری امنیتی خاورمیانه باشد؛ روندی که در آن کشورهای منطقه تلاش می‌کنند در کنار روابط امنیتی خود با قدرت‌های خارجی، ظرفیت‌های دفاعی و بازدارندگی منطقه‌ای مستقلی ایجاد کنند.

سه قدرت با توانمندی‌های مکمل

توافق مکه سه کشور را در یک چارچوب امنیتی مشترک قرار می‌دهد که هر یک از آنها دارای ظرفیت متفاوتی است. عربستان سعودی از منابع مالی و انرژی گسترده و توان فزاینده برای سرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی برخوردار است. ترکیه دارای یکی از بزرگترین نیروهای نظامی ناتو و همچنین صنعت دفاعی رو به گسترش، به ویژه در حوزه پهپادها، سامانه‌های موشکی و صنایع دریایی است. پاکستان نیز تنها کشور مسلمان دارای سلاح هسته‌ای و دارای تجربه گسترده نظامی است.

به همین دلیل، ترکیب این سه کشور می‌تواند از نظر مالی، صنعتی، نظامی و فناوری دفاعی، ظرفیت قابل توجهی برای تشکیل یک شبکه امنیتی منطقه‌ای ایجاد کند.

با این حال، هنوز جزئیات مربوط به ساز و کار اجرای تعهد دفاع جمعی، میزان و نوع مداخله نظامی هر کشور در صورت وقوع حمله و نحوه تصمیم‌گیری مشترک بطور



همچنان روابط امنیتی و دفاعی گسترده‌ای با ایالات متحده و کشورهای غربی دارد.

بنابراین، این توافق در مرحله کنونی بیشتر باید به عنوان ائتلاف بازدارندگی و همکاری دفاعی سه قدرت منطقه‌ای دیده شود، نه تشکیل یک بلوک نظامی یا مذهبی جدید! ائتلافی که درواقع سیاست‌ها و تحرکات بدخیم جمهوری اسلامی سبب شکل گرفتن آن شده است.

پیام اصلی «توافق دفاعی مکه» برای منطقه

مهم‌ترین پیام «توافق مکه» این است که هرگونه حمله نظامی به یکی از سه کشور می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری برای دولت مهاجم داشته باشد.

این موضوع به ویژه برای عربستان اهمیت دارد؛ زیرا حملات موشکی و پهپادی سال‌های اخیر نشان داده‌اند که تهدیدات امنیتی علیه این کشور الزاماً از سوی یک دولت متعارف و از طریق جنگ کلاسیک شکل نمی‌گیرند.

توافق جدید می‌تواند تلاش کند هزینه چنین حملاتی را افزایش دهد و مهاجم احتمالی را با این محاسبه روبرو کند که حمله به عربستان ممکن است واکنش ترکیه و پاکستان را نیز در پی داشته باشد.

با این حال، نوع این واکنش همچنان مهم‌ترین پرسش بی‌پاسخ است: آیا کمک نظامی مستقیم خواهد بود یا همکاری اطلاعاتی، پدافندی، لجستیک، فناوری و دیپلماتیک؟

درواقع تا زمانی که ساز و کار اجرایی این توافق روشن نشود، پاسخ قطعی به این پرسش ممکن نیست.

جمهوری اسلامی چگونه به توافق مکه نگاه می‌کند؟

برای تهران، توافق مکه یک پیام بازدارنده است که مستقیماً نامی از جمهوری اسلامی نبرده است.

در متن منتشرشده توافق، جمهوری اسلامی ایران به عنوان دشمن یا هدف این پیمان معرفی نشده است. با این حال، شرایط منطقه‌ای و سابقه حملات و تنش‌های اخیر باعث شده که رژیم ایران یکی از مهم‌ترین مخاطبان غیرمستقیم این توافق تلقی شود. از نگاه تهران، مسئله اصلی

کامل منتشر نشده است. بنابراین، در مرحله کنونی نمی‌توان این توافق را معادل یک نسخه کامل از ماده ۵ ناتو دانست.

چرا این توافق در مقطع کنونی اهمیت دارد؟

توافق مکه در شرایطی امضا شده که امنیت خاورمیانه با مجموعه‌ای از بحران‌های نظامی و سیاسی از جمله جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی و مداخلات و نفوذ آن از جمله با گروه‌های نیابتی در منطقه روبروست و نگرانی درباره امنیت تأسیسات انرژی، مسیرهای کشتیرانی و احتمال گسترش جنگ افزایش یافته است.

برای ریاض، یکی از درس‌های تحولات اخیر این است که اتکای صرف به ترتیبات امنیتی سنتی، به ویژه تضمین‌های خارجی، ممکن است کافی نباشد. از این دیدگاه، همکاری با ترکیه و پاکستان می‌تواند بخشی از تلاش عربستان برای ایجاد چندلایه‌سازی امنیتی باشد. در این چارچوب، همکاری دریایی عربستان با کشورهای مختلف برای حفاظت از دریای سرخ، بابل‌المندب و خلیج عدن، یک لایه از این معماری را تشکیل می‌دهد و توافق سه‌جانبه با ترکیه و پاکستان می‌تواند یک لایه گسترده‌تر بازدارندگی نظامی را ایجاد کند.

بنابراین، می‌توان گفت ریاض همزمان دو هدف را دنبال می‌کند: حفاظت از مسیرهای حیاتی انرژی و تجارت و ایجاد یک بازدارندگی منطقه‌ای گسترده‌تر.

آیا می‌توان از «ناتوی سنی» سخن گفت؟

برخی تحلیل‌ها از این توافق با تعبیری مانند «ناتوی سنی» یاد کرده‌اند، اما چنین تعبیری در شرایط فعلی می‌تواند اغراق‌آمیز و درواقع بی‌مورد باشد.

هر سه کشور اکثریت جمعیت سنی دارند و از قدرت‌های مهم به اصطلاح «جهان اسلام» محسوب می‌شوند، اما اهداف آنها از یکسو، ایدئولوژیک و مذهبی نیست و از سوی دیگر، اهداف استراتژیک آنها نیز یکسان نیست.

ترکیه همراه با کشورهای غربی عضو پیمان نظامی ناتو است و سیاست خارجی مستقلی را دنبال می‌کند. پاکستان در عین داشتن روابط نزدیک با عربستان، ملاحظات مهمی در قبال ایران، هند، چین و افغانستان دارد. عربستان نیز

برگزاری مراسم یادبود پادشاهان فقید پهلوی در لندن



دموکرات و دیوار جاویدنامان لندن و جمعی از ایرانیان میهن‌پرست و فعالان مستقل سیاسی بودند. دکتر نامدار بقایی یزدی، دکتر میترا بابک، فرهنگ مهمی، آقای میردامادی، فریبا خانی، نادر فلاح، شقایق، و رضا دهشید از جمله سخنرانان این برنامه بودند. اجرای گروهی سرود ملی شاهنشاهی ایران، اجرای موسیقی سوگ جنوبی همراه با نواختن سنج و دمام، و اجرای پرفورمنس اعتراضی از دیگر بخش‌های این برنامه بود.

و هماهنگی پدافندی باشیم، آنگاه «توافق مکه» می‌تواند به یکی از مهم‌ترین تحولات امنیتی خاورمیانه در سال‌های اخیر تبدیل شود. از این دیدگاه، اهمیت واقعی این توافق در آنچه امضا شده نیست، بلکه در آن چیزی است که ممکن است بعداً بر اساس آن ساخته شود.

پس توافق دفاعی مکه را نمی‌توان صرفاً یک بیانیه یا تحرک صرفاً سیاسی میان سه کشور دانست، اما در عین حال هنوز نمی‌توان آن را یک «ناتوی جدید» یا معادل کامل ماده ۵ ناتو تلقی کرد. این توافق در حال حاضر بیش از هر چیز یک پیام بازدارندگی جمعی است: عربستان، ترکیه و پاکستان می‌خواهند نشان دهند که امنیت هر یک از آنها می‌تواند به مسئله‌ای مشترک تبدیل شود.

برای رژیم ایران، این تحول از آن جهت اهمیت دارد که سه کشور مهم سنی، با توانمندی‌های مکمل نظامی، مالی و فناوری، در حال ایجاد یک چارچوب امنیتی مشترک هستند. تهران احتمالاً در کوتاه‌مدت تلاش خواهد کرد اهمیت عملی این توافق را کاهش دهد، اما در بلندمدت ناگزیر خواهد بود میزان هماهنگی نظامی سه کشور و نحوه تبدیل این توافق به یک ساختار عملیاتی را با دقت بیشتری زیر نظر بگیرد.

در نهایت، آزمون واقعی توافق مکه نه در زمان امضا، بلکه در اولین بحران امنیتی جدی خواهد بود که یکی از سه کشور را هدف قرار دهد. آن زمان مشخص خواهد شد که عبارت «حمله به یکی، حمله به همه است» صرفاً یک شعار بازدارنده است تا یک تعهد نظامی واقعی!

مراسم یادبود رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی همزمان با سالگرد درگذشت این دو پادشاه فقید روز یکشنبه چهارم مرداد ۱۴۰۵ برابر با ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۶ در میدان «ترافلگار» لندن برگزار شد. برگزارکننده این مراسم، اتحاد میهن‌پرستان بریتانیا (IPUK) با همراهی و مشارکت گروه‌های مختلف از شهرهای گلاسکو، گروه دیوار جاویدنامان نیوکسل، منچستر، لیدز، لیورپول، گروه پادشاهی‌خواهان برمینگهام، داربی و همچنین کمپین سه‌شنبه‌های نه به اعدام، سامانه پادشاهی‌خواهان

عنوان یک قدرت ناتو، بلکه به مثابه یک قدرت مستقل منطقه‌ای معرفی کند. ورود به یک چارچوب دفاعی با عربستان و پاکستان می‌تواند جایگاه ترکیه را در ترتیبات امنیتی خاورمیانه تقویت کند.

در عین حال، آنکارا باید مراقب باشد که این توافق به معنای ورود خودکار به هرگونه جنگ میان عربستان و رژیم ایران تلقی نشود.

پاکستان به دنبال تعمیق رابطه با عربستان بدون ورود به جنگ‌های منطقه‌ای است. برای پاکستان رابطه با عربستان دارای اهمیت اقتصادی، سیاسی و امنیتی ویژه است.

اسلام‌آباد از یکسو می‌خواهد تعهدات خود را در برابر ریاض تقویت کند و از سوی دیگر نمی‌خواهد درگیر یک جنگ منطقه‌ای گسترده شود. به همین دلیل، احتمالاً پاکستان تلاش خواهد کرد توافق را در درجه نخست به عنوان ابزار بازدارندگی و نه ساز و کار ورود خودکار به جنگ‌های منطقه‌ای تعریف کند.

آیا «توافق مکه» می‌تواند معادلات منطقه را تغییر دهد؟
پاسخ به این پرسش در نهایت به مرحله و نوع اجرای این توافق بستگی دارد.

اگر توافق در سطح سیاسی باقی بماند، تأثیر آن بیشتر روانی و بازدارنده خواهد بود. اما اگر در مرحله بعد شاهد تشکیل ساختارهای فرماندهی مشترک، رزمایش‌های سه‌جانبه، همکاری اطلاعاتی، توسعه صنایع دفاعی مشترک

فقط تشکیل یک توافق میان سه کشور نیست؛ بلکه اتصال ظرفیت‌های نظامی سه قدرت سنی در سه جغرافیای مهم خلیج فارس، آناتولی و جنوب آسیا است. این مسئله می‌تواند برای رژیم ایران از چند جهت نگران‌کننده باشد:

اول، عربستان دیگر صرفاً به دنبال افزایش توان دفاعی ملی خود نیست، بلکه تلاش می‌کند برای خود یک پشتوانه جمعی ایجاد کند.

دوم، حضور ترکیه در این چارچوب اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ترکیه با ایران مرز زمینی مشترک دارد و از توان نظامی و صنایع دفاعی پیشرفته‌ای برخوردار است.

سوم، ورود پاکستان، به عنوان یک قدرت هسته‌ای، به این ترتیبات وزن سیاسی و استراتژیک بیشتری می‌دهد.

واکنش اولیه رژیم ایران: کوچک‌نمایی اهمیت عملی توافق

واکنش‌های اولیه در ایران نشان می‌دهد که تهران تلاش دارد از تبدیل شدن این توافق به یک عامل روانی و بازدارنده علیه خود جلوگیری کند. یک نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش به توافق مکه گفته است که پیمان جدید میان عربستان، ترکیه و پاکستان به تنهایی امنیت عربستان را تضمین نخواهد کرد. این نوع واکنش نشان می‌دهد که تهران در مرحله نخست تلاش دارد اعتبار عملیاتی و میزان تعهد واقعی سه کشور را زیر سؤال ببرد.

این رویکرد از یک منطق مشخص پیروی می‌کند: امضای توافق با اجرای آن تفاوت دارد. اینکه ترکیه و پاکستان در شرایط یک جنگ واقعی تا چه اندازه حاضر به ورود مستقیم نظامی برای دفاع از عربستان باشند، هنوز مشخص نیست.

از این دیدگاه، حکومت ایران احتمالاً تلاش خواهد کرد اختلاف منافع میان سه کشور را برجسته کند و مانع تبدیل شدن توافق به یک ساختار نظامی یکپارچه شود.

نگرانی اصلی تهران احتمالاً شکل‌گیری فوری یک جنگ جدید نیست؛ بلکه تغییر تدریجی موازنه بازدارندگی در پیرامون ایران است. اگر این توافق در سال‌های آینده به رزمایش‌های مشترک، تبادل اطلاعات نظامی، شبکه‌های پدافندی، همکاری پهبادی و موشکی، صنایع دفاعی مشترک و هماهنگی عملیاتی منجر شود، آنگاه اهمیت آن برای تهران بسیار بیشتر خواهد شد.

در چنین شرایطی، رژیم کنونی ایران با یک ائتلاف کلاسیک ضدایرانی مواجه نخواهد بود، بلکه با شبکه‌ای از همکاری‌های دفاعی روبرو می‌شود که می‌تواند آزادی عمل تهران در استفاده از فشار نظامی مستقیم یا غیرمستقیم علیه کشورهای منطقه را محدودتر کند.

سه کشور سنی چه اهدافی دارند؟

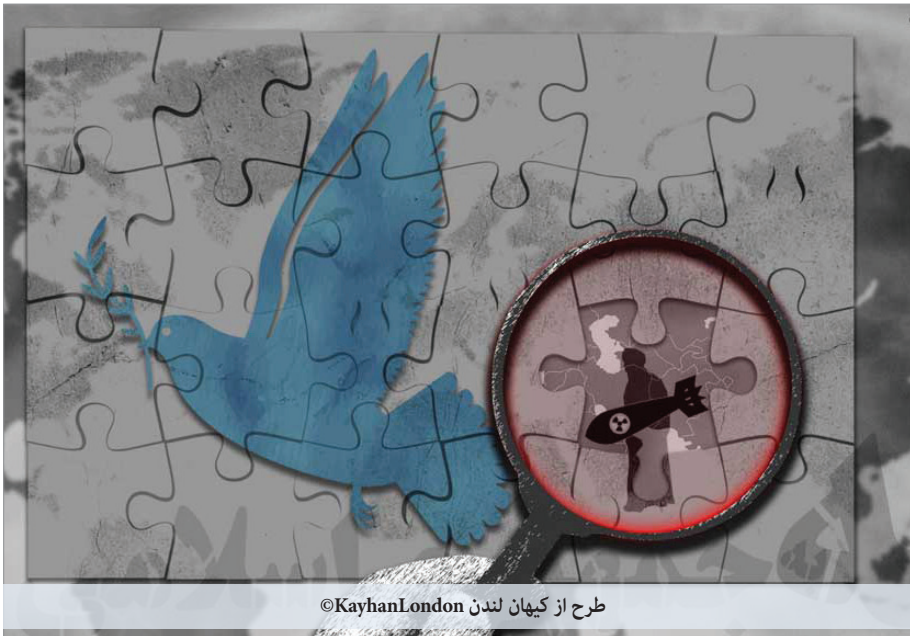
عربستان به دنبال ایجاد بازدارندگی بدون قطع روابط با آمریکا است. برای عربستان این توافق را می‌توان بخشی از سیاست «تنوع بخشیدن به شرکای امنیتی» دانست.

ریاض الزاماً به دنبال جایگزین کردن ترکیه و پاکستان بجای آمریکا نیست؛ بلکه می‌خواهد در صورت بروز بحران، تنها به یک قدرت خارجی وابسته نباشد.

این سیاست به عربستان امکان می‌دهد میان روابط با آمریکا، همکاری با ترکیه، شراکت دفاعی با پاکستان و روابط اقتصادی و سیاسی با قدرت‌هایی مانند چین و دیگر کشورها توازن ایجاد کند.

ترکیه به دنبال افزایش نقش خود در معماری امنیتی خلیج فارس است. برای ترکیه «توافق مکه» فرصتی برای افزایش نقش آنکارا در امنیت خلیج فارس و جهان اسلام است. ترکیه در سال‌های اخیر تلاش کرده خود را نه صرفاً به

رژیم ایران و استراتژی وقت‌گشی و تفرقه در جبهه‌ها



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

پیدا می‌کنند. از این رو، تقویت دولت ملی، گسترش شهروندی و حاکمیت قانون، بخشی اساسی از منظومه امنیت ملی محسوب می‌شود و صرفاً یک پروژه اصلاحی نیست. پرسش دیگری نیز مطرح است: چرا ترکیه و پاکستان تا کنون از دایره تنش‌های مستقیم دور مانده‌اند؟ شاید دلیل آن، ویژگی خاص روابط هر یک از این دو کشور با رژیم ایران و نیز ملاحظات ژئوپلیتیک باشد که هزینه گشودن جبهه‌های جدید را برای همه طرفین بالا می‌برد. با این حال، خاورمیانه بارها نشان داده است که نقشه‌های تنش ثابت نیستند و محاسبات امروز ممکن است با محاسبات فردا تفاوت داشته باشند.

اما مهم‌ترین پرسش به موضوع آمریکا و اروپا مربوط می‌شود. آیا غرب در پی پایان دادن به مناقشه با حکومت ایران است یا صرفاً قصد دارد آن را مدیریت کرده و از تبدیل شدن درگیری به یک جنگ فراگیر جلوگیری کند؟ پاسخ‌ها متفاوت است، اما بسیاری از ناظران بر این باورند که مدیریت بحران‌ها، هرچند ممکن است از وقوع یک رویارویی گسترده جلوگیری کند، ولی در عین حال به همه طرفین فرصت بیشتری برای بازآرایی مواضع و توانمندی‌هایشان می‌دهد؛ امری که با گذشت زمان، منازعه را پیچیده‌تر می‌کند.

در پایان، شاید مهم‌ترین پرسش این نباشد که بحران بعدی در کجا رخ خواهد داد، بلکه این باشد که چه کسی از طولانی شدن آن سود می‌برد؟ اگر زمان در محاسبات دولت‌ها یک منبع استراتژیک به شمار می‌رود، جلوگیری از تبدیل آن به ابزاری برای تعمیق بحران‌ها، به همان اندازه اهمیت دارد که جلوگیری از وقوع خود جنگ‌ها. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است کشورهایی که بر انسجام داخلی، خویشتنداری و ترجیح منطق دولت بر واکنش‌های احساسی تکیه کرده‌اند، بیش از دیگران توانسته‌اند ثبات خود را حفظ کنند، هرچند توفان‌های منطقه‌ای شدت گرفته باشد.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: کفاح محمود

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

مذاکرات میان جمهوری اسلامی و غرب همواره نقش پررنگی داشته است.

در مقابل، به نظر می‌رسد شماری از کشورهای منطقه ماهیت این معادله را دریافته‌اند. کشورهای عربی خلیج فارس که در سال‌های گذشته با حملات و تهدیدهایی علیه تأسیسات انرژی، امنیت کشتیرانی و حریم هوایی خود روبرو بوده‌اند، غالباً سیاستی مبتنی بر تقویت توان دفاعی، مهار تنش‌ها و پرهیز از کشیده شدن به یک رویارویی گسترده منطقه‌ای را در پیش گرفته‌اند. هرچند برخی این رویکرد را نشانه احتیاط می‌دانند، اما می‌توان آن را انتخابی استراتژیک نیز تلقی کرد که هدفش جلوگیری از تبدیل شدن سرزمین‌هایشان به میدان جنگی فراگیر با حکومت ایران است.

همین وضعیت درباره اردن نیز صدق می‌کند. این کشور با مشکلات امنیتی پیرامون خود به گونه‌ای برخورد کرده که در عین حفاظت از مرزها و ثبات داخلی، بتواند از گسترش دامنه درگیری‌ها نیز پرهیز کند. همچنین اقلیم کردستان عراق، با وجود تنش‌های امنیتی و فشارهای مکرر، رویکردی مبتنی بر مهار سیاسی و دیپلماتیک را حفظ کرده است؛ رویکردی که ناشی از آگاهی نسبت به حساسیت موقعیت جغرافیایی و پیچیدگی‌های صحنه سیاسی عراق است.

با افزایش تنش‌های مرتبط با امنیت دریای سرخ و دریای مدیترانه، مصر نیز به عنوان یکی از بازیگران اصلی در حفاظت از یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان مطرح شده است. قاهره نیز مانند دیگران تلاش کرده از منافع استراتژیک خود محافظت کند و مانع گسترش درگیری‌ها به قلمرو ملی خود شود. بنابراین، وجه مشترک کشورهای خلیج فارس، اردن، اقلیم کردستان عراق و مصر، تا کنون تلاش برای محدود کردن دامنه درگیری، و نه گسترش آن، است.

با این حال، تنها بُعد نظامی مورد توجه نیست. برخی معتقدند خطرناک‌ترین چالش در خاورمیانه اما شکنندگی برخی از ساختارهای داخلی کشورهای منطقه است. در کشورهایی که با شکاف‌های سیاسی یا مذهبی یا ضعف نهادهای حکومتی روبرو هستند، مانند یمن، عراق و لبنان، بحران‌های خارجی توان بیشتری برای ایجاد بحران‌های داخلی

● استراتژی جمهوری اسلامی بر یک اصل ساده استوار است: هرچه فشار بر رژیم ایران افزایش یابد، دامنه تنش‌ها در نقاطی دورتر از آن گسترده‌تر می‌شود. بر اساس این برداشت، جغرافیا به خودی خود هدف نیست، بلکه ابزاری برای وقت‌گشی از سوی تهران است.

● هنگامی که امنیت کشتیرانی در خلیج فارس یا دریای سرخ، امنیت انرژی یا ثبات کشورهای همسایه به موضوعات اصلی روز تبدیل می‌شوند، بحث درباره غنی‌سازی اورانیوم و آینده برنامه هسته‌ای، دست‌کم بطور موقت، به حاشیه رانده می‌شود. برای حکومتی که سال‌ها درگیر مذاکراتی پیچیده بوده، زمان یک عامل فرعی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین عناصر قدرت به شمار می‌رود.

● اگر زمان در محاسبات دولت‌ها یک منبع استراتژیک به شمار می‌رود، جلوگیری از تبدیل آن به ابزاری برای تعمیق بحران‌ها، به همان اندازه اهمیت دارد که جلوگیری از وقوع خود جنگ‌ها.

کفاح محمود (الشرق الاوسط) - فقط نگاه کردن به رفتار حکومت ایران در خاورمیانه از دریچه رویدادهای پراکنده برای درک آنچه در حال وقوع است، دیگر کافی نیست. تشدید تنش‌هایی که در مناطق مختلف، از خلیج فارس تا اقلیم کردستان عراق، سوریه، لبنان و یمن مشاهده می‌شود، از نگاه بسیاری از ناظران صرفاً مجموعه‌ای از واکنش‌های جداگانه نیست، بلکه بخشی از یک رویکرد استراتژیک است که بر اصلی ساده استوار است: هرچه فشار بر رژیم ایران افزایش یابد، دامنه تنش‌ها در نقاطی دورتر از آن گسترده‌تر می‌شود. بر اساس این برداشت، جغرافیا به خودی خود هدف نیست، بلکه ابزاری برای وقت‌گشی از سوی تهران است.

در سال‌های اخیر، منطقه به صحنه‌ای درهم‌تنیده از بحران‌ها تبدیل شده است. پرونده هسته‌ای، برنامه موشکی، نفوذ منطقه‌ای و امنیت گذرگاه‌های دریایی، همگی در یک معادله بهم گره خورده‌اند. هر زمان که مذاکرات یا فشارهای بین‌المللی به مرحله‌ای سرنوشت‌ساز نزدیک می‌شوند، بحران‌های تازه‌ای در چندین جبهه پدیدار می‌شوند که موجب تغییر اولویت‌های جامعه جهانی و کاهش تمرکز بر پرونده‌های اصلی مرتبط با حکومت ایران می‌شوند.

برخی تحلیلگران معتقدند یکی از مهم‌ترین اهداف این استراتژی، منحرف کردن توجه جامعه جهانی از برنامه هسته‌ای به سمت مدیریت بحران‌های منطقه‌ای است. هنگامی که امنیت کشتیرانی در خلیج فارس یا دریای سرخ، امنیت انرژی یا ثبات کشورهای همسایه به موضوعات اصلی روز تبدیل می‌شوند، بحث درباره غنی‌سازی اورانیوم و آینده برنامه هسته‌ای، دست‌کم بطور موقت، به حاشیه رانده می‌شود. برای حکومتی که سال‌ها درگیر مذاکراتی پیچیده بوده، زمان یک عامل فرعی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین عناصر قدرت به شمار می‌رود.

از همین رو، برخی کارشناسان بر این باورند که تهران با زمان به عنوان یک منبع و ابزار استراتژیک برخورد می‌کند. هر دور مذاکره که به تعویق بیفتد و هر بحران منطقه‌ای که توجهات را به خود جلب کند، فرصت بیشتری برای حفظ توانمندی‌های علمی، صنعتی و نظامی و ادامه توسعه برنامه‌هایش، در چارچوب شرایط سیاسی و اقتصادی موجود، فراهم می‌آورد. چه این تفسیر پذیرفته شود و چه نه، واقعیت آن است که عامل زمان در بیشتر مراحل

مشکل «جنگِ ناتهام» و سیاستِ حمله نظامی همراه با معامله!



دونالد ترامپ در کنار مارکو روبریو و پیت هگست وزرای خارجه و جنگ ایالات متحده

● هزینه جنگ ناتهام برای آمریکا بیش از دستاوردهای سیاسی آن است و ترامپ گزینه‌ی دیگری جز ادامه جنگ یا کنار گذاشتن طرح خود برای برقراری صلح در خاورمیانه ندارد. ● هیچ نشانه‌ای دیده نمی‌شود که رژیم ایران آماده باشد از کنترل تنگه هرمز، حفظ برنامه هسته‌ای و حمایت از نیروهای نیابتی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دست بکشد. این چیزی جز کشاندن جنگ آمریکا به باتلاق تنگه هرمز و به آب انداختن طرح صلح ترامپ در رود اردن نیست.

رفیق خوری (ایندیپندنت عربی) - در کاخ سفید، جایی که بنیامین نتانیاهو با دونالد ترامپ دیدار کرد، و سپس در کمپ دیوید، جایی که ترامپ دستیاران و کارشناسان امنیت ملی دولت خود را گرد آورد، تصمیم برای وارد کردن «ضربه سنگین» به رژیم ایران پس از دو هفته حملات محدود و یک وقفه جنگی شکل گرفت.

اما تنها چند ساعت پیش از زمان تعیین شده برای اجرای حمله، اعلام شد که این عملیات به درخواست میانجی‌ها لغو شده و بر سر «چارچوب‌های یک توافق جدید» تفاهم حاصل شده است.

کدام توافق؟!

بخشی از این توافق چیزی جز وعده‌های شفاهی برای بهبود «تفاهم‌نامه»ای نیست که بیش از یکبار متولد شده و از میان رفته است؛ تفاهم‌نامه‌ای که بر اساس آن آتش‌بس برقرار شد و ۶۰ روز برای مذاکرات میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران درباره توافق نهایی تعیین شد. اما چه چیز تازه‌ای در این تفاهم وجود دارد؟

بخشی از آن، تجدید مفاد مربوط به بازگشایی کامل تنگه هرمز و تعهد تهران به «پایان دادن به تهدید هسته‌ای» است. تنگه هرمز اما پیش از جنگ اخیر باز بود و در جریان جنگ به مسئله تبدیل شد! همچنین در میان اهداف حمله آمریکا و اسرائیل در پایان فوریه ۲۰۲۶ (اسفند ۱۴۰۴) موضوع تعهد رژیم ایران به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای آن وجود نداشت؛ موضوعی که اساس توافق هسته‌ای دوران باراک اوباما در سال ۲۰۱۵ بود. ترامپ از آن توافق به این دلیل خارج شد که آن را «بدترین توافق تاریخ» می‌دانست!

با این حال، اهدافی که جنگ به خاطر آنها آغاز شده، همچنان در هاله‌ای از عدم قطعیت قرار دارند؛ گویی جنگ برای بازگشت به شرایط پیش از جنگ صورت گرفته است! ترجمه عملی توافق جدیدی که آمریکا خواهان دستیابی سریع به آن است، وگرنه «ضربه سنگین» در راه خواهد بود، با مخالفت نیروهایی در جمهوری اسلامی روبروست که حاضر نیستند از دو سلاح دست بکشند:

نخست، سلاح کنترل تنگه هرمز به عنوان تضمینی برای جلوگیری از حمله آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی؛ زیرا چنین حمله‌ای می‌تواند بحران شدید بین‌المللی در زمینه تأمین نفت، گاز و تولیدات پتروشیمی ایجاد کند.

دوم، باقی ماندن در آستانه هسته‌ای و مبهم نگه داشتن مسئله مپ هسته‌ای به عنوان تضمینی برای بقای رژیم اسلامی در تهران. زیرا هیچکس باور نمی‌کند که جمهوری اسلامی ده‌ها یا صدها میلیارد دلار هزینه کرده، نسل‌هایی از دانشمندان هسته‌ای را تربیت کرده و تحریم‌ها و جنگ‌ها را تحمل کرده، صرفاً برای اینکه یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشد! برنامه‌ای که سازمان ملل نیز در نمونه‌های

سن‌تزو استراتژیست نظامی چین باستان درباره «قانون» جنگ می‌گوید که باید میان هزینه جنگ و منافع سیاسی آن توازن برقرار کرد. از این دیدگاه، هزینه جنگ برای آمریکا بیش از منافع سیاسی آن بوده؛ در حالی که منافع سیاسی رژیم ایران، با وجود هزینه‌های بسیار سنگین و ویرانگر جنگ، بیش از هزینه‌های آن بوده است.

ترامپ اکنون در برابر انتخابی دشوار و حساس قرار دارد: یا جنگ را ادامه دهد، یا طرح خود برای صلح در خاورمیانه، از غزه و کرانه باختری تا تهران، از مسیر بیروت، دمشق، بغداد و صنعاء، کنار بگذارد. او میان عواملی که وی را به ادامه جنگ تشویق می‌کنند و موانعی که او را از تکرار ماجراجویی‌های بی‌حساب و کتاب بازمی‌دارند، سرگردان است.

جمهوری اسلامی نیز با انتخابی دشوار مواجه است: میان آموختن درس‌های جنگ، از جمله ضرورت گشایش مشکلات در داخل، یا ادامه سیاست‌های سختگیرانه و نگرانی از خطر فروپاشی نظام از درون، پس از پایان جنگ.

در هفته پنجم جنگ، محمدمهدی اردبیلی از پژوهشگران جمهوری اسلامی مدعی شد: «در این لحظه، جمهوری اسلامی و ایران یکی شده‌اند و از یک جنس هستند؛ بنابراین اگر جمهوری اسلامی سقوط کند، ایران نیز سقوط خواهد کرد.»

اما جمهوری اسلامی انتخاب خود را کرده است. این رژیم نمی‌خواهد به آن ایرانی بازگردد که مخالفان، روشنفکران و منتقدان نظام به آن باور دارند. از سوی دیگر، کشوری که جنگ آن را «کمر تنگ‌تر» و بیشتر راستگرا کرده، چیزی جز یک نظام اقتدارگرای راستگرا نیست.

با این حال، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که تهران آماده باشد از کنترل تنگه هرمز، حفظ برنامه هسته‌ای و حمایت از نیروهای نیابتی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دست بکشد و این چیزی نیست جز نوعی کشاندن جنگ آمریکا به باتلاق تنگه هرمز و به آب انداختن صلح ترامپ در رود اردن!

*نویسنده: رفیق خوری تحلیلگر لبنانی

*منبع: ایندیپندنت عربی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

مشابه از آن حمایت می‌کند و روسیه نیز در مجتمع بوشهر در آن مشارکت دارد. اکنون پرسش ساده به نحوه مدیریت بازی سیاسی مربوط می‌شود. ترامپ سیاست آمریکا را گویی در یک به اصطلاح «تألیفی شو» اداره می‌کند. او شب و روز از ابراز سخنان متناقض دست نمی‌کشد؛ چه در دفتر کار، چه در مسیر سفر و چه در هواپیما.

از نظر حجم اظهارات و تماس‌های تلفنی با وزرای خارجه‌ی تقریباً همه کشورها، تنها کسی که می‌توان او را با ترامپ مقایسه کرد، عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی است.

اما رهبر جدید رژیم ایران، مجتبی خامنه‌ای، که کسی او را نه می‌بیند و نه صدایش را می‌شنود، سیاست را از طریق پیام‌هایی مکتوب که به نام او منتشر می‌شوند، و حتا نه پیام‌های صوتی، مدیریت می‌کند!

در مورد «شورای عالی امنیت ملی» رژیم ایران نیز که نمایندگان همه جناحین قدرت را در خود جای داده، به نظر می‌رسد نقش تعیین‌کننده در تصمیمات آن بر عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به رهبری سردار پاسدار احمد وحیدی است؛ فردی که برخی او را قدرتمندترین مرد تهران می‌دانند. مشکل درگیری آمریکا و رژیم ایران اما اینجاست که هر دو طرف ادعا می‌کنند پیروز شده‌اند. ترامپ از همان روزهای نخست اعلام کرد که آمریکا پیروز شده و تمام تسلیحات دریایی و هوایی جمهوری اسلامی و بخش بزرگی از موشک‌های آن را نابود کرده است.

رهبر جمهوری اسلامی نیز در پیامی مکتوب ادعا کرد: «ایران پیروز، شکست سختی به آمریکا تحمیل کرد.»

محمداقبر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز مرتب از پیروزی نظام سخن می‌گوید و آنچه به نظر وی باقی مانده فقط «تثبیت پیروزی» در عرصه ژئوپلیتیک است! اما واقعیت متفاوت از این ادعاهاست.

در یک جنگ ناتهام، هیچکس پیروز نیست. همه تفاوت میان «پیروزی» و «نباختن» را می‌دانند. آمریکا شکست نخورده، ولی پیروز هم نشده؛ رژیم ایران نیز پیروز نشده، هرچند ممکن است شکست‌خورده به نظر نرسد.

عبدالرحمن الراشد تحلیلگر عربستانی: «ائتلاف» علیه رژیم ایران در سه جبهه



از راست: شهپاز شریف نخست وزیر پاکستان، محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، اردوغان رئیس جمهور ترکیه/ مه ۷/ اوت ۲۰۲۶

● جنگی که جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته، علیه عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس است، و نه جنگی علیه آمریکا یا اسرائیل!

● حکومتی که پس از نابودی حزب الله در لبنان و سقوط متحدش، نظام بشار اسد در سوریه، بیشتر مراکز نفوذ خود را از دست داده، تصمیم گرفت منطقه را بی ثبات کرده و یک واقعیت ژئوپلیتیک جدید ایجاد کند که به آن امکان تهدید کشورهای عربی را بدهد.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - اکنون روشن شده است که جنگی که جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته، علیه عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس است، و نه جنگی علیه آمریکا یا اسرائیل. رژیم ایران از ماه فوریه گذشته تا کنون علاوه بر موشک های بالستیک که تأسیسات غیرنظامی و نظامی را هدف قرار داده اند، بیش از هزار پهپاد به سوی عربستان سعودی شلیک کرده و با گسترش جنگ از طریق زمینی در دو کشور عراق و یمن، تلاش کرده است عربستان را در محاصره قرار دهد.

ریاض در مقابل، تهران را با ایجاد ائتلافی متشکل از سه کشور که از نظر مرزی خاک ایران را احاطه کرده اند، غافلگیر کرد. این ائتلاف اکنون موازنه قدرت علیه رژیم ایران را تغییر می دهد. ترکیه و پاکستان دیگر تماشاگر نیستند، بلکه به دو کشور دیگر در رویارویی تبدیل شده اند؛ قدرتی با عمق استراتژیک، توانمندی های نظامی بیشتر و جمعیتی حدود ۴۰۰ میلیون نفر، یعنی چهار برابر جمعیت ایران، و بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر مرز زمینی در همسایگی ایران.

از نظر بین المللی نیز ترکیه عضو ائتلاف نظامی کشورهای غربی، ناتو، است و پاکستان یک قدرت هسته ای محسوب می شود و از نظر نظامی به چین نزدیک است. این اقدام عربستان بر نحوه مدیریت درگیری و مذاکرات تأثیر خواهد گذاشت و به تدریج موجب خواهد شد حکومت ایران بسیاری از اهرم های قدرت را که در جنگ خود با آمریکا در اختیار داشت، از دست بدهد.

ماه گذشته، جمهوری اسلامی با گشودن دو جبهه در مرزهای عراق و یمن، جنگ خود را در شمال و جنوب عربستان تشدید کرد. این اقدام خطرناک است؛ به ویژه آنکه همزمان با فعالیت های ولیعهد عربستان برای دستیابی به «توافق مکه» و اعلام ائتلاف نظامی سه جانبه با ترکیه و پاکستان صورت گرفت؛ ائتلافی که از سال گذشته در حال آماده شدن بود. این دومین ائتلافی است که عربستان پس از تشکیل یک ائتلاف نظامی دریایی بین المللی به رهبری ریاض که هفته گذشته بین همه کشورهای عضو امضاء شد، در فاصله یک هفته تشکیل داده و اعلام کرده است.

اهمیت ائتلاف با ترکیه و پاکستان در سه جبهه آشکار می شود: بازدارندگی در برابر حکومت ایران، بازار نفت، و افکار عمومی در کشورهای عربی و اسلامی.

جبهه نخست: خود رژیم ایران

فعالیت نظامی فزاینده تهران، نیت زمامداران ایران را برای گسترش دامنه درگیری و شاید ایجاد یک واقعیت جغرافیایی جدید در خلیج فارس که با زور تحمیل شود، آشکار می کند. هدف ائتلاف ریاض- آنکارا- اسلام آباد ایجاد توازن است که جمهوری اسلامی را از فکر پیشروی به منطقه خلیج فارس و همچنین هدف قرار دادن اردن، سوریه و یمن بازدارد. گسترش دامنه جنگ هزینه سنگینی برای زمامداران

بیش از آنکه بر دو دشمن اصلی اش در جنگ، یعنی آمریکا و اسرائیل، متمرکز باشد، عربستان و سایر کشورهای خلیج فارس و حتی اردن را هدف قرار داد.

جبهه نفت

جبهه نفتی نیز یکی دیگر از جبهه هایی است که این ائتلاف از آن دفاع می کند؛ نبردی که تمام جهان منتظر نتیجه آن است. حکومت ایران تنگه های هرمز در خلیج فارس و باب المندب در جنوب دریای سرخ را می بندد، تأسیسات تولید و صادرات نفت کشورهای خلیج فارس را هدف قرار می دهد و تلاش می کند جهان را وادار کند شرایط آن را بپذیرد. اما بلافاصله پس از اعلام ائتلاف سه جانبه جدید، بازارهای نفت واکنش سریعی نشان دادند و این خبر با کاهش قیمت نفت در بازارهای بین المللی همراه شد.

جبهه سوم: افکار عمومی

جبهه سوم، نبرد بر سر افکار عمومی است؛ نبرد بر سر قلب ها و ذهن های حدود ۳۰۰ میلیون عرب و بیش از یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان. این مردم شاهد جنگی هستند که برای آنان چنین تبلیغ می شد که گویا حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی، علیه یک کشور مسلمان و صلح طلب است! از آنجا که جنگ در مراحل اولیه تعیین تکلیف نشد، جمهوری اسلامی تلاش زیادی برای توجیه حملات خود و ارائه تصویری از همسایگان ایران به عنوان کشورهایی در اردوگاه آمریکا و اسرائیل، انجام داد.

اما در برابر این ائتلاف، برای دستگاه تبلیغاتی و رسانه های وابسته به رژیم ایران دشوار خواهد بود که یک میلیارد و نیم انسان را با روایت تحریف شده خود متقاعد کند که پاکستان، ترکیه و عربستان کشورهای ضدعرب و ضدمسلمان هستند! به این ترتیب، رهبران تهران که در زیر زمین پنهان شده اند، جنگ تبلیغاتی را نیز خواهند باخت. ما در روزهای آینده شاهد تغییر رفتار تهاجمی تهران خواهیم بود.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

ایران خواهد داشت.

تا کنون استراتژی تهران در رویارویی با جنگ آمریکا بر وابسته کردن بازار نفت به عنوان اهرم فشار استوار بوده است. بستن تنگه هرمز و حمله به کشورهای تولیدکننده نفت، برگ برنده رژیم ایران برای اعمال فشار بر یک قدرت بزرگ بود که نمی توانست از نظر نظامی به صورت برابر با آن مقابله کند. محور جدید سعودی این اهرم را از دست رژیم ایران می گیرد. در عین حال، می بینیم که ائتلاف سه جانبه از حمایت گسترده بین المللی برخوردار است؛ زیرا بیشتر دولت ها ترجیح داده اند در جنگ میان آمریکا، اسرائیل و جمهوری اسلامی بی طرف بمانند. بسیاری از کشورها، حتی آنهایی که رویارویی با رژیم ایران را موجه می دانند، معتقدند این جنگ بدون آمادگی حقوقی و دیپلماتیک کافی آغاز شده است.

اکنون اما این زمینه فراهم شده و می توان حمایت بین المللی از محور سه جانبه سعودی- ترکیه ای- پاکستانی را از حمایت گسترده جهانی از ائتلاف دریایی چندملیتی که عربستان هفته گذشته اعلام کرد، احساس کرد؛ ائتلافی که ۴۳ کشور طی نشست در ساختمان وزارت دفاع عربستان در ریاض تشکیل دادند. هر دو طرح، یعنی «پیمان مکه» و «پیمان دریای سرخ»، ماهیتی دفاعی دارند و علیه تجاوز از سوی رژیم ایران طراحی شده اند و هر دو نیز از نظر سیاسی و حقوقی از پیش آماده شده بودند.

جبهه ای که برای مقابله با حکومت ایران ایجاد شده، تنها متعلق به عربستان نیست، بلکه منطقه خلیج فارس و شرق جهان عرب را نیز تحت پوشش قرار می دهد.

هدف، متوقف کردن رژیم ایران است؛ حکومتی که پس از نابودی حزب الله در لبنان و سقوط متحدش، نظام بشار اسد در سوریه، بیشتر مراکز نفوذ خود را از دست داده است. تهران در نتیجه تصمیم گرفت منطقه را بی ثبات کرده و یک واقعیت ژئوپلیتیک جدید ایجاد کند که به آن امکان تهدید کشورهای عربی را بدهد.

نشانه های طرح جمهوری اسلامی از زمان از سر گرفتن جنگ در اواخر فوریه گذشته آشکار شد؛ زیرا حملات آن

«توافق مکه»: دفاع در مقابل اسرائیل یا در برابر جمهوری اسلامی؟!



اسرائیل هنوز راجع به این توافق اظهار نظری نکرده است، اما ابراهیم رضایی عضو «کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی» مجلس شورای اسلامی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس با انتقاد از این همکاری نوشت: «توافق‌های کاغذی با ترکیه و پاکستان برای عربستان امنیت نمی‌آورد.» او از سعودی‌ها خواسته که سیاست‌های‌شان را اصلاح کنند تا نیازی به «گدایی امنیت» از دیگران نداشته باشند. این توافق بر پایه‌ی پیمان دفاعی متقابل عربستان و پاکستان در سال گذشته بنا شده و حمایت هر دو کشور از ائتلاف دفاع در برابر پیشنه‌های عربستان برای حفاظت از مسیرهای انرژی را تقویت می‌کند.

«توافق مکه» همچنین حرکتی نمادین در جهت بازدارندگی جمعی در خاورمیانه‌ای است که در آتش جنگ افروزی‌های جمهوری اسلامی می‌سوزد. تحلیل اوزچلیک بر این نکته تأکید می‌کند که تمرکز اصلی نه بر رویارویی، بلکه بر ایجاد تعادل و فرصت‌های همکاری دفاعی است؛ امری که می‌تواند معماری امنیتی منطقه را به سمت وابستگی کمتر به چتر سنتی حمایت از سوی آمریکا سوق دهد، هرچند جزئیات اجرایی این توافق هنوز نامشخص است.

برای دنبال‌کنندگان اوضاع خاورمیانه در رابطه با یک پیمان دفاعی مشترک، آنچه انتظار می‌رفت، شکل‌گیری توافق عربستان با کویت، بحرین و امارات متحده بود؛ زیرا حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی مستقیم متوجه این کشورها شده و تا کنون نیز خسارت‌های فراوانی به مناطق غیرنظامی آنها وارد آورده است.

در مجموع، ایستادن عربستان در کنار ترکیه به عنوان حامی تروریسم حماس و پاکستانی که اسرائیل را مانند جمهوری اسلامی به رسمیت نمی‌شناسد، پیچیده‌تر شدن رابطه‌ی پادشاهی سعودی با اسرائیل را با پیام دورشدن از «پیمان ابراهیم» نشان می‌دهد و با توجه به اینکه برخلاف اسرائیل، به نظر می‌رسد هر سه کشور عضو «توافق مکه» دست‌کم در حال حاضر مخالف سقوط جمهوری اسلامی هستند، این توافق می‌تواند به عنوان یک صف‌آرایی پنهان علیه قدرت دفاعی اسرائیل نیز تفسیر شود.

اوزچلیک می‌افزاید: «فکر می‌کنم هدف دقیقاً برعکس [درگیری مستقیم] است.»

این دیدگاه اوزچلیک نشان می‌دهد که سه کشور به دنبال ایجاد تعادل استراتژیک بدون تشدید تنش‌های مستقیم با جمهوری اسلامی هستند. او در تحلیل خود، توافق را ابزاری برای تقویت موقعیت جمعی این سه قدرت میانی با جمعیت مسلمان و سنی‌مذهب می‌داند که در میان عدم اطمینان فراینددهی منطقه‌ای، برای هماهنگی امنیتی بیشتری تلاش می‌کنند.

عربستان به عنوان صادرکننده‌ی بزرگ نفت و میزبان اماکن اسلامی مانند کعبه، ترکیه با دومین ارتش بزرگ عضو ناتو و پاکستان تنها کشور مسلمان‌نشین هسته‌ای، از طریق این پیمان وزن دیپلماتیک و دفاعی خود را افزایش می‌دهند. در همین ارتباط، اوزچلیک به فرصت‌های صنعتی برای ترکیه نیز اشاره کرده است. توافق می‌تواند زمینه را برای تولید مشترک، مشارکت‌های فناوری، خرید تجهیزات و افزایش قابلیت همکاری‌های نظامی فراهم کند و صنعت دفاعی ترکیه را تقویت نماید.

به نظر می‌رسد این تحلیل با واقعیت‌های موجود مطابقت دارد: پاکستان دهه‌هاست که آموزش و کمک فنی به نیروهای سعودی ارائه می‌دهد؛ ترکیه و پاکستان جنگ‌افزار و هواپیماهای آموزشی مبادله کرده‌اند و عربستان خریدار عمده‌ی پهپادهای ترکیه است. پاکستان همچنین حدود هشت هزار نیرو همراه با جت‌های جنگنده و سامانه‌های پدافند هوایی در عربستان مستقر کرده است.

نمادگرایی سیاسی و پیامدها

عبدالعزیز ساگر رئیس مرکز تحقیقات خلیج فارس این توافق را نماد تقابل قدرت‌های منطقه‌ای به هماهنگی امنیتی بیشتر دانسته و گفته است که این پیمان می‌تواند به ظهور معماری امنیتی منطقه‌محور کمک نماید. مقامات سعودی نیز تأکید کرده‌اند که این پیمان محور نظامی یا بلوک فرقه‌ای ایجاد نمی‌کند و به جاه‌طلبی‌های هسته‌ای یا مسابقه‌ی تسلیحاتی مرتبط نیست.

● رویترز بر اساس بیانیه پیمان مکه می‌نویسد، هدف این توافق تقویت بازدارندگی جمعی در برابر هرگونه تجاوز است و تصریح می‌کند که حمله‌ی مسلحانه به هر یک از سه کشور، حمله به همه‌ی آنها تلقی خواهد شد.

● بورجو اوزچلیک پژوهشگر ارشد امنیت خاورمیانه در لندن تأکید کرده که این توافق بر «مقابله با هژمونی جمهوری اسلامی در منطقه و ایجاد بازدارندگی در برابر اسرائیل» متمرکز است، نه حرکت به سوی رویارویی مستقیم با رژیم تهران.

هفتم اوت ۲۰۲۶ منطقه و جهان شاهد امضای یک پیمان دفاعی سه‌جانبه بود. پیمانی که فعلاً یادآور ماده پنجم پیمان نظامی ناتو است تا در عمل چگونه اجرا شود: حمله به یکی یعنی حمله به همه!

سه کشور عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه، با اکثریت جمعیت مسلمان، در میان آشفته‌گی‌های منطقه‌ای، یک پیمان دفاعی را در مکه امضاء کردند که تا به مرحله اجرا نرسد، می‌توان تفسیرهای مختلف و حتا متناقض از آن ارائه داد.

این پیمان دفاعی موسوم به «توافق دفاعی مشترک مکه» (MJDA) در حالی منعقد شده که خاورمیانه با تشدید درگیری‌ها به دلیل حملات مداوم موشکی جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش به کشورهای خلیج فارس و اختلال در مسیرهای انرژی جهانی مواجه است.

رویتز بر اساس بیانیه پیمان مکه می‌نویسد، هدف این توافق تقویت بازدارندگی جمعی در برابر هرگونه تجاوز است و تصریح می‌کند که حمله‌ی مسلحانه به هر یک از سه کشور، حمله به همه‌ی آنها تلقی خواهد شد.

با این حال، بیانیه جزئیات مشخصی درباره‌ی تعهدات نظامی یا نحوه‌ی اجرای آن ارائه نکرده و مشخص نیست تا چه حد طرفین را به اقدام نظامی در دفاع از یکدیگر ملزم می‌کند. مقامات ترکیه تأکید کرده‌اند که این توافق صرفاً دفاعی است و هدفی علیه هیچ کشور خاصی نداشته و توافقی‌های موجود با کشورهای دیگر را لغو نمی‌کند.

این پیمان پس از نزدیک به یک سال مذاکره، توسط ولیعهد سعودی محمد بن سلمان، رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان و نخست وزیر پاکستان شهباز شریف در شهر مکه به امضاء رسید. هر سه کشور به عنوان متحدان سنتی آمریکا نگرانی‌های مشترکی درباره‌ی حملات تهاجمی جمهوری اسلامی و همچنین قدرت دفاعی اسرائیل دارند که ممکن است پای آنها را به میدان جنگی ناخواسته بکشاند.

پس از حمله‌ی آمریکا و اسرائیل در اسفندماه ۴۰۴ علیه جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش، رژیم ایران حملات موشکی و پهپادی به عربستان و دیگر کشورهای خلیج فارس را افزایش داده و صادرات انرژی را مختل کرده است. درگیری‌های جدید خاورمیانه درواقع پس از حملات تروریستی حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ کماکان ادامه دارد و ابعاد گسترده‌تری یافته است.

بورجو اوزچلیک پژوهشگر ارشد امنیت خاورمیانه در اندیشکده‌ی RUSI (مؤسسه‌ی سلطنتی خدمات متحده) در لندن، به تحلیل اولیه این توافق پرداخته است. او تأکید کرد که این توافق بر «مقابله با هژمونی جمهوری اسلامی در منطقه و ایجاد بازدارندگی در برابر اسرائیل» متمرکز است، نه حرکت به سوی رویارویی مستقیم با رژیم تهران.

کهای دیپلماسی؛ محصول مذاکره برای مذاکره



● تنگهی هرمز، که سالها به عنوان تهدیدی جدی در دست جمهوری اسلامی قرار داشت، توسط آمریکا به فرصتی استراتژیک و چندلایه تبدیل شد.

● عبارت معروف «صلح از طریق قدرت» از نظر فلسفی و تاریخی به معنای عدم مداخله‌ی نظامی یا پرهیز مطلق از استفاده از زور نیست. این مفهوم در ابتدا با روحیه‌ی «صلح از طریق شجاعت» پیوند داشت و بعدها در ادبیات سیاسی تغییر یافت.

● رژیم تهران از مذاکره نه به عنوان ابزار حل اختلاف، بلکه به عنوان ابزار خرید زمان، دور زدن تحریم‌ها، گسترش نفوذ منطقه‌ای و پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای و موشکی استفاده کرده است.

● راهبرد کلی آمریکا در قبال تهدیدات رژیم ایران باید بر اساس درس‌های تاریخی روشن باشد: بازدارندگی واقعی نیازمند اراده‌ی قاطع است، نه صرفاً تجهیزات پیشرفته یا مذاکرات بی‌پایان. تبدیل تهدید هرمز به فرصت نشان داد که واشنگتن می‌تواند هوشمندانه و چندلایه عمل کند.

● صلح پایدار نه از مذاکره‌ی بی‌پایان با کسانی که ایدئولوژی‌شان بر نابودی طرف مقابل و گسترش تروریسم استوار است، بلکه از قدرت همراه با اراده‌ی استفاده از آن در زمان مناسب پدید می‌آید. مردم ایران آماده‌اند و بارها آمادگی خود را نشان داده‌اند.

فرد صابری - تنگهی هرمز، که سالها به عنوان تهدیدی جدی در دست جمهوری اسلامی قرار داشت، توسط آمریکا به فرصتی استراتژیک و چندلایه تبدیل شد. این موضوع نشان می‌دهد چگونه واشنگتن با مدیریت هوشمند محدودیت‌ها بر این آبراه حیاتی انرژی جهان، همزمان بر چین، روسیه و رژیم تهران فشار وارد می‌کند و تهدیدی قدیمی را به اهرمی قدرتمند برای بازدارندگی تبدیل کرده است. اکنون زمان آن رسیده که به لایه‌ی عمیق‌تر و راهبرد کلی‌تر رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده پرداخته شود؛ راهبردی که فراتر از یک تنگه یا یک بحران منطقه‌ای است و به انتخاب بنیادین میان اقدام قاطع نظامی یا رفتن به کهای دیپلماسی می‌انجامد.

در کابینه‌ی ترامپ دو دیدگاه کاملاً متمایز و گاه متضاد وجود دارد. یکی متعلق به افرادی مانند مارکو روبیو است که بر قدرت سخت، آمادگی برای اقدام و استفاده از ابزار نظامی در صورت ضرورت تأکید دارد. دیگری دیدگاه جی‌دی ونس است که بیشتر به مذاکره، احتیاط و پرهیز از درگیری‌های مستقیم گرایش دارد. طرفداران مذاکره، به‌ویژه ونس و هم‌فکرانش، همواره این جمله را تکرار می‌کنند: «نباید در باتلاق جنگ فرو رفت». این شعار در ظاهر منطقی و مسئولانه به نظر می‌رسد، اما نتیجه‌ی عملی آن در بسیاری از موارد، فرو رفتن در باتلاقی به مراتب خطرناک‌تر و طولانی‌مدت‌تر است: باتلاق دیپلماسی. باتلاقی که ظاهراً مسالمت‌آمیز، دیپلماتیک و خشونت‌پرهیز است، اما در عمل می‌تواند هزینه‌های انسانی، اقتصادی و استراتژیک بسیار سنگین‌تری به بار آورد و دشمن را تشویق به جسارت بیشتر کند.

دیپلماسی اگرچه در ظاهر خشونت‌پرهیز و متمدنانه به نظر می‌رسد، همیشه و در همه شرایط از درگیری و کشتار جلوگیری نمی‌کند. تاریخ اروپا پیش از جنگ جهانی

نمونه‌ی روشن و معاصر این اشتباه استراتژیک در اوکراین رخ داد. تمام رسانه‌های دنیا و دستگاه‌های اطلاعاتی غرب می‌دانستند که روسیه به بهانه‌ی مانور نظامی، ده‌ها هزار نیرو در مرزهای اوکراین جمع کرده است. حتی دبیرکل ناتو از طریق کانال‌های دیپلماتیک رسمی از مسکو توضیح خواست و هشدار داد. نتیجه چه شد؟ به فاصله‌ی کمتر از چند ماه، جنگ تمام‌عیار آغاز شد و کشتار مردم اوکراین، تخریب شهرها و آوارگی میلیون‌ها نفر شروع گشت. اگر آمریکا و اروپا حتی بیست هزار سرباز را به بهانه‌ی مانور نظامی مشترک در مرزهای اوکراین مستقر می‌کردند، محاسبات پوتین به کلی تغییر می‌کرد و جنگ اوکراین هرگز آغاز نمی‌شد. این یک اشتباه فاحش تاریخی بود که هزینه‌ی بهای آن هنوز هم پرداخته می‌شود. پس از آغاز جنگ نیز به بهانه‌ی احتمال استفاده‌ی مسکو از بمب اتمی، جهان را از کمک قاطع، سریع و همه‌جانبه به اوکراین ترساندند. اما وقتی جهان آزاد شجاعت حمایت واقعی و تسلیحاتی را نشان داد، ورق جنگ به تدریج به نفع جهان آزاد برگشت. اوکراین توانست پیشروی روسیه را متوقف کند، مناطق اشغالی را بازپس گیرد و حتی جنگ را به عمق خاک روسیه و نزدیکی مسکو بکشاند. این تجربه ثابت کرد که اراده و اقدام به موقع می‌تواند معادله را تغییر دهد.

درباره‌ی ایران نیز دقیقاً همین الگو در جریان است و خطر تکرار اشتباهات گذشته بسیار جدی است. جمهوری اسلامی مذاکره‌پذیر نیست و چیزی برای تست کردن راهی که چهل‌وهفت سال است بارها و بارها آزمایش شده، باقی نمانده است.

رژیم تهران از مذاکره نه به عنوان ابزار حل اختلاف، بلکه به عنوان ابزار خرید زمان، دور زدن تحریم‌ها، گسترش نفوذ منطقه‌ای و پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای و موشکی استفاده کرده است. با این حال امثال ونس با بهانه‌های واهی و ظاهراً انسانی مانند «مهاجرت نود و چهار میلیون ایرانی» یا ترس از بی‌ثباتی منطقه‌ای، جنگ یا اقدام قاطع را متوقف می‌کنند؛ گویی شرایط کنونی ایران آن قدر خوب و ←

دوم درس روشن و تلخی دارد که نباید فراموش شود. دیپلماسی با هیتلر و سیاست مہاشات بریتانیا و فرانسه در دهه‌ی ۱۹۳۰، به هیچ نتیجه‌ای جز کشتار میلیونی برای بریتانیا و سراسر اروپا منجر نشد. قرارداد مونیخ و تلاش‌های مکرر برای آرام کردن دیکتاتور آلمانی، تنها خریدن زمان برای آلمان نازی بود تا ماشین جنگی خود را تکمیل کند. اگر به هشدارهای مکرر وینستون چرچیل پیش از جنگ گوش داده می‌شد و بریتانیا و فرانسه ماشین جنگی خود را به موقع و با جدیت آماده می‌کردند، تلفات به مراتب کمتر می‌شد و شاید حتی جنگ جهانی دوم با آن ابعاد فاجعه‌بار رخ نمی‌داد. امتناع آمریکا و اروپایی‌ها از ورود به موقع به جنگ‌ها یا تأخیرهای طولانی در مداخله، بارها و بارها باعث افزایش چشمگیر کشتارها و طولانی‌تر شدن رنج مردم بی‌گناه شده است. بنابراین، این منطق که «دیپلماسی همیشه و در همه حال باعث کمتر شدن تلفات می‌شود» حرفی بسیار اشتباه و خطرناک است. امروز نیز همین الگو در مقیاس جهانی تکرار می‌شود. بعضی به بهانه‌ی «باتلاق جنگ» و ترس از درگیری مستقیم، جهان را در خطری بزرگتر و ویرانگرتر از جنگ جهانی قرار داده‌اند؛ زیرا با تأخیر، ضعف اراده و مذاکرات بی‌پایان، دشمن را تشویق به پیشروی و آزمون اراده‌ی غرب می‌کنند.

عبارت معروف «صلح از طریق قدرت» از نظر فلسفی و تاریخی به معنای عدم مداخله‌ی نظامی یا پرهیز مطلق از استفاده از زور نیست. این مفهوم در ابتدا با روحیه‌ی «صلح از طریق شجاعت» پیوند داشت و بعدها در ادبیات سیاسی تغییر یافت. داشتن ماشین نظامی قوی، پیشرفته و مجهز بدون اراده‌ی قاطع برای استفاده از آن در زمان ضرورت، معنای واقعی «صلح از طریق قدرت» را کاملاً تهی می‌کند. قدرت بدون اراده، بازدارندگی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه در عمل به دعوت‌نامه‌ای برای تجاوز و ماجراجویی دشمن تبدیل می‌شود. وقتی دشمن بداند که طرف مقابل سلاح دارد اما جرأت یا اراده‌ی به کارگیری آن را ندارد، محاسباتش کاملاً تغییر می‌کند و جسورتر می‌شود.

پهپاد جمهوری اسلامی با فناوری آمریکایی!



را ندارد. موشک‌ها و پهپادهای به اصطلاح «ساخت» جمهوری اسلامی نیز یکی از همین بلوف‌ها هستند. تسلیحاتی که نظام آن را نماد «خودکفایی نظامی» معرفی می‌کند، مشخص شده که در بخش‌های اصلی خود به فناوری شرکت‌های آمریکایی و دیگر تولیدکنندگان غربی وابسته‌اند.

فرید خلیفی - مردم ایران سال‌هاست دریافته‌اند که تمام شعارهای نظام اسلامی برآمده از انقلاب ۵۷ پوچ و بلوف هستند. از خودکفایی اقتصادی گرفته تا استقلال سیاسی. زیرا رژیم که همواره در حال دستبرد به منابع ملی بوده و هست، حتی اگر بخواهد هم توان هزینه کردن سرمایه کشور در زیرساخت‌ها و فناوری‌های مدرن

پایدار است که مردم مهاجرت نکنند!

واقعیت درست برعکس است. عدم سقوط جمهوری اسلامی و تداوم وضعیت فعلی است که مهاجرت را تشدید می‌کند و امید را از نسل‌های جوان می‌گیرد. طولانی کردن مذاکرات بی‌حاصل، تهدیدهای پی‌درپی بدون اقدام، و بی‌عملی آمریکا، امید را از ایران می‌راند و در نهایت به مهاجرت میلیونی و فرار مغزها منجر می‌شود. مردم ایران در شرایط سخت اقتصادی، سرکوب و بی‌آیندگی، چاره‌ای جز ترک وطن نمی‌بینند.

مردم ایران بارها نشان داده‌اند که با کشتار گسترده‌ی دی‌ماه ۱۴۰۱ و عملیات‌هایی مانند آپیک فیوری امید خود را از دست نداده‌اند و همچنان برای آزادی ایستاده‌اند. اما آن‌ها با مذاکرات بی‌نتیجه، وعده‌های توخالی و بی‌عملی آمریکا قطعاً از آمریکا و غرب ناامید خواهند شد. ناامیدی مردم از حامیان بالقوه‌ی آزادی، بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که می‌توان به رژیم سرکوبگر داد. در مذاکره با تروریست‌ها، به‌ویژه اسلام‌گرایان-کمونیست‌هایی که ایدئولوژی‌شان بر نابودی ارزش‌های غربی و گسترش نفوذ استوار است، هیچ خبری نهفته نیست که ونس و امثال او به‌دنبال آن هستند. این مذاکرات تنها زمان و فضا در اختیار رژیم قرار می‌دهد تا خود را بازسازی کند.

در مقابل، یک جنگ یا اقدام نظامی با استراتژی صحیح، دقیق و مبتنی بر مردم ایران، کار را به نفع غرب و جهان آزاد تمام خواهد کرد. ایرانی‌ها ممکن است جولانی یا چهره‌ای مشابه در داخل نداشته باشند، اما چهره‌ای چون جورج واشینگتن دارند که می‌تواند نماد اتحاد ملی و گذار به آزادی باشد و آن چهره، شاهزاده رضا پهلوی است. حمایت هوشمندانه از نیروی واقعی تغییر در داخل ایران، همراه با فشار حداکثری و در صورت ضرورت اقدام نظامی هدفمند، می‌تواند رژیم را بدون ایجاد هرج‌ومرج طولانی‌مدت سرنگون کند.

راهبرد کلی آمریکا در قبال تهدیدات رژیم ایران باید بر اساس درس‌های تاریخی روشن باشد: بازدارندگی واقعی نیازمند اراده‌ی قاطع است، نه صرفاً تجهیزات پیشرفته یا مذاکرات بی‌پایان. تبدیل تهدید هرمز به فرصت نشان داد که واشینگتن می‌تواند هوشمندانه و چندلایه عمل کند. اما اگر این هوشمندی در کمای دیپلماسی بی‌پایان و ترس از «باتلاق جنگ» غرق شود، نه تنها رژیم تهران جان دوباره‌ای می‌گیرد، بلکه پیام ضعف و تردید به تمام دشمنان آزادی در جهان ارسال خواهد شد. تاریخ بارها نشان داده است که تأخیر در اقدام قاطع، هزینه‌ی انسانی را چند برابر می‌کند و رنج مردم را طولانی‌تر می‌سازد.

صلح پایدار نه از مذاکره‌ی بی‌پایان با کسانی که ایدئولوژی‌شان بر نابودی طرف مقابل و گسترش تروریسم استوار است، بلکه از قدرت همراه با اراده‌ی استفاده از آن در زمان مناسب پدید می‌آید. مردم ایران آماده‌اند و بارها آمادگی خود را نشان داده‌اند. غرب باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد بار دیگر راه شکست‌خورده را بپیماید و هزینه‌ی آن را با جان و آینده‌ی میلیون‌ها نفر بپردازد، یا با استراتژی روشن، شجاعت و حمایت واقعی از نیروی مردمی در ایران، این تهدید چهل‌وهفت‌ساله را برای همیشه پایان دهد. تجربه‌ی اوکراین، تجربه‌ی پیش از جنگ جهانی دوم و تبدیل تهدید هرمز به فرصت، همگی یک پیام واحد و واضح دارند: دیپلماسی خواب‌آلود می‌تواند بسیار بدتر، طولانی‌تر و خونبارتر از جنگ باشد.

فرمانده جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی!



در حکمی که ادعا می‌شود توسط مجتبی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، صادر شده، پاسدار احمد وحیدی با ارتقای درجه به سرلشکری به مقام فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شده است.



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

منبع: تایمز اسرائیل
ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

حاصل «موفقیت فاجعه‌بار» توفان الاقصی؛ شکستی که معادلات سراسر خاورمیانه را دگرگون کرد

معروف به «امان»، نیز اذعان کرد که در هفتم اکتبر، دکترین امنیتی تثبیت شده اسرائیل که توسط بن‌گوریون تدوین و بعدها توسعه یافته بود، فرو ریخت. این دکترین بر چهار ستون اساسی استوار بود: بازدارندگی، هشدار زودهنگام، دفاع و پیروزی قاطع.

به گفته او، بازدارندگی و هشدار زودهنگام شکست خوردند؛ ارتش اسرائیل نیز با تکیه بر دیوارهای زیرزمینی و سامانه‌های فناورانه، آمادگی لازم را نداشت و در نتیجه اسرائیل متحمل ضربه ۷ اکتبر شد.

اما عملیات «توفان الاقصی» که اسرائیل را غافلگیر کرد، به پاسخی بسیار قاطع از سوی اسرائیل انجامید که کل غزه را ویران کرد و به یک تغییر استراتژیک انجامید: حرکت از بازدارندگی به سمت قاطعیت و از انتظار برای وقوع تهدید به حمله پیشگیرانه علیه آن، پیش از آنکه بزرگتر شود.

جنگی هم که «حزب‌الله» در لبنان به رهبری حسن

اکتبر ۲۰۲۳ آغاز کرد و خود آن را «موفقیتی فراتر از انتظار» می‌دانست، سرانجام به شکستی انجامید که معادلات سراسر خاورمیانه را تغییر داد.

حماس اکنون به آخرین مرحله بازی خریدن زمان رسیده است؛ تا آنجا که با تحویل سلاح‌های خود در چارچوب پروتکل شرم‌الشیخ و در قالب «صلح» مورد نظر ترامپ موافقت کرده است. تنها شرط باقیمانده، عقب‌نشینی اسرائیل از غزه پیش از تحویل سلاح‌هاست؛ در حالی که بنیامین نتانیاهو بر تحویل سلاح‌های «حماس» پیش از عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی اصرار دارد.

این بن‌بست نمی‌تواند برای مدت طولانی ادامه یابد؛ به ویژه در شرایطی که از یکسو فشارهای عربی و بین‌المللی، نیازهای مردم غزه و مشوق‌های «شورای صلح» وجود دارد و از سوی دیگر ۵۷ درصد از نوار غزه در اشغال اسرائیل است. بنابراین دیگر نیازی به آنچه مارکس از آن با عنوان «تسریع

● آنچه «حماس» با عملیات «توفان الاقصی» در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ آغاز کرد و خود آن را «موفقیتی فراتر از انتظار» می‌دانست، سرانجام به شکستی انجامید که معادلات سراسر خاورمیانه را تغییر داد.

● عملیات «توفان الاقصی» که اسرائیل را غافلگیر کرد، به پاسخی بسیار قاطع از سوی اسرائیل انجامید که کل غزه را ویران کرد و به یک تغییر استراتژیک انجامید: حرکت از بازدارندگی به سمت قاطعیت و از انتظار برای وقوع تهدید به حمله پیشگیرانه علیه آن، پیش از آنکه بزرگتر شود.

● در مجموع، آنچه از منظر ژئوپلیتیک و استراتژیک رخ داد، حرکت آمریکا برای بازطراحی خاورمیانه بود؛ درست برخلاف آنچه یحیی سنوار و محمد ضیف که مورد حمایت رژیم ایران بودند، تصور می‌کردند. درواقع آنچه «توفان الاقصی» در غزه و سراسر منطقه به وجود آورد، به بهترین شکل با تعبیر «موفقیت فاجعه‌بار» توصیف می‌شود.



نیروهای حماس در غزه

نصرالله در هشتم اکتبر و در حمایت از غزه آغاز کرد، در نهایت به اشغال پنج تپه استراتژیک در جنوب لبنان توسط اسرائیل انجامید. همچنین خود حسن نصرالله و جانشین او هاشم صفی‌الدین و فرماندهان رده‌های اول، دوم و سوم ساختار نظامی حزب‌الله کشته شدند.

اما جنگ دوم در حمایت از رژیم ایران، که سقوط نظام بشار اسد در سوریه پیش از آن رخ داده بود، به گسترش عملیات اشغالی اسرائیل تا رود لیتانی، تخریب کامل روستاهای خط مقدم و تخریب جزئی بسیاری از روستاهای جنوب لبنان و آوارگی یک میلیون نفر انجامید؛ و اینها جدا از ویرانی گسترده‌ای است که در نتیجه جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی برجای مانده است. ←

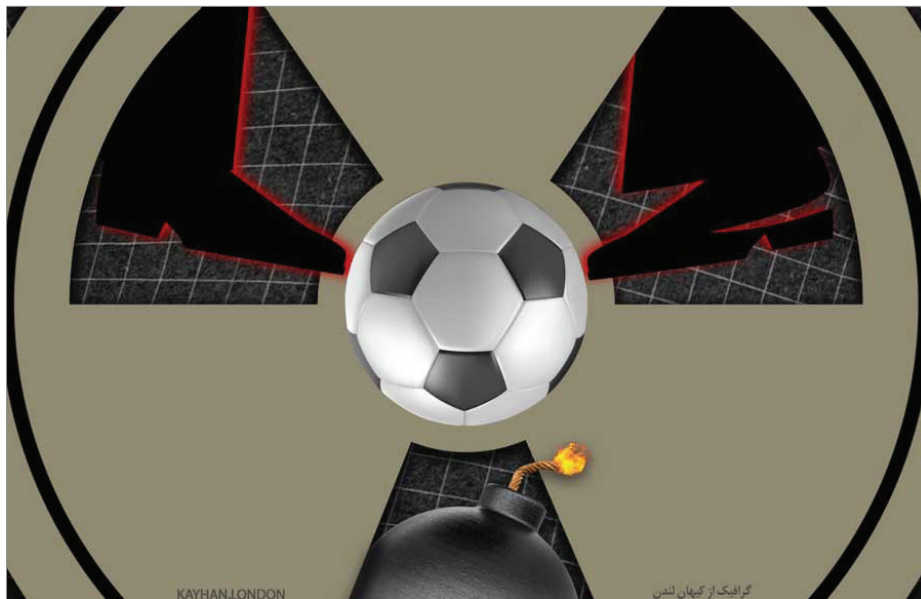
زایش دردهای تاریخی» یاد می‌کرد نیست؛ چرا که دردهای تاریخی فلسطین از قرن بیستم تا کنون ادامه داشته است. در شرایط دشوار کنونی، جایی برای ماجراجویی با هدف شتاب بخشیدن به روند تاریخ وجود ندارد. هنگام آغاز عملیات «توفان الاقصی»، محمد ضیف فرمانده نظامی «گردان‌های قسام»، از «فرزندان امت عرب و اسلامی» خواست به سوی فلسطین حرکت کنند و در «آزادسازی مسجدالاقصی» مشارکت داشته باشند.

یحیی سنوار رئیس شورای سیاسی «حماس» نیز خواهان چیزی شد که نشریه بریتانیایی «اکنومیسٹ» آن را «جنگی زلزله‌وار برای بازسازی خاورمیانه» توصیف کرد. عاموس یادلین رئیس پیشین اطلاعات نظامی اسرائیل،

● آنچه در سوریه فرو ریخت، «هلال شیعی» بود؛ و آنچه در جنگ با جمهوری اسلامی به پایان می‌رسد، پروژه منطقه‌ای رژیم ایران برای تغییر چهره خاورمیانه و سلطه بر آن است.

رفیق خوری (ایندیپندنت عربی) - تاریخ‌آفرینی در شرایط نامساعد کار آسانی نیست، حتی اگر محاسبات سیاسی در نگاه نخست وسوسه‌انگیز به نظر برسند. «حماس» نیز تنها سازمان مسلح ایدئولوژیک نیست که پس از دهه‌ها تجربه فلسطینی و عربی در عرصه گزینه‌های نظامی و سیاسی، تلاش کرده است چنین نقشی را ایفا کند. اما آنچه این جنبش با عملیات «توفان الاقصی» در هفتم

از برنامه هسته‌ای تهران چه خبر؟ برچیده شد یا با این جنگ فقط به تأخیر افتاد؟!



با وجود حملات انجام‌شده علیه سه مرکز اصلی هسته‌ای در ایران در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶، به نظر می‌رسد تهران همچنان ذخایر کافی از اورانیوم غنی‌شده نزدیک به سطح مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای را حفظ کرده است؛ ذخایری که بنا بر ارزیابی بازرسان سازمان ملل، می‌تواند امکان تولید سریع حداکثر ۱۰ مپ هسته‌ای را فراهم کند.

تا این لحظه، جنگ نشان داده است که «سیاست فشار حداکثری و اقدامات نظامی سختگیرانه که دونالد ترامپ در پیش گرفت، نتوانسته ظرفیت‌های هسته‌ای نظامی ایران را نابود کند.» این ارزیابی را داریل کیمبال مدیر اجرایی «انجمن کنترل تسلیحات» در تازه‌ترین تحلیل خود مطرح کرده است. شورای روابط خارجی اروپا نیز اعلام کرده است که «این توانمندی همچنان تا حد زیادی حفظ شده است».

حال نگاهی به آنچه بیندازیم که درباره سه تأسیسات اصلی هسته‌ای ایران می‌دانیم.

اصفهان؛ محل نگهداری بخش عمده اورانیوم غنی‌شده
بخش اعظم اورانیوم با غلظت بالا که می‌تواند سوخت لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای را فراهم کند، در نزدیکی شهر تاریخی اصفهان نگهداری می‌شود.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه فوریه ۲۰۲۶ برآورد کرد که جمهوری اسلامی ایران نزدیک به ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد در اختیار دارد؛ مقداری که در صورت تکمیل فرآیند غنی‌سازی، ظرف چند هفته برای ساخت ۹ تا ۱۰ مپ هسته‌ای کافی خواهد بود.

مجموع هسته‌ای اصفهان در جریان حملات هوایی آمریکا و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ آسیب گسترده و جدی دید.

در حال حاضر، دو تأسیسات مربوط به تبدیل و غنی‌سازی اورانیوم همچنان به شدت آسیب‌دیده هستند، اما بر اساس ارزیابی «رصدخانه هسته‌ای ایران»، نهادی که به‌طور مستمر توانمندی‌های هسته‌ای ایران را می‌سنجد، احتمال بسیار زیادی وجود دارد که ذخایر اورانیوم همچنان در همان محل باقی‌مانده باشند.

● از آنجا که جمهوری اسلامی بازرسی‌های سازمان ملل متحد را از حساس‌ترین تأسیسات هسته‌ای خود متوقف کرده است، سرنوشت دقیق ذخایر اورانیوم با غلظت بالا همچنان نامعلوم است. اما در هر شرایطی این موضوع یکی از موضوعات اصلی هرگونه توافق احتمالی صلح در آینده به شمار می‌رود.

● آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه فوریه ۲۰۲۶ برآورد کرد که جمهوری اسلامی ایران نزدیک به ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد در اختیار دارد؛ مقداری که در صورت تکمیل فرآیند غنی‌سازی، ظرف چند هفته برای ساخت ۹ تا ۱۰ مپ هسته‌ای کافی خواهد بود.

● جیمز اکتون فیزیکی‌دان و کارشناس مسائل ایران در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی معتقد است بخش قابل توجهی از زیرساخت برنامه هسته‌ای ایران همچنان پابرجاست؛ به اندازه‌ای که اگر بدون مانع به فعالیت خود ادامه دهد، «تصور می‌رود [رژیم] ایران در این مرحله بتواند ظرف کمتر از یک سال، و شاید حتی بسیار زودتر از آن، یک مپ هسته‌ای تولید کند».

الشرق الاوسط - یکی از مهم‌ترین دلایلی که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا برای جنگ علیه رژیم جمهوری اسلامی مطرح کرد، جلوگیری از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای بود. اما اکنون، پس از گذشت بیش از پنج ماه از آغاز درگیری‌ها، مقام‌های رسمی و کارشناسان بر این باورند که «این جنگ احتمالاً برنامه هسته‌ای را فقط به تأخیر انداخته، اما نتوانسته آن را متوقف کند».

از آنجا که جمهوری اسلامی بازرسی‌های سازمان ملل متحد را از حساس‌ترین تأسیسات هسته‌ای خود متوقف کرده است، سرنوشت دقیق ذخایر اورانیوم با غلظت بالا همچنان نامعلوم است. اما در هر شرایطی این موضوع یکی از موضوعات اصلی هرگونه توافق احتمالی صلح در آینده به شمار می‌رود.

در مجموع، آنچه از منظر ژئوپلیتیک و استراتژیک رخ داد، حرکت آمریکا برای بازطراحی خاورمیانه بود؛ درست برخلاف آنچه یحیی سنوار و محمد ضیف که مورد حمایت رژیم ایران بودند، تصور می‌کردند.

هیچکس نمی‌داند آیا جنگ ناآرام با جمهوری اسلامی ایران در چارچوب توافقی دشوار با آمریکا همچنان ناآرام باقی خواهد ماند یا نه. اما همه می‌دانند که اگر تصمیم به ادامه جنگ گرفته شود، از خلیج فارس تا دریای مدیترانه چه تغییری در انتظار منطقه خواهد بود؛ به گونه‌ای که چهره ایران، نیروهای نیابتی رژیم آن و کل خاورمیانه به شکلی بی‌سابقه دگرگون خواهد شد.

درست است که تهران تلاش می‌کند کنترل تنگه هرمز را به عنوان اهرمی در اختیار خود حفظ کند و بر حفظ بخش نظامی و محرمانه برنامه هسته‌ای، نیروهای نیابتی و برنامه موشکی خود اصرار دارد؛ اما واقعیت این است که در صورت ادامه و تکمیل جنگ، هیچکدام از اینها پایدار نخواهد ماند و همین مسئله خود می‌تواند یکی از عوامل ادامه جنگ باشد. درست است که خشونت اسرائیل در جنگ غزه، در میان افکار عمومی و محافل سیاسی اروپا و آمریکا، نوعی همبستگی با آرمان فلسطین - و نه با «حماس» - ایجاد کرده؛ اما در عین حال، «توفان الاقصی» باعث شد میانه‌روها و لیبرال‌های اسرائیلی خواهان صلح با فلسطینی‌ها، از ترس توافقی که به تشکیل کشوری فلسطینی با حکومتی مانند جمهوری اسلامی یا مشابه غزه منجر شود، به راستگرایان ملی‌گرا و مذهبی‌های تندرو اسرائیلی نزدیک شوند.

افزون بر این، جنگ‌های «حزب‌الله» در حمایت از غزه و رژیم ایران، دولت لبنان را واداشت فعالیت‌های نظامی و امنیتی این حزب را خارج از چارچوب قانون اعلام کند. در پی آن، ژوزف عون رئیس جمهور لبنان ناچار شد برای نجات کشور و پایان دادن به اشغال اسرائیل که پس از مقاومت «حزب‌الله» شکل گرفته بود، با میانجیگری آمریکا وارد مذاکرات مستقیم با اسرائیل شود.

از سوی دیگر، دولت عراق نیز پایان ماه سپتامبر آینده را آخرین مهلت برای جمع‌آوری سلاح‌های سازمان‌های وابسته به «حشد الشعبی» تعیین کرده است.

آنچه در سوریه فرو ریخت، «هلال شیعی» بود؛ و آنچه در جنگ با جمهوری اسلامی به پایان می‌رسد، پروژه منطقه‌ای رژیم ایران برای تغییر چهره خاورمیانه و سلطه بر آن است. در نهایت، این پرسش مطرح می‌شود: آیا سازمان‌های مسلح وابسته به رژیم ایران دریافته‌اند که باید این مرحله را از اساس مورد بازنگری قرار دهند و نه اینکه فقط سلاح‌های خود را کنار بگذارند؟ یا همچنان بر «مقاومت اسلامی» ای حساب می‌کنند که نه قادر است مانع اشغال سرزمین‌ها توسط اسرائیل شود و نه می‌تواند آنها را با زور آزاد کند؟

چگونه می‌توان پس از آنچه بر سر غزه آمده، همچنان بر آزادسازی فلسطین از طریق زور و از داخل نوار غزه حساب کرد؟ و چگونه می‌توان انتظار داشت یک پروژه منطقه‌ای با ماهیت مذهبی و وابسته به جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ای که با آن تفاوت‌های بنیادین دارد، همچنان به حیات خود ادامه دهد؟

پاسخ واقع‌بینانه این است که آنچه «توفان الاقصی» در غزه و سراسر منطقه به وجود آورد، به بهترین شکل با تعبیر «موفقیت فاجعه‌بار» توصیف می‌شود؛ اصطلاحی که لورنس فریدمن، متخصص و نظریه‌پرداز استراتژی بریتانیایی، برای چنین وضعیتی به کار می‌برد.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: رفیق خوری تحلیلگر لبنانی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

کاسپین؛ ایران چه حقوقی داشت و چه حقوقی در خطر است؟

● در عهدنامه ترکمانچای، ۲۲ فوریه ۱۸۲۸، در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، در کنار حق کشتیرانی تجاری دو طرف، امتیاز حضور کشتی‌های جنگی در کاسپین عملاً در اختیار روسیه تزاری قرار گرفت. این عدم توازن نزدیک به یک قرن ادامه داشت تا انقلاب روسیه زمینه بازنگری روابط دو کشور را فراهم کرد.

● در قرارداد اقامت، تجارت و بحریمایی ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱، در دوره رضاشاه و نخست‌وزیری مهدی‌قلی هدایت، برای کشتی‌های دو کشور در آب‌ها و بنادر کاسپین رفتار برابر، حقوق متقابل کشتیرانی و شناسایی متقابل اسناد کشتی‌ها مقرر شد. این برابری حقوقی در قراردادهای ۱۹۳۵ و ۱۹۴۰ نیز ادامه یافت.

● در قرارداد ۱۹۳۵ تصریح شد که در سراسر کاسپین تنها کشتی‌های متعلق به ایران یا اتحاد شوروی، با پرچم یکی از این دو کشور، حق حضور داشته باشند. قرارداد ۱۹۴۰ نیز همین اصل را ادامه داد. بنابراین کاسپین از نظر حضور کشتی‌ها نیز حوزه‌ای مختص دو کشور ساحلی بود و کشورهای ثالث از حقی مشابه برخوردار نبودند.

● در دسامبر ۱۹۹۱ اتحاد شوروی فروپاشید. در ایران، اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور و علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه بود. در ساحل کاسپین نیز وضعیت تازه‌ای پدید آمد: روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان جای یک اتحاد شوروی را گرفتند و تعداد کشورهای ساحلی از دو به پنج رسید.

● در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۵، در دوره ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی و وزارت امور خارجه علی‌اکبر ولایتی، ایران و روسیه در تهران یک گام جلوتر رفتند. دو کشور اعلام کردند مسائل مربوط به استفاده از کاسپین و منابع آن باید مشترکاً توسط کشورهای ساحلی و با رعایت «حقوق برابر» (equal rights) آنها حل شود.

● در ۱۲ اوت ۲۰۱۸، در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی و وزارت امور خارجه محمدجواد ظریف، سران پنج کشور ساحلی «کنوانسیون وضعیت حقوقی کاسپین» را در اکتائو قزاقستان امضا کردند. ۲۲ این کنوانسیون چارچوب رژیم حقوقی آینده کاسپین را ترسیم کرد.

● در مجموع، دولت حسن روحانی و دستگاه دیپلماسی محمدجواد ظریف در اکتائو مسیر دو تغییر مهم را گشودند: پذیرفتن حقوق مشترک ایران در صورت نهایی شدن کنوانسیون در ساختاری پنج‌کشوری اعمال شود و از موضع پیشین درباره تصمیم‌گیری جمعی در تعیین بستر فاصله گرفتند.

● در ۳۱ تیر ۱۴۰۵ (۲۲ ژوئیه ۲۰۲۴)، دولت مسعود پزشکیان لایحه کنوانسیون را با فوریت تصویب و برای طی مراحل قانونی به مجلس فرستاد. زمان این تصمیم نیز پرسش‌برانگیز است: چرا کنوانسیونی که ایران هشت سال از تصویب آن خودداری کرده بود، در شرایط جنگی و بحران تنگه هرمز ناگهان فوریت یافت؟

مرکز تحقیقات محدود شده و خسارت جدید قابل توجهی به بخش‌های اصلی این تأسیسات وارد نشده است.

زمان بازسازی برنامه هسته‌ای

جمهوری اسلامی همواره تأکید کرده است که برنامه هسته‌ای آن اهدافی کاملاً صلح‌آمیز دارد، اما تلاش‌های تهران برای غنی‌سازی اورانیوم تا سطوح نزدیک به درجه مورد نیاز برای تولید سلاح هسته‌ای، همراه با محدود کردن همکاری با بازرسان سازمان ملل، سال‌هاست نگرانی‌های گسترده‌ای در جامعه بین‌المللی برانگیخته است.

دونالد ترامپ در ماه آوریل ۲۰۲۴ مدعی شد که دولت او برنامه هسته‌ای رژیم ایران را «بطور کامل نابود کرده است». با این حال، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گفتگویی که اوایل امسال با شبکه «سی‌بی‌اس نیوز» انجام داد، اظهار داشت: «هیچکس نمی‌تواند انکار کند که این حملات عملاً برنامه هسته‌ای ایران را به میزان قابل توجهی عقب رانده است.»

او در ادامه افزود: «وقتی عملیات نظامی به پایان



تأسیسات هسته‌ای اراک

برسد، همچنان با مجموعه‌ای از مسائل اساسی روبرو خواهیم بود؛ مسائلی که از ابتدا در قلب این بحران قرار داشته‌اند.»

جیمز اکتون فیزیکدان و کارشناس مسائل ایران در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی نیز معتقد است بخش قابل توجهی از زیرساخت برنامه هسته‌ای ایران همچنان پابرجاست؛ به اندازه‌ای که اگر بدون مانع به فعالیت خود ادامه دهد، «تصور می‌رود [رژیم] ایران در این مرحله بتواند ظرف کمتر از یک سال، و شاید حتی بسیار زودتر از آن، یک مپ هسته‌ای تولید کند.»

شورای روابط خارجی اروپا نیز زمان مشخصی برای بازسازی کامل برنامه هسته‌ای ایران ارائه نکرده، اما در تازه‌ترین تحلیل خود هشدار داده است که جمهوری اسلامی «در صورت نبود نظارت و بازرسی، می‌تواند به سرعت غلظت ذخایر کنونی اورانیوم خود را تا سطح مورد نیاز برای کاربرد نظامی افزایش دهد.»

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

→ نهادهای اطلاعاتی آمریکا نیز به این نتیجه رسیده‌اند که رژیم ایران هنوز از طریق یک مسیر ورودی بسیار باریک به این ذخایر دسترسی دارد، هرچند این منطقه به صورت دائم تحت نظارت ایالات متحده قرار گرفته است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده است که احتمال دارد بخش کمتری از اورانیوم با غلظت بالا در تأسیسات هسته‌ای نطنز نگهداری شود.

نطنز بزرگترین مرکز غنی‌سازی اورانیوم در ایران به شمار می‌رود؛ تأسیساتی که تهران در ابتدا وجود آن را از بازرسان سازمان ملل مخفی کرد و تنها پس از افشای آن از سوی مخالفان رژیم ایران در سال ۲۰۰۲ شناسایی شد. بخش عمده فعالیت‌های این مجموعه در اعماق زمین انجام می‌شود.

بخش‌های غیرزیرزمینی تأسیسات نطنز در حملات ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۴) به شدت آسیب دید.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در همین ارتباط گزارش داد که ورودی‌های بخش زیرزمینی این مرکز در حملات ماه مارس گذشته نیز هدف قرار گرفته و آسیب دیده‌اند؛ اقدامی که احتمالاً با هدف مدفون کردن ذخایر هسته‌ای در زیر زمین انجام شده است.

«کوه کلنگ»؛ تأسیسات زیرزمینی جدید

در فاصله حدود ۱۶۰۰ متری از نطنز، مجموعه‌ای قرار دارد که با نام «کوه کلنگ» (Pickaxe Mountain) شناخته می‌شود. مقامات جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۰ اعلام کردند که آنجا قرار است محل تأسیساتی برای ساخت سانتریفیوژها باشد؛ مجموعه‌ای که در عمق زمین ساخته شده تا در برابر مپ‌های سنگرشکن قدرتمند مقاومت کند. کارشناسان معتقدند این تأسیسات هنوز وارد مرحله بهره‌برداری نشده، هرچند تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که عملیات ساخت و ساز حتی پس از حملات ژوئن ۲۰۲۵ نیز ادامه داشته است.

چندی پیش دونالد ترامپ بارها تهدید کرد که «کوه کلنگ» را بمباران خواهد کرد، اما تا کنون از اجرای این تهدید خودداری کرده است.

فردو؛ پیشرفته‌ترین تأسیسات هسته‌ای در ایران

رژیم ایران از سال‌ها پیش تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم فردو را که در اعماق زمین ساخته شده، امن‌ترین و پیشرفته‌ترین سایت هسته‌ای خود می‌دانست.

بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا که سال گذشته منتشر شد، این مجموعه در حملات ژوئن ۲۰۲۵ هدف ۱۲ مپ سنگرشکن بسیار قدرتمند قرار گرفت و آسیب‌های شدیدی دید؛ به گونه‌ای که احتمال می‌رود دیگر قابل بهره‌برداری نباشد.

بر پایه تحلیلی که کارشناسان هسته‌ای «مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی» در واشنگتن در ماه ژوئن ۲۰۲۴ منتشر کردند، چهار ورودی اصلی این تأسیسات دست‌کم تا اواسط ماه مه همچنان زیر آوار ناشی از حملات سال ۲۰۲۵ مدفون باقی مانده است.

تصاویر ماهواره‌ای که تقریباً در همان بازه زمانی ثبت شده‌اند، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در حال ایجاد موانع و سد راه در مسیر جاده‌های منتهی به ورودی تونل‌های مدفون است؛ اقدامی که احتمالاً با هدف کند کردن هرگونه حمله احتمالی در آینده انجام شده است.

این مؤسسه در جمع‌بندی خود اعلام کرد که حملات صورت‌گرفته به فردو در جریان جنگ جاری، عمدتاً به هدف قرار دادن سامانه‌های پدافند هوایی جمهوری اسلامی و یک

دریایی مختص ایران و شوروی. خواه این مجموعه را -con- dominium بنامیم یا یک رژیم دوجانبه ویژه، وجود حقوق برابر و مشترک پیش از فروپاشی شوروی قابل استناد است. در دسامبر ۱۹۹۱ اتحاد شوروی فروپاشید. در ایران، اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور و علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه بود. در ساحل کاسپین نیز وضعیت تازه‌ای پدید آمد: روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان جای یک اتحاد شوروی را گرفتند و تعداد کشورهای ساحلی از دو به پنج رسید. اینجاست که مسئله جانشینی دولت‌ها اهمیت پیدا می‌کند. به زبان ساده، در یک مال مشاع هر شریک می‌تواند حق خود را منتقل کند یا آن را به ارث بگذارد، اما چنین انتقالی به‌خودی‌خود سهم و حقوق شریک دیگر را تغییر نمی‌دهد. با همین منطق، فروپاشی اتحاد شوروی و پیدایش چهار کشور جانشین لزوماً به این معنا نبود که حقوق ایران نیز باید به همان نسبت کاهش یابد. کشورهای جدید طبعاً باید در نظام آینده کاسپین جایگاهی می‌یافتند، اما چگونگی این جایگاه و تأثیر آن بر حقوق ایران موضوعی جداگانه بود.

قرارداد ۱۹۴۰ نیز همین اصل را ادامه داد. بنابراین کاسپین از نظر حضور کشتی‌ها نیز حوزه‌ای مختص دو کشور ساحلی بود و کشورهای ثالث از حق مشابه برخوردار نبودند. زبان دیپلماتیک دو دولت نیز با این ساختار هماهنگ بود. در مکاتبات رسمی دهه ۱۹۳۰ و یادداشت‌های همراه توافق‌ها، از کاسپین با تعبیر «دریای ایران و شوروی» یاد شد. ۳،۴ این تعبیر، در کنار حقوق «بالسویه» در کشتیرانی، حق مشترک بهره‌برداری از ماهیگیری خارج از نوارهای انحصاری و محدود بودن حق حضور کشتی‌ها به ایران و شوروی، نشان می‌دهد که رژیم حقوقی کاسپین پیش از ۱۹۹۱ در حوزه‌های مهمی بر حقوق برابر و مشترک دو کشور استوار بود.

فروپاشی شوروی؛ حقوق مشترک چه سرنوشتی پیدا کرد؟
در ادبیات حقوق بین‌الملل، برای توصیف چنین ساختاری مفهوم نظام مشاع (condominium) مطرح شده است؛ یعنی وضعیتی که در آن دو یا چند دولت، به جای تقسیم کامل یک پهنه میان قلمروهای جداگانه، حقوق یا اختیاراتی

از انحصار تا حقوق برابر و مشترک ایران و شوروی
دیوید اعتباری * - برای شناخت حقوق ایران در کاسپین، باید از زمانی آغاز کرد که این برابری وجود نداشت. در عهدنامه ترکمانچای، ۲۲ فوریه ۱۸۲۸، در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، در کنار حق کشتیرانی تجاری دو طرف، امتیاز حضور کشتی‌های جنگی در کاسپین عملاً در اختیار روسیه تزاری قرار گرفت. ۱ این عدم توازن نزدیک به یک قرن ادامه داشت تا انقلاب روسیه زمینه بازنگری روابط دو کشور را فراهم کرد.

در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱، در دوره احمدشاه قاجار، ایران و روسیه شوروی «عهدنامه مودت» را امضا کردند. ماده ۱۱ این عهدنامه مقرر کرد که دو طرف «بالسویه حق کشتیرانی آزاد» در کاسپین داشته باشند. ۲ «بالسویه» بیان روشن برابری حقوق (equal rights / equally) دو کشور در کشتیرانی بود. به این ترتیب، امتیاز یک‌جانبه دوران تزاری کنار رفت و ایران از نظر حقوقی در کشتیرانی کاسپین در جایگاهی برابر با همسایه شمالی خود قرار گرفت. این اصل در قراردادهای بعدی حفظ و دقیق‌تر شد. در



این فقط یک تمثیل نظری نبود. در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در بیانیه آلماتا اعلام کردند که اجرای «تعهدات بین‌المللی ناشی از معاهدات و توافقات اتحاد شوروی سابق» را تضمین می‌کنند. ۹ بنابراین خود دولت‌های جانشین نیز فروپاشی شوروی را به معنای محو خودکار تعهدات بین‌المللی آن تلقی نکردند.

چند سال بعد، روسیه همین منطق استمرار و تصمیم‌گیری مشترک را درباره کاسپین به صورت رسمی مطرح کرد. در ۵ اکتبر ۱۹۹۴، مسکو طی سند A/49/475 به سازمان ملل، کاسپین را یک «پهنه آبی محصور در خشکی» (land-locked body of water) توصیف کرد و با اقداماتی که رژیم موجود را به‌طور یک‌جانبه تغییر دهد مخالفت کرد. ۱۰ روسیه تأکید داشت که مسائل مربوط به استفاده از کاسپین باید با مشارکت کشورهای ساحلی حل شود. اهمیت این موضع در زمان آن است: سه سال از فروپاشی شوروی گذشته و چهار کشور جانشین آن شکل گرفته بودند، اما روسیه هنوز پیدایش آنها را مجوز تغییر یک‌جانبه رژیم کاسپین نمی‌دانست.

را نسبت به آن به صورت مشترک اعمال می‌کنند. ۶ این واژه عیناً در معاهدات ایران و شوروی نیامده، اما بحث درباره ماهیت حقوقی رژیم کاسپین تنها یک برداشت ایرانی نیست. دو حقوقدان متخصص در حقوق بین‌الملل و منابع فرامرزی، سرگئی وینوگرادوف، متخصص حقوق دریا و منابع طبیعی، و پاتریشیا ووترز، متخصص حقوق بین‌المللی آب، رژیم ایجادشده میان ایران و شوروی را یک «رژیم دوجانبه» (bilateral regime) توصیف کرده‌اند که حتی پس از فروپاشی شوروی از نظر فنی همچنان وجود داشت. ۷ شماری از پژوهشگران ایرانی، از جمله داوود هرمیداس باوند، سیدامین نجات و پروین فرشچی، صریح‌تر آن را condominium دانسته‌اند و نوار ده‌میلی ماهیگیری را استثنای اختصاصی این نظام معرفی کرده‌اند. ۸ در مقابل، برخی حقوقدانان در اطلاق دقیق عنوان condominium اختلاف نظر دارند.

برای استدلال این مقاله، نام حقوقی نهایی تعیین‌کننده نیست. آنچه اهمیت دارد خود حقوق ثبت‌شده در معاهدات است: حقوق برابر در کشتیرانی، حق مشترک بهره‌برداری از ماهیگیری خارج از مناطق انحصاری و رژیم

قرارداد اقامت، تجارت و بحریمایی ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱، در دوره رضاشاه و نخست‌وزیری مهدی‌قلی هدایت، برای کشتی‌های دو کشور در آب‌ها و بنادر کاسپین رفتار برابر، حقوق متقابل کشتیرانی و شناسایی متقابل اسناد کشتی‌ها مقرر شد. ۳ این برابری حقوقی در قراردادهای ۱۹۳۵ و ۱۹۴۰ نیز ادامه یافت. ۴،۵

در ماهیگیری نیز ساختار قراردادهای قابل توجه بود. برای هر کشور تنها یک نوار ده‌میلی از ساحل خودش به ماهیگیری انحصاری اختصاص یافت؛ اما خارج از این دو نوار، حق بهره‌برداری برای هر دو کشور برقرار بود. ۴،۵ بنابراین قرارداد میان دو نوع حق تمایز ایجاد کرده بود: حق انحصاری در نوار محدود ساحلی و حق مشترک بهره‌برداری (common/shared right of use) در آب‌های خارج از آن. حقوق ایران در ماهیگیری، در نتیجه، به نوار مقابل ساحل خودش محدود نبود.

این رژیم حقوقی به حضور دریایی و ملاحظات امنیتی مربوط می‌شد. در قرارداد ۱۹۳۵ تصریح شد که در سراسر کاسپین تنها کشتی‌های متعلق به ایران یا اتحاد شوروی، با پرچم یکی از این دو کشور، حق حضور داشته باشند. ۴

➡ در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۵، در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و وزارت امور خارجه علی‌اکبر ولایتی، ایران و روسیه در تهران یک گام جلوتر رفتند. دو کشور اعلام کردند مسائل مربوط به استفاده از کاسپین و منابع آن باید مشترکاً توسط کشورهای ساحلی و با رعایت «حقوق برابر» (equal rights) آنها حل شود. ۱۱ بنابراین چهار سال پس از فروپاشی شوروی، ایران و روسیه نه تنها استمرار یک رژیم مشترک را کنار نگذاشته بودند، بلکه برای تطبیق آن با واقعیت جدید، مشارکت و حقوق برابر پنج کشور ساحلی را مبنا قرار می‌دادند.

ایران در ۳ سپتامبر ۱۹۹۷، اندکی پس از آغاز ریاست جمهوری محمد خاتمی و در دوره وزارت امور خارجه کمال خرازی، موضع خود را مستقلاً در سازمان ملل ثبت کرد. سند A/52/324 قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و نامه‌های پیوست آنها را رژیم حقوقی حاکم بر کاسپین معرفی کرد و یادآور شد که در این اسناد، به استثنای منطقه انحصاری ده‌مابلی ماهیگیری، کاسپین «دریای ایران و شوروی» توصیف شده بود. ایران همچنین صریحاً اعلام کرد که این قراردادها بر دولت‌های جانشین اتحاد شوروی الزام‌آورند. ۱۲

۱۹۹۸؛ شکاف در اصل تصمیم‌گیری جمعی

اما در ۶ ژوئیه ۱۹۹۸، روسیه و قزاقستان توافق دوجانبه برای تعیین مرز بستر (تحدید حدود – delimitation) بخش شمالی کاسپین امضا کردند. ۱۳ براساس این توافق، بستر و زیربستر میان دو کشور بر پایه «خط میانه تعدیل‌شده» (modified median line) تقسیم می‌شد، در حالی که سطح آب برای استفاده مشترک باقی می‌ماند. هدف این مرزبندی، تعیین حقوق دو کشور در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر بود.

اهمیت توافق ۱۹۹۸ فقط در کشیدن یک خط میان روسیه و قزاقستان نبود. روسیه از اصلی فاصله می‌گرفت که خود پیشتر رسماً از آن دفاع کرده بود. مسکو در ۱۹۹۴ بر تصمیم‌گیری هماهنگ کشورهای ساحلی تأکید کرده و در بیانیه مشترک ۱۹۹۵ با ایران پذیرفته بود که تعیین رژیم حقوقی کاسپین باید با اجماع همه کشورهای ساحلی انجام شود. ۱۱، ۱۰ با این حال، در ۱۹۹۸ بدون دستیابی به چنین اجماعی، با قزاقستان وارد تعیین دوجانبه مرز بستر شد. به این ترتیب، روسیه در عمل راه تقسیم دوجانبه بستر را گشود. ۱۳

دولت ایران در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و وزارت امور خارجه کمال خرازی این اقدام را نپذیرفت و در ۶ اوت ۱۹۹۸ اعتراض خود را رسماً ثبت کرد. ۱۴ موضع تهران این بود که تا هنگام تعیین رژیم حقوقی جدید با توافق کشورهای ساحلی، توافقات دوجانبه نمی‌توانند حقوق و تعهدات دیگر کشورهای ساحلی را تغییر دهند یا برای آنها الزام حقوقی ایجاد کنند.

تقریباً هم‌زمان، ایران و ترکمنستان موضع مشترک خود را درباره بدیل این روند اعلام کردند. در ۸ ژوئیه ۱۹۹۸، محمد خاتمی و صفرمراد نیازف، رئیس‌جمهور ترکمنستان، اعلام کردند که کاسپین و منابع آن «میراث مشترک کشورهای ساحلی» است و تصمیم‌گیری درباره رژیم حقوقی آن باید با مشارکت و توافق کشورهای ساحلی انجام شود. ۱۵ اهمیت این عبارت در آن بود که دیگر صرفاً با یک تفسیر دانشگاهی از «نظام مشاع» روبه‌رو نبودیم؛ دو دولت ساحلی پس از فروپاشی شوروی رسماً بر ماهیت مشترک کاسپین و منابع آن تأکید می‌کردند.

در این مقطع دو رویکرد متفاوت برای آینده کاسپین آشکار شده بود. روسیه و قزاقستان به سوی تقسیم دوجانبه

بستر میان کشورهای مجاور، همراه با حفظ استفاده مشترک از سطح آب، حرکت می‌کردند؛ در مقابل، ایران و ترکمنستان بر ماهیت مشترک کاسپین و ضرورت تصمیم‌گیری جمعی کشورهای ساحلی تأکید داشتند. ۱۳، ۱۵

اختلاف فقط در سطح اسناد باقی نماند. در ژوئیه ۲۰۰۱، در دوره دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی و وزارت امور خارجه کمال خرازی، آذربایجان با مشارکت شرکت نفت بریتانیا، BP، عملیات اکتشافی در میدان مورد اختلاف «آراز-آلوف-شرق» در جنوب کاسپین را دنبال می‌کرد. ایران پیش از آن به فعالیت در این محدوده اعتراض کرده بود. در ۲۳ ژوئیه، ابتدا یک هواپیمای نظامی ایران بر فراز شناورهای اکتشافی پرواز کرد و سپس یک ناو نظامی ایران به یکی از شناورها نزدیک شد و دستور خروج از محدوده را داد و هشدار داد در صورت خودداری از خروج از زور استفاده خواهد شد. شناورهای اکتشافی عقب‌نشینی کردند و منطقه را ترک کردند. BP نیز پس از این رویارویی عملیات اکتشافی در میدان مورد اختلاف را متوقف کرد و اعلام کرد تا حل اختلاف میان ایران و آذربایجان فعالیت در آن محدوده را ادامه نخواهد داد. در عمل، آذربایجان از ادامه آن عملیات اکتشافی عقب نشست. ۱۶

اهمیت واقعه ۲۰۰۱ در این بود که دولت ایران تنها به اعتراض دیپلماتیک بسنده نکرد. مداخله نظامی ایران و عقب‌نشینی آذربایجان نشان داد که تهران تا پیش از تعیین حدود مورد توافق، اعطای امتیاز یک‌جانبه در منطقه مورد اختلاف را برای ایجاد حق تثبیت‌شده نمی‌پذیرفت و آماده بود از موضع خود در عمل نیز دفاع کند. ۱۶

از مرزبندی بستر در شمال تا تعریف قلمرو و آبی؛ ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴

با وجود مخالفت مستمر ایران با مرزبندی بستر بدون توافق همه کشورهای ساحلی، الگویی که روسیه و قزاقستان در ۱۹۹۸ آغاز کرده بودند متوقف نشد. ایران به توافق آذربایجان و قزاقستان در نوامبر ۲۰۰۱ نیز رسماً اعتراض کرد. با این حال، روسیه و آذربایجان در سپتامبر ۲۰۰۲ توافق مشابهی را بر پایه «خط میانه تعدیل‌شده» (modified median line) امضا کردند و در مه ۲۰۰۳، روسیه، قزاقستان و آذربایجان نقطه اتصال خطوط مرزی بستر خود را تعیین کردند. ۱۹، ۱۸، ۱۷

آنچه این سه کشور میان خود مرزبندی می‌کردند، بستر و منابع زیر آن بود، نه پهنه آبی کاسپین. این تفاوت اساسی است. هدف توافقات مشخص کردن حوزه‌ای بود که هر کشور می‌توانست در بستر آن حقوق مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع، به‌ویژه نفت و گاز، اعمال کند؛ سطح آب همچنان تابع رژیم دیگری باقی می‌ماند. ۱۹، ۱۸، ۱۷ به این ترتیب، پیش از آنکه پنج کشور درباره رژیم حقوقی جامع کاسپین به توافق برسند، مرزبندی بخش بزرگی از بستر شمال و مرکز آن میان سه کشور به یک واقعیت قراردادی تبدیل شده بود.

به زبان ساده، وضعیت شبیه استخری بود که هنوز حق استفاده مشترک از آب آن را دارید، اما هم‌زمان دیگران در کف همان استخر در حال حصارکشی و تعیین مرز هستند. حق شنا باقی مانده، اما آنچه در بستر و زیربستر قرار دارد، آرام‌آرام از حوزه مشترک خارج می‌شود.

مذاکرات پنج‌جانبه، در مقابل، به جای حل یک‌باره همه اختلافات، بتدریج به حوزه‌هایی منتقل شد که امکان توافق در آنها بیشتر بود. یکی از این موارد توافقنامه همکاری امنیتی کاسپین در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰ باکو بود. در آن زمان محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور و منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران بود. پنج کشور همکاری در مقابله با تروریسم،

جرایم سازمان‌یافته، قاچاق و دیگر تهدیدهای امنیتی را در چارچوب کشورهای ساحلی قرار دادند. ۲۰ از منظر بحث این مقاله، اهمیت توافق محدود اما روشن بود: اصل مسئولیت کشورهای ساحلی در امنیت کاسپین حفظ شد؛ اصلی که با محدود بودن حضور دریایی به کشورهای ساحلی در رژیم پیشین نیز پیوند داشت.

تحول مهمتر در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۴ و چهارمین اجلاس سران کاسپین در آستراخان رخ داد. در این زمان حسن روحانی رئیس‌جمهور و محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران بودند. پنج کشور بر فرمولی توافق کردند که بر اساس آن هر کشور تا ۱۵ مایل دریایی آب سرزمینی و پس از آن ۱۰ مایل دریایی منطقه انحصاری ماهیگیری داشته باشد و پهنه آبی خارج از این محدوده‌ها برای استفاده مشترک کشورهای ساحلی باقی بماند. ۲۱

در این فرمول باید میان دو نوع حق تفاوت گذاشت. آب سرزمینی بخشی از قلمرو کشور است و حاکمیت دولت بر آن اعمال می‌شود؛ اما منطقه انحصاری ماهیگیری قلمرو سرزمینی نیست و امتیاز اختصاصی آن کشور در این محدوده، ماهیگیری است. بنابراین فرمول ۱۰+۱۵ را نمی‌توان یک منطقه ۲۵ مایلی با ماهیت حقوقی یکسان تلقی کرد. ۲۱

توافق ۲۰۱۴ همچنین به معنای کنار گذاشتن حقوق مشترک در کاسپین نبود. در رژیم پیشین ایران و شوروی نیز یک نوار ده‌مابلی برای ماهیگیری اختصاصی وجود داشت و خارج از آن حق بهره‌برداری مشترک برقرار بود. فرمول جدید این منطق را به کلی کنار نگذاشت؛ تغییر مشخص آن، شناسایی یک نوار ۱۵ مایلی به‌عنوان آب سرزمینی هر کشور بود. خارج از مناطق اختصاصی، پهنه‌ای برای استفاده مشترک کشورهای ساحلی همچنان باقی می‌ماند. ۲۱

تا پایان ۲۰۱۴، در نتیجه، دو مسیر متفاوت شکل گرفته بود: در بستر و زیربستر شمال کاسپین، روسیه، قزاقستان و آذربایجان بدون مشارکت و موافقت ایران اصل تصمیم‌گیری جمعی را عملاً زیر پا گذاشته و مرزبندی‌های خود را به واقعیتی قراردادی تبدیل کرده بودند؛ در مقابل، درباره سطح آب، هر پنج کشور با مشارکت و موافقت ایران اصل آب‌های سرزمینی، منطقه اختصاصی ماهیگیری و باقی ماندن پهنه‌ای برای استفاده مشترک را پذیرفته بودند. بنابراین هنوز یک رژیم حقوقی جامع مورد توافق هر پنج کشور وجود نداشت.

۲۰۱۸ تا امروز؛ اکتاؤ و آنچه هنوز باقی است

در ۱۲ اوت ۲۰۱۸، در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی و وزارت امور خارجه محمدجواد ظریف، سران پنج کشور ساحلی «کنوانسیون وضعیت حقوقی کاسپین» را در اکتاؤ قزاقستان امضا کردند. ۲۲ این کنوانسیون چارچوب رژیم حقوقی آینده کاسپین را ترسیم کرد.

کنوانسیون اکتاؤ در صورت تصویب، ساختار پنج‌کشوری کاسپین را با پذیرش ایران تثبیت خواهد کرد. به بیان ساده، ایران که پیشتر یکی از دو طرف برخوردار از حقوق مشترک بود، در چارچوب جدید به یکی از پنج کشور برخوردار از این حقوق تبدیل می‌شود؛ از این منظر، وزن ایران در حوزه حقوق مشترک از «یک در میان دو» به «یک در میان پنج» تغییر می‌کند. ۲۲

در مورد بستر و منابع زیر آن، ماده ۸ کنوانسیون مقرر کرد تعیین مرز بخش‌های بستر و زیربستر از طریق توافق میان کشورهای دارای سواحل مجاور یا مقابل و با در نظر گرفتن اصول و موازین حقوق بین‌الملل انجام شود. ۲۲ این بند نسبت به موضع پیشین ایران تغییر مهمی داشت. ایران در دهه ۱۹۹۰ به مرزبندی‌های دوجانبه بستر اعتراض ➡

جدی گزینه‌های دیگر، در شرایط کنونی در مسیر منافع کلی و بلندمدت ایران نیست. پیش از تصمیم مجلس، باید حقوق تعیین تکلیف‌نشده ایران و گزینه‌های موجود برای حفاظت بهتر از آنها روشن شود.

در عین حال، انتخاب پیش روی ایران الزاما به دو گزینه پذیرش کنوانسیون اکتائو یا رد آن محدود نیست. تا زمانی که کنوانسیون نهایی نشده و بخشی از حقوق ایران به مذاکرات آینده وابسته است، امکان بررسی و مذاکره درباره ترتیبات دیگری نیز وجود دارد. یکی از این گزینه‌ها می‌تواند گسترش اصل مدیریت و بهره‌برداری مشترک و ایجاد یک نهاد دائمی همکاری کاسپین باشد؛ چارچوبی که بدون نفی حاکمیت کشورهای ساحلی، منافع آنان را در بستر و منابع زیربستر، شیلات، کشتیرانی، محیط زیست و امنیت به یکدیگر پیوند دهد. در این میان پرسشی سیاسی نیز باقی می‌ماند: اگر طرف اصلی این مذاکرات نه روسیه، بلکه ایالات متحده بود، آیا جمهوری اسلامی و دولت‌های روحانی و پزشک‌ها با همین میزان انعطاف به تغییر چارچوب حقوق تاریخی ایران تن می‌دادند؟ مسئله فراتر از رابطه تهران و مسکو است، مناسبات سیاسی دولت‌ها موقتی و تابع شرایط روز است، اما تصمیمی که در چنین شرایطی درباره حقوق ایران گرفته می‌شود، می‌تواند آثاری دائمی برای نسل‌های آینده داشته باشد. آیا می‌توان بر پایه یک موازنه سیاسی موقت، درباره حقوقی با پیامدهای ماندگار برای ملت ایران تصمیم گرفت؟ *دیوید اعتباری، نویسنده کتاب «فراتر از ایدئولوژی: نقشه راه فن‌سالارانه به سوی ایرانی آزاد»، از بنیان‌گذاران سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

کرد. بنابراین می‌توان محدودیتی عملی و تحمیلی در دوره برتری شوروی را به مبنایی برای تقلیل جایگاه حقوقی ایران در کل کاسپین، به‌ویژه در بستر و منابع آن، تبدیل کرد. ۲۸ چهار کشور دیگر کنوانسیون را تصویب کردند، اما ایران تا سال ۲۰۲۶ آن را تصویب نکرد. خود کنوانسیون نیز لازم‌الاجرا شدن آن را منوط به تصویب هر پنج کشور کرده است؛ بنابراین اکتائو هنوز لازم‌الاجرا نشده است. ۲۲،۲۴ مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی ایران، عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند و اصل ۱۲۵ نیز امضای آنها را پس از تصویب مجلس بر عهده رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او قرار می‌دهد. ۲۳

در ۳۱ تیر ۱۴۰۵ (۲۲ ژوئیه ۲۰۲۶)، دولت مسعود پزشکیان لایحه کنوانسیون را با فوریت تصویب و برای طی مراحل قانونی به مجلس فرستاد. زمان این تصمیم نیز پرسش‌برانگیز است: چرا کنوانسیونی که ایران هشت سال از تصویب آن خودداری کرده بود، در شرایط جنگی و بحران تنگه هرمز ناگهان فوریت یافت؟ در همان جلسه هیئت دولت که فوریت لایحه تصویب شد، وزیر امور خارجه گزارشی از تحولات جنگ ارائه کرد و روسیه نیز پیشتر خواستار تصویب کنوانسیون از سوی ایران پیش از اجلاس کشورهای ساحلی کاسپین در تهران در اوت ۲۰۲۶ شده بود. ۲۵،۲۷ این هم‌زمانی به‌تنهایی علت تصمیم دولت را ثابت نمی‌کند، اما پرسشی است که پیش از تصمیم مجلس نیازمند پاسخ روشن است.

از این منظر، تبدیل امضاهای دولت‌های گذشته به تعهد نهایی ایران، بدون روشن شدن سایر حقوق ایران و بررسی

→ کرده و بر تصمیم‌گیری جمعی کشورهای ساحلی تأکید داشت؛ اما دولت روحانی در اکتائو پذیرفت که مرز بستر و زیربستر میان کشورهای مربوط از طریق توافق جداگانه آنها تعیین شود. ایران هم‌زمان با امضا، اعلامیه‌ای تفسیری نیز ارائه کرد و بر تعیین خطوط مبدأ و لزوم توافق درباره مسائل مرتبط با تعیین حدود تأکید گذاشت. ۲۶

در مجموع، دولت حسن روحانی و دستگاه دیپلماسی محمدجواد ظریف در اکتائو مسیر دو تغییر مهم را گشودند: پذیرفتن حقوق مشترک ایران در صورت نهایی شدن کنوانسیون در ساختاری پنج‌کشوری اعمال شود و از موضع پیشین درباره تصمیم‌گیری جمعی در تعیین بستر فاصله گرفتند. نخستین تغییر، در صورت تصویب، دامنه عملی حقوق مشترک ایران را تغییر می‌دهد؛ دومی تعیین حدود حقوق حاکمه ایران بر بستر و منابع آن را به مذاکرات آینده واگذار کرد. با این حال، چون کنوانسیون در ایران به تصویب مجلس نرسیده، این تغییرات هنوز به تعهد نهایی و لازم‌الاجرا برای ایران تبدیل نشده‌اند. ۲۲،۲۳

در دفاع از این تغییر، در جایی محمدجواد ظریف به خط آستارا-حسن‌قلی اشاره کرده و گفته بود شوروی در عمل اجازه عبور ایران از این خط را نمی‌داد. اما آنچه این استناد نادیده می‌گیرد این است که وجود چنین محدودیتی به معنای نفی جایگاه حقوقی ایران در کاسپین نبود. شوروی از یک‌سو در عمل محدودیتی بر عبور و حضور شناورهای ایرانی اعمال می‌کرد و از سوی دیگر، در معاهدات خود با ایران حقوق برابر و مشترک مشخصی را به رسمیت شناخته بود. روسیه نیز پس از فروپاشی شوروی بر استمرار رژیم حقوقی موجود و ضرورت توافق کشورهای ساحلی تأکید

منابع و اسناد

۱. عهدنامه ترکمانچای میان ایران قاجار و امپراتوری روسیه، ۱۰/۲۲ فوریه ۱۸۲۸، ماده ۸: British and Foreign State Papers. ۱۸۲۷-۱۸۲۸، ص. ۶۶۹.
۲. Treaty of Friendship between Persia and the Russian Socialist Federal Soviet Republic، ۲۶ فوریه ۱۹۲۱، ماده ۱۱: League of Nations Treaty Series. Vol. 9. No. 268. pp. 383-۴۱۳.
۳. قرارداد اقامت، تجارت و بحریمایی ایران و اتحاد شوروی، ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱: British and Foreign State Papers. Vol. CXXXIV (1931)، pp. 1027-۱۰۴۹.
۴. Treaty of Establishment, Commerce and Navigation between Iran and the USSR، اوت ۱۹۳۵: British and Foreign State Papers. Vol. CXXXIX، pp. 554-۵۷۴.
۵. Treaty of Commerce and Navigation between Iran and the USSR، مارس ۱۹۴۰: British and Foreign State Papers. Vol. CXLIV (1940-۴۲)، pp. 419-۴۳۴.
۶. “The Legal Definition of the Caspian Sea”، Mexican Yearbook of International Law، بخش «Condominium principle».
۷. Sergei Vinogradov & Patricia Wouters، “The Caspian Sea: Quest for a New Legal Regime”، Leiden Journal of International Law. Vol. 9, No. 1 (1996)، pp. 87-۹۸.
۸. Seyed Amin Nejat, Davoud H. Bavand & Parvin Farshchi، “Formulation of the Caspian Sea’s Legal Regime Using a Joint Zone Approach”، Water Resources. Vol. 43 (2016)، pp. 571-۵۷۸.

- RFE/RL، “Iran: Azerbaijan-Kazakhstan Caspian Accord Irks Tehran”، ۵ December 2001.
۱۸. Agreement between the Republic of Azerbaijan and the Russian Federation on Delimitation of Adjacent Areas of the Caspian Seabed، سپتامبر ۲۰۰۲: International Maritime Boundaries. Vol. V، p. 4039.
۱۹. Agreement between Azerbaijan, Kazakhstan and the Russian Federation Concerning the Trijunction Point of the Lines of Delimitation of Adjacent Sectors of the Caspian Seabed، مه ۲۰۰۳: International Maritime Boundaries. Vol. V، p. 4056.
۲۰. Agreement on Cooperation in the Field of Security in the Caspian Sea، باکو، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰.
۲۱. Fourth Caspian Summit، آستراخان، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۴: بیانیه سران پنج کشور ساحلی.
۲۲. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea، اکتائو، ۱۲ اوت ۲۰۱۸: متن رسمی کنوانسیون.
۲۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۷۷ و ۱۲۵.
۲۴. وزارت امور خارجه ایران/ایرنا، ۱ اوت ۲۰۲۶: TASS، اظهارات سرگنی لاوروف، ۱۵ دسامبر ۲۰۲۵.
۲۵. گزارش جلسه هیئت دولت ایران، ۳۱ تیر ۱۴۰۵ / ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۶: ایسنا.
۲۶. اعلامیه تفسیری ایران هنگام امضای کنوانسیون اکتائو، اوت ۲۰۱۸: وزارت امور خارجه ایران، ۲۳ اوت ۲۰۱۸.
۲۷. TASS، اظهارات سرگنی لاوروف درباره تصویب کنوانسیون کاسپین توسط ایران، ۱۵ دسامبر ۲۰۲۵.
۲۸. گفتگوی ویژه خبری، مرداد ۱۳۹۷: اظهارات محمدجواد ظریف در مجلس شورای اسلامی، ۷ مرداد ۱۳۹۸.

- ۲۱.۹. Alma-Ata Declaration، دسامبر ۱۹۹۱: Common Refworld/UNHCR: wealth of Independent States.
۱۰. United Nations General Assembly, A/49/475، موضع فدراسیون روسیه درباره وضعیت حقوقی کاسپین، ۵ اکتبر ۱۹۹۴: UN Digital Library.
۱۱. United Nations General Assembly, A/51/59، Joint Russian-Iranian Statement on the Caspian Sea، تهران، ۳۰ اکتبر ۱۹۹۵: نامه ایران و روسیه به دبیرکل سازمان ملل، ۱۸ ژانویه ۱۹۹۶.
۱۲. United Nations General Assembly, A/52/324، Position of the Islamic Republic of Iran concerning the legal regime of the Caspian Sea، سپتامبر ۱۹۹۷.
۱۳. Agreement between the Russian Federation and the Republic of Kazakhstan on Delimitation of the Northern Part of the Caspian Sea Seabed، ۶ ژوئیه ۱۹۹۸: International Maritime Boundaries.
۱۴. United Nations General Assembly, A/52/1011، نامه نماینده دائم ایران به سازمان ملل، ۶ اوت ۱۹۹۸.
۱۵. United Nations General Assembly, A/53/453، نامه نمایندگان ایران و ترکمنستان، ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۸: ضمیمه: بیانیه مشترک محمد خاتمی و صفرمراد نیازف، ۸ ژوئیه ۱۹۹۸.
۱۶. RFE/RL، “Azerbaijan Report”، ۲۴ July 2001.
۲۴. UPI، “Tensions between Iran, Azerbaijan rise”، ۲۴ July 2001.
۱۷. Agreement between the Republic of Kazakhstan and the Azerbaijani Republic on Delimitation of the Caspian Seabed، نوامبر ۲۰۰۱: International Maritime Boundaries. Vol. V، p. 4048.

تشدید درگیری‌های دریایی و تهدید ترامپ: ضربات شدیدتر در راه است



عکس آرشیوی از کشتی باری ولا نوا

اثر حمله‌ی پهبادی هنگام تلاش برای نجات خدمت کشتی خبر دادند.

کشتی تهامه که مورد حمله‌ی حوثی‌های یمن قرار گرفت این حمله در حالی روی داد که کشتی در شمال شرقی جزیره‌ی پریم (یمن) لنگر انداخته بود. آژانس تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) از برخورد یک پرتابه‌ی ناشناخته خبر داده است. حوثی‌ها از بیستم ژوئیه ماه ژوئیه، محاصره‌ی دریایی علیه عربستان سعودی در دریای سرخ را اعلام کرده بودند. آنها ریاض را رد کرده است. در صورت تأیید مرگ عربستان اما این ادعا را رد کرده است. این نخستین تلفات انسانی خدمه‌ی کشتی باری «تهامه»، این نخستین تلفات انسانی در حمله‌ی حوثی‌ها به کشتیرانی از آغاز جنگ با جمهوری اسلامی از نهم اسفندماه سال گذشته محسوب می‌گردد.

ترافیک کشتیرانی در باب‌المندب بیش از پنجاه درصد نسبت به موج قبلی حملات حوثی‌ها کاهش یافته و در تنگه هرمز نیز به شدت مختل است. این حوادث بر بستر جنگ گسترده‌تر آمریکا و اسرائیل در عملیات Epic Fury با جمهوری اسلامی رخ می‌دهد و شامل محاصره‌ی دریایی، حملات متقابل و اختلال در مسیرهای حیاتی انرژی می‌شود. این رویدادها بیانگر تداوم بی‌ثباتی در مسیرهای دریایی کلیدی و فشارهای نظامی-دیپلماتیک علیه جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش است.

اظهارات دونالد ترامپ درباره‌ی جمهوری اسلامی

رئیس جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا در روزهای اخیر موضع تند و همزمان دیپلماتیک خود را در قبال جمهوری اسلامی حفظ کرده است. او در سخنرانی خود در دهم اوت، با برجسته‌کردن پیشرفت‌های نظامی آمریکا بار دیگر ابراز داشت: «نیروی دریایی جمهوری اسلامی از بین رفته و نیروی هوایی آنها هم در ویرانه است و بسیاری از رهبران رژیم نیز کشته شده‌اند.»

ایران بود، شلیک کردند.

یک هلیکوپتر نیروی دریایی آمریکا از نوع MH-60 دو موشک هل‌فایر را به اتاق موتور این کشتی شلیک کرد. این حمله پس از آن انجام شد که خدمه‌ی کشتی هشدارهای پی در پی نیروهای آمریکایی را نادیده گرفتند. طبق گزارش سنتکام، این شلیک‌ها سیستم سکان کشتی را از کار انداخت و دیگر با نقض محاصره‌ی دریایی در حال حرکت به سمت ایران نیست. محاصره همچنان بطور کامل برقرار است.

این سومین کشتی است که با نافرمانی از هشدارهای نیروی دریایی آمریکا از زمان اعمال دوباره‌ی محاصره‌ی دریایی جمهوری اسلامی در چهاردهم ژوئیه از کار افتاده است. سنتکام اعلام کرده تا روز ۱۱ اوت، ۵۵ کشتی تجاری قصد نقض محاصره دریایی را داشته‌اند که تغییر مسیر داده‌اند. در این میان سه کشتی که به هشدارها توجه نکردند، از کار انداخته شده و دو کشتی نیز مورد بازرسی قرار گرفتند.

گزارش‌ها حاکی از آن بود تلفات فوری در میان خدمه کشتی پانامایی است و در برخی منابع اشاره شده که کشتی پس از برخورد، ظاهراً در حال انتقال خدمه به یک کشتی دیگر بوده است. این رویداد در چارچوب اقدامات دولت ترامپ برای افزایش فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی و تشدید اجرای محاصره‌ی دریایی رخ داده است.

تلفات انسانی در حملات حوثی‌ها

از سوی دیگر، بر اساس گزارش رویترز، چهار خدمه‌ی یک کشتی باری کوچک مصری به نام «تهامه» در حمله به این شناور توسط حوثی‌ها، در تنگه‌ی باب‌المندب در جنوب دریای سرخ کشته شدند. وزارت حمل و نقل یمن اعلام کرد که سه پاکستانی و یک اندونزیایی جان خود را از دست داده و خدمه کنترل کشتی را از دست دادند. منابع نظامی یمن نیز از مجروح شدن سه نیروی گارد ساحلی در

● یک هلیکوپتر نیروی دریایی آمریکا از نوع MH-60 دو موشک هل‌فایر را به اتاق موتور این کشتی شلیک کرد. این حمله پس از آن انجام شد که خدمه‌ی کشتی هشدارهای پی در پی نیروهای آمریکایی را نادیده گرفتند. این سومین کشتی است که با نافرمانی از هشدارهای نیروی دریایی آمریکا از زمان اعمال دوباره‌ی محاصره‌ی دریایی جمهوری اسلامی در چهاردهم ژوئیه از کار افتاده است.

● از سوی دیگر، بر اساس گزارش رویترز، چهار خدمه‌ی یک کشتی باری کوچک مصری به نام «تهامه» در حمله به این شناور توسط حوثی‌ها، در تنگه‌ی باب‌المندب در جنوب دریای سرخ کشته شدند. در صورت تأیید مرگ خدمه‌ی کشتی باری «تهامه»، این نخستین تلفات انسانی در حمله‌ی حوثی‌ها به کشتیرانی از آغاز جنگ با جمهوری اسلامی از نهم اسفندماه سال گذشته محسوب می‌گردد. - به گزارش نیویورک‌پست، دونالد ترامپ در یک گفتگوی ضبط‌شده با «صدای واقعی آمریکا» که روز گذشته منتشر شد، بطور مفصل درباره‌ی جنگ با جمهوری اسلامی صحبت کرده است. وی گفت: «من تا حدی در حال مذاکره هستم. آنها خیلی فریبکارند.» ترامپ افزود: «ما پول آنها را کنترل می‌کنیم؛ پولی که داشتند و زیاد بود. کنترل کامل آن را در اختیار داریم.» او با اشاره به دارایی‌های توقیف شده به کنایه گفت: «من بانکدار آنها هستم!»

نیروهای ایالات متحده آمریکا به یک کشتی پانامایی که سعی در نقض محاصره‌ی بنادر ایران را داشت، شلیک کردند. به گزارش «والاستریت ژورنال» و بر اساس بیانی‌های فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در روز سه‌شنبه یازدهم اوت ۲۰۲۶، نیروهای آمریکایی به یک کشتی باری (کانتی‌نری) با پرچم پاناما به نام M/V Vela Nova که در حال تلاش برای عبور از خلیج عمان به سمت یک بندر نامشخص در

شروط جمهوری اسلامی برای بازگشایی «تنگه هرمز»؛ جی دی ونس: رژیم ایران چندپاره شده است



در این میان، هر یک از طرفین یکدیگر را عامل بی‌نتیجه ماندن مذاکرات می‌دانند. ونس معاون اول ترامپ ادعا کرده است که جمهوری اسلامی در پیام‌هایی به واشنگتن متعهد شده برای عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز عوارض تعیین نکند و کشتی‌های عبوری را نیز هدف قرار ندهد اما محمدباقر ذوالقدر دبیر «شورای عالی امنیت ملی» هشدار داده است، «تا آمریکا رفتارش را تصحیح نکند، تنگه هرمز باز نخواهد شد.» او تأکید کرد: «این شورا هرگز کوتاه نخواهد آمد؛ چه در جنگ و چه در مذاکره.»

ذوالقدر برای آمریکا شش شرط گذاشت:
۱- ایران را هرگز و با هیچ زبانی تهدید و به مقدسات این ملت توهین نکند.
۲- به جنگ و تجاوز علیه ایران و متحدان ایران در لبنان، فلسطین، یمن و عراق برای همیشه پایان دهد.
۳- محاصره دریایی را بردارد و نیروهای نظامی (دریایی و هوایی) خود را از پیرامون ایران خارج کند.

۴- خسارت‌های دو جنگ تجاوزکارانه و تحمیلی به ایران را بی‌کم و کاست بپردازد.
۵- تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی علیه ملت ایران را بردارد.
۶- دارایی‌های مسدود شده و دزدیده شده مردم ایران را بی‌قید و شرط آزاد کند.

اتفاقا همین شروط دقیقا همان موانعی است که تا کنون بر شدت درگیری‌ها بر سر تنگه هرمز افزوده است. به نظر می‌رسد بر اساس چنین شرط‌های غیرعملی است که حمیدرضا حاجی بابایی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز می‌گوید: «ما هیچوقت با آمریکا به تفاهم نمی‌رسیم.»

● وزارت خارجه عمان اعلام کرد: «مذاکرات با جمهوری اسلامی درباره تنگه هرمز در فضایی مثبت و سازنده به پیش می‌رود»؛ با اینهمه هنوز طرفین بر سر بازگشایی تنگه هرمز به توافق نرسیده‌اند. جی. دی. ونس معاون دونالد ترامپ می‌گوید: «یکی از دلایل مشکل بودن مذاکره با جمهوری اسلامی نظام چندپاره آن است.»

● احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» درباره مذاکرات مربوط به تنگه هرمز گفت که جمهوری اسلامی به اسم عمان اکنون در حال مذاکره با آمریکا است و افزود: «آمریکا می‌خواهد زیر بار نرود، عمان را جلو انداخته است.»

● ذوالقدر دبیر «شورای عالی امنیت ملی» برای آمریکا شش شرط گذاشت از جمله اینکه ایالات متحده باید «به جنگ و تجاوز علیه ایران و متحدان ایران در لبنان، فلسطین، یمن و عراق برای همیشه پایان دهد.»

وزارت خارجه عمان اعلام کرد: «مذاکرات با جمهوری اسلامی درباره تنگه هرمز در فضایی مثبت و سازنده به پیش می‌رود»؛ با اینهمه هنوز طرفین بر سر بازگشایی تنگه هرمز به توافق نرسیده‌اند. جی. دی. ونس معاون دونالد ترامپ می‌گوید: «یکی از دلایل مشکل بودن مذاکره با جمهوری اسلامی نظام چندپاره آن است.»

احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی، در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» درباره مذاکرات مربوط به تنگه هرمز گفت که جمهوری اسلامی به اسم عمان اکنون در حال مذاکره با آمریکا است و افزود: «آمریکا می‌خواهد زیر بار نرود، عمان را جلو انداخته است.»

→ ترامپ اعلام کرد که اهداف نظامی آمریکا به زودی تکمیل خواهد شد تا جمهوری اسلامی «به عصر حجر بازگردد»، هرچند مذاکرات ادامه دارد. او با تکرار صحبت‌های پیشین خود تأکید کرد: «تغییر رژیم هدف ابتدایی نبوده اما به دلیل مرگ رهبران اولیه عملا رخ داده است!»

رئیس جمهور آمریکا همچنین در یک پست در شبکه‌ی اجتماعی «تروث سوشیال» با اشاره به مذاکرات با جمهوری اسلامی، خواستار غرامت از رژیم ایران برای خسارات و مرگ‌های ناشی از اقدامات آن در لبنان، سوریه، یمن، غزه و حتی کشتار مردم ایران و موارد تاریخی مانند حمله به ناو یواس اس کول شد. او تصریح کرد که نمایندگانش این موضوع را در مذاکرات آینده مطرح خواهند کرد.

پیشتر در اوایل ماه اوت، ترامپ در نشست دولت خود، مقامات جمهوری اسلامی را «بی‌شرف» و «یاوه‌گو» خواند و گفت که در حال از دست دادن اعتماد به آنهاست و آمریکایی‌ها باید کمی برای ادامه‌ی ضربات متقابل آماده باشند. او در ماه ژوئیه نیز پس از حملات حوثی‌ها تهدید کرده بود که آمریکا، جمهوری اسلامی را مسئول اقدامات نیابتی‌هایش می‌داند و «مجازات نظامی گسترده» علیه آنها اعمال خواهد کرد. ترامپ بارها به حملات لفظی علیه بقایای جمهوری اسلامی پرداخته و تأکید کرده که آنها هرگز سلاح هسته‌ای نخواهند داشت، اما کماکان به مذاکره با رژیم ایران ادامه می‌دهد.

به گزارش نیویورک‌پست، دونالد ترامپ در یک گفتگوی ضبط‌شده با «صدای واقعی آمریکا» (Real America's Voice) که روز گذشته منتشر شد، بطور مفصل درباره‌ی جنگ با جمهوری اسلامی صحبت کرده است. وی در این مصاحبه مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی را «فریبکار و دورو» توصیف کرده و می‌گوید: «من تا حدی در حال مذاکره هستم. آنها خیلی فریبکارند.»

ترامپ: من بانکدار آنها هستم!

جمله‌ی کلیدی ترامپ در این مصاحبه این بود: «ما پول آنها را کنترل می‌کنیم؛ پولی که داشتند و زیاد بود. کنترل کامل آن را در اختیار داریم.» او با اشاره به دارایی‌های توقیف شده به کنایه گفت: «من بانکدار آنها هستم!» رئیس‌جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا در این مصاحبه، سه استراتژی ممکن را در مقابل جمهوری اسلامی مطرح ساخت:
۱. ادامه‌ی وضعیت فعلی به صورت «آرام و آسان» و «فقط پیش رفتن» تا اقتصاد جمهوری اسلامی بیشتر فرو بریزد.

۲. وارد کردن ضربات نظامی بسیار شدید.

۳. تمرکز بر فشارهای اقتصادی.

دونالد ترامپ با اشاره به وضعیت وخیم اقتصاد جمهوری اسلامی تأکید کرد: این وضعیت «پایدار نیست» و می‌تواند با ادامه‌ی فشارها به فروپاشی منجر شود. او بار دیگر هدف اصلی را جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای اعلام کرد و گفت که این هدف تحقق یافته یا در حال تحقق است. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین به محاصره‌ی دریایی و فشارهای مالی به عنوان ابزارهای موثر اشاره کرد و گفت: «آمریکا می‌تواند بدون تشدید عملی حملات گسترده‌ی نظامی، از طریق اهرم نظامی هم پیش برود.»

این اظهارات در حالی مطرح شده که مذاکرات غیرمستقیم و میانجیگری‌ها از طریق قطر و پاکستان، همچنان جریان دارد، اما ترامپ به تکرار نسبت به صداقت جمهوری اسلامی ابراز بی‌اعتمادی کرده است.

تأکید سنتکام بر ادامه «محاصره دریایی» جمهوری اسلامی همزمان با مذاکرات بر سر وضعیت «تنگه هرمز»

تفاهم برسند به ویژه آنکه آمریکا به هیچ عنوان دریافت عوارض از کشتی‌ها از سوی ایران را نمی‌پذیرد. محسن رضایی که گفته می‌شود به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی منصوب شده است در حساب کاربری خود در «ایکس» نوشت «اگر محاصره ادامه یابد، کشتی‌ها و نیروهای آمریکایی با خطرات و تلفات جدی روبرو خواهند شد.» او تهدید کرد: «ایالات متحده باید رفتار خود را تغییر دهد در غیر این صورت ما این وضعیت را تحمل نخواهیم کرد. ما هرگز اجازه باز شدن یک کریدور دوم در تنگه هرمز را نخواهیم داد.»

علی‌رغم اینکه جمهوری اسلامی و عمان در حال مذاکره بر سر وضعیت تنگه هرمز هستند اما همزمان چند کشتی تجاری مورد اصابت قرار گرفتند. احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، می‌گوید در مذاکرات بر سر وضعیت تنگه هرمز عمان



تنگه هرمز

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: تا وقتی آمریکا شروط جمهوری اسلامی را نپذیرد تنگه هرمز باز نخواهد شد



تنگه هرمز / عکس: رویترز

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد تا زمانی که ایالات متحده شروط جمهوری اسلامی را نپذیرد، تنگه هرمز باز نخواهد شد. این شروط از جمله شامل پرداخت غرامت خسارات جنگی، دریافت عوارض و بسته شدن مسیر جنوبی این آبراه بین‌المللی می‌شود.

● در حالی که به بنادر ایران در محاصره آمریکا قرار دارند، سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی تنگه هرمز را با موشک، پهپاد، شهاب و مین‌پاشی ناامن کرده‌اند که عملاً به بسته شدن تنگه هرمز منجر شده است. هرچند ارتش آمریکا از هوا و زمین برخی کشتی‌های تجاری را اسکورت می‌کند اما اغلب کشتی‌ها ترجیح می‌دهند از این مسیر عبور نکنند.

● وزارت خارجه امارات متحده عربی در بیانیه‌ای حمله حکومت ایران به یک نفتکش متعلق به شرکت ادنوک (شرکت ملی نفت ابوظبی) را محکوم کرد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد تا زمانی که ایالات متحده شروط جمهوری اسلامی را نپذیرد، تنگه هرمز باز نخواهد شد. شروط جمهوری اسلامی از جمله شامل پرداخت غرامت خسارات جنگی، دریافت عوارض و بسته شدن مسیر جنوبی این آبراه بین‌المللی است.

در حالی که بنادر ایران در محاصره آمریکا قرار دارند، سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی تنگه هرمز را با موشک، پهپاد، شهاب و مین‌پاشی ناامن کرده‌اند که عملاً به بسته شدن تنگه هرمز

نقش واسطه را بین جمهوری اسلامی و آمریکا بر عهده دارد. او به سایت «دیدهبان ایران» گفت آمریکا نمی‌خواهد مستقیماً وارد مذاکرات شود و به همین دلیل عمان را برای گفت‌وگو با جمهوری اسلامی پیش انداخته است. بخشایش اردستانی همچنین تأکید کرد: «آمریکا می‌خواهد زیر بار نرود، عمان را جلو انداخته است.»

او پیشتر نیز گفته بود اختلاف اصلی تهران و واشینگتن بر سر نحوه مدیریت تنگه هرمز و دریافت عوارض از کشتی‌ها بوده است. به گفته او، ایران خواهان کنترل تنگه و دریافت عوارض بود و آمریکا پیشنهاد کرده بود در دریافت این عوارض شریک شود؛ موضوعی که جمهوری اسلامی به دلیل حضور نظامی آمریکا در منطقه با آن مخالفت کرده است.

او همچنین مدعی شد جمهوری اسلامی معتقد است بخش عمده تنگه هرمز در محدوده حاکمیت ایران قرار دارد و سهم عمان از این آبراه کمتر است. بخشایش اردستانی بر همین اساس گفت در صورت دریافت عوارض از کشتی‌های عبوری، بخش عمده درآمد باید به ایران برسد.

یکی از شروع جمهوری اسلامی برای بازگشایی تنگه هرمز، توقف محاصره دریایی بنادر ایران است اما فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) روز پنجشنبه ۱۵ مرداد گزارش داد از زمان تشدید اجرای محاصره بنادر ایران، نیروهای آمریکایی ۴۹ کشتی تجاری را تغییر مسیر داده، ۲ فروند را از کار انداخته و ۲ فروند دیگر را برای اطمینان از رعایت مقررات بازرسی و توقیف کرده‌اند. سنتکام همچنین تأکید کرد: «ما به محاصره دریایی ایران ادامه می‌دهیم.»

● برخی مقام‌های جمهوری اسلامی مدعی‌اند تفاهم با عمان درباره تنگه هرمز در آستانه نهایی شدن است. کاظم غریب‌آبادی از معاونان عباس عراقچی روز پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ در یک مصاحبه تلویزیونی باز شدن تنگه هرمز را مشروط به «تفاهم ایران و عمان» دانست و گفت نباید آمریکا دخالتی داشته باشد و مسیر جنوبی نباید فعال باشد وگرنه «درگیری‌ها شروع می‌شود.»

● با اینکه مقامات جمهوری اسلامی و حتی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا نسبت به نهایی شدن تفاهم ابزار امیدواری می‌کنند اما به نظر می‌رسد اختلاف‌ها عمیق‌تر از آن باشد که طرفین بر سر تنگه هرمز به تفاهم برسند به ویژه آنکه آمریکا به هیچ عنوان دریافت عوارض از کشتی‌ها از سوی رژیم ایران را نمی‌پذیرد.

برخی مقام‌های جمهوری اسلامی مدعی‌اند تفاهم با عمان درباره تنگه هرمز در آستانه نهایی شدن است. کاظم غریب‌آبادی از معاونان عباس عراقچی روز پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ در یک مصاحبه تلویزیونی باز شدن تنگه هرمز را مشروط به «تفاهم ایران و عمان» دانست و گفت نباید آمریکا دخالتی داشته باشد و مسیر جنوبی نباید فعال باشد وگرنه «درگیری‌ها شروع می‌شود.»

با اینکه مقامات جمهوری اسلامی و حتی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا نسبت به نهایی شدن تفاهم ابزار امیدواری می‌کنند اما به نظر می‌رسد اختلاف‌ها عمیق‌تر از آن باشد که به این سادگی طرفین بر سر تنگه هرمز به

خبرنگار «الجزیره»: مذاکرات بر سر وضعیت تنگه هرمز «به نقطه اول برگشت»



تنگه هرمز

مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی کشتی‌ها را هدف قرار دادند.

مقامات جمهوری اسلامی و آمریکا هر کدام جداگانه ادعا می‌کنند بر تنگه هرمز مسلط هستند. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا سه‌شنبه ۲۰ امرداد گفت: «کاملاً بر تنگه هرمز کنترل داریم. ما کنترل آن را در دست داریم؛ هیچکس جز ما نیست، فقط ما.»

ترامپ افزود که به حکومت ایران اعتماد ندارد. او ادامه داد: «من آخرین کسی هستم که می‌تواند به [رژیم] ایران اعتماد کند. آنها همیشه به من دروغ گفته‌اند. در حال حاضر کنترل کامل تنگه هرمز را در اختیار داریم. آنها کنترلی بر آن ندارند.»

رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه با پادکست «صدای واقعی آمریکا» تاکید کرد که برای مقابله با تهران سه استراتژی مشخص در پیش گرفته شده است. ترامپ این سه استراتژی را شامل «زیر نظر گرفتن میزان ضعف» جمهوری اسلامی، «ضربه زدن شدید به تهران» و «اعمال فشار اقتصادی» بر آن عنوان کرد.

یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان پیش از این از جمهوری اسلامی ایران خواسته بود تا برای پایان دادن به درگیری جاری، بطور سازنده در مذاکرات با کشورهای منطقه و آمریکا شرکت کند.

وادفول در «ایکس» نوشت که این تماس را در جریان گفتگوی تلفنی با عباس عراقچی برقرار کرده است. او گفت: «من از ایران خواستم که سرانجام بطور سازنده در مذاکرات با همسایگان منطقه‌ای و آمریکا شرکت کند تا درگیری به پایان برسد.» او همچنین خواستار بازگشایی بدون قید و شرط تنگه هرمز شد. وی افزود: «تنگه هرمز باید بدون قید و شرط باز شود و ناوبری آزاد و ایمن برای همه تضمین شود.»

● به نظر می‌رسد مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا درباره وضعیت «تنگه هرمز» به بن‌بست رسیده است. نورالدین الدغیر خبرنگار الجزیره مستقر در تهران، روز چهارشنبه ۲۱ امرداد ۱۴۰۵ گزارش داد، این مذاکرات «بار دیگر به نقطه اول برگشته است.»

● مقامات جمهوری اسلامی و آمریکا هر کدام جداگانه ادعا می‌کنند بر تنگه هرمز مسلط هستند. دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا سه‌شنبه ۲۰ امرداد گفت: «کاملاً بر تنگه هرمز کنترل داریم. ما کنترل آن را در دست داریم؛ هیچکس جز ما نیست، فقط ما.»

● یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان پیش از این از جمهوری اسلامی ایران خواسته بود تا برای پایان دادن به درگیری جاری، بطور سازنده در مذاکرات با کشورهای منطقه و آمریکا شرکت کند.

به نظر می‌رسد مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا درباره وضعیت «تنگه هرمز» به بن‌بست رسیده است. نورالدین الدغیر خبرنگار الجزیره مستقر در تهران، روز چهارشنبه ۲۱ امرداد ۱۴۰۵ گزارش داد، این مذاکرات «بار دیگر به نقطه اول برگشته است.»

پیشتر عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته بود: «توافق با عمان درباره مسیر موقت تنگه هرمز نزدیک است.» اما نهادهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی شروطی را مشخص کردند که مورد قبول آمریکا قرار نگیرد. جمهوری اسلامی باز شدن تنگه هرمز را مشروط به «پایان محاصره دریایی ایران»، «توقف جنگ در تمام جبهه‌ها»، «پرداخت غرامت جنگ» و دریافت عوارض از کشتی‌های عبوری کرده که آمریکا نپذیرفته است. در همین مدت ارتش آمریکا با اسکورت کشتی‌ها تلاش کرد مسیر جنوبی تنگه را برای عبور کشتی‌های تجاری امن نگه دارد با اینهمه در چند

منجر شده است. هرچند ارتش آمریکا از هوا و زمین برخی کشتی‌های تجاری را اسکورت می‌کند اما اغلب کشتی‌ها ترجیح می‌دهند از این مسیر عبور نکنند.

محمدباقر ذوالقدر دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۷ امرداد ۱۴۰۵ فهرستی از شروط تهران برای بازگشایی تنگه هرمز اعلام کرد که از جمله شامل پایان دادن به «جنگ و تجاوز علیه ایران و متحدانش در لبنان، فلسطین، یمن و عراق» می‌شود.

اگرچه دونالد ترامپ، عباس عراقچی و مقامات عمان ادعا می‌کنند مذاکرات به خوبی پیش می‌رود اما در همین مدت چند کشتی تجاری هدف قرار گرفته‌اند. یکی از این کشتی‌ها متعلق به امارات است.

وزارت خارجه امارات متحده عربی روز شنبه «حمله خصمانه» [حکومت] ایران علیه یک نفتکش متعلق به شرکت ادنوک (شرکت ملی نفت ابوظبی) را محکوم کرد.

سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا نیز اعلام کرد، یک کشتی در نزدیکی عمان و در تنگه هرمز با یک پرتابه مورد اصابت قرار گرفته که بر اثر آن آتش‌سوزی رخ داد ولی تلفاتی نداشت. مشخص نیست که آیا منظور همان کشتی اماراتی است یا نه.

وزارت خارجه عمان که طرف مذاکره با جمهوری اسلامی است نیز «حملات مکرر به کشتی‌های در حال عبور از تنگه هرمز» را محکوم کرد، اما نامی از «ایران» نبرد.

این وزارتخانه همچنین اعلام کرد «مذاکرات جاری درباره ترتیبات کشتیرانی در تنگه هرمز در فضایی مثبت و سازنده در حال پیشرفت است» و از طرفین خواست از هر اقدامی که ممکن است روند مذاکرات را به خطر بیندازد، خودداری کنند.

همزمان شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی در یمن روز یکشنبه اعلام کردند که تأسیسات نفتی عربستان سعودی در ساحل دریای سرخ این کشور را هدف قرار داده‌اند. این حمله پس از آن صورت گرفت که عربستان اعلام کرد آتش‌سوزی در این محل را مهار کرده است؛ اقدامی که در راستای تلاش این گروه همسو با رژیم ایران برای قطع دومین مسیر آبراه حیاتی منطقه از طریق عمان انجام شده است.

دعوت برای پیوستن به توافق دفاعی مکه

در این میان وزیر خارجه ترکیه روز شنبه گفت، انتظار دارد مصر به توافق دفاعی مشترک میان ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان که با هدف ثبات منطقه طراحی شده است، بپیوندد و این کشور را «شریکی طبیعی در همه مسائل» خواند.

توافق دفاعی مکه که از یک سال پیش مقدمات امضای آن تدارک دیده می‌شد، ۷ اوت ۲۰۲۶ با حضور محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه و شهباز شریف نخست وزیر پاکستان در عربستان امضاء شد. تحلیلگران این توافق را نتیجه‌ی تهدیدات دائم و حملات نظامی جمهوری اسلامی به کشورهای منطقه می‌دانند و هدف آن را مشابه ماده پنج پیمان نظامی ناتو ارزیابی می‌کنند که بر اساس آن حمله به یک کشور عضو، حمله به همه اعضای آن محسوب شده و حق مشارکت در دفاع را به همه آنها می‌دهد. ماده‌ای که عمدتاً جهت حفظ صلح و بازدارندگی حکومت‌های جنگ‌افروز تدوین شده است.

الحرّه: هسته‌های تحت حمایت سپاه پاسداران در عراق کوچک‌تر و مخفی‌تر می‌شوند

● در شرایطی که فشار بر گروه‌های مسلح عراق تشدید می‌شود تا فعالیت خود را به سمت فعالیت‌های سیاسی متعارف و داخلی سوق دهند و از ورود به رویارویی گسترده خودداری کنند، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیش از گذشته امکان اتکا به تشکیلات بزرگ و شناخته‌شده عمومی را از دست داده است. منابع آگاه می‌گویند که سپاه پاسداران بطور فزاینده‌ای به هسته‌های کوچک‌تر و مخفی‌تر روی آورده؛ گروه‌هایی که شناسایی و هدف قرار دادن آنها دشوارتر است.

● یکی از منابع گفت این شبکه به گونه‌ای طراحی شده است که هر هسته بدون اطلاع از هویت یا فعالیت هسته‌های دیگر عمل کند و مأمور جمهوری اسلامی تنها حلقه ارتباطی میان آنها باشد.

نهادهای امنیتی در عراق در حال ردیابی شبکه‌ای از هسته‌های کوچک شبه‌نظامیان مورد حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند که مستقیم از سوی جمهوری اسلامی هدایت می‌شوند. این هسته‌ها حملات پهنای به اربیل و همچنین کشورهای همسایه، از جمله عربستان سعودی، اردن و کویت انجام داده‌اند.

پایگاه خبری «الحرّه» ۱۶ مرداد ۱۴۰۵ گزارش داد که این شبکه طی چند ماه گذشته و همزمان با آغاز بحث گروه‌های مسلح عراق درباره تحویل سلاح‌های خود، تحت فشار بغداد و واشنگتن، شکل گرفته و بجای اتکا به تشکیلات بزرگ که شناسایی آنها آسان‌تر است، اعضای منتخب از گروه‌های مسلح اصلی جدا شده و در قالب گروه‌های کوچک و جداگانه، متشکل از پنج تا ۱۰ نفر، سازماندهی شده‌اند.

منابع می‌گویند، این هسته‌ها نشان‌دهنده تغییر در شیوه فعالیت گروه‌های همسو با جمهوری اسلامی در داخل عراق هستند. آنها با سطحی پایین‌تر از دیده شدن فعالیت می‌کنند و عملیاتشان بدون عبور از سلسله‌مراتب فرماندهی گروه‌های مسلح شناخته‌شده انجام می‌شود. تمرکز اصلی آنها انجام عملیات‌های محدود، به ویژه حملات پهنای است.

استفاده از نام‌های پوششی و ساختارهای سازمانی غیرمستقیم به دوره پس از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به اسرائیل بازمی‌گردد؛ زمانی که گروه موسوم به «مقاومت اسلامی در عراق» به عنوان یک چتر برای گروه‌های مورد حمایت رژیم ایران شکل گرفت. این ائتلاف حمایت خود را از غزه اعلام کرد و صدها حمله علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و سوریه انجام داد و بعدها دامنه عملیات خود را به حمله به اسرائیل نیز گسترش داد.

در آن دوره، گروه‌هایی مانند «اصحاب الکهف» و «اولیاء الدم» مسئولیت حملات را بر عهده می‌گرفتند و به این ترتیب، گروه‌های اصلی می‌توانستند از نسبت داده شدن مستقیم حملات به آنها جلوگیری کنند، اما با تشدید درگیری‌ها، این روند نیز در حال تغییر است.

در شرایطی که فشار بر گروه‌های مسلح عراق تشدید می‌شود تا فعالیت خود را به سمت فعالیت‌های سیاسی متعارف و داخلی سوق دهند و از ورود به رویارویی گسترده خودداری کنند، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- که ایالات



شبه نظامیان مورد حمایت سپاه پاسداران در عراق

زیرا خارج از هرگونه ساختار رسمی سازمانی با رهبران مشخص فعالیت می‌کنند؛ رهبرانی که بتوان با آنها وارد همکاری یا مذاکره شد. به گفته منابع، مشکل تنها به ساختار مخفی این شبکه محدود نمی‌شود. مقام‌های اطلاعاتی می‌گویند بسیاری از اعضای این هسته‌ها بیش از آنکه با انگیزه‌های مالی فعالیت کنند، تحت تأثیر تعهد ایدئولوژیک «نظام انقلابی» در ایران قرار دارند. همین مسئله باعث می‌شود در برابر تلاش برای جذب آنها یا پیشنهادهای مالی برای تغییر موضع، مقاومت بیشتری داشته باشند.

حمله‌ای که پنجم مرداد در استان دیاله انجام شد، بخشی از ساختار این شبکه را آشکار کرد. به گفته منابع، این حمله اردوگاه «ابومنظر الحمیدای» را در این استان، که در مرز ایران قرار دارد، هدف گرفت و چند سپاهی را کشت. افراد مطلع از این موضوع گفتند، حضور چندین مستشار جمهوری اسلامی در این محل، شواهد بیشتری درباره ارتباط مستقیم این هسته‌ها با سپاه پاسداران ارائه می‌کند.

یکی از منابع گفت این شبکه به گونه‌ای طراحی شده که هر هسته بدون اطلاع از هویت یا فعالیت هسته‌های دیگر عمل کند و مأمور جمهوری اسلامی تنها حلقه ارتباطی میان آنها باشد.

به گفته منابع، مدل جدید همچنین این پرسش را مطرح می‌کند که اگر گروه‌های مسلح بزرگتر طبق برنامه پیش بروند و سلاح‌های خود را تحویل دهند، چه میزان از زیرساخت مسلحانه تهران در عراق باقی خواهد ماند. بجای آنکه این سلاح‌ها در سازمان‌های شناخته‌شده، با رهبران مشخص و پایگاه‌های معلوم باقی بمانند، بخشی از آنها ممکن است به گروه‌های کوچک‌تر و دشوارتر برای شناسایی منتقل شوند. منابع به الحره گفته‌اند که فعالیت این هسته‌ها ممکن است با نزدیک شدن به مهلت هشتم مهرماه ۱۴۰۵ که دولت عراق برای تحویل سلاح گروه‌های مسلح تعیین کرده است، افزایش پیدا کند.

متحد آن را در فهرست «سازمان‌های تروریستی خارجی» قرار داده است- بیش از گذشته امکان اتکا به تشکیلات بزرگ و شناخته‌شده عمومی را از دست داده است.

منابع آگاه می‌گویند، سپاه بطور فزاینده‌ای به هسته‌های کوچک‌تر و مخفی‌تر روی آورده است؛ گروه‌هایی که شناسایی و هدف قرار دادن آنها دشوارتر است.

به گفته منابع، برخی از اعضای این هسته‌ها پیشتر عضو گروه‌هایی بوده‌اند که در اصل با تحویل سلاح‌های خود موافقت کرده بودند، در حالی که برخی دیگر طی ماه‌های اخیر دوره‌های آموزشی فشرده‌ای را در ایران گذرانده‌اند.

منابع می‌گویند این هسته‌ها بطور مستقیم از طریق «حاج حامد»، رئیس مأموریت مستشاری سپاه پاسداران در عراق، به آن گزارش می‌دهند. حامد پس از آنکه داعش در سال ۲۰۱۴ بخش‌های وسیعی از عراق را به تصرف خود درآورد، وارد عراق شد. او یکی از مستشاران ایرانی بود که برای کمک به نیروهای حشد الشعبی در کارزار علیه این گروه شبه‌نظامی اعزام شد و از آن زمان تا کنون یکی از افسران اصلی رابط سپاه با گروه‌های مسلح عراقی بوده است.

مقام‌های آشنا با پرونده امنیتی عراق که همزمان با سفر هیئت عراقی به واشنگتن با الحره گفتگو کرده‌اند، می‌گویند ویژگی تعیین‌کننده ساختار جدید، زنجیره فرماندهی مستقیم آن به سپاه پاسداران است؛ زنجیره‌ای که رهبری گروه‌های مسلح رسمی را دور می‌زند.

اعضای این هسته‌ها با ماشین‌های غیرنظامی رفت و آمد می‌کنند، یونیفرم نظامی یا نشان سازمانی بر تن ندارند و پهناده‌ها را از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کنند. این اقدامات، ردیابی جابجایی آنها یا شناسایی محل‌های پرتاب پهناد پیش از انجام حملات را برای نهادهای امنیتی عراق دشوارتر می‌کند.

منابع اطلاعاتی عراق به الحره گفته‌اند که این گروه‌ها می‌توانند به نگرانی‌های رو به افزایش دولت تبدیل شوند،

مذاکره، میانجیگری و توافق در بن‌بست؛ برای جمهوری اسلامی، مذاکره همان جنگ است!



«جنگ ترکیبی» یا «تغییر فاز جنگ» است، و نه مسیری که به صلح واقعی از جمله با آمریکا بیانجامد. اما به نظر می‌رسد طرفین مقابل با این نگرش جمهوری اسلامی آشنا نیستند و شکست مذاکرات را به افرادی مربوط می‌دانند که بر اساس منطق خود در غرب، آنها را به «تندرو» و «میانه‌رو» تقسیم کرده‌اند!

به گزارش نیویورک‌پست، دونالد ترامپ روز چهارشنبه ۱۲ اوت محاصره دریایی آمریکا علیه جمهوری اسلامی را «دیوار فولادی» نامید و گفت هیچ کاری از دست آنها بر نمی‌آید. ترامپ با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی دیگر قُدر خاورمیانه نیست افزود: «رهبران جمهوری اسلامی فقط حرف می‌زنند و هیچ عملی ندارند».

این اظهارات یک روز پس از آن مطرح شد که کریس رایت وزیر انرژی آمریکا اعلام کرد میانگین هفت‌روزی صادرات نفت از تنگه هرمز به حدود نه میلیون بشکه در روز رسیده است. با احتساب پنج تا هفت میلیون بشکه اضافی که از طریق خطوط لوله و تأسیسات صادراتی ارتقاء یافته، کل جریان نفت از منطقه حدود پانزده میلیون بشکه در روز است. یکشنبه ۹ اوت حتی بیش از بیست میلیون بشکه نفت از خلیج فارس خارج شد که بالاتر از میانگین پیش از درگیری‌های اخیر است.

داده‌های دریایی نشان می‌دهد طی هفته‌ی گذشته ۸۴ کشتی از تنگه‌ی هرمز عبور کرده‌اند؛ هرچند منابع آگاه می‌گویند بسیاری از شرکت‌ها به دلایل محرمانه‌ی امنیتی، تعداد واقعی را کمتر گزارش می‌کنند.

تحلیلگران معتقدند محاصره اقتصاد جمهوری اسلامی را به شدت تحت فشار قرار داده و گزینه‌های رژیم را محدود کرده است. مارک دوبویتز مدیر «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» می‌گوید: «هرمز برای رژیم ایران به یک دارایی در حال کوچک شدن تبدیل شده است».

در این میان، جمهوری اسلامی با اصرار بر کنترل تنگه هرمز، آمریکا را تهدید کرده است که به این محاصره پایان دهد وگرنه به حملات تلافی جویانه روبرو خواهد شد.

این موضوع حاصل نشده است.» این منبع همچنین گزارش خبرگزاری آناتولی ترکیه را که به نقل از منابع پاکستانی، از توافق برای تهدید مهلت شصت روزه‌ی خبر داده که در آن تفاهم‌نامه قید شده بود، رد کرد. وی تأکید کرد: «هیچ صحبتی از تهدید نیست، زیرا از دیدگاه جمهوری اسلامی، هیچ دوره‌ای شروع نشده و بنابراین چیزی برای تهدید وجود ندارد».

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی پیشتر اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی و آمریکا در حال مذاکره‌ی مستقیم نیستند و پیام‌ها از طریق میانجیگران رد و بدل می‌شود. این اظهارات فراتر از یک بی‌اعتمادی، به ایدئولوژی و منطق رژیمی برمی‌گردد که مذاکره را نیز امتداد جنگ با آمریکا می‌داند.

در همین ارتباط، با وجود تمام تلاش‌های کشورهای میانجیگر مانند قطر و پاکستان و عمان به عنوان کشورهای نزدیک به رژیم تهران، مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی برای رسیدن به یک توافق حتی محدود، به نتیجه نمی‌رسد. درک مفهوم مذاکره از دیدگاه مقامات جمهوری اسلامی عمده‌ترین حلقه‌ی گمشده‌ی گفتگوهای است که بیش از دو دهه است ادامه دارد و بعید به نظر می‌رسد هرگز به جایی برسد و به حل اختلافات کمک کند. از نظر وابستگان جمهوری اسلامی، مذاکرات میدان رزم و جنگ است. محمدباقر قالیباف مذاکره‌کننده‌ی ارشد درواقع بقایای رژیم، در خصوص مذاکره از موضع قدرت معتقد است: «ما امتیازات را در مذاکرات تفهیم می‌کنیم و با موشک‌های مان می‌گیریم.» قالیباف دیپلماسی را ابزاری برای پیشبرد جنگ و تثبیت دستاوردهای نظامی می‌داند.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، عباس عراقچی به عنوان دیپلمات ارشد نیز همین دیدگاه را دارد. او مذاکره و دیپلماسی را بخشی از میدان جنگ می‌داند و بارها اظهار داشته نتایج میدانی نیروهای مسلح در مذاکرات تثبیت می‌شود. این دیدگاه در منطق و زبان رسمی جمهوری اسلامی همیشه رایج بوده: مذاکره نوعی «جنگ سیاسی»

● خبرگزاری رویترز به گفته‌ی یک منبع ارشد در رژیم تهران نوشته است که هیچ پیشرفتی در گفتگوها برای احیای توافق موقت ژوئن (یادداشت تفاهم اسلام‌آباد) و تعیین چارچوب زمانی برای اجرای تعهدات حاصل نشده است. این منبع همچنین گزارش خبرگزاری آناتولی ترکیه را که به نقل از منابع پاکستانی، از توافق برای تهدید مهلت شصت روزه‌ی خبر داده که در آن تفاهم‌نامه قید شده بود، رد کرد. وی تأکید کرد: «هیچ صحبتی از تهدید نیست، زیرا از دیدگاه جمهوری اسلامی، هیچ دوره‌ای شروع نشده و بنابراین چیزی برای تهدید وجود ندارد».

● از نظر وابستگان جمهوری اسلامی، مذاکرات میدان رزم و جنگ است. محمدباقر قالیباف مذاکره‌کننده‌ی ارشد درواقع بقایای رژیم، در خصوص مذاکره از موضع قدرت معتقد است: «ما امتیازات را در مذاکرات تفهیم می‌کنیم و با موشک‌های مان می‌گیریم».

جمهوری اسلامی اعلام کرد پیشرفتی در احیای توافق موقت با آمریکا حاصل نشده است.

ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی همچنان در بن‌بست مذاکرات برای پایان جنگ در خلیج فارس قرار دارند. بر اساس گزارش خبرگزاری رویترز به گفته‌ی یک منبع ارشد در رژیم تهران، هیچ پیشرفتی در گفتگوها برای احیای توافق موقت ژوئن (یادداشت تفاهم اسلام‌آباد) و تعیین چارچوب زمانی برای اجرای تعهدات حاصل نشده است. در منطق جمهوری اسلامی، مذاکره نیز همان جنگ است این اظهارات در حالی مطرح مطرح شده که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا، بار دیگر رهبران جمهوری اسلامی را مورد انتقاد شدید قرار داد و به این ترتیب امیدها برای حل بحران بیش از از بیش، کم‌رنگ‌تر شد. حملات تازه به کشتیرانی در منطقه در روز سه‌شنبه ۱۲ اوت نیز نشان داد برخلاف مثبت نشان دادن مذاکرات از سوی عمان، تغییری در وضعیت مذاکره و میانجیگری حاصل نشده است.

با تفاهم‌نامه‌ای که در ماه ژوئن با میانجیگری پاکستان به امضاء رسید، اعلام شده بود که هدف این توافق، «پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در همه‌ی جبهه‌ها» ست. با این حال، تفاهم‌نامه با تحركات نظامی جمهوری اسلامی به سرعت از هم پاشید. دونالد ترامپ در هفتم ژوئیه اعلام کرد که این توافق «تمام شده» است و وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز یک هفته بعد آن را به حالت تعلیق درآورد.

ایالات متحده آمریکا و زمامداران جمهوری اسلامی، یکدیگر را به نقض تعهدات متهم می‌کنند. آمریکا می‌گوید جمهوری اسلامی به تعهد خود برای بازگشایی تنگه هرمز عمل نکرده، در حالی که ایالات متحده برای اجرای این تفاهم‌نامه، محاصره دریایی را برچید و تحریم‌های نفتی و پتروشیمی رژیم ایران را نیز به حالت تعلیق درآورد. اقدامی که پس از موشک‌پرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کشتیرانی بین‌المللی، دوام نیاورد و تحریم‌های تازه و بیشتری نیز علیه رژیم اعمال شد.

«منبع ارشد» جمهوری اسلامی به رویترز گفته است: «یکی از موضوعاتی که از طریق میانجیگران در حال بحث است، بازگشت آمریکا به تفاهم‌نامه و تعریف چارچوب زمانی برای اجرای تعهدات است. مطلقاً هیچ پیشرفتی در

تزهایی پیرامون تحولات سیاسی با پتانسیل تأثیرگذاری استراتژیک در یک سال گذشته



ضدیت با آمریکا و رویکرد محو اسرائیل، سیاست‌های اتمی و موشکی، محاصره نظامی اسرائیل، ایجاد نیابتی‌ها و تلاش برای صدور اسلامگرایی شیعی و مجموعه اقدامات و تشنج آفرینی‌ها دیر یا زود قطعا به جنگ و تقابل نظامی می‌انجامید. توجه به این واقعیت از نظر نوع نگاه به صحنه و صف‌بندی‌های سیاسی و نیز در درک روندهای احتمالی آتی در عرصه بین‌المللی اهمیت بسیار دارد.

۳- افزایش تأثیر اراده و تصمیم کشورهای قدرتمند جهانی

و منطقه‌ای بر روندهای سیاسی در ایران
عملکرد جمهوری اسلامی طی دهه‌ها و بویژه در یک سال گذشته اکنون کار را به جایی کشانده که پارامتر تصمیم قدرتهای جهانی و منطقه‌ای بطور مستقیم بر سرنوشت و حیات مردم کشور ما تأثیرگذار است. نه فقط رویکرد آمریکا و اسرائیل درباره جنگ یا مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی بلکه نوع تعامل دیگر کشورهای منطقه به پارامتری بسیار مهم در نحوه انکشاف و نیز تحلیل روندها در کشور ما تبدیل شده است.

۴- تأثیرات جنگ ۱۲ روزه بر روانشناسی مردم و حکومت
مردم در برابر چشمشان ضربه‌پذیری نظام، عینیت سقوط آن و از بین رفتن چند رده عناصر کلیدی و زیرزمینی شدن رهبری آن را دیدند. این امر بر امید آنان بر اثربخشی حمله خارجی برای رهایی از نکتب نظام اسلامی افزود. شکست در جنگ ۱۲ روزه همچنین حکومت را بسوی ایجاد ساختار غیرمتمرکز و آتش باختیاری نظامی سوق داد که مثل شمشیر دولبه به بهای ایجاد انشقاق در فرماندهی، در تاب‌آوری در جنگ ۴۰ روزه یاری‌اش کرد.

۵- تجربه انباشته شده در مقیاس میلیونی در مردم در آزمودن سیاه و سرخ و خاکستری و سبز و بنفش

یک دوراهی و یک بن‌بست قرار داده است که یا به نظم موجود جهانی تن دهد که به‌معنای تسلیم و نفی ماهوی خود خواهد بود و یا به یاغیگری بین‌المللی ادامه دهد که آن نیز به‌معنای نابودی‌اش بطریقی دیگر است.

● همه ما از ددمنشی و بی‌پروایی حکومت اسلامی در قتل و آدم‌کشی آگاه بودیم اما برای کمتر کسی این حد از سرکوبگری و جنون آدم‌کشی قابل تصور بود که در دو روز ده‌ها هزار جوان را به خون بکشند.

فریدون احمدی
مهم‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی در یک سال گذشته، با پتانسیل تأثیرگذاری استراتژیک بر روندهای کلان و سرنوشت کشور، در نگاهی گذرا، بسیار فشرده و تیتروار، در ادامه آمده‌اند؛ این موارد کروئولوژیک و به ترتیب وقوع زمانی و یا به ترتیب اهمیت آورده نشده‌اند.

۱- تحولات در ماهیت و در تعادل قوا در حاکمیت جمهوری اسلامی

پس از تحولات یک سال گذشته اینک نیروی برتر و تعیین‌کننده در نظام، دیگر روحانیت، دستگاه ولایت و یا ولی فقیه احتمالی نیست بلکه دایره‌ای از فرماندهان سپاه و امنیتی‌ها هستند. دیگر سپاه بازوی اجرایی دستگاه ولایت نیست، دستگاه ولایت و روحانیت، پوشش و توجیه ایدئولوژیک حاکمیت سپاه و ارگان‌های امنیتی است. چه مجتبی زنده و سالم باشد چه مرده یا از کارافتاده. دیگر فصل‌خطابی در کار نیست. حذف علی خامنه‌ای نقطه عطف بود. او آخرین ولی فقیه نظام بود.

۲- اجتناب ناپذیری جنگ‌های ۱۲ و ۳۹ روزه، بن‌بست استراتژیک سیاست‌های کلان رژیم در پنج دهه گذشته

● پس از تحولات یک سال گذشته اینک نیروی برتر و تعیین‌کننده در نظام، دیگر روحانیت، دستگاه ولایت و یا ولی فقیه احتمالی نیست بلکه دایره‌ای از فرماندهان سپاه و امنیتی‌ها هستند.

● عملکرد جمهوری اسلامی طی دهه‌ها و بویژه در یک سال گذشته اکنون کار را به جایی کشانده که پارامتر تصمیم قدرتهای جهانی و منطقه‌ای بطور مستقیم بر سرنوشت و حیات مردم کشور ما تأثیرگذار است.

● برای اولین بار در حیات جمهوری اسلامی، بخش قابل توجهی از مردم ایران با آزمودن اصولگرایان و اصلاح‌طلبان و چپ‌ها و اصلاح‌طلبان حکومتی، به شاهزاده رضا پهلوی چه به‌عنوان نماد پادشاهی، چه به‌عنوان شخصی برای هدایتگری و هماهنگ‌کنندگی روند گذار از جمهوری اسلامی و براندازی نظام روی آوردند.

● تاریخ مبارزات با نظام جمهوری اسلامی را می‌توان به پیش و پس از این دو روز خونبار (۱۸ و ۱۹ دی‌ماه) با پیامدهایی بسیار مهم و استراتژیک تقسیم کرد. کشتن جنایت‌بار ده‌ها هزار ایرانی و زخم عمیقی که این جنایت هولناک بر اعماق جان انسان ایرانی نهاده است حتا در نگاهی میان مدت، امکان تثبیت راه‌حل‌های بینابینی را بسیار ناچیز کرده است.

● از دیگر عواقب این جنگ علاوه بر تضعیف کلی نظام که همسو با منافع ملی مردم ایران بود، آشکارشدن بیشتر و تشدید شکاف بین اهداف کشورهای طرف جنگ، آمریکا و اسرائیل، با منافع ملی ایرانیان چه در نحوه پیشبرد جنگ و چه در نحوه پیشبرد مذاکرات است.

● مجموعه روندهای سیاسی و درگیری‌های نظامی و نیز اراده جامعه جهانی، حکومت اسلامی را در موقعیت

روز ده ها هزار جوان را به خون بکشند. اکنون این پرسش بطور جدی مطرح است که آیا شیوه‌های مبارزه مدنی در برابر چنین حکومتی که اجازه تشکیل هیچ تشکلی را هم نمی‌دهد پاسخ می‌دهد و کلا با توجه به خصلت و کارکرد مبارزات و جنبش‌های مدنی در ایران رابطه آنها با امر سرنگونی و گذار از نظام چگونه تعریف می‌شود آن‌هم در شرایطی که زمان و مخاطراتی که سرنوشت کل کشور را تهدید می‌کنند نقش مهمی ایفا می‌کند.

۱۶- چشم انداز سیر رویدادها به سمت تقابل‌های

مسلحانه و موضوع دفاع مسلح

صرفنظر از اراده ما و اینکه چه بخواهیم یا نخواهیم ممکن است خشم بی‌کران انباشته شده در جامعه روندها را بسوی تقابل‌های مسلحانه سوق دهد. فراتر از آن امکان دارد اراده بازیگران بین‌المللی نیز تقابل‌های مسلحانه از نوع قومی آن را که بسیار مخرب نیز هست به کشور ما تحمیل کند. بر این اساس باید به این موضوع بدون تابو پرداخت و همفکری کرد.

۱۷- فرهنگ و مناسبات حاکم در میان نیروهای

اپوزیسیون (داخل و خارج کشور)

سپهر سیاسی در ایران کاملا قطبی شده و در سطوحی رقابت سیاسی جایش را به دشمنی سیاسی داده است. علاوه بر تخریب‌های سایبری عوامل رژیم، روی آوردن جمعیتی میلیونی به سیاست با اتکا به اینترنت و با کمترین دانش سیاسی و با روحیاتی سرکوبگرانه به این بیماری دامن زده است. همه جریان‌ها و شاخه‌های سیاسی بدون استثنا بشدت از ضعف جدی فرهنگ رواداری و پذیرش دگراندیش رنج می‌برند. در این شرایط و با وجود چنین فضایی بجای همکاری و همگامی، باید سطوح پائین‌تری از تلاش‌ها و هماهنگی‌ها را برای تلطیف و سام‌سازی سپهر سیاسی و گریز از تقابل‌های زیانبار در پیش گرفت.

۱۸- عوامل شکست تلاش‌های تاکنونی برای همگرایی

نیروهای اپوزیسیون

نبود و یا ضعف جدی فرهنگ رواداری و پذیرش دگراندیش نگاه ایدئولوژیک به نوع نظام جانشین و نداشتن پروفیل اثباتی بگونه‌ای که هویت جریان‌هایی بر بنیاد نفی هویت دیگری استوار است.

هم‌راستا و هم‌سنخ بودن برخی نیروهای اپوزیسیون با بنیان‌های بینشی و رویکردهای سیاسی پدیدآورنده انقلاب اسلامی در سال ۵۷

اساس قرار ندادن منافع ملی و بجای آن افراط‌گری و دنبال کردن برنامه‌های حزبی و فرقه‌ای و آن‌هم بشکل حداکثری زیاده‌خواهی و سهم‌طلبی بر اثر نبود سیستم و مکانیزمی برای وزن‌کشی و روشن‌نبودن جایگاه، پایه اجتماعی و حد تأثیرگذاری هر نیروی سیاسی تا قبل از ۱۸ و ۱۹ دیماه

اکنون در برابر این شرایط چه باید کرد؟

در پایان با تأکید بر این مهم که باید تماما و در اساس بر نیروی خود ملت ایران متکی شد، به نظر من شایسته است رویکرد اصلی نیروهای اپوزیسیون خواهان براندازی جمهوری اسلامی و طرفدار جمهوریت چه جمهوری‌خواه و چه طرفدار پادشاهی مشروطه بر وظایف زیر متمرکز شود: سازمان‌گری، سازمان‌گری و سازمان‌گری، گسترش پایگاه اجتماعی، تشدید شکاف در میان مدافعین نظام، مقابله با انحصارطلبی و افراط‌گری و پرخاشگری و خشونت کلامی در سپهر سیاسی، پیشبرد پروژه‌های مشترک، تلاش برای ایجاد گسترده‌ترین توافقی‌های ممکن پیرامون نقشه راه و همان اصول حداقلی که بارها اعلام شده است و البته همکاری بر پایه پذیرش توزیع اختیارات و مسئولیت‌ها بر اساس موقعیت و اندازه تأثیرگذاری هر جریان سیاسی.

۱۰- دو راهی و نیز بن‌بست نظام در تبدیل شدن به یک

دولت معمولی با پذیرش نظم و هنجارهای جهانی و یا

ادامه یاغیگری بین‌المللی

مجموعه روندهای سیاسی و درگیری‌های نظامی و نیز اراده جامعه جهانی، حکومت اسلامی را در موقعیت یک دوراهی و به باور من یک بن‌بست قرار داده است که یا به نظم موجود جهانی تن دهد که به معنای تسلیم و نفی ماهوی خود خواهد بود و یا به یاغیگری بین‌المللی ادامه دهد که آن نیز به معنای نابودی‌اش بطریقی دیگر است؛ هرچند در این مسیر تخریب ایران نیز برایش اهمیتی ندارد. نظام اسلامی از تعیین تکلیف دربرابر این دوراهی گریزی ندارد. تشدید بیش از پیش جنگ و جدال‌های درون حکومتی حاصل گیرافتادن حکومت در این دوراهی است. تاکتیک به سیم آخردن و ایفای نقش مرد دیوانه در عرصه بین‌المللی نیز فقط کوتاه‌مدت آب را گل آلود می‌کند و چاره کار نظام نیست.

۱۱- چشم انداز تشدید بحران‌های گوناگون بویژه

ابربحران اقتصادی و برآمد دوباره جنبش‌های اعتراضی

همه شواهد دال بر تشدید همه جانبه بحران‌های جاری در ایران بویژه بحران اقتصادی و فراروئیدن آن به یک ابربحران است. خود رژیم نیز جنگ اصلی را با مردم و بیشترین خطر را در خیزش دوباره آنان می‌بیند. ادامه سرکوب و تشدید ددمنشانه اعدام‌ها، خود نشانه این هراس و این ارزیابی رژیم است.

۱۲- وضعیت نیروهای سرکوب رژیم

در جریان جنگ، نیروهای سرکوب رژیم آسیب جدی دیدند و پس از آن نیز شکاف بین خیابان (طرفداران خیابانی رژیم) و پناهگاه اهرم فشار جناحی از حاکمیت از یکسو و رهبران آماده توافق نظام از سوی دیگر به تضعیف بیشتر این نیرو منجر شد. متناسب با نحوه پیشرفت مناسبات و مذاکرات با آمریکا پیرامون تنگه هرمز و تحت تأثیر جدال‌های حکومتی بخشی از نیروهای سرکوب در آمادگی‌های قبلی برای جنایت تجدید نظر خواهند کرد و شواهدی در دست است که به‌قول خودشان مانند قبل «پای کار» نباشد.

۱۳- دینامیسم یگانگی و تضاد توأمان باندهای مختلف

حکومتی

تضاد مواضع و کشمکش‌های درون حکومتی واقعیتی است آشکار. از سوی دیگر تجربه نیز در تمام طول حیات ننگین نظام نشان داده است که همواره مبانی وحدت بخش جناح‌های حکومتی بر اختلافات غلبه داشته است. اکنون اما به نظر می‌رسد خود نیز حدت و عمق این اختلافات را بزرگتر جلوه می‌دهند تا بهتر نقش پلیس خوب، پلیس بد را ایفا کنند. این تاکتیک را به نمایندگان اواما در جریان برجام فروختند و اینک نیز به دار و دسته ترامپ می‌فروشند.

۱۴- پارامتر نیروهای نیابتی به‌عنوان عامل مستقیم

سرکوب در ایران

در هر ارزیابی از نیروی سرکوب رژیم باید امکان استفاده حکومت از تروریست‌ها و مزدوران منطقه‌ای مثل حشدالشعبی، فاطمیون و غیره و حتی حوثی‌ها را نیز مدنظر داشت. بی دلیل نیست که جمهوری اسلامی در مذاکراتش ایران را به عمق استراتژیک اسلامگرایان شیعی منطقه تبدیل کرده است.

۱۵- ضرورت بازبینی نوع نگاه به جنبش‌های مدنی و

صنعی و رابطه آنها با امر سرنگونی و گذار از جمهوری

اسلامی

همه ما از ددمنشی و بی‌پروایی حکومت اسلامی در قتل و آدم‌کشی آگاه بودیم اما برای کمتر کسی این حد از سرکوبگری و جنون آدم‌کشی قابل تصور بود که در دو

→ برای اولین بار در حیات جمهوری اسلامی، بخش قابل توجهی از مردم ایران با آزمودن اصولگرایان و اصلاح‌طلبان و چپ‌ها و اصلاح‌طلبان حکومتی، به شاهزاده رضا پهلوی چه به‌عنوان نماد پادشاهی، چه به‌عنوان شخصی برای هدایتگری و هماهنگ‌کنندگی روند گذار از جمهوری اسلامی و براندازی نظام روی آوردند. این یک انتخاب استراتژیک بود از سر عاملیت و آگاهانه و نه از سر فریب‌خوردگی رسانه‌ای و یا امری صرفا نوستالژیک. در اینجا قصد ارزش‌گذاری و یا ندیدن کاستی‌ها را ندارم اما هرآنکس که نخواهد این انتخاب بخش مهمی از مردم و این واقعیت سیاسی و اجتماعی را ببیند، ره به ناکجا آباد سیاسی خواهد برد.

۶- رویکرد پراگماتیستی چه کسی می‌تواند؟ چه نیروهایی

قادرند تحولی ایجاد کنند؟

اگر بپذیریم عرصه سیاست عرصه اعمال نیروست و اهداف سیاسی تنها با تکیه بر ابزار و منابع قدرت قابل حصول هستند، در امر گذار از نظام اسلامی و کنار نهادن آن، نگاه‌ها بیش از پیش بر آن نیروهای سیاسی و اجتماعی که امکان و توانائی ایجاد تغییر و تأثیرگذاری سیاسی دارند متمرکز شده است. جایگاه سخنان زیبا و برنامه‌ها و منشورهای شسته رفته در فضای سیاسی تنگ‌تر شده و پراگماتیسمی معطوف به هدف در ارزیابی از نیروها جای خود را باز کرده است.

۷- کلان گفتمان: نفی انقلاب اسلامی با همه غودها و

مظاهر آن

برای غلبه بر نظام اسلامی حاکم، بسیار از ضرورت وجود و طرح یک کلان گفتمان سخن گفته شده است. بنظر می‌رسد گفتمان نفی انقلاب اسلامی و تجدید نظر جامعه در مورد یکی از بزرگ‌ترین داورهای تاریخی در سال ۵۷ به کلان گفتمان غالب تبدیل شده است. خواست‌های آزادی‌های فردی، پیوند با جهان و جهان غرب، انتخاب زندگی و سبک زندگی، توسعه و رفاه و پیوند با اقتصاد جهانی خود را در نفی انقلاب ۵۷ به‌غایش گذارده است. «پنجاه و هفتی» که به‌عنوان یک ناسزای سیاسی زیاد بکار برده شده مفهوم و مصداقی واقعی در زندگی سیاسی و صف‌بندی‌های سیاسی در ایران یافته است.

۸- ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه نقطه عطفی در تاریخ ایران

تاریخ مبارزات با نظام جمهوری اسلامی را می‌توان به پیش و پس از این دو روز خونبار با پیامدهایی بسیار مهم و استراتژیک تقسیم کرد. کشتن جنایت‌بار ده‌ها هزار ایرانی و زخم عمیقی که این جنایت هولناک بر اعماق جان انسان ایرانی نهاده است حتا در نگاهی میان مدت، امکان تثبیت راه‌حل‌های بینابینی را بسیار ناچیز کرده است. هیچ گشایش جدی اقتصادی، که خود بسیار ناممکن بنظر می‌رسد قادر نیست اکثریت ملت ایران را با موجودات و جریاناتی مثل قالیباف و روحانی و دیگران آشتی دهد. اگر «پدر» را به «جوان» تبدیل کنیم، گفت: جوان کشتی و تخم کین کاشتی، جوان کشته را کی بود آشتی؟

۹- پیامدهای جنگ ۳۹ روزه

تضعیف کلی و عمومی جمهوری اسلامی، تبدیل آن از یک دولت مستقر به یک نیروی زیرزمینی، از میان رفتن رهبر آن به‌عنوان وحدت‌بخش و ستون خیمه نظام در کنار آن به غمایش درآمدن توان بقا و دوام‌آوری نظامی آن. از دیگر عواقب این جنگ علاوه بر تضعیف کلی نظام که همسو با منافع ملی مردم ایران بود، آشکارشدن بیشتر و تشدید شکاف بین اهداف کشورهای طرف جنگ، آمریکا و اسرائیل، با منافع ملی ایرانیان چه در نحوه پیشبرد جنگ و چه در نحوه پیشبرد مذاکرات است.

خط لوله عربستان- اسرائیل، راهگشای بحران انرژی در خلیج فارس



هم حوثی‌ها را دور می‌زنید. بهترین مسیر از طریق کشور اسرائیل است.»

یکی از گزینه‌های مطرح‌شده، احداث خط لوله از میدان‌های نفتی وسیع عربستان (احتمالاً از ینبع) تا شهر ساحلی ایلات اسرائیل در دریای سرخ است. سپس نفت وارد خطوط لوله‌ی انتقالی اسرائیل شده و به اشکلون می‌رسد. اسرائیل نیز که خود منابع نفتی محدودی دارد، از این طرح برای تقویت امنیت انرژی خود استقبال می‌کند. مذاکرات پشت درهای بسته میان اسرائیل و چند کشور حاشیه‌ی خلیج فارس در جریان است، هرچند هنوز برنامه‌ی توافق‌شده‌ای وجود ندارد.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل پیشتر از پتانسیل چنین خط لوله‌ای برای دور زدن تهدیدهای جمهوری اسلامی سخن گفته و تاکید کرده بود که با خطوط لوله و گاز به سمت غرب از طریق شبه‌جزیره‌ی عربستان تا بنادر مدیترانه‌ای اسرائیل، نقاط تنگنا برای همیشه حذف

دیپلماتیک بوده‌اند، در حال بررسی طرحی برای ساخت لوله‌ی زمینی هستند تا وابستگی به کنترل جمهوری اسلامی بر صادرات جهانی نفت را بشکنند.

این طرح پیشنهادی شامل احداث خط لوله‌ای در سراسر صحرای عربستان تا مرز اسرائیل است. سپس این خط به به خط لوله‌ی موجود ترانس اسرائیل (ساخته‌شده در دهه‌ی ۱۹۶۰ با طول ۲۶۲ کیلومتر) متصل می‌شود که نفت را به بندر اشکلون در مدیترانه منتقل می‌نماید. نفت با رسیدن به بندر اشکلون از طریق خط لوله‌ی اسرائیل، می‌تواند از آنجا با تانکر به اروپا صادر شود و بدین ترتیب مسیرهای دریایی هرمز و دریای سرخ دور زده شود.

الی کوهن وزیر انرژی اسرائیل، جزئیات اولیه‌ای از این طرح را اعلام کرده است. او گفته است: «کشورهای خلیج فارس نمی‌خواهند در صادرات نفت، که منبع اصلی درآمدشان است، به جمهوری اسلامی یا حوثی‌ها وابسته باشند. اگر مسیر زمینی ایجاد کنید، هم جمهوری اسلامی و

● به گزارش روزنامه «تلگراف»، بسیاری از کشورهای تولیدکننده‌ی نفت در خلیج فارس، اکنون به راه حلی غیرمنتظره از سوی اسرائیل امید بسته‌اند. اسرائیل و قدرت‌های نفتی منطقه که دهه‌ها به دور از روابط دیپلماتیک بوده‌اند، در حال بررسی طرحی برای ساخت لوله‌ی زمینی هستند تا وابستگی به کنترل جمهوری اسلامی بر صادرات جهانی نفت را بشکنند.

● الی کوهن وزیر انرژی اسرائیل: «کشورهای خلیج فارس نمی‌خواهند در صادرات نفت، که منبع اصلی درآمدشان است، به جمهوری اسلامی یا حوثی‌ها وابسته باشند. اگر مسیر زمینی ایجاد کنید، هم جمهوری اسلامی و هم حوثی‌ها را دور می‌زنید. بهترین مسیر از طریق کشور اسرائیل است.»

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل پیشتر از پتانسیل چنین خط لوله‌ای برای دور زدن تهدیدهای جمهوری اسلامی سخن گفته و تاکید کرده بود که با خطوط لوله و گاز به سمت غرب از طریق شبه‌جزیره‌ی عربستان تا بنادر مدیترانه‌ای اسرائیل، نقاط تنگنا برای همیشه حذف می‌شوند.

● این پیشنهاد جنجالی در حالی مطرح شده که جمهوری اسلامی پس مذاکرات مداوم در مورد تنگه هرمز کماکان بر مواضع قبلی خود برای کنترل این آبراه بین‌المللی پافشاری می‌کند.

بنیامین نتانیاهو و وزیر انرژی اسرائیل از پتانسیل خطوط لوله‌ی اسرائیل برای دور زدن تهدیدات جمهوری اسلامی در خلیج فارس سخن گفته‌اند.

با توجه به دغدغه‌ی تولیدکنندگان و خریداران نفت در یافتن یک مسیر جایگزین زمینی، بنیامین نتانیاهو و وزیر انرژی اسرائیل نکاتی در ارتباط با پتانسیل خطوط لوله‌ی اسرائیل برای دور زدن تهدیدات جمهوری اسلامی در تنگه هرمز و حذف نقاط تنگنا در این منطقه بیان کرده‌اند.

تولیدکنندگان اصلی نفت در خلیج فارس از جمله عربستان سعودی و خریداران آن با بحران در صادرات و واردات انرژی مواجه شده‌اند. مسیرهای اصلی دریایی، یعنی تنگه هرمز در خلیج فارس و باب‌المندب در جنوب دریای سرخ، به دلیل اقدامات تهاجمی و موشک‌پرانی جمهوری اسلامی و حملات نظامی حوثی‌ها عملاً غیرقابل استفاده شده‌اند.

جمهوری اسلامی پس حملات ایالات متحده و اسرائیل، تنگه هرمز را با حملات متعدد به کشتی‌های تجاری عملاً ناامن کرده و صادرات از طریق مسیر عمان و باب‌المندب نیز با تهدیدهای مداوم روبروست. این وضعیت عربستان و دیگر کشورهای تولیدکننده‌ی کلیدی منطقه و همچنین خریداران نفت و مشتقات آن را به جستجوی راه حل واداشته است.

مسیر خط لوله‌ی احتمالی از ینبع در غرب عربستان به بندر ایلات در جنوب اسرائیل

به گزارش روزنامه «تلگراف»، بسیاری از کشورهای تولیدکننده‌ی نفت در خلیج فارس، اکنون به راه حلی غیرمنتظره از سوی اسرائیل امید بسته‌اند. اسرائیل و قدرت‌های نفتی منطقه که دهه‌ها به دور از روابط

می‌شوند.

خنثی ساختن یک شبکه پهبادی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق؛ بازداشت سه نفر از عوامل سپاه پاسداران

بازداشت شدند. منابع «العربیه» که این خبر را منتشر کرده است، تأکید کرده‌اند که این گروه قصد داشت حملاتی را در خارج از عراق انجام دهد و اعضای آن بطور مستقیم با مأموران جمهوری اسلامی که مدیریت حملات پهبادی را بر عهده دارند، در ارتباط بودند. این منابع همچنین افزودند، هسته‌ی یادشده شامل سه نفر از اعضای شبه‌نظامیان در استان بابل بوده است. حیدر عبودی سخنگوی دولت عراق روز شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵ گفت که در جریان این عملیات، چندین فروند پهباد، سلاح و تجهیزات دیگر نیز کشف و ضبط شد. به گفته عبودی، این عملیات پس از نفوذ سازمان مبارزه با تروریسم و سازمان اطلاعات ملی عراق به درون این شبکه انجام شده است. او همچنین توضیح داد: «دستگاه‌های امنیتی موفق شدند به این شبکه نفوذ کنند، ساختار آن را از هم بپاشند و اعضای آن را بازداشت کنند.» عبودی این عملیات را «کاملاً کنترل‌شده» توصیف کرد و



کشف محموله پهبادی از عوامل سپاه پاسداران در عراق

گفت که این اقدام مانع اجرای حملات هدفمند شده است. او این عملیات را بخشی از تلاش گسترده‌تر دولت عراق برای تقویت امنیت و جلوگیری از انجام عملیات توسط گروه‌های مسلح خارج از چارچوب نهادهای رسمی دولت دانست. عملیات استان بابل در حالی انجام شده که بغداد اجرای سیاست گسترده‌تری را برای قرار دادن سلاح‌ها تحت کنترل دولت دنبال می‌کند. عبودی همچنین گفت که نخست‌وزیر علی‌الزیدی درباره این موضوع بطور مستقیم با گروه‌های مسلح در حال گفتگو است. گروه‌های شبه‌نظامی عراق تا ۸ مهر فرصت دارند سلاح‌های خود را به دولت تحویل دهند. عبودی در همین ارتباط تأکید کرد: «انحصار سلاح منحصرأ در اختیار دولت خواهد بود.»

دولت عراق این سیاست را با تلاش‌های گسترده‌تر برای سازماندهی مجدد نهادهای امنیتی و قانونمند کردن نگهداری و جابجایی سلاح‌های گرم مرتبط دانسته است.

سپهبد سعد معن رئیس «سلول رسانه‌ای امنیتی» عراق نیز اخیراً بار دیگر تأکید کرده است که این سیاست برگشت‌ناپذیر است. او به مصوبه شماره ۲۱ شورای امنیت ملی عراق در سال ۲۰۱۸ و قوانین مربوط به سلاح در این کشور به عنوان بخشی از چارچوب قانونی تنظیم نگهداری سلاح‌های گرم، مبارزه با قاچاق غیرقانونی سلاح و جمع‌آوری سلاح‌های بدون مجوز اشاره کرد.

● نیروهای امنیتی عراق یک شبکه مسلح تروریستی مرتبط با جمهوری اسلامی را در استان بابل شناسایی و متلاشی کردند. اعضای این شبکه در حال آماده شدن برای حملات پهبادی علیه اهداف از پیش تعیین‌شده بودند. در این عملیات سه نفر از عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت شدند.

● منابع «العربیه» که این خبر را منتشر کرده است، تأکید کرده‌اند که این گروه قصد داشت حملاتی را در خارج از عراق انجام دهد و اعضای آن بطور مستقیم با مأموران جمهوری اسلامی که مدیریت حملات پهبادی را بر عهده دارند، در ارتباط بودند. این منابع همچنین افزودند، هسته‌ی یادشده شامل سه نفر از اعضای شبه‌نظامیان در استان بابل بوده است.

● حیدر عبودی سخنگوی دولت عراق گفت که در جریان این عملیات، چندین فروند پهباد، سلاح و تجهیزات دیگر نیز کشف و ضبط شد.

نیروهای امنیتی عراق یک شبکه مسلح تروریستی مرتبط با جمهوری اسلامی را در استان بابل شناسایی و متلاشی کردند. اعضای این شبکه در حال آماده شدن برای حملات پهبادی علیه اهداف از پیش تعیین‌شده بودند. در این عملیات سه نفر از عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در عین حال، برخی ناظران امیدوارند وابستگی انرژی میان اسرائیل و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس بتواند پیامدهای سیاسی گسترده‌تری داشته باشد و حتی به صلح منطقه کمک کند، هرچند موانع تاریخی و سیاسی همچنان باقیست. هنوز هیچ جزئیاتی درباره‌ی هزینه، ظرفیت یا جدول زمانی ساخت خط لوله‌ی جدید اعلام نشده و مذاکرات در مراحل اولیه قرار دارد.

این پیشنهاد جنجالی در حالی مطرح شده که جمهوری اسلامی پس مذاکرات مداوم در مورد تنگه هرمز کماکان بر مواضع قبلی خود برای کنترل این آبراه بین‌المللی پافشاری می‌کند. نیویورک‌تایمز نیز ادعاهای محمدباقر ذوالقدر دبیر «شورای امنیت ملی» جمهوری اسلامی را بازتاب داده و در گزارشی به بیانیه‌ی وی اشاره کرده و نوشته است که به گفته‌ی ذوالقدر، تا زمانی آمریکا رفتار خود را اصلاح نکند، تنگه هرمز بازگشایی نخواهد شد.

ذوالقدر فهرستی از شروط غیرعملی را به عنوان خطوط قرمز جمهوری اسلامی برای بازگشایی این آبراه بین‌المللی مطرح کرده که شامل مواردی مانند عدم تهدید جمهوری اسلامی از سوی آمریکا، پایان‌دادن به محاصره‌ی دریایی و خارج‌شدن نیروهای ایالات متحده از اطراف ایران، پرداخت خسارت دو جنگ، لغو تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران می‌شود.

در همین رابطه، حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم پذیرش کامل شروط جمهوری اسلامی افزود: «موضوع بازگشایی تنگه هرمز هیچ ارتباطی با مذاکرات عمان ندارد.» اظهارات سخنگوی سپاه پاسداران و دبیر عالی «شورای امنیت ملی» جمهوری اسلامی در حالیکه اسکاوت بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده است که «امروز یا فردا» توافقی با جمهوری اسلامی برای یک‌دوره آتش‌بس سی تا شصت‌روزه با باز شدن تنگه هرمز به دست خواهد آمد.

این مواضع و پافشاری تکراری رژیم تهران که در رسانه‌ها بازتاب یافته، امیدها برای بازگشایی سریع تنگه هرمز را با وجود مثبت خواندن و احتمال پیشرفت روند مذاکرات از سوی عمان، بیش از پیش کم‌رنگ کرده است. کارشناسان معتقدند، کنترل مداوم جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز، انگیزه‌ی کشورهای خلیج فارس برای بررسی گزینه‌هایی مانند خط لوله‌ی اسرائیل را افزایش می‌دهد.

روز شنبه ۸ اوت شرکت ملی نفت ابوظبی از حمله‌ی موشکی جمهوری اسلامی به یک کشتی نفتکش متعلق به شرکت ادنوک هنگام عبور از تنگه هرمز خبر داد. به دنبال این تهاجم، وزارت خارجه‌ی امارات با یک بیانیه، این حمله را «خصمانه» نامید و به شدت محکوم کرد. وزارت خارجه امارات افزود: «این حمله تلفات جانی در بر نداشته است.»

با این حال، جی. دی. ونس معاون اول رئیس‌جمهور ایالات متحده روز گذشته در خصوص مذاکرات عمان اعلام کرد که به وعده‌های جمهوری اسلامی اعتماد ندارد و باید مورد راست‌آزمایی قرار بگیرند. او در گفتگو با شبکه فاکس‌نیوز اشاره کرد: «مذاکرات عمان در مورد ایجاد یک ساز و کار برای تردد کشتی‌ها در تنگه‌ی هرمز است که شامل تعهد جمهوری اسلامی مبنی بر عدم شلیک به کشتی‌های تجاری نیز می‌شود.»

از هواداری تا مسئولیت تاریخی؛ چرا آینده ایران به مدارا و تکررگرای نیاز دارد



● اپوزیسیون جمهوری اسلامی امروز دیگر یک جریان یکدست و تک‌صدایی نیست. طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی، فکری و اجتماعی با دیدگاه‌های متفاوت در خارج و داخل کشور خواهان پایان جمهوری اسلامی و گذار ایران به نظامی دموکراتیک هستند.

● یکی از مشکلات تاریخی نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، تبدیل اختلافات سیاسی به دشمنی‌های درون‌گروهی بوده است. اگر قرار باشد هر جریان سیاسی، مخالف خود را دشمن بداند، اپوزیسیون پیش از آنکه با جمهوری اسلامی روبرو شود، انرژی خود را در جنگ داخلی سیاسی از دست خواهد داد.

● مسئله اصلی فقط این نیست که جمهوری اسلامی چگونه پایان پیدا کند؛ مسئله مهم‌تر این است که ایران پس از آن چگونه اداره خواهد شد.

● اگر امروز در اپوزیسیون کسی به دلیل مخالفت سیاسی با شاهزاده مورد توهین قرار گیرد، یا جمهوری‌خواهی به دلیل جمهوری‌خواه بودن «خائن» خوانده شود، یا پادشاهی‌خواهی به دلیل باور به سلطنت «ضددموکراتیک» تلقی شود، ما هنوز از فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی فاصله کافی نگرفته‌ایم.

● امروز شاید بهترین پیام به همه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی این باشد: ما لازم نیست درباره ایران فردا امروز به توافق کامل برسیم؛ کافی است درباره حق ایرانیان برای ساختن ایران فردا با رأی آزاد خودشان توافق کنیم.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - اپوزیسیون جمهوری اسلامی امروز دیگر یک جریان یکدست و تک‌صدایی نیست. طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی، فکری و اجتماعی با دیدگاه‌های متفاوت در خارج و داخل کشور خواهان پایان جمهوری اسلامی و گذار ایران به نظامی دموکراتیک هستند. در این میان، هواداران شاهزاده رضا پهلوی بدون تردید یکی از بزرگترین و سازمان‌یافته‌ترین جریان‌های موجود در اپوزیسیون هستند و می‌توان گفت از نظر اجتماعی از یک اکثریت نسبی برخوردارند. این جایگاه، در کنار قدرت و فرصت، مسئولیت بزرگی نیز ایجاد می‌کند.

اگر قرار است این نیروها نقشی تعیین‌کننده در آینده ایران داشته باشند، مهم است که این قدرت با مدارا، تکررگرای، احترام به مخالفان و پذیرش حق دیگران برای داشتن دیدگاه متفاوت همراه باشد.

اکثریت نسبی، حتی اگر بسیار بزرگ باشد، به معنای مالکیت بر آینده کشور نیست.

ایران آینده متعلق به همه ایرانیان است؛ جمهوری‌خواه، پادشاهی‌خواه، سکولار، مذهبی، چپ، راست، ملی‌گرا و همه کسانی که به تمامیت ارضی، آزادی، حقوق بشر و حاکمیت مردم باور دارند.

از رقابت سیاسی تا همکاری ملی

یکی از مشکلات تاریخی نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، تبدیل اختلافات سیاسی به دشمنی‌های درون‌گروهی بوده است. اگر قرار باشد هر جریان سیاسی، مخالف خود را دشمن بداند، اپوزیسیون پیش از آنکه با جمهوری اسلامی روبرو شود، انرژی خود را در جنگ داخلی سیاسی از دست خواهد داد.

امروز هدف مشترک می‌تواند نقطه آغاز همکاری باشد: گذار از جمهوری اسلامی و ایجاد شرایطی که مردم ایران

بتوانند آزادانه درباره آینده کشور تصمیم بگیرند. این هدف الزاما به معنای توافق بر سر شکل نهایی نظام سیاسی نیست.

پادشاهی‌خواهان حق دارند از پادشاهی دفاع کنند و جمهوری‌خواهان حق دارند از جمهوری دفاع کنند. اما هیچ‌کدام نباید حق انتخاب دیگری را نفی کنند. اتفاقا بلوغ سیاسی زمانی آشکار می‌شود که یک جریان قدرتمند بتواند بگوید: «من به دیدگاه خودم باور دارم، اما حق تو برای داشتن دیدگاه متفاوت را نیز به رسمیت می‌شناسم».

از هواداری تا مسئولیت تاریخی

طرفداران شاهزاده رضا پهلوی اگر واقعا خواهان نقش تاریخی او در گذار ایران هستند، باید پیش از دیگران به این اصول پایبند باشند. شاهزاده نمی‌تواند و نباید رهبر بخشی از ایرانیان علیه بخش دیگری از ایرانیان باشد. اگر قرار است او نقشی در آینده سیاسی ایران ایفا کند، بهترین سرمایه او می‌تواند این باشد که خود را نماینده همه ایرانیان بداند، نه صرفا هوادارانش.

از این منظر، هواداران او نیز می‌توانند با رفتار سیاسی خود نشان دهند که از یک حرکت شخص‌محور به سمت یک جنبش ملی، دموکراتیک و فراگیر حرکت کرده‌اند.

احترام به جمهوری‌خواهان، احترام به نیروهای چپ و راست، احترام به اقوام و گروه‌های مختلف اجتماعی، و احترام به کسانی که درباره شکل حکومت آینده نظر متفاوتی دارند، نشانه ضعف نیست؛ نشانه اعتمادبه‌نفس سیاسی است.

ایران بعد از جمهوری اسلامی

مسئله اصلی فقط این نیست که جمهوری اسلامی چگونه پایان پیدا کند؛ مسئله مهم‌تر این است که ایران پس از آن چگونه اداره خواهد شد. اگر قرار است از استبداد عبور کنیم، نباید استبداد را تنها با نام و پرچم دیگری بازتولید کنیم.

دموکراسی یعنی پذیرش مخالف. لیبرالیسم سیاسی یعنی دفاع از حقوق حتی کسانی که با ما موافق نیستند. ملی‌گرایی سالم یعنی قرار دادن منافع ایران بالاتر از منافع

گروه و حزب و شخص.

بنابراین، اگر امروز در اپوزیسیون کسی به دلیل مخالفت سیاسی با شاهزاده مورد توهین قرار گیرد، یا جمهوری‌خواهی به دلیل جمهوری‌خواه بودن «خائن» خوانده شود، یا پادشاهی‌خواهی به دلیل باور به سلطنت «ضددموکراتیک» تلقی شود، ما هنوز از فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی فاصله کافی نگرفته‌ایم.

فرصت تاریخی

ایران در برابر یک فرصت تاریخی قرار دارد. نسل جدید ایرانیان، بیش از گذشته با مفاهیمی مانند آزادی، کرامت انسانی، حکومت قانون و حقوق شهروندی آشناست و بسیاری از آنان خواهان آینده‌ای متفاوت هستند.

در چنین شرایطی، بزرگ‌ترین نیاز اپوزیسیون شاید نه یک رهبر واحد، بلکه یک توافق حداقلی بر سر اصول مشترک باشد: تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم، دموکراسی، حقوق بشر، آزادی بیان، انتخابات آزاد، استقلال قوه قضائیه و حق مردم برای تعیین شکل حکومت.

اگر طرفداران شاهزاده بتوانند در کنار قدرت اجتماعی خود، مدارا و تکررگرای را نیز به یک فرهنگ سیاسی تبدیل کنند، می‌توانند نقش بسیار مهمی در ایجاد این همگرایی داشته باشند. قدرت واقعی یک جریان سیاسی فقط در تعداد طرفدارانش نیست؛ در ظرفیت آن برای ائتلاف‌سازی، تحمل مخالف و ساختن اعتماد است.

امروز شاید بهترین پیام به همه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی این باشد: ما لازم نیست درباره ایران فردا امروز به توافق کامل برسیم؛ کافی است درباره حق ایرانیان برای ساختن ایران فردا با رأی آزاد خودشان توافق کنیم.

سرنگونی یک نظام استبدادی ممکن است با خشم آغاز شود، اما ساختن یک ایران آزاد با مدارا، خرد سیاسی و احترام متقابل امکان‌پذیر خواهد بود.

و شاید این مهم‌ترین مسئولیت تاریخی هواداران هر جریان قدرتمند، از جمله طرفداران شاهزاده رضا پهلوی، باشد: آنقدر بزرگ باشیم که ایران را برای همه ایرانیان بخواهیم، نه فقط برای خودمان.

تشدید سرکوب در ایران به بهانه‌ی «وضعیت جنگی»



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

روند را محکوم کرده و گفته، به این ترتیب اعترافات تحت شکنجه گرفته شده‌اند. او تأکید کرده: «مجازات اعدام با حق حیات و کرامت انسانی در تضاد است.»

در همین رابطه، عفو بین‌الملل نیز اعدام‌ها را محکوم کرد و هشدار داد که در میان افراد در صف اعدام، سه تن در زمان دستگیری کودک بوده‌اند. این سازمان از جامعه‌ی بین‌المللی درخواست اقدامات دیپلماتیک فوری برای توقف اعدام‌ها در ایران کرده است.

فشار بر خانواده‌ها و فضای ترس

نیروهای امنیتی و اطلاعاتی خانواده‌ها را تهدید کرده‌اند که با رسانه‌ها صحبت نکنند و با دیگر خانواده‌های متهمان در تماس نباشند، وگرنه با پیامدهای جدی روبرو می‌شوند. یکی از بستگان اعدام‌شدگان گفته است: «زندگی کل خانواده در آتش است. نه فقط جان یک نفر، بلکه همه‌ی ما در خطر هستیم.» منابع نزدیک به زندانیان نیز از تهدید به دستگیری سایر فرزندان خانواده‌ها خبر داده‌اند.

حذف و کشتار در شرایط جنگ

این موج جدید از اعدام‌ها در پی اعتراضات گسترده‌ی دی‌ماه و در شرایط جنگی چندماهه با آمریکا شکل گرفته است. جمهوری اسلامی همواره از اعدام در ملاء عام به عنوان ابزار هراس‌افکنی و سرکوب مخالفان و اعتراضات جامعه در دوره‌های مختلف استفاده کرده است.

حذف مخالفان به بهانه‌ی فضای جنگی در جمهوری اسلامی تنها مربوط به اکنون نیست. با آغاز جنگ ایران و عراق نیز حکومت تازه برآمده از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ با تکیه بر موج مذهبی، روزانه در میدانی شهرها اعدام‌ها را به نمایش می‌گذاشت. تفاوت مهمی که در اعدام‌های اکنون و آن دوره به چشم می‌آید، بازتاب گسترده‌ی جنایات جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی و خبرگزاری‌های بین‌المللی است و مهمتر اینکه با تغییر نسل و دستیابی به آگاهی و فرو ریختن دیوار تباهی و توحش انقلاب اسلامی، برخلاف دهه‌ی شصت برگزاری میدانی اعدام با انزجار و اعتراض شهروندان روبرو می‌شود و به خشم و اراده‌ی آنها علیه جمهوری اسلامی دامن می‌زند.

ابوالفضل سپاهی (۲۳ساله) و علیرضا سپاهی (۲۵ساله) به اتهام مشارکت در اعتراضات دی‌ماه، برای اعدام در ملاء عام به خیابان علیخانی منتقل شدند. جرثقیل‌ها برای نصب دار به کار گرفته شدند. امیرحسین صفری و ابوالفضل سپاهی را به دار آویختند، اما علیرضا سپاهی پیش از رسیدن به دار به دلیل حمله قلبی از پای افتاد و به بیمارستان منتقل گردید. این اعدام‌ها در سحرگاه ششم مردادماه درست پیش از اذان صبح، انجام شد. جمهوری اسلامی طبق قوانین اسلامی اجرای اعدام را همراه با اذان صبح الزامی می‌داند، به همین دلیل ایرانیان از آن به عنوان «آوای مرگ» یاد می‌کنند.

در ادامه‌ی این گزارش آمده است، در صحنه‌ی اعدام، نیروهای امنیتی با کامیون‌های مسلح به مسلسل حضور داشتند. شهروندان اصفهان با دیدن این صحنه دست به اعتراض زدند و با سر دادن شعار با ماموران درگیر شدند. ویدیوهای این اعتراض در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

آمار اعدام‌ها و پرونده «میدان علیخانی»

فولکر تورک کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده که از اول فروردین تا کنون دست‌کم ۵۶ شهروند با اتهامات مرتبط با «امنیت ملی» اعدام شده‌اند که پرونده ۲۷ تن از آنان به اعتراضات دی‌ماه مربوط بوده. بیش از ۱۰۰ تن دیگر در معرض خطر اعدام قرار دارند. وکلایی از داخل ایران به «ای‌بی‌سی‌نیوز» گفته‌اند رقم واقعی ممکن است بالاتر باشد. در پرونده‌ی معروف به «میدان علیخانی»، دوازده جوان به اعدام محکوم شده و چند تن دیگر به پنج تا ده سال زندان محکوم شده‌اند. از این دوازده نفر، چهار تن اعدام شده‌اند و هشت نفر دیگر در انتظار اجرای حکم هستند.

شکنجه، اعتراف اجباری و نقض روند قضایی

خانواده‌ها و دوستان متهمان گزارش داده‌اند که فرزندان‌شان روزها تحت شکنجه‌های جسمی و روانی شدید قرار گرفته‌اند تا به قتل اعتراف کنند. آنها حق انتخاب وکیل نداشته‌اند و دادگاه شواهد مبنی بر حضور نداشتن در صحنه‌ی جرم را نپذیرفته است. با اینهمه حتی وکیل تسخیری نیز به پرونده دسترسی نداشته و خانواده تنها پس از صدور حکم از آن مطلع شده است. کمیسر عالی حقوق بشر این

● جمهوری اسلامی پس از ماه‌ها جنگ با ایالات متحده و اعتراضات سراسری دی‌ماه سال گذشته در انقلاب شیروخورشید، سرکوب مخالفان را بیش از پیش تشدید کرده است. اعدام علنی به خیابان‌ها بازگشته و گروه‌های حقوق بشری و خانواده‌های اعدام‌شدگان از افزایش فشارها خبر می‌دهند. شبکه «ای‌بی‌سی‌نیوز» نیز در گزارشی که ۹ اوت منتشر شده، به این اعدام‌ها پرداخته است.

● نیروهای امنیتی و اطلاعاتی خانواده‌ها را تهدید کرده‌اند که با رسانه‌ها صحبت نکنند و با دیگر خانواده‌های متهمان در تماس نباشند، وگرنه با پیامدهای جدی روبرو می‌شوند.

همزمان با چرخش‌های ناپایدار در سیاست دولت آمریکا، از تهدید به «حمله» به تبلیغ برای «معامله»، دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی بیش از پیش فعال شده و به بهانه‌ی «وضعیت جنگی» به حذف مخالفان ادامه می‌دهد. در حالی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا با چرخش از تهدید به حملات گسترده در هفته‌ی گذشته به روند «چراغ خاموش» مذاکرات برای بازگشایی تنگه هرمز تغییر مسیر داده است، ماشین کشتار و سرکوب و اعدام جمهوری اسلامی با افزایش فشارها به بهانه‌ی «وضعیت جنگی» به حذف معترضان و آزار خانواده‌های آنان ادامه می‌دهد.

جمهوری اسلامی پس از ماه‌ها جنگ با ایالات متحده و اعتراضات سراسری دی‌ماه سال گذشته در انقلاب شیروخورشید، سرکوب مخالفان را بیش از پیش تشدید کرده است. اعدام علنی به خیابان‌ها بازگشته و گروه‌های حقوق بشری و خانواده‌های اعدام‌شدگان از افزایش فشارها خبر می‌دهند. بنا بر تازه‌ترین گزارش‌ها، در طول پنج ماه گذشته، ۵۶ تن از معترضان انقلاب شیروخورشید توسط جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند.

بازگشت اعدام‌ها در ملاء عام در اصفهان

شبکه «ای‌بی‌سی‌نیوز» نیز در گزارشی که ۹ اوت منتشر شده، به این اعدام‌ها پرداخته و نوشته است، در شهر اصفهان سه جوان معترض به نام امیرحسین صفری (۳۷ساله)

انتشار نام بیش از ۷۰ معترض دی ۴۰۴ که زیر حکم «اعدام» قرار دارند

● «کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان» روز دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ با انتشار گزارشی، نام بیش از ۷۰ تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را که زیر حکم اعدام قرار دارند، منتشر کرد.

● در این گزارش تأکید شده، سکوت و تن دادن به تهدیدهای امنیتی، لزوماً به حفظ جان زندانیان یا آزادی آنان منجر نمی‌شود. در مقابل، اطلاع‌رسانی و جلب توجه افکار عمومی و جامعه بین‌المللی، در بسیاری از موارد می‌تواند به افزایش فشار برای توقف اجرای احکام اعدام و رعایت حقوق متهمان کمک کند.

● همچنان هویت تعداد زیادی از متهمان محکوم به اعدام که در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت شده‌اند نامشخص است.

«کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان» با انتشار فهرست بیش از ۷۰ نفر از معترضان بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ که زیر حکم اعدام قرار دارند، تأکید کرده همچنان هویت تعداد زیادی از متهمان محکوم به اعدام که در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت شده‌اند نامشخص است.

«کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان» روز دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ با انتشار گزارشی، نام بیش از ۷۰ تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را که زیر حکم اعدام قرار دارند منتشر کرد. در این گزارش آمده است تجربه ماه‌های گذشته نشان داده است که در بسیاری از موارد، هویت اعدام‌شدگان مرتبط با اعتراضات دی ۴۰۴ تنها پس از اجرای حکم و اعلام رسمی خبر از سوی رسانه‌های وابسته به قوه قضائیه آشکار شده است. این در حالی است که همچنان ده‌ها و شاید صدها معترض دیگر در زندان‌های ایران با خطر اعدام روبرو هستند، بی‌آنکه هیچ اطلاعاتی درباره هویت یا وضعیت پرونده آنان منتشر شده باشد.

این گزارش همچنین تأکید کرده سکوت و تن دادن به تهدیدهای امنیتی، لزوماً به حفظ جان زندانیان یا آزادی آنان منجر نمی‌شود. در مقابل، اطلاع‌رسانی و جلب توجه افکار عمومی و جامعه بین‌المللی، در بسیاری از موارد می‌تواند به افزایش فشار برای توقف اجرای احکام اعدام و رعایت حقوق متهمان کمک کند.

«کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان» اسامی معترضان بازداشت‌شده اعتراضات دی ۴۰۴ که زیر حکم اعدام قرار دارند را به شرح زیر منتشر کرده است:

۱. محمدرضا طبری

محمدرضا طبری، شهروند ۵۰ ساله، توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. این حکم در ادامه توسط شعبه ۹ دیوان عالی کشور تأیید شد.

خبرگزاری «میزان»، وابسته به قوه قضائیه، در ۱۸ بهمن ۱۴۰۴ خبر و ویدئوی نخستین جلسه دادگاه او را منتشر کرد. در این گزارش ادعا شده است که محمدرضا طبری از «لیدرهای» اعتراضات بوده و در روز ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴، با در اختیار داشتن سلاح گرم، در شهرک اورین شهرستان بهارستان یکی از نیروهای امنیتی را مجروح کرده است. بر اساس گزارش‌ها، محمدرضا طبری پس از اطلاع از تلاش نیروهای امنیتی برای بازداشتش، خود را به مراجع قضایی معرفی کرد. از آخرین وضعیت او اطلاعی در دست نیست.

۲. شروین باقریان جلی

شروین باقریان جلی، متولد سال ۱۳۸۶، در ارتباط با



خیزش ملی دی ۱۴۰۴، نارمک، تهران

آنان اعدام شده‌اند. سه متهم دیگر، یعنی ابوالفضل صالحی سیاوشانی، شهاب زهدی و یاسر رجایی‌فر، توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده‌اند و هم‌اکنون در زندان قزل‌حصار کرج نگهداری می‌شوند.

«کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان» تاکنون موفق به کسب اطلاعاتی درباره آخرین وضعیت پرونده این سه نفر و همچنین تأیید یا عدم تأیید حکم اعدام آنان در دیوان عالی کشور نشده است.

۹. آرمان معرفتی

آرمان معرفتی، ۳۸ ساله و اهل سقز، در اسفندماه سال گذشته به همراه اشکان مالی و مهرداد محمدی‌نیا به اتهام آتش زدن مسجد جعفری بازداشت و محاکمه شد.

بر اساس گزارش خبرگزاری «میزان»، آرمان معرفتی در این پرونده متهم ردیف سوم بوده است. نماینده دادستان در ابتدا او را به «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور از طریق حضور در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴» متهم کرد، اما در ادامه جلسه دادگاه، قاضی با استناد به ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی، عنوان اتهامی او را تغییر داد؛ اقدامی که در نهایت به صدور حکم اعدام در مرحله بدوی انجامید.

حکم اعدام آرمان معرفتی یک بار توسط دیوان عالی کشور نقض شد، اما بار دیگر از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی صادر شد. دو متهم دیگر این پرونده پیش‌تر اعدام شده‌اند.

۱۰ تا ۱۳. بیتا همتی، بهروز زمانی‌نژاد، محمدرضا مجیدی‌اصل و کوروش زمانی‌نژاد

بیتا همتی، بهروز زمانی‌نژاد، محمدرضا مجیدی‌اصل و کوروش زمانی‌نژاد، چهار تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه، به اتهام «اقدام عملیاتی برای دولت متخاصم» به اعدام و ضبط اموال محکوم شده‌اند.

پس از بازداشت، غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، شخصاً از این چهار نفر در ویدئویی که از

پرونده «میدان علیخانی» اصفهان بازداشت و به اعدام محکوم شد. این حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده و پرونده او هم‌اکنون در مرحله اجرای حکم قرار دارد. تاکنون چهار نفر از متهمان این پرونده اعدام شده‌اند. پخش ویدئوی اعتراف اجباری شروین از شبکه سه صداوسیما، هم‌زمان با بازداشت او، واکنش گسترده کاربران شبکه‌های اجتماعی را در پی داشت. در این ویدئو، بازجو او را به قتل متهم کرده و عنوان می‌کند که اتهامش «محرابه» است. شروین که با مفهوم این عنوان اتهامی آشنایی نداشت، از بازجو درباره معنای آن سؤال می‌کند و بازجو در پاسخ، مجازات آن را «اعدام» اعلام می‌کند.

۴ و ۵. احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی و عرفان امیری

احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی و عرفان امیری در ارتباط با پرونده آتش‌سوزی مسجد پاکدشت بازداشت شدند. این سه نفر در دادگاه انقلاب تهران با اتهاماتی از جمله «اقدام علیه امنیت داخلی»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «مشارکت در قتل دو نفر»، «تحریق عمدی مسجد سیدالشهدا در پاکدشت» و «تخریب اموال عمومی» محاکمه شدند. این حادثه در جریان اعتراضات ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ رخ داده است.

هر سه متهم که در زمان بازداشت ۱۷ و ۱۸ ساله بودند، به اعدام محکوم شده‌اند و حکم آنان در دیوان عالی کشور نیز تأیید شده است.

۶ و ۷. ابوالفضل صالحی سیاوشانی، شهاب زهدی و یاسر رجایی‌فر

ابوالفضل صالحی سیاوشانی، شهاب زهدی و یاسر رجایی‌فر از متهمان پرونده آتش زدن پایگاه بسیج «۱۸۵ شهید محمود کاوه» در حوالی خیابان نامجو در شرق تهران هستند. این حادثه شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ رخ داد.

در این پرونده، هفت نفر بازداشت شدند که چهار نفر از

۳۰ و ۳۱. مهدی ناظر و مهناز چاردولی

مهدی ناظر و مهناز چاردولی، دو زندانی سیاسی، در ۲۱ دی‌ماه ۱۴۰۴ و در ارتباط با اعتراضات سراسری تهران بازداشت شدند. این دو توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده‌اند. بر اساس گزارش‌ها، اتهام‌های مطرح‌شده علیه آنان شامل «حمله به مسجد با توکتل مولوتوف»، «حضور در تجمعات غیرقانونی» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» است.

۳۲. مهنام نواب صفوی

مهنام نواب صفوی، زندانی سیاسی ۲۲ ساله، در ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ و در ارتباط با اعتراضات سراسری در اصفهان بازداشت شد. او توسط شعبه پنجم دادگاه انقلاب اصفهان به اتهام «محرابه» از طریق مشارکت در تخریب اموال عمومی، «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی» و «تشویق مردم به کشتار یکدیگر» به اعدام محکوم شده است. بر اساس گزارش خبرگزاری «هرانا»، یکی از مصادیق اتهامی مطرح‌شده علیه او، شعارنویسی عنوان شده است. مهنام نواب صفوی هم‌اکنون در زندان دستگرد اصفهان نگهداری می‌شود.

۳۳. علیرضا سپاهی

علیرضا سپاهی یکی از ۱۲ متهم پرونده «میدان علیخانی» اصفهان است که به اعدام محکوم شده‌اند. این حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده و پرونده او هم‌اکنون در مرحله اجرای حکم قرار دارد.

قرار بود حکم اعدام علیرضا سپاهی همراه با ابوالفضل سپاهی (۲۳ ساله) و امیرحسین صفری (۲۸ ساله) در روز ۶ مردادماه به‌صورت علنی اجرا شود، اما او هنگام انتقال به محل اجرای حکم دچار سکت شد و به بیمارستان منتقل گردید. بر اساس گزارش‌ها، علیرضا سپاهی پس از چند روز بستری در بیمارستان، دوباره به زندان اصفهان بازگردانده شد و حکم اعدام او همچنان به قوت خود باقی است.

۳۴ تا ۳۸. علیرضا رئیسی، قائم حسینی، امیرحسین ملکی، علی دشتی و امیرحسین ابراهیمی‌انالوجه

علیرضا رئیسی (۲۲ ساله)، قائم حسینی (۲۱ ساله)، امیرحسین ملکی (۲۰ ساله)، علی دشتی (۲۰ ساله) و امیرحسین ابراهیمی‌انالوجه (۲۰ ساله) از دیگر متهمان پرونده «میدان علیخانی» اصفهان هستند.

این پنج نفر توسط دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده‌اند و احکام آنان در دیوان عالی کشور نیز تأیید شده است. پرونده آنان هم‌اکنون در مرحله اجرای حکم قرار دارد. تاکنون چهار نفر از متهمان این پرونده اعدام شده‌اند.

۳۹ و ۴۰. کیانوش همزه‌ای کازرونی و مجتبی دهبندی

کیانوش همزه‌ای کازرونی (۲۷ ساله) و مجتبی دهبندی (۲۳ ساله)، در ارتباط با اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ در شیراز بازداشت شدند. این دو شهروند توسط شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز به اتهام «محرابه» از طریق آتش زدن اماکن عمومی و سوزاندن قرآن، و همچنین «اقدام علیه امنیت ملی» از طریق پناه دادن به معترضان، به اعدام محکوم شده‌اند.

بر اساس گزارش «سازمان حقوق بشر ایران»، این دو نفر در جریان اعتراضات دی‌ماه، چند معترض زخمی را برای مداوا به داخل مغازه خود منتقل کرده بودند. نیروهای امنیتی با استفاده از تصاویر دوربین‌های مداربسته، هویت آنان را شناسایی کرده و هشت روز بعد در منازلشان بازداشت کردند.

۴۱. احد شکوهمیان

احد شکوهمیان، ۳۸ ساله، در ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ در

اتهام «محرابه» به اعدام محکوم شد. این حکم هم‌اکنون در مرحله فرجام‌خواهی قرار دارد. بر اساس گزارش هرانا، علی کمالی در خردادماه از زندان تهران بزرگ به زندان قزلحصار منتقل شده است.

۳۳. بنیامین نقدی

بنیامین نقدی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز به اتهام «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شد. این حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شده است.

او شامگاه ۱۳ دی‌ماه در شیراز، به دلیل شعله‌ور کردن یک کپسول آتش‌نشانی به سمت نیروهای انتظامی بازداشت شد. به گفته مصطفی نیلی، وکیل او، دادگاه تمامی اتهامات مطرح‌شده را مصداق «افساد فی‌الارض» تشخیص داده و بر همین اساس حکم اعدام صادر کرده است؛ این در حالی است که در این حادثه هیچ فردی آسیب ندیده بود. بنیامین نقدی، قهرمان کیک‌بوکسینگ و موی‌تای، در مسابقات سال ۲۰۲۰ باکو به عنوان نماینده ایران حضور داشت. پس از بازداشت نیز ویدئوی اعترافات اجباری او از رسانه‌های نزدیک به حکومت منتشر شد.

۳۴. علیرضا پیغمبری

علیرضا پیغمبری، زندانی سیاسی ۲۶ ساله، در ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او پس از مدتی با تودیع وثیقه آزاد شد، اما پس از برگزاری دومین جلسه رسیدگی به پرونده‌اش در اوایل خردادماه سال جاری، بار دیگر بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شد. علیرضا پیغمبری توسط شعبه ۲۳ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «محرابه» به اعدام محکوم شده و پرونده او هم‌اکنون در دیوان عالی کشور در دست بررسی است.

۳۵. پیمان گنجی

پیمان گنجی، معترض ۳۳ ساله، در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ بازداشت شد. او توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، به اتهام «محرابه» از طریق آتش زدن اموال عمومی، به اعدام محکوم شده و هم‌اکنون در زندان تهران نگهداری می‌شود.

۳۷. وحید خان‌صنمی

وحید خان‌صنمی در اسفندماه سال گذشته، در ارتباط با اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ در تهران بازداشت شد. او توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اتهام «محرابه» به اعدام محکوم شده است. جلسه رسیدگی به پرونده وی در اردیبهشت‌ماه برگزار شد و او هم‌اکنون در زندان تهران بزرگ نگهداری می‌شود.

۳۸. کمال خان‌بابایی

کمال خان‌بابایی، زندانی سیاسی ۳۲ ساله، در ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ در ارتباط با اعتراضات سراسری در قزوین بازداشت شد. او توسط شعبه اول دادگاه انقلاب قزوین به اتهام «محرابه» از طریق مشارکت در تخریب اموال عمومی به اعدام محکوم شده است. بر اساس گزارش خبرگزاری «هرانا»، یکی از مصادیق اتهامی مطرح‌شده علیه او، شکستن دو دوربین مداربسته عنوان شده است.

۳۹. نیما عربان

نیما عربان، نوجوان ۱۷ ساله، در ارتباط با اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ در نایین استان اصفهان بازداشت شد. او توسط شعبه دادگاه انقلاب اصفهان به ریاست قاضی براتی، به دو بار اعدام محکوم شده است. نیما عربان از متهمان پرونده‌ای است که در نهایت به صدور حکم اعدام برای عباس اکبری فیض‌آبادی انجامید؛ حکمی که در ۴ خردادماه اجرا شد. او هم‌اکنون در کانون اصلاح و تربیت اصفهان نگهداری می‌شود.

→ رسانه‌های وابسته به حکومت منتشر شد، بازجویی کرد. حکم اعدام آنان توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب صادر و برای فرجام‌خواهی به دیوان عالی کشور ارسال شده است. تاکنون اطلاعاتی درباره آخرین وضعیت این پرونده منتشر نشده است.

۱۴ تا ۱۷. سعید زارعی کردشولی، حمیدرضا فتحی، عبدالرضا فتحی و حمیدرضا ثابت‌رأی

سعید زارعی کردشولی، حمیدرضا فتحی، عبدالرضا فتحی و حمیدرضا ثابت‌رأی در ارتباط با اعتراضات مردودشت بازداشت و توسط شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز به ریاست قاضی سیدمحمود ساداتی به اعدام محکوم شده‌اند. «کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان» پیش‌تر در بهمن‌ماه گزارشی درباره وضعیت سعید زارعی کردشولی منتشر کرده بود. بر اساس اطلاعات دریافتی، او در ۲۲ دی‌ماه در منزل خواهرش در شیراز بازداشت شد و در دوران بازداشت تحت شکنجه شدید قرار گرفت، به‌گونه‌ای که از ناحیه صورت، پاها و دنده‌ها دچار شکستگی‌های متعدد شد. گزارش‌های بعدی نشان می‌دهد سایر متهمان این پرونده نیز برای پذیرش اتهام قتل پنج عضو سپاه پاسداران در جریان اعتراضات مردودشت، تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. از آخرین وضعیت این پرونده اطلاعی در دست نیست.

۱۸. مریم (مهتاب) هداوند

مریم (مهتاب) هداوند، ۴۵ ساله و مادر دو فرزند، توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، در ارتباط با پرونده آتش‌سوزی مسجد سیدالشهدا پاکدشت، به اعدام محکوم شده است. بر اساس آخرین گزارش‌ها، پرونده او هم‌اکنون در دیوان عالی کشور در انتظار رسیدگی است. مریم هداوند در بند زنان زندان اوین نگهداری می‌شود.

۱۹. اسماعیل رمضان‌پور

اسماعیل رمضان‌پور، شهروند اهل استان فارس و ساکن یزد، در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ بازداشت شد و توسط دادگاه انقلاب یزد به اتهام‌های «محرابه»، «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور» و «تخریب عمدی اموال عمومی از طریق آتش زدن ساختمان شهرداری یزد با قصد مقابله با نظام» به اعدام محکوم شد. بر اساس گزارش سازمان حقوق بشری «هنگاو»، این حکم به‌صورت رسمی در زندان مرکزی یزد به او ابلاغ شده است.

۲۰. کاوه عربیان

کاوه عربیان، معترض ۳۵ ساله و پدر یک فرزند، به اتهام آتش زدن اموال عمومی با قصد برهم زدن امنیت کشور، توسط دادگاه انقلاب یزد به اعدام محکوم شده است. او در ۲۲ دی‌ماه در منزل پسرعمویش بازداشت شد و به مدت ۶۸ روز در بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران تحت بازجویی قرار داشت. وی هم‌اکنون در زندان مرکزی یزد نگهداری می‌شود.

۲۱. علی دانش‌پرور

علی دانش‌پرور، ۳۳ ساله، در ۱۹ دی‌ماه بازداشت شد و به مدت سه ماه در بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران تحت بازجویی قرار داشت. او به قتل یکی از نیروهای امنیتی و اقدام با قصد برهم زدن امنیت کشور متهم و در نهایت به اعدام محکوم شد. علی دانش‌پرور هم‌اکنون در زندان مرکزی یزد زندانی است.

۲۲. علی کمالی

علی کمالی در ۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۴، در جریان اعتراضات سراسری در تهران بازداشت شد. او دارای اقامت مالزی است و تنها چند روز پس از سفر به ایران بازداشت شد. وی در اردیبهشت‌ماه سال جاری توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به

پاکدشت و در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه بازداشت شد. او توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده است. بر اساس گزارش‌ها، این حکم بر پایه اتهام‌هایی از جمله «مشارکت در دو فقره قتل عمد»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «تخریب اموال عمومی با قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی» صادر شده است. احد شکوهمان از اواخر خردادماه سال جاری در زندان قزلحصار کرج نگهداری می‌شود.

۴۲. مجید نیک‌اندیش

مجدید نیک‌اندیش در ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ و در ارتباط با اعتراضات سراسری مشهد بازداشت و به زندان وکیل‌آباد منتقل شد. او در ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ توسط شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شد. این حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شده است.

۴۳. مهدی ظریف

مهدی ظریف در ۲۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۴، با یورش نیروهای امنیتی به منزلش در شان‌دیز مشهد، در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه بازداشت شد. او توسط شعبه پنجم دادگاه انقلاب مشهد به ریاست قاضی یزدان‌خواه، با استناد به «قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت ملی»، به اعدام محکوم شده است.

بر اساس گزارش‌ها، او پس از بازداشت برای مدتی طولانی در سلول انفرادی نگهداری شد و در جریان بازجویی‌ها، بر اثر فشارهای وارده دچار عارضه قلبی شد و به بیمارستان انتقال یافت. وی هم‌اکنون در زندان وکیل‌آباد مشهد نگهداری می‌شود.

۴۴. مهران سیدزاده

مهران سیدزاده، زندانی سیاسی و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان به اتهام مشارکت در کشته شدن دو عضو بسیج در جریان اعتراضات، به اعدام محکوم شده است. این حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شده است. او به همراه برادر ناتنی خود در منزل بازداشت شد.

بر اساس گزارش «سازمان حقوق بشر ایران»، زمانی که مأموران امنیتی برای بازداشت او به منزلشان یورش بردند، مهران در جریان تلاش برای فرار، یکی از مأموران را از پله‌ها به پایین هل داد که در نتیجه آن مأمور دچار آسیب مغزی شد.

مهران سیدزاده پس از بازداشت، به مدت سه ماه در بی‌خبری مطلق و بدون امکان تماس با خانواده یا دسترسی به دنیای خارج نگهداری شد.

۴۵ تا ۴۹. عرفان خلیلی، علی‌اکبر محلوچی، حسام عیسایی، حسین شکوهی و ابوالقاسم کاظم اصلانی

عرفان خلیلی، علی‌اکبر محلوچی، حسام عیسایی، حسین شکوهی و ابوالقاسم کاظم اصلانی، پنج تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهرستان محلات استان مرکزی هستند که با اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شده‌اند.

تا زمان تنظیم این گزارش، اطلاعات بیشتری درباره جزئیات پرونده و آخرین وضعیت این پنج زندانی منتشر نشده است.

۵۰. آرین ولی‌پور

آرین ولی‌پور، زندانی سیاسی و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، توسط شعبه ۲۳ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «تخریب اموال عمومی» و «همکاری با اسرائیل» به اعدام محکوم شده است.

او هم‌اکنون در زندان قزلحصار کرج نگهداری می‌شود و پرونده‌اش در دیوان عالی کشور در مرحله رسیدگی قرار

دارد.

۵۱ و ۵۲. اکبر عرب‌زاده و مهدی عرب‌زاده

اکبر عرب‌زاده و مهدی عرب‌زاده، دو برادر، در ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان بازداشت و به زندان دستگرد این شهر منتقل شدند. بر اساس گزارش‌ها، این دو برادر با اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شده‌اند.

۵۳ تا ۵۵. افشار شاه‌احمدی، ایمان شقایق و صدرالدین احمدزاده

افشار شاه‌احمدی، ایمان شقایق و صدرالدین احمدزاده، سه شهروند افغانستان، در ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ بازداشت شدند. این سه نفر به اتهام مشارکت در آتش زدن یک کلانتری به اعدام محکوم شده‌اند. بر اساس گزارش «سازمان حقوق بشر ایران»، آنان پس از بازداشت به مدت ۴۰ روز در بازداشتگاه وزارت اطلاعات، در بی‌خبری مطلق و بدون امکان تماس با خانواده نگهداری شدند.

۵۶ و ۵۷. مرتضی زمانی و مهدی رنجبر

مرتضی زمانی، ۲۷ ساله، و مهدی رنجبر، ۱۸ ساله، در ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ و در جریان تجمعات اعتراضی شهر شاهرود بازداشت شدند. این دو در قالب یک پرونده مشترک تحت تعقیب قرار گرفتند و در نهایت هر دو به اعدام محکوم شدند.

۵۸. مهدی روشنی

مهدی روشنی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۶ دی‌ماه در شهرستان ملکشاهی، با اتهام‌های امنیتی به اعدام محکوم شده است. بر اساس گزارش «سازمان حقوق بشر ایران»، او از جمله به اتهام قتل احسان آقاجانی، یکی از نیروهای پلیس، به اعدام محکوم شده است. طبق گزارش‌ها، مهدی روشنی پس از بازداشت، در اردیبهشت‌ماه با قرار وثیقه آزاد شد، اما دو هفته بعد مجدداً بازداشت شد و از آن زمان تاکنون در زندان به سر می‌برد.

۵۹. رسول رضایی

رسول رضایی ۲۸ ساله در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ بازداشت شده است. بنا بر گزارش خبرگزاری «هرانا» رسول رضایی در دادگاه انقلاب مشهد به اتهام محاربه به اعدام محکوم شده است و این حکم به تأیید دیوان عالی رسیده است. او هم‌اکنون در زندان وکیل‌آباد مشهد است.

سایر افراد زیر حکم اعدام

علاوه بر افراد یادشده، اطلاعات موجود حاکی از آن است که افراد زیر نیز در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه با حکم اعدام مواجه هستند، اما تاکنون اطلاعات بیشتری درباره پرونده یا وضعیت آنان در دسترس قرار نگرفته است:

۶۰. منصور جعفری (۱۷ ساله)

۶۱. شاهین سلیمانی (۲۳ ساله)

۶۲. حسین قلعه‌بیگی (۲۲ ساله)

۶۳. رضا مودنی (۲۳ ساله)

۶۴. یاسر مختاری (۲۳ ساله)

۶۵. مسلم حیدری (۳۰ ساله)

۶۶. رمضان اسدی

۶۷. ابوالفضل هاشمیان

۶۸. دانیال هارونی

۶۹. نوید شیرانی

۷۰. سیدرضا حسنلو

۷۱. داوود امین‌زاده

۷۲. مبین سلطانی

۷۳. پژمان حقیقی

احکام «مجتبی خامنه‌ای» برای شش فرمانده ارشد نیروهای مسلح؛ حسین طائب به قدرت بازگشت

● بر اساس این احکام علی‌اللهی که فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیا» بود به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و کیومرث حیدری به عنوان جانشین رئیس این ستاد معرفی شده است.

● با انتصاب عبداللّهی در سمت ستاد کل نیروهای مسلح، برای فرمانده جدید قرارگاه «خاتم‌الانبیا» اما هنوز حکمی صادر نشده است. بر همین اساس گفته می‌شود که قرارگاه «خاتم‌الانبیا» که وضعیت فرماندهی آن مشخص نشده، در عمل با ستاد کل ادغام شده است.

● «مجتبی خامنه‌ای» همچنین حسین طائب رئیس پیشین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) را به عنوان فرمانده سازمان بسیج معرفی کرده است. مجتبی خامنه‌ای در حکم خود برای طائب چند انتظار را مطرح کرده است: «تقویت شبکه‌ی اطلاعات مردمی، افزایش مهارت‌ها و آموزش‌های لازم توأم با بصیرت‌افزایی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای مقابله‌ی مردم‌پایه با تهدیدات دشمن» که به نظر می‌رسد مرتبط با مقابله علیه خیزش‌های ضدحکومتی است که انتظار می‌رود موج دیگری از آن در راه باشد به ویژه آنکه پیامدهای جنگ بر نارضایتی مردم بیش از پیش دامن زده است.

با احکامی منسوب به «مجتبی خامنه‌ای» رهبر جمهوری اسلامی که معلوم نیست در چه وضعیتی است و آیا زنده است یا مُرده، شش فرمانده در نیروهای مسلح منصوب و معرفی شدند.

بر اساس این احکام علی‌اللهی که فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیا» بود به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و کیومرث حیدری به عنوان جانشین رئیس این ستاد معرفی شده است.

رئیس قبلی این ستاد عبدالرحیم موسوی بود که ۹ اسفند ۱۴۰۴ در نخستین دقایق حملات آمریکا و اسرائیل کشته شد و ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در حدود پنج ماه گذشته بدون رئیس به کار خود ادامه می‌داد.

«مجتبی خامنه‌ای» در حکم صادر شده برای عبداللّهی خواستار «تکمیل روند ادغام ستاد کل نیروهای مسلح

سکان «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» در دست یک مجرم بین المللی تحت تعقیب اینترپل



محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام

رهبر جمهوری اسلامی منصوب شده. رهبری که از وضعیت جسمی و زنده بودن وی اطلاع دقیقی در دست نیست! خبرگزاری‌های رسمی از جمله تسنیم و ایسنا خبر انتصاب رضایی را به عنوان دبیر «شورای عالی امنیت ملی» را ۱۶ مرداد منتشر کرده بودند، اما این خبر ساعتی بعد از روی وبسایت و شبکه‌های اجتماعی این رسانه‌ها بدون هیچ توضیحی حذف شد.

محسن رضایی از مقامات باسابقه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و سال‌ها فرمانده این تشکیلات موازی و نامتعارف نظامی بوده است.

رضایی طی هفته‌های اخیر به دلیل اظهارات تهاجمی درباره تنگه هرمز مورد توجه رسانه‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفت. او گفت که جمهوری اسلامی حرکت کشتی‌ها در مسیر جنوبی تنگه هرمز در عمان را تحمل نخواهد کرد و همچنین تأکید کرد: «اهمیت تنگه هرمز از ده‌ها مپ اتم بیشتر است.»

آرژانتین در سال ۲۰۲۲، در جریان سفر رسمی رضایی به قطر، خواستار بازداشت او شد، اما به این درخواست پاسخی داده نشد. بوئنوس آیرس همچنان خواستار بازداشت اوست و می‌گوید که رضایی در جلسه‌ای شرکت داشته که در آن طرح مپ‌گذاری آمیا برنامه‌ریزی شد.

بعد از انتصاب رضایی در مقام جدید، شماری از مسئولان بلندپایه حکومت در پیام‌های جداگانه به او تبریک گفتند. علی‌اللهی فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیاء» در پیامی ضمن تبریک به رضایی نوشت: «در شرایط و وضعیت کنونی که ایران اسلامی درگیر جنگ تحمیلی ترکیبی و تهدیدات همه‌جانبه آمریکایی صهیونی است، حضور جنابعالی در شورای عالی امنیت ملی می‌تواند هماهنگی راهبردی میان میدان و دیپلماسی، امنیت اقتصادی و سیاسی را با رویکرد مقاومت و حکمرانی امیدبخش متحول سازد.» بسیاری از نظامیان و تحلیلگران این حوزه محسن رضایی را از عوامل اصلی افزایش تلفات در دوران جنگ ایران و عراق می‌دانند. او از طراحان عملیات کربلای پنج بود که هزاران نفر از نیروهای ایرانی در آن کشته شدند.

● محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسماً روز ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ به عنوان دبیر «شورای عالی امنیت ملی» منصوب شد؛ انتصابی که به نظر می‌رسد پیامد اختلاف در بالاترین سطوح حکومت باشد.

● رضایی ۷۱ ساله از سال ۲۰۰۷ تحت تعقیب اینترپل قرار دارد؛ اتهام مطرح‌شده علیه او مشارکت در مپ‌گذاری سال ۱۹۹۴ در مرکز جامعه یهودیان آمیا در بوئنوس آیرس آرژانتین است. این حمله ۸۵ کشته و صدها زخمی برجای گذاشت. مقام‌های آرژانتینی حزب‌الله را به اجرای این مپ‌گذاری با حمایت جمهوری اسلامی ایران متهم کرده‌اند. ● رضایی دومین مقام پس از مرگ علی لاریجانی است که ریاست «شورای عالی امنیت ملی» را بر عهده می‌گیرد. لاریجانی در جریان جنگ ۴۰ روزه در حملات اسرائیل کشته شد. اندکی بعد محمدباقر ذوالقدر جانشین او شد. ذوالقدر اکنون به عنوان مشاور سیاسی مجتبی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی منصوب شده است؛ رهبری که از وضعیت جسمی و زنده بودن وی اطلاع دقیقی در دست نیست!

محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسماً روز ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ به عنوان دبیر «شورای عالی امنیت ملی» منصوب شد؛ انتصابی که به نظر می‌رسد پیامد اختلاف در بالاترین سطوح حکومت باشد.

رضایی ۷۱ ساله از سال ۲۰۰۷ تحت تعقیب اینترپل قرار دارد؛ اتهام مطرح‌شده علیه او مشارکت در مپ‌گذاری سال ۱۹۹۴ در مرکز جامعه یهودیان آمیا در بوئنوس آیرس آرژانتین است. این حمله ۸۵ کشته و صدها زخمی برجای گذاشت. مقام‌های آرژانتینی حزب‌الله را به اجرای این مپ‌گذاری با حمایت جمهوری اسلامی ایران متهم کرده‌اند.

رضایی دومین مقام پس از درگذشت علی لاریجانی است که ریاست «شورای عالی امنیت ملی» را بر عهده می‌گیرد. لاریجانی در جریان جنگ ۴۰ روزه در حملات اسرائیل کشته شد و اندکی بعد محمدباقر ذوالقدر جانشین او شد. ذوالقدر اکنون به عنوان مشاور سیاسی مجتبی خامنه‌ای

و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء» شده که به گفته‌ی او «تدبیر» آن در زمان رهبری پدرش، سیدعلی خامنه‌ای، آغاز شده بود. خامنه‌ای نیز در نخستین دقایق جنگ چهل روزه در نهم اسفندماه ۴۰۴ کشته شد. با انتصاب عبداللّهی در سمت ستاد کل نیروهای مسلح، برای فرمانده جدید قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» اما هنوز حکمی



حسین طائب

صادر نشده است. بر همین اساس گفته می‌شود که قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» که وضعیت فرماندهی آن مشخص نشده، در عمل با ستاد کل ادغام شده است.

همچنین احمد وحیدی با اعطای درجه «سرلشکری» به عنوان فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد و مصطفی ایزدی به عنوان جانشین او تعیین گشت. در حکمی که به نام «مجتبی خامنه‌ای» برای وحیدی صادر شده، سومین «رهبر جمهوری اسلامی» خواستار «ارتقاء مستمر و همه‌جانبه توانمندی‌ها به منظور بازدارندگی حداکثری، و آمادگی هوشمندانه برای اجرای عملیات تهاجمی پر قدرت علیه دشمن» شده است.

مسئولیت فرماندهی نیروی دریایی سپاه پاسداران نیز به علی عظمایی سپرده شده که بعد از کشته شدن علیرضا تنگسیری عملاً این نیرو را هدایت می‌کرد.

«مجتبی خامنه‌ای» همچنین حسین طائب رئیس پیشین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) را به عنوان فرمانده سازمان بسیج معرفی کرده است. مجتبی خامنه‌ای در حکم خود برای طائب چند انتظار را مطرح کرده است: «تقویت شبکه‌ی اطلاعات مردمی، افزایش مهارت‌ها و آموزش‌های لازم توأم با بصیرت‌افزایی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای مقابله‌ی مردم‌پایه با تهدیدات دشمن» که به نظر می‌رسد مرتبط با مقابله علیه خیزش‌های ضدحکومتی است که انتظار می‌رود موج دیگری از آن در راه باشد به ویژه آنکه پیامدهای جنگ بر نارضایتی مردم بیش از پیش دامن زده است.

زندگی «نسیه» کارگران در ایران؛ چرخه ویرانگر گرانی و حقوق‌های ناچیز عقب‌افتاده

این اقبال مسدود شده است. برای نمونه مازیار گیلانی‌نژاد، فعال کارگری، خبر داده که در برخی پروژه‌های نفت و گاز جنوب، حقوق کارگران از دو ماه تا چندین ماه عقب می‌افتد. در مواردی پاداش و عیدی آخر سال کارگران نیز پرداخت نشده است.

به گفته این فعال کارگری، با شروع جنگ، شرایط برای کارگران دشوارتر شده؛ پیمانکاران از این وضعیت سوء استفاده و به کارگران ظلم می‌کنند. در هیاهوی بیکاری و جنگ، در پروژه‌های نفت و گاز جنوب، حقوق کارگران از دو ماه تا چندین ماه عقب می‌افتد. پاداش و عیدی آخر سال کارگران نیز در موارد بسیاری پرداخت نشده است.

مازیار گیلانی‌نژاد افزوده، در مواردی، مزایای مصوب وزارت کار، از جمله ۸ ساعت کار، سنوات آخر سال، حق مسکن، حق اولاد و اضافه‌کاری به کارگران پرداخت نشده است. بیمه کارگران و استادکاران نیز در مواردی به عنوان بیمه کارگر ساده رد می‌شود و گاهی حتی بیمه آنها پرداخت نشده است. کارگران شاغل در بخش‌های دیگر، از کارخانه‌ها و تولیدی‌ها تا شهرداری‌ها نیز از عقب‌افتادن پرداخت ماه‌ها حقوق و مزایای شغلی گلایه دارند.

این کارگران البته جزو کارگرانی هستند که هنوز قربانی موج گسترده اخراج نیروی کار پس از آغاز جنگ اخیر نشده‌اند. بر اساس گزارش فعالان صنفی، از اسفندماه گذشته تا کنون حدود چهار میلیون نفر در سراسر کشور بیکار شده‌اند. آمارهای رسمی دولت نیز موج گسترده بیکاری را تأیید می‌کند. برای نمونه تنها در بخش صنعت بیش از ۶۵۰ هزار اشتغال طی ماه‌های گذشته از بین رفته است.

بسیاری از کارگران نیز در شرایط بیکاری و با وجود هزینه‌های سرسام‌آور زندگی ناچار به اشتغال ناقص یا روی آوردن به مشاغل کاذب شده‌اند.

حسن عزتی، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه، در ارتباط با وضعیت کارگران ساختمانی این شهرستان گفته: «در شهرستان بانه کارگران ساختمانی بالاجبار باید ساعت‌های پایانی کار را به اضافه‌کاری تن دهند تا بلکه بتوانند بخش کوچکی از هزینه‌های سرسام‌آور زندگی‌شان را تأمین کنند. اضافه‌کاری برای این کارگران، محصول تورم است نه یک انتخاب. و اسفبار اینکه، بیش از ۵۰ درصد از کارگران ساختمانی بانه، از هرگونه بیمه‌ای محرومند.»

وی افزود: «بخش دیگری از کارگران ساختمانی که دستمزدهایشان در زیر سایه سنگین تورم سریعاً تبخیر شده و توانایی تأمین معیشت خانواده‌ی خود را ندارند، در نوار مرزی و در میادین گاه‌آمین‌گذاری شده یا تردد ممنوع، کولبری می‌کنند که متأسفانه شانس زنده ماندن‌شان بسیار کم است؛ انتخاب دیگر این کارگران این است که به کشور عراق و اقلیم کردستان مهاجرت کنند، زن و بچه‌هایشان را در خانه تنها بگذارند و در اوج بی‌حرمتی، برده‌وار در دمای ۵۰ درجه تن به کار بدهند، آنهم هر کاری.»

این فعال کارگری تأکید کرده: «این روزها کارگران در میانه‌ی جنگ و تورم، روزگار بسیار سختی را سپری می‌کنند. با اینهمه، گویا کارگران ایرانی و خصوصاً کارگران ساختمانی به فراموشی سپرده شده‌اند و در گیر و دار قضا و قدر، بی‌پناه، نه به آینده بلکه فقط به اکنون خود می‌اندیشند. تلاش‌شان فقط برای زنده ماندن است و بس.»



همه‌انگهی شوراهای اسلامی کار استان تهران، معتقد است گسترش خریدهای اعتباری، تنها نتیجه افزایش تمایل مردم به خرید قسطی نیست، بلکه واکنشی طبیعی به کاهش قدرت خرید و افت توان پرداخت نقدی خانوارهاست؛ به گونه‌ای که حتی برای حفظ گردش اقتصادی، بخش خصوصی به سمت ارائه خدمات اعتباری حرکت کرده است.

با اینهمه رواج خرید قسطی کالاهای ضروری روزانه با هشدارهایی از سوی کارشناسان روبروست. خبرگزاری «ایلنا» در اینباره می‌نویسد: «برای نسلی که با چشم‌اندازی نامطمئن از اشتغال، درآمد‌های ناپایدار و افزایش مداوم هزینه‌های زندگی روبروست، پرداخت اقساط می‌تواند به یکی از نخستین تعهدات مالی زندگی تبدیل شود؛ تعهدی که پیش از شکل‌گیری یک پشتوانه اقتصادی مطمئن، بخشی از درآمد آینده را به خود اختصاص می‌دهد. در چنین شرایطی، مسئله تنها خرید یک کالا یا استفاده از یک خدمت اعتباری نیست، بلکه تغییر در رابطه افراد با درآمد و مصرف است؛ به گونه‌ای که بخشی از خانوارها پیش از آنکه امکان پس‌انداز یا ایجاد امنیت مالی پیدا کنند، وارد چرخه پرداخت بدهی می‌شوند.»

از سوی دیگر، ترکیب درآمد‌های ناچیز و تورم فزاینده برای حقوق‌بگیران چاره‌ای نمی‌گذارد جز اینکه اقلام ضروری خود را به صورت نسیه و قسطی تهیه کنند.

اگرچه بازار کار ایران در سال‌های گذشته همواره با بحران همراه بوده و اقبال حقوق‌بگیر مانند کارگران نیز با عقب افتادن پرداخت دستمزد و مزایای شغلی روبرو می‌شدند اما این مشکلات در ماه‌های گذشته تشدید شده است. شرایط جنگ و تشدید رکود تورمی ناشی از مشکلات مزمن ساختاری سبب شده پرداخت حقوق کارگران و حتی کارمندان زیادی در سراسر کشور با چند ماه تأخیر روبرو شود. برخی کارفرمایان بخش خصوصی ماه‌ها حق بیمه درمانی کارگران را هم پرداخت نکرده‌اند و در نتیجه بیمه

خانوارهایی که درآمد‌های ناچیز آنها حتی برای تهیه اقلام ضروری ماهانه و روزانه هم کفاف نمی‌دهد، کالاهایی مانند سبب‌زمینی و میوه و سبزیجات تا دارو و پوشک بچه را به صورت قسطی تهیه می‌کنند.

مجید رحمتی فعال کارگری: گسترش خریدهای اعتباری واکنشی طبیعی به کاهش قدرت خرید و افت توان پرداخت نقدی خانوارهاست؛ به گونه‌ای که حتی برای حفظ گردش اقتصادی، بخش خصوصی به سمت ارائه خدمات اعتباری حرکت کرده است.

شرایط جنگ و تشدید رکود تورمی ناشی از مشکلات مزمن ساختاری سبب شده پرداخت حقوق کارگران و حتی کارمندان زیادی در سراسر کشور با چند ماه تأخیر روبرو شود. برخی کارفرمایان بخش خصوصی ماه‌ها حق بیمه درمانی کارگران را هم پرداخت نکرده‌اند و در نتیجه بیمه این اقبال مسدود شده است.

همچنین از اسفندماه گذشته تا کنون حدود چهار میلیون نفر در سراسر کشور بیکار شده‌اند. آمارهای رسمی دولت نیز موج گسترده بیکاری را تأیید می‌کند. برای نمونه تنها در بخش صنعت بیش از ۶۵۰ هزار اشتغال طی ماه‌های گذشته از بین رفته است.

تشدید رکود تورمی و خسارت در واحدهای مختلف تولیدی، صنعتی و خدماتی طی ماه‌های گذشته از یکسو کارگران را با تهدید امنیت شغلی و اخراج روبرو کرده و از سوی دیگر بخش زیادی از کارگران شاغل نیز با ماه‌ها حقوق و مزایای عقب‌افتاده روبرو هستند. تورم نیز همچنان با سرعت در حال افزایش است و در چنین شرایطی زندگی کارگران حتی برای تهیه اقلام روزمره با «نسیه» و «قسط» پیش می‌رود.

قدرت خرید خانوارها در ایران به حدی سقوط کرده که وبسایت‌های خرید آنلاین ساز و کارهایی مانند «دیجی‌پی»، «استپ‌پی» و «دکتری» را برای خرید قسطی کالا، از پوشاک و لوازم خانه تا مواد غذایی و حتی دارو فراهم کرده‌اند.

بسیاری از فروشندگان که کالاهایی مانند کفش و پوشاک و ظروف را از طریق این پلتفرم‌ها در دسترس مشتری قرار می‌دهند می‌گویند حتی با امکان پرداخت قسطی، شمار مشتریان آنها با کاهش بی‌سابقه‌ی روبرو شده است.

فروش قسطی کالاهای ضروری و اساسی مانند مواد غذایی و دارو اما با استقبال همراه است. خانوارهایی که درآمد‌های ناچیز آنها حتی برای تهیه اقلام ضروری ماهانه و روزانه هم کافی نیست، این کالاها از جمله سبب‌زمینی و میوه و سبزیجات تا دارو و پوشک بچه را به صورت قسطی تهیه می‌کنند. این روند اگرچه نیازهای ضروری خانوارها را تأمین می‌کند اما در آنسو خانوارهای کم‌درآمد را وارد چرخه مهارندگی قسط و قرض و نسیه می‌کند.

تحلیلگران می‌گویند در شرایطی که بخش قابل توجهی از حقوق‌بگیران تنها مدت کوتاهی پس از دریافت حقوق، با کمبود نقدینگی مواجه می‌شوند، اعتبارهای خرد به ابزاری برای تأمین بخشی از هزینه‌های جاری زندگی تبدیل شده‌اند. به این ترتیب، بخشی از هزینه‌های امروز به تعهدات مالی ماه‌های آینده منتقل می‌شود.

در همین رابطه مجید رحمتی، عضو هیئت مدیره کانون

فروش سانتیمتری مسکن با طرح «خانه ریز»؛ توهین به کمدرآمدها و بی‌اثر بر بحران بازار مسکن



● طرح شهرداری تهران برای فروش متری مسکن در حالی آغاز شده که نتوانسته توجه شهروندان را جلب کند. کارشناسان نیز نسبت به ناکامی اهداف این طرح و عدم اثرگذاری آن بر بحران بازار مسکن تأکید دارند.

● بر اساس طرح شهرداری، هر «خانه‌ریز» معادل ۰/۰۱ مترمربع، یعنی ۱۰۰ سانتیمتر مربع از یک مترمربع است. بنابراین با خرید ۱۰۰ خانه‌ریز، فرد از منافع تغییر ارزش یک مترمربع از پروژه برخوردار می‌شود!

طرح «خانه‌ریز» با فروش متری و حتی سهم سانتیمتری از مسکن در تهران و توسط شهرداری آغاز شده است. این طرح از ابتدا با عدم استقبال مردم روبرو شده است. از سوی دیگر برخلاف تبلیغات این طرح، قرار نیست متقاضیان با ورود به این طرح در نهایت صاحب یک آپارتمان کوچک شوند، بلکه وارد طرحی برای تأمین مالی ساخت مسکن می‌شوند.

در ماه‌های اخیر برای بهبود وضعیت مسکن در تهران دو طرح پیشنهاد شده که یکی فروش سانتیمتری به مردم توسط شهرداری و دیگری واگذاری مسکن استیجاری به مستأجران از سوی دولت است که کارشناسان نسبت به هیچ‌کدام خوشبین نیستند.

آنچه شهرداری با تبلیغات زیاد در طرح «خانه‌ریز» و بقیه پلتفرم‌های سرمایه‌گذاری به شکل چراغ خاموش راه‌اندازی کرده، در اصطلاح اقتصادی یک مدل «تأمین مالی خرد» یا «فروش متری مسکن» به شمار می‌رود. در این الگوریتم مالی، پروژه ساخت و ساز به دارایی‌های بسیار کوچک (حتی در حد چند سانتیمتر یا چند دهم متر) تقسیم می‌شود. خریدار با پرداخت مبالغ خرد، مالک بخشی از ارزش ریالی آن پروژه می‌شود ولی قرار نیست الزاماً کلید یک واحد مسکونی را تحویل بگیرد!

طرح شهرداری تهران برای فروش متری مسکن در حالی آغاز شده که نتوانسته توجه شهروندان را جلب کند. کارشناسان نیز نسبت به ناکامی اهداف این طرح و عدم اثرگذاری آن بر بحران بازار مسکن تأکید دارند.

بر اساس طرح شهرداری، هر «خانه‌ریز» معادل ۰/۰۱ مترمربع، یعنی ۱۰۰ سانتیمتر مربع از یک مترمربع است. بنابراین با خرید ۱۰۰ خانه‌ریز، فرد از منافع تغییر ارزش یک مترمربع از پروژه برخوردار می‌شود. قیمت هر خانه‌ریز بر اساس ارزش‌گذاری پروژه تعیین می‌شود و قیمت اعلامی می‌تواند با تغییر ارزش پروژه تغییر کند.

در اطلاعات منتشرشده درباره پروژه نخست، قیمت حدود ۱۵۰ میلیون تومان برای هر مترمربع اعلام شده است. با این مبنا، قیمت یک خانه‌ریز ۰/۰۱ مترمربعی حدود ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود. اما یک گزارش دیگر در آستانه عرضه عمومی، قیمت هر خانه‌ریز پروژه را حدود ۲ میلیون و ۱۹۱ هزار تومان اعلام کرده است. این رقم به این معناست که یک کارگر اگر همه درآمد خود را در ماه بدهد تنها قادر به خرید ۱۰ سانتیمتر «خانه‌ریز» خواهد بود و حقوق سالانه او برابر با حدود یک مترمربع مسکن است و برای داشتن یک مسکن ۱۰۰ متری باید ۱۰۰ سال همه حقوق خود را برای خرید «خانه‌ریز» پرداخت کند!

فردین یزدانی کارشناس مسکن در گفتگو با «اکو تهران» درباره این طرح گفته: «فروش سانتیمتری مسکن در تهران نشانه شکاف عظیم و عمق مشکلات در این بازار پایتخت است.»

وی گفته: «طرح این موضوع بیشتر شبیه به یک شوخی تلخ است. این برنامه در نهایت سفته‌بازی و دلالتی را در کلانشهر تهران بیشتر کرده و هیچ کمکی به حل بحران مسکن نخواهد کرد.»

وبسایت «فرارو» نیز در گزارشی نوشته، مهم‌ترین پرسشی که کارشناسان مطرح می‌کنند، درباره حضور نهادهای مدیریت شهری مانند شهرداری در ساختار اجرای این پروژه‌هاست. از آنجا که وظیفه ذاتی مدیریت شهری، توسعه زیرساخت‌ها، حمل و نقل عمومی و ارائه خدمات شهری است، ورود به حوزه انتشار اوراق یا راه‌اندازی پلتفرم‌های خرید خانه متری، می‌تواند ریسک‌های ساختاری و نهادی به شرح زیر به همراه داشته باشد: تداخل وظایف نظارتی و اجرایی؛ شهرداری مرجع صدور پروانه و تعیین ضوابط شهرسازی محسوب می‌شود اما با ورود مستقیم به طرح فروش متری مسکن ممکن است دچار تعارض منافع شود. ریسک نقدشوندگی بازار؛ مدیریت نوسانات بازار سرمایه نیازمند تخصص عمیق مالی است که خارج از دامنه تخصصی ساختارهای شهرداری محسوب می‌شود.

جابجایی اولویت‌ها؛ تمرکز بر جذب نقدینگی خرد از طریق مسکن ساختمانی می‌تواند توجه نهادهای شهری را از پروژه‌های عمرانی بر زمین مانده منحرف کند.

«عدم امکان تحویل ملک و تسویه فیزیکی برای خریداران خرد» از دیگر ایرادهایی است که کارشناسان به این طرح وارد می‌دانند. به بیان دیگر اگر فردی در طول چند سال موفق شود مجموعاً ۵ یا ۱۰ متر از یک واحد ۶۰ متری را خریداری کند، باز هم قادر به سکونت در آن نخواهد بود. در نهایت او مجبور است سهم خود را به قیمت روز بفروشد یا با سایر مالکان خرد توافق کند. اگر بازار ثانویه نقدشوندگی بالایی نداشته باشد، سرمایه خریدار قفل خواهد شد.

همچنین با توجه به تورم فزاینده اقتصاد ایران این طرح مانند دیگر طرح‌های مشابه با ریسک افزایش شدید هزینه

ساخت و احتمال تأخیر در پایان پروژه‌ها روبروست. کارشناسان در حالی موفقیت این طرح را که از هفته گذشته آغاز شده بسیار پایین ارزیابی می‌کنند که بازار مسکن در ایران چه در بخش خرید و فروش و چه در بخش اجاره با رکود تومی عمیق روبروست. افزایش قیمت‌ها از یکسو و کاهش قدرت خرید مشتری‌ها از سوی دیگر سبب کاهش معاملات مسکن شده است.

از سوی دیگر افزایش ۱۰۰ درصدی هزینه ساخت مسکن طی ماه‌های گذشته سبب شده بسیاری از پروژه‌ها معلق مانده و سازندگان مسکن نیز سرمایه خود را از این صنعت خارج کنند. تحلیلگران بازار مسکن نتیجه‌ی این روند را افزایش بیش از پیش قیمت‌ها در بازار مسکن می‌دانند.

در همین رابطه ایرج رهبر، رئیس انجمن صنفی انبوه‌سازان تهران، روز سه‌شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۵ در گفتگو با خبرگزاری ایلنا با اشاره به افزایش شدید هزینه‌های ساخت پس از جنگ ۴۰ روزه، از افزایش دست‌کم ۱۰۰ درصدی قیمت مصالح ساختمانی و جهش دستمزد نیروی کار خبر داد و گفت: «در شرایط فعلی سازندگان امکان آغاز پروژه‌های جدید را ندارند و تنها تلاش می‌کنند پروژه‌های نیمه‌تمام را به پایان برسانند.»

افزایش هزینه‌ها سبب افزایش هزینه ساخت مسکن و در نهایت افزایش هزینه تمام‌شده قیمت مسکن شده است. به گفته ایرج رهبر، «در حال حاضر، حتی در بهترین شرایط، هزینه ساخت هر مترمربع به حدود ۵۵ میلیون تومان رسیده و در برخی پروژه‌ها بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون تومان نیز برآورد می‌شود.» منصور غیبی کارشناس اقتصادی نیز اعلام کرده: «رکود مسکن هنوز هم ادامه دارد و مشخص نیست چه زمانی به پایان می‌رسد.» این کارشناس افزوده، افزایش اجاره‌بها در تهران به شکلی بوده که مالکان را هم از اجاره مسکن خود ناامید کرده است و در نتیجه آنها به دنبال تهدید قرارداد اجاره با مستأجران کنونی هستند تا خانه‌هایشان خالی نماند.

بیش از ۳۰ کشور در یک بیانیه مشترک «اعدام»ها در ایران را محکوم کردند؛ فرانسه: جمهوری اسلامی «خونریزی» به راه انداخته است

● به دنبال افزایش اعدام شهروندان در ایران، بیش از ۳۰ کشور، از جمله فرانسه، بریتانیا و کانادا، روز چهارشنبه ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) استفاده جمهوری اسلامی از مجازات اعدام را محکوم کردند. در این بیانیه تأکید شده حکومت ایران از اعدام برای «خاموش کردن مخالفان» استفاده می‌کند.

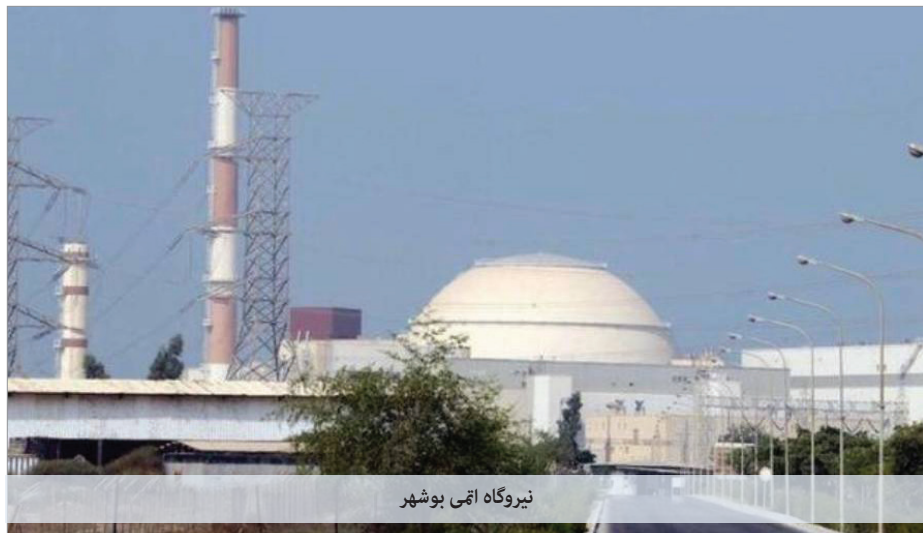


● ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه در «ایکس» با لحنی تند به جمهوری اسلامی انتقاد کرد و نوشت: «هفت ماه پس از فجایع گسترده علیه مردم ایران که برای مطالبه عدالت و کرامت بپا خاستند، این رژیم با اجرای شمار روزافزونی از اعدام‌ها، به خونریزی ادامه می‌دهد.»

● جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه اعدام شهروندان را با اتهامات امنیتی شدت بخشید و تعداد زیادی از معترضان را که در انقلاب شیروخورشید بازداشت شده بودند اعدام کرد. هم‌اکنون شماری از زندانیانی که پس از خیزش دی‌ماه بازداشت شده‌اند، در معرض خطر اعدام قرار دارند.

به دنبال افزایش اعدام شهروندان در ایران، بیش از ۳۰ کشور، از جمله فرانسه، بریتانیا و کانادا، روز

بازگشت تعدادی از متخصصان روس به نیروگاه اتمی بوشهر



نیروگاه اتمی بوشهر

ساخت واحدهای ۲ و ۳ نیروگاه بوشهر پس از آنکه حملات آمریکا و اسرائیل در نزدیکی مجتمع هسته‌ای آغاز شد، متوقف شد. بر اساس اطلاعات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، واحد ۲ به تنهایی قرار است ۹۷۴ مگاوات ظرفیت خالص تولید برق به ظرفیت موجود اضافه کند که پس از تکمیل، تقریباً ظرفیت کنونی تولید برق هسته‌ای ایران را دو برابر خواهد کرد.

بوشهر در حال حاضر تنها رآکتور هسته‌ای فعال ایران را در اختیار دارد که ظرفیت خالص آن ۹۱۵ مگاوات است. تهران در تلاش برای کاهش کمبود مزمن برق، به دنبال توسعه بسیار گسترده‌تر برنامه هسته‌ای خود است و چنین هدف‌گذاری کرده که تا سال ۲۰۴۰ به ظرفیت ۲۰ گیگاوات تولید برق هسته‌ای دست یابد. بر اساس گزارش رویترز، روسیه و جمهوری اسلامی همچنین سال گذشته توافقی به ارزش ۲۵ میلیارد دلار امضا کردند که ساخت چهار واحد هسته‌ای اضافی در جنوب‌شرقی ایران را دربرمی‌گیرد.

البته افزایش نیروهای «روس اتم» به وضعیت جنگ وابسته است. لیخاچف گفت که رساندن تعداد کارکنان به سطح پیشین، نیازمند توافق نهایی میان آمریکا و جمهوری اسلامی برای پایان دادن به خصومت‌ها خواهد بود. این مسئله اما همچنان حل‌نشده باقی مانده است. رژیم ایران روز یکشنبه ۹ اوت اعلام کرد که تنگه هرمز تا زمانی که واشنگتن مجموعه‌ای از خواسته‌های تهران را برآورده نکند، بسته خواهد ماند؛ این در حالیست که ادعا می‌شد تهران و عمان به توافقی درباره مسیرهای کشتیرانی نزدیک شده‌اند اما اخیراً جمهوری اسلامی شروطی برای آمریکا تعیین کرده که در عمل مانع جدیدی برای توافق به شمار می‌رود.

در طول دو جنگ، سایت‌های نظامی و پدافندی اطراف نیروگاه بوشهر نیز هدف حملات هوایی قرار گرفت. بعضی منابع گزارش دادند در جریان حملات و اصابت موشک به اطراف نیروگاه هسته‌ای بوشهر در بهار سال ۱۴۰۵، به ساختمان‌های جانبی و محوطه اطراف آسیب رسید و یک نفر از کارکنان این تأسیسات کشته شد؛ اما به رآکتور اصلی و بخش‌های هسته‌ای آن آسیبی وارد نشد و نشت مواد رادیواکتیو نیز گزارش نشد.

● خبرگزاری «تاس» ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ گزارش داد، روسیه در حال افزایش فعالیت‌های خود برای توسعه نیروگاه هسته‌ای بوشهر است. شرکت «روس اتم» قصد دارد با پیش بردن ساخت دو رآکتور اضافی، تعداد نیروهای خود را در این سایت تا فصل پاییز از ۲۵ نفر به حدود ۱۰۰ نفر افزایش دهد.

● آلکسی لیخاچف مدیرعامل «روس اتم» می‌گوید: «پنج متخصص مهندسی و فنی اخیراً وارد بوشهر شده‌اند و قرار است طی دو هفته آینده چندین ده نفر دیگر نیز به آنها ملحق شوند. نیروهای بازگشته در حال کار روی ساختمان‌های اصلی و جانبی واحدهای ۲ و ۳ هستند و تأسیسات مهندسی را آماده می‌کنند.»

● البته افزایش نیروهای «روس اتم» به وضعیت جنگ وابسته است. لیخاچف گفت که رساندن تعداد کارکنان به سطح پیشین، نیازمند توافق نهایی میان آمریکا و جمهوری اسلامی برای پایان دادن به خصومت‌ها خواهد بود.

گزارش خبرگزاری «تاس» ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ گزارش داد، روسیه در حال افزایش فعالیت‌های خود برای توسعه نیروگاه هسته‌ای بوشهر است. شرکت «روس اتم» قصد دارد با پیش بردن ساخت دو رآکتور اضافی، تعداد نیروهای خود در این سایت را تا پاییز از ۲۵ نفر به حدود ۱۰۰ نفر افزایش دهد؛ این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که درگیری‌های جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد و آمریکا بطور مقطعی تأسیسات هسته‌ای و نظامی را در ایران هدف قرار می‌دهد.

آلکسی لیخاچف مدیرعامل «روس اتم» می‌گوید: «پنج متخصص مهندسی و فنی اخیراً وارد بوشهر شده‌اند و قرار است طی دو هفته آینده چند ده نفر دیگر نیز به آنها ملحق شوند. نیروهای بازگشته در حال کار روی ساختمان‌های اصلی و جانبی واحدهای ۲ و ۳ هستند و تأسیسات مهندسی هیدرولیک را آماده می‌کنند.»

پس از آغاز جنگ دوم علیه جمهوری اسلامی از اسفندماه ۴۰۴، متخصصان روس از نیروگاه بوشهر خارج شدند و ایران را ترک کردند با اینهمه وبسایت «اوپل پرایس» گزارش داد ۲۰ متخصص روس در طول جنگ همچنان در این تأسیسات باقی مانده بودند.

دادگاه کیفری دمشق بشار اسد و برادرش را غیابی به اعدام محکوم کرد



بشار و ماهر اسد

عاطف نجیب رئیس پیشین شعبه امنیت سیاسی در درعا تنها مقام بازداشت شده است که در میان افرادی که احکام مرگ علیه آنها صادر شده، در دادگاه حضور داشت. او به صورت حضوری به اتهام قتل عمد، قتل عمدی کودکان زیر ۱۵ سال و شکنجه‌ی منجر به مرگ، به اعدام محکوم شد و دادگاه اقدامات منتسب به او را «جنایت علیه بشریت» دانست. قاضی العریان گفت که نجیب «تمام اتهامات را رد کرده» و هنگام مواجهه با قربانیان، «حتی ذره‌ای پشیمانی یا پوزش» از خود نشان نداده است. به همین دلیل دادگاه حکم «شدیدترین مجازات»، یعنی اعدام، را علیه او صادر کرد. نام نجیب با بازداشت کودکان درعا در سال ۲۰۱۱ گره خورده است؛ کودکانی که پس از نوشتن شعارهایی در حمایت از سرنگونی بشار اسد بازداشت شدند. این حادثه یکی از عواملی بود که به تشدید اعتراضات مردمی در استان درعا کمک کرد.

درخواست برای تحویل اسد

همزمان با صدور این احکام اعدام، دادگاه کیفری دمشق اعلام کرد که بشار اسد و ماهر اسد باید در سطح بین‌المللی نیز تحت پیگرد قرار بگیرند و برای آنها در چارچوب اقدامات قضایی انجام شده، درخواست صدور و انتشار احکام بازداشت بین‌المللی ارائه شود. با این حال، هنوز مشخص نیست که دولت کنونی سوریه برای تحقق این هدف چه روندی را دنبال خواهد کرد. پیش از این نیز «هیأت ملی عدالت انتقالی» سوریه با اینترپل (پلیس جنایی بین‌المللی) و نهادهای مرتبط برای پیگرد بشار اسد، برادرش ماهر و دیگر افراد تحت تعقیب تماس گرفته بود. حسان التربه دادستان کل سوریه (دادستان فعلی دو دولت جولانی) پیش از این تأیید کرده بود که مقامات سوری از روسیه خواسته‌اند بشار اسد را برای محاکمه به سوریه تحویل دهد.

به گفته مقامات جدید سوریه، این احکام در چارچوب روند محاکمه‌های علنی صادر شده‌اند که طی آن مقام‌های سیاسی و امنیتی سابق دادگاهی و برای آنها حکم صادر می‌شود؛ روندی که مقامات سوری آن را بخشی از «مسیر تحقق عدالت و پاسخگویی درباره نقض حقوق‌هایی که در دوران حکومت اسد رخ داده است» می‌دانند.

● منابع عربی ۲۰ امداد ۱۴۰۵ گزارش دادند، شعبه چهارم دادگاه کیفری دمشق، بشار اسد رئیس جمهور پیشین سوریه را به صورت غیابی محکوم به اعدام کرد؛ حکمی که پس از فرار اسد به همراه خانواده و شماری از نزدیکانش به مسکو در پی سرنگونی حکومت‌اش، صادر شده است.

منابع عربی ۲۰ امداد ۱۴۰۵ گزارش دادند، شعبه چهارم دادگاه کیفری دمشق، بشار اسد رئیس جمهور پیشین سوریه، را به صورت غیابی محکوم به اعدام کرد؛ حکمی که پس از فرار اسد به همراه خانواده و شماری از نزدیکانش به مسکو در پی سرنگونی حکومت‌اش، صادر شده است. قاضی فخرالدین العریان رئیس دادگاه گفت که دادگاه تصمیم گرفته «بشار اسد متهم فراری» را به دلیل ارتکاب چندین جنایت، از جمله قتل عمد بیش از یک نفر، قتل عمد کودکان زیر ۱۵ سال، شکنجه و شکنجه‌ی منجر به مرگ و سلب آزادی در موارد متعدد مجرم بشناسد؛ اقداماتی که این دادگاه آنها را در شمار «جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی» طبقه‌بندی کرده است. او افزود: «به همین دلیل، حکم اعدام او صادر می‌شود».

دادگاه اعلام کرد، نقش اسد در این جرائم از جایگاه او به عنوان عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیرنده ناشی شده و او از دستگاه‌های دولتی برای ارتکاب این جنایات استفاده کرده است. **حکم اعدام برای ماهر اسد و شماری از مقامات ارشد سابق سوریه**

حکام اعدام تنها شامل بشار اسد نشد. دادگاه همچنین ماهر اسد برادر وی و فرمانده پیشین لشکر چهارم ارتش سوریه را به صورت غیابی به اعدام محکوم کرد. شماری از مقامات نظامی و امنیتی سابق نیز به دلیل ارتکاب جرایمی چون قتل عمد، تحریک به قتل و شکنجه‌ی منجر به مرگ، به اعدام محکوم شده‌اند.

احکام صادرشده شامل شماری از مقامات نظامی و امنیتی سابق، از جمله فهد جاسم الفریج، محمد ایمن عیوش، لؤی علی العلی، قصی ابراهیم مهیوب، و فیک صالح ناصر و طلال فارس العسیمی است.

عاطف نجیب؛ تنها حکم حضوری

چهارشنبه ۱۲ اوت (۲۱ امداد) استفاده جمهوری اسلامی از مجازات اعدام را محکوم کردند. در این بیانیه تأکید شده حکومت ایران از اعدام برای «خاموش کردن مخالفان» استفاده می‌کند.

این کشورها به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، «به شدیدترین شکل ممکن اعدام‌های جاری معترضان و استفاده از مجازات اعدام» در ایران را محکوم کرده‌اند. با انتشار بیانیه‌ای بین‌المللی در محکومیت استفاده از مجازات اعدام در ایران، تنش لفظی میان مقامات ارشد دیپلماتیک فرانسه و جمهوری اسلامی بالا گرفت. دولت فرانسه با ایفای نقشی محوری در این محکومیت بین‌المللی، جمهوری اسلامی را به «خونریزی» متهم کرد و در مقابل، مقامات جمهوری اسلامی نیز فرانسه را به «ریاکاری آشکار» متهم کردند.

ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه در «ایکس» با لحنی تند به جمهوری اسلامی انتقاد کرد و نوشت: «هفت ماه پس از فجایع گسترده علیه مردم ایران که برای مطالبه عدالت و کرامت بپا خاستند، این رژیم با اجرای شمار روزافزونی از اعدام‌ها، به خونریزی ادامه می‌دهد».

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، ۲۶ کشور و کایا کالاس مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا این بیانیه را امضا کردند. در ادامه نیز کشورهای دیگری به آن پیوستند و شمار امضاکنندگان به ۳۲ کشور رسید.

استرالیا، نیوزیلند، ایرلند، ایتالیا، آلمان و شماری دیگر از کشورهای اروپایی نیز در این بیانیه از جمهوری اسلامی

Jean-Noël Barrot  [دنبال کردن](#)

Sept mois après les crimes de masse commis à l'encontre du peuple iranien qui se levait pour réclamer la justice et la dignité, le régime continue de faire couler le sang en multipliant les exécutions.

Cette répression insupportable et inhumaine doit cesser. Ses responsables [نمایش موارد بیشتر](#)

MINISTÈRE DE L'EUROPE ET DES AFFAIRES ÉTRANGÈRES

Déclaration commune sur l'Iran (12 août 2026)

La France, le Canada, l'Albanie, l'Allemagne, l'Australie, l'Autriche, la Belgique, Chypre, le Danemark, l'Espagne, l'Estonie, la Finlande, l'Islande, la Lettonie, la Lituanie, la Macédoine du Nord, le Monténégro, la Nouvelle-Zélande, les Pays-Bas, le Portugal, la République tchèque, la Roumanie, la Slovaquie, la Slovénie, la Suède, le Royaume-Uni, ainsi que la Haute Représentante de l'Union européenne condamnent avec la plus grande fermeté les exécutions de manifestants qui se poursuivent et le recours à la peine de mort par la République islamique d'Iran. Le recours à la peine capitale pour faire taire les dissidents, intimider des communautés, et punir des personnes exerçant leurs droits fondamentaux ne saurait en aucun cas être justifié. Le peuple iranien doit être libre d'exercer ses droits à la liberté d'expression et à la liberté de réunion pacifique sans crainte.

Nous appelons le régime iranien à mettre immédiatement fin au recours à la peine de mort et à libérer toutes les personnes détenues arbitrairement.

Nous exhortons également le régime iranien à écouter la voix de son peuple, qui réclame le changement, et à prendre des mesures concrètes pour garantir le respect des droits de la personne.

۳۰۱ بعدظهر ۱۲ اوت ۲۰۲۶ از Paris, France

📍 [کپی کنید](#) [باز](#) [اشتراک](#) [دنبال کردن](#)

خواستند تا «فورا اجرای مجازات اعدام را متوقف و تمامی افرادی را که به طور خودسرانه بازداشت شده‌اند آزاد کند». این بیانیه در حالی منتشر شده که نگرانی سازمان ملل متحد و گروه‌های حقوق بشری درباره افزایش شمار اعدام‌ها در ایران طی ماه‌های اخیر تشدید شده است؛ روندی که پس از اعتراضات سراسری ضدحکومتی در اوایل سال ۲۰۲۶ و آغاز جنگ خاورمیانه در ماه فوریه شدت گرفته است.

جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه اعدام شهروندان را با اتهامات امنیتی از جمله «همکاری با موساد» شدت بخشید و پس از آن تعداد زیادی از معترضان را که در انقلاب شیروخورشید بازداشت شده بودند اعدام کرد. هم‌اکنون شمار زیادی از زندانیانی که پس از خیزش دی‌ماه بازداشت شده‌اند، در معرض خطر اعدام قرار دارند.

گفتگو با محمود امیری مقدم، فعال حقوق بشر، درباره افزایش اجرای احکام اعدام در ایران



در آمار لحاظ کردیم، حدود نیمی از اعدام‌ها، یعنی ۲۲۷ نفر به اتهام قتل بوده که در بین اینها ۴ معترض هم هستند که با اتهام قتل و قصاص، محکوم شده‌اند. ۱۴۳ نفر یعنی حدود یک‌سوم اعدام‌ها با اتهام مربوط به مواد مخدر و ۶۳ نفر با اتهام امنیتی بوده‌اند که بین اینها ۲۴ معترض، ۱۳ زندانی سیاسی وابسته به گروه‌های مخالف و ۱۲ نفر متهم به جاسوسی یا همکاری با دولت‌های خارجی، ۷ نفر به خاطر سرقت مسلحانه و ۴ نفر به اتهام عضویت در داعش، ۱۰ نفر هم با اتهام تجاوز اعدام شده‌اند.

کیهان لندن: آیا الگوی رفتاری سیستم قضایی و سرکوب حکومت، در زمینه اعدام، شکنجه، دستگیری و تهدید قربانیان، تفاوت خاصی با دوره‌های قبل از انقلاب ملی شیروخورشید داشته است؟

محمود امیری مقدم: اعدام معترضان و زندانیان سیاسی در واقع امسال حدود سه هفته پس از آغاز جنگ شروع شد، از آن زمان تا کنون، ۲۸ معترض اعدام شدند که ۲۶ نفر مرتبط با اعتراضات دی ماه و دو نفر مرتبط با اعتراضات ۱۴۰۱ بودند.

۱۳ زندانی سیاسی وابسته به گروه‌های مخالف و ۱۲ نفر متهم به جاسوسی پس از آغاز جنگ بودند. البته در ماه اول سال نیز، دو نفر به اتهام جاسوسی اعدام شده بودند که تعداد را به ۱۴ نفر می‌رساند.

کیهان لندن: پیش آمد دو جنگ اخیر، چه میزان بر نوع رفتار نیروهای سرکوب و سیستم قضایی جمهوری اسلامی تأثیر داشته است؟

محمود امیری مقدم: چیزی که امسال (یعنی این چند ماه گذشته را) با سال‌های دیگر متمایز می‌کند، تعداد

ابعاد گوناگون این چالش‌ها پرداخته شده است؛ از نقش کلیدی سازمان‌های حقوق بشری و منابع محلی در راست آزمایی اخبار اعدام‌ها و مقابله با کارزارهای «اطلاعات غلط»، تا چالش‌های خطیری همچون تهدید خانواده‌ها و قطع اینترنت.

در ادامه، کارآمدی مکانیسم‌های بین‌المللی مانند مأموریت گزارشگران ویژه و نهادهای سازمان ملل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ ابزارهایی که اگرچه قدرت اجرایی مستقیم ندارند، اما هزینه‌های سیاسی جنایات را بالا برده و مانع از فراموشی نقض حقوق بشر می‌شوند. همچنین به اهمیت اصل «بی‌طرفی» در دفاع از قربانیان و تأثیر تحولات ژئوپلیتیک و سایه جنگ بر مسائل حقوق بشری پرداخته شده است.

کیهان لندن: آمار مستند شما از تعداد اعدام‌ها در جمهوری اسلامی از سال ۱۴۰۱ تا امروز، چیست؟ اعدام معترضان سیاسی بعد از کشتار و قتل عام حکومتی تا امروز چه تعداد بوده است؟

محمود امیری مقدم: چون ما گزارش‌هایمان را بر اساس سال میلادی منتشر می‌کنیم، سال‌های میلادی ۲۰۲۳، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ را مثال می‌زنم که ما در این سه سال روی هم ۳،۴۴۸ اعدام را ثبت کردیم. در هفت ماه نخست سال ۲۰۲۶ میلادی، ۴۴۴ مورد اعدام که راستی‌آزمایی شده و توسط دو منبع مستقل تأیید شده را ثبت کرده‌ایم.

در آن سه سال قبل، مثل سال‌های دیگر، بیش از ۹۰ درصد اعدام‌ها به اتهام جرائم مواد مخدر یا قتل بوده و چیزی حدود ۳ تا ۵ درصد اعدام‌ها معمولاً به اتهام‌های امنیتی مثل «محاربه»، «افساد فی‌الارض» یا «بغی» بوده‌اند.

این روند در سال ۲۰۲۶ تغییر کرده؛ یعنی از این ۴۴۴ نفری که ما توانستیم توسط دو منبع مستقل تأیید کنیم و

● محمود امیری مقدم: اعدام معترضان و زندانیان سیاسی در واقع امسال حدود سه هفته پس از آغاز جنگ شروع شد، از آن زمان تا کنون، ۲۸ معترض اعدام شدند که ۲۶ نفر مرتبط با اعتراضات دی ماه و دو نفر مرتبط با اعتراضات ۱۴۰۱ بودند. ۱۳ زندانی سیاسی وابسته به گروه‌های مخالف و ۱۲ نفر متهم به جاسوسی پس از آغاز جنگ بودند. البته در ماه اول سال نیز، دو نفر به اتهام جاسوسی اعدام شده بودند که تعداد را به ۱۴ نفر می‌رساند.

● «جمهوری اسلامی امسال با سوء استفاده از شرایط جنگی، این اعدام‌ها را اجرا کرده، چون می‌داند که هزینه سیاسی این اعدام‌ها در زمان جنگ کمتر است. متأسفانه توجه رسانه‌ها و دولت‌های غربی، بیشتر روی مسائل مربوط به جنگ بوده و این امکان را به جمهوری اسلامی داده که معترضان و زندانیان سیاسی را با حداقل هزینه اعدام کند.»

● «نکته‌ای که کمتر درباره آن صحبت شده، آسیب عمیقی است که اعدام بر کل جامعه وارد می‌کند. هر اعدام، ده‌ها و گاه صدها قربانی دارد؛ از خانواده و نزدیکان گرفته تا جامعه‌ای که با مشاهده تکرار این خشونت، بیش از پیش دچار ترس، ناامیدی و بی‌اعتمادی می‌شود. به همین دلیل، مبارزه با اعدام فقط دفاع از محکومان به مرگ نیست؛ دفاع از حق حیات، کرامت انسانی و آینده جامعه ایران است.»

سارا پورصبری - موضوع حقوق بشر و ابزارهای صیانت از آن، همواره در حکومت‌هایی که از سرکوب و اعدام بهره می‌برند، با چالش‌های بنیادین روبرو بوده است. در گفتگوی پیش رو با محمود امیری مقدم، فعال حقوق بشر، مدیر سازمان حقوق بشر ایران و عصب‌پژوه ساکن نروژ به بررسی

به هر شکل باید گزارش شده، مستندسازی و محکوم شود. فکر می‌کنم دلیل اصلی اینکه واکنش‌ها به‌خصوص واکنش جامعه جهانی نسبت به اعدام معتضان در چند ماه گذشته نسبت به دوران «زن، زندگی، آزادی»، کمتر بوده مسئله جنگ است.

بطور خاص کشورهای اروپایی که معمولاً این مسائل را مطرح و محکوم می‌کنند، منافع ملی خودشان را در اولویت می‌گذارند و در حال حاضر بالاترین اولویت این است که تنگه هرمز باز شده، قیمت نفت بالا نرود و جنگ تمام شود. به همین دلیل مسئله حقوق بشر تحت‌الشعاع قرار گرفته؛ یعنی زیر سایه جنگ رفته و جمهوری اسلامی از این استفاده می‌کند.

در مورد نهادهای حقوق بشری هم من فکر می‌کنم ما هر مورد اعدامی را که به دست ما می‌رسد، به همان شکل که ۴ یا ۱۰ سال پیش انجام می‌دادیم، همان کار را می‌کنیم. سعی می‌کنیم تا جایی که ممکن است اطلاعات دقیق جمع‌آوری کنیم و صدای قربانیان نقض حقوق بشر را به جامعه جهانی، به افکار عمومی جهان و به همه مردم برسانیم.

کیهان لندن: آیا تنها اطلاع‌رسانی رسانه‌ای، برای شکست سکوت خبری و هنجار زدایی از اعدام‌ها، می‌تواند منجر به پشتیبانی روانی و حقوقی از قربانیان و خانواده‌های بازمانده شود؟

محمود امیری مقدم: اطلاع‌رسانی رسانه‌ای شرط لازم است، اما کافی نیست. شکست سکوت خبری و جلوگیری از عادی‌سازی اعدام‌ها، نخستین گام برای افزایش هزینه سیاسی این جنایت‌هاست. جمهوری اسلامی از اعدام نه فقط برای گرفتن جان افراد، بلکه به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ترس در جامعه و جلوگیری از اعتراض استفاده می‌کند. هرچه این هزینه سیاسی بیشتر شود، امکان جلوگیری از اعدام‌های بعدی نیز افزایش می‌یابد.

در عین حال، اطلاع‌رسانی زمانی به حمایت واقعی از قربانیان و خانواده‌هایشان تبدیل می‌شود که با مستندسازی دقیق، پیگیری حقوقی، حمایت روانی و ایجاد شبکه‌های همبستگی همراه باشد. خانواده‌هایی که احساس می‌کنند صدایشان شنیده می‌شود، کمتر در برابر فشار و تهدید حکومت تنها می‌مانند، اما این تنها آغاز راه است.

نکته‌ای که کمتر درباره آن صحبت شده، آسیب عمیقی است که اعدام بر کل جامعه وارد می‌کند. هر اعدام، ده‌ها و گاه صدها قربانی دارد؛ از خانواده و نزدیکان گرفته تا جامعه‌ای که با مشاهده تکرار این خشونت، بیش از پیش دچار ترس، ناامیدی و بی‌اعتمادی می‌شود. به همین دلیل، مبارزه با اعدام فقط دفاع از محکومان به مرگ نیست؛ دفاع از حق حیات، کرامت انسانی و آینده جامعه ایران است.

همچنین نباید فراموش کرد که هر خبر اعدام نباید صرفاً به یک عدد در آمار تبدیل شود. پشت هر اعدام، یک انسان، یک خانواده و یک زندگی از هم پاشیده وجود دارد. اگر بتوانیم روایت انسانی قربانیان را حفظ کنیم، همدلی عمومی افزایش می‌یابد و حکومت دیگر به‌سادگی نمی‌تواند اعدام را به ابزاری عادی برای سرکوب تبدیل کند.

محمود امیری مقدم، مدیر سازمان حقوق بشر ایران در پایان به این نکته اشاره کرد که «برای مقابله با ماشین اعدام حکومت باید نسبت به همه اعدام‌ها واکنش نشان داد. چه اعدام‌های معتضان و زندانیان سیاسی و چه اعدام افرادی که به اتهام جرائم عمومی محکوم شده‌اند، شعار نه به اعدام باید تبدیل به یک شعار محوری در مبارزه با جمهوری اسلامی بشود چون اعدام مهم‌ترین سلاح حکومت برای ادامه بقاست.»

متوجه کسانی است که اطلاع‌رسانی می‌کنند. این افراد داوطلبانه اطلاع‌رسانی می‌کنند، و ما و آنها می‌دانیم که خطر زیادی دارد.

چالش مهم دیگر، تهدیدهای جمهوری اسلامی نسبت به خانواده‌هاست. گاهی می‌شود اخبار دقیق را از اعضای خانواده قربانیان گرفت اما وقتی آنها توسط حکومت تهدید می‌شوند، این کار دشوارتر می‌شود.

یک مشکل دیگر هم کارزارهای اطلاعات غلط است که مثلاً خیلی وقت‌ها خود حکومت اخبار غلط را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند، که وقتی ما بررسی می‌کنیم می‌بینیم صحت ندارد. من فکر می‌کنم دلیل این کارزار اطلاعات غلط، بی‌اعتبار کردن گزارش‌های حقوق بشری است.

کیهان لندن: ارائه شکایت و نامه‌های سرگشاده، به گزارشگران ویژه سازمان ملل، معمولاً منجر به صدور بیانیه، اظهار تأسف و ابراز نگرانی می‌شود. ادامه این روند اصولاً چه لزومی دارد؟ و به نظر شما چه جایگزین بهتری برای این روند، وجود دارد؟

محمود امیری مقدم: من موافق نیستم که این روند بی‌فایده است. درواقع اینها ابزاری است که ما در حال حاضر در اختیار داریم. ای کاش که سازمان ملل قدرت بیشتری داشت و بیشتر سمت مردم می‌ایستاد؛ اما همین سازمان ملل موفق شده که اعلامیه جهانی حقوق بشر را به ثبت برساند که بیشتر کشورهای جهان آن را امضا کردند و با استفاده از همین ما می‌توانیم حداقل، هزینه سیاسی جرائم جمهوری اسلامی را بالا ببریم.

از طریق همین مکانیسم گزارش و اطلاع‌رسانی به سازمان ملل بود که در سال ۲۰۱۱، پس از یک وقفه نزدیک به بیش از ۱۰ ساله، یک گزارشگر ویژه در امور حقوق بشر در ایران تعیین کردند.

فایده این گزارشگر ویژه این است که حداقل در سال دو بار کارنامه نقض حقوق بشری جمهوری اسلامی باید مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد؛ یعنی اجازه نمی‌دهد که وضعیت حقوق بشر در ایران فراموش شود. از طرف دیگر، وقتی که گزارشگر ویژه سازمان ملل، گزارشی را منتشر می‌کند درواقع به ابعاد فجیع نقض حقوق بشر در ایران اشاره دارد و کشوری‌هایی که خودشان را پایبند به حقوق بشر می‌دانند، نمی‌توانند در ارتباط با نقض حقوق بشر در ایران سکوت کنند.

دلیل اینکه جمهوری اسلامی با اینکه در قوانین‌اش حکم سنگسار دارد و صادر هم می‌شود، نمی‌تواند حکم سنگسار را اجرا کند، همین مکانیسم‌های بین‌المللی هستند.

ولی من کاملاً موافقم که کافی نیست. ما باید تمام تلاش‌مان را بکنیم که از هر نوع مکانیسمی که در حال حاضر وجود دارد، مثل گزارشگران ویژه سازمان ملل و کمیته‌های حقیقت‌یاب، حداکثر استفاده را بکنیم که هزینه را برای جمهوری اسلامی بالا ببرد. جمهوری اسلامی سالانه مقدار زیادی هزینه می‌کند تا به دلیل نقض حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل یا در شورای حقوق بشر محکوم نشود. به همین جهت من فکر می‌کنم ما باید حداکثر استفاده را از این ابزار ببریم و تلاش کنیم که راهکارهای جدیدی نیز به وجود بیاید.

کیهان لندن: آیا میان واکنش فعالین حقوق بشر، نسبت به اعدام و سرکوب مبارزین جریان‌های سیاسی مختلف، استاندارد دوگانه‌ای وجود دارد؟

محمود امیری مقدم: من فکر نمی‌کنم که برای فعالین واقعی حقوق بشر هیچ فرقی داشته باشد. نقض حقوق بشر

بالای اعدام زندانیان سیاسی است که شامل معتضان و اعضای گروه‌های اپوزیسیون می‌شود.

اعدام معتضان و زندانیان سیاسی دیگر در این تعداد و در این مدت کوتاه، در سی سال گذشته کم‌سابقه بوده است و ما فکر می‌کنیم که این ارتباط مستقیمی با اعتراضات دی‌ماه و با شروع جنگ دارد. چون معمولاً اعدام زندانیان سیاسی و معتضان، منجر به واکنش‌های شدیدی از طرف جامعه جهانی و از سوی مردم، در داخل و خارج ایران می‌شود.

ولی جمهوری اسلامی امسال با سوء استفاده از شرایط جنگی، این اعدام‌ها را اجرا کرده، چون می‌داند که هزینه سیاسی این اعدام‌ها در زمان جنگ کمتر است. متأسفانه توجه رسانه‌ها و دولت‌های غربی، بیشتر روی مسائل مربوط به جنگ بوده و این امکان را به جمهوری اسلامی داده که معتضان و زندانیان سیاسی را با حداقل هزینه اعدام کند.

یک اتفاق مهم دیگر هم که تا حدی احکام اعدام و احکام سنگین را از سوی حکومت تسهیل کرده، تصویب قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با اسرائیل است؛ که پس از جنگ ۱۲ روزه، توسط مجلس تصویب شد. تعداد قابل توجهی از معتضان و کسانی که در حال حاضر به اعدام محکوم می‌شوند، بر اساس این قانون است. در جمهوری اسلامی قوه قضاییه مستقل نداریم و اینها احکام اعدام را قبلاً هم صادر می‌کردند، ولی در حال حاضر می‌توانند یک شکل قانونی‌تر به آن بدهند.

مثلاً بر اساس این قانون جدید به کسی که عکس یا ویدئو برای رسانه خارج از کشور فرستاده، می‌توانند حکم اعدام بدهند، در حالی که در گذشته مجبور بودند اتهامات بیشتری برای او پیدا کنند. بطور کلی سرکوب بیشتر شده و پس از اعتراضات دی‌ماه، هزاران نفر دستگیر شده‌اند. جمهوری اسلامی در بزرگ‌ترین بحران خودش بسر می‌برد و از وضعیت جنگی برای سرکوب بیشتر، سوء استفاده می‌کند چون می‌داند هزینه‌اش کمتر است.

کیهان لندن: راهکارهای مستندسازی این اعدام‌ها با وجود پنهانکاری و سانسور حکومتی چیست؟

محمود امیری مقدم: سازمان حقوق بشر ایران ۱۹ سال است که روزانه اعدام‌ها را دنبال کرده و هر سال گزارش سالانه منتشر می‌کند. در این چند سال گذشته، قبل از امسال، رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی معمولاً فقط بین ۱۰ تا ۲۰ درصد اعدام‌ها را اعلام می‌کنند و حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد اعدام‌هایی که ما می‌توانیم شامل آمارمان کنیم، توسط منابع خودمان به دستمان می‌رسد. این منابع شامل افراد در داخل زندان‌ها، خانواده‌ها، وکلای دیگر مدافعان حقوق بشر هستند.

ما فقط مواردی را که توسط دو منبع مستقل تأیید بشوند در این گزارش می‌آوریم. چون می‌دانیم که جمهوری اسلامی گاهی برای گمراه کردن، کارزارهای اطلاعات غلط راه می‌اندازد. به همین دلیل برای ما مهم است، آماری که منتشر می‌کنیم یک استاندارد مشخص را دنبال کرده و دقیق باشد.

در شرایط قطعی اینترنت این کار دشوارتر است، ولی ما در آن زمان هم قادر به اطلاع‌رسانی بودیم ولی اطلاعات سخت‌تر و با تأخیر بیشتر به دستمان می‌رسید.

کیهان لندن: معمولاً ثبت دقیق هویت قربانیان، زمان و مکان و اتهامات انتسابی، با کمک از منابع محلی صورت می‌گیرد. این روند چه مشکلاتی دارد؟

محمود امیری مقدم: مهم‌ترین مشکل، خطری است که

ایرج، خواننده و استاد پیشکسوت آواز ایران، درگذشت



● حسین خواجه امیری معروف به ایرج، خواننده برجسته و استاد پیشکسوت آواز ایران، روز چهارشنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۵ در سن ۹۳ سالگی و بر اثر بیماری و کهولت درگذشت. او در خانواده‌ای هنرمند زاده شد و پدر بزرگش از خوانندگان معروف دوران ناصرالدین شاه قاجار بود. ایرج ردیف‌های آواز ایرانی را نزد پدرش آموخت.

● ایرج در نوجوانی به مدت دو سال تحت آموزش ابوالحسن صبا قرار گرفت و صبا او را به ابراهیم منصوری که مسئولیت سرپرستی رادیو ایران را برعهده داشت معرفی کرد و از سال ۱۳۲۷ اجراهای ایرج در رادیو ایران آغاز شد.

● ایرج تا سال ۱۳۳۶ با ارکسترهای مختلف از جمله ارکسترهای ابراهیم منصوری، عبدالله جهان‌پناه، محمدعلی بهارلو، نصرالله زرین‌پنجه، مهدی خالدي، جواد لشکری، بزرگ لشکری و... برنامه اجرا کرد.

● او در سال ۱۳۳۶ به دعوت داوود پیرنیا بنیانگذار برنامه «گلها» به این برنامه مشهور راه یافت و همزمان ترانه‌ها و آوازهای زیادی را برای فیلم‌های فارسی اجرا کرد.

● ایرج در طول دوران پر بار فعالیت هنری خود، بیش از ۲۰۰۰ قطعه آواز، تصنیف و ترانه در برنامه‌های مختلف رادیویی، آثار سینمایی و آلبوم‌های موسیقی اجرا کرد.

حسین خواجه امیری معروف به ایرج، خواننده برجسته و استاد پیشکسوت آواز ایران، روز چهارشنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۵ در سن ۹۳ سالگی و بر اثر بیماری و کهولت درگذشت. ایرج خواجه امیری در ماه‌های گذشته به دلیل کهولت، آلودگی هوا و برخی مشکلات جسمی چندین نوبت در بیمارستان بستری شده و تحت مراقبت بود. او به تازگی به خانه بازگردانده شده و تحت مراقبت‌های ویژه بود.

ایرج خواجه امیری متولد ۱۱ دی‌ماه ۱۳۱۱ در خالدا آباد نطنز از توابع استان اصفهان در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمد. پدر بزرگش ملا میرزا از خوانندگان معروف زمان ناصرالدین شاه قاجار بود. پدرش، نعمت‌الله، نیز بر ردیف‌های موسیقی ایرانی مسلط بود و فرزندش را تحت آموزش قرار داد. ایرج خواجه امیری از کودکی در تعزیه‌خوانی شرکت می‌کرد و در دوره دبیرستان که به تهران نقل مکان کرده بود با ایرج

پروفسور فیروزه نهاوندی از سوی فیلیپ، پادشاه بلژیک، به لقب بارونس مفتخر شد

● فیروزه نهاوندی، جامعه‌شناس ایرانی-بلژیکی و استاد ممتاز بازنشسته جامعه‌شناسی در دانشگاه آزاد بروکسل، از سوی فیلیپ، هفتمین پادشاه بلژیک، به دریافت لقب بارونس نائل آمد.

● او بخش عمده دوران فعالیت دانشگاهی خود را به‌عنوان استاد در دانشگاه آزاد بروکسل گذراند و در سال ۱۹۸۹ «مرکز مطالعات همکاری‌های بین‌المللی و توسعه» را در این دانشگاه بنیان نهاد و تا سال ۲۰۲۱ مدیریت این مرکز را بر عهده داشت.

● از تازه‌ترین آثار منتشر شده او می‌توان به «زن بودن در ایران، کدام راه رهایی؟» (۲۰۲۳)، «چهره‌های گوناگون، بازگشت به اسلام‌گرایی» (۲۰۲۳) و «زنان ایرانی، تکامل یا انقلاب» (۲۰۲۵) اشاره کرد.

نازنین نوری - فیروزه نهاوندی، جامعه‌شناس ایرانی-بلژیکی و استاد ممتاز بازنشسته جامعه‌شناسی در دانشگاه آزاد بروکسل، از سوی فیلیپ، هفتمین پادشاه بلژیک، به دریافت لقب بارونس نائل آمد.

این عنوان، به مناسبت اعطای نشان‌ها و عناوین افتخاری روز ملی بلژیک در ۲۱ ژوئیه و در تجلیل از کارنامه برجسته دانشگاهی پرفسور نهاوندی و خدمات علمی او در زمینه مطالعات جهان اسلام، توسعه بین‌المللی و جایگاه زنان، به وی اعطا شد.

نهاوندی در گفتگویی که روز ۲۱ ژوئیه با شبکه رادیو تلویزیون بلژیک داشت گفت که اعلام این خبر برای او غافلگیرانه بوده است. کاخ سلطنتی چند روز پیش از آن طی تماس تلفنی، وی را از اعطای این عنوان آگاه کرده بود. نهاوندی افزود که این افتخار را به‌منزله ارج نهادن به یک عمر کار و فعالیت دانشگاهی خود می‌داند.

او ادامه داد: «من بطور گسترده تحقیق و تدریس کرده‌ام و کتاب‌های بسیاری نوشته‌ام و همچنان به این فعالیت‌ها ادامه می‌دهم. این به رسمیت شناختن انتقال دانش است. برای من، این مهمترین جنبه تمام کارهایی است که انجام داده‌ام».

فیروزه نهاوندی نویسنده چندین کتاب درباره انقلاب ایران و زنان ایران است که به زبان فرانسه منتشر شده‌اند. او همچنین بطور منظم به‌عنوان تحلیلگر و مفسر درباره سیاست، ایران، خاورمیانه، اسلام، حقوق زنان و توسعه بین‌المللی در رسانه‌های فرانسوی زبان حضور دارد.

نهاوندی در گفتگویی در ماه ژوئن با رسانه «کوالیتا»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های خود درباره مفهوم و پیامدهای جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی را مطرح کرد.

وی گفت: «این جنگ برای رژیم، مسئله بقا نیز ←

وفادار آهنگساز آشنا شد و از طریق همین آشنایی توانست به مدت دو سال تحت آموزش ابوالحسن صبا قرار بگیرد. ابوالحسن صبا او را به ابراهیم منصوری که مسئولیت سرپرستی رادیو ایران را بر عهده داشت معرفی کرد و از سال ۱۳۲۷ اجراهای ایرج در رادیو ایران آغاز شد.

او در سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ارتش پذیرفته شد و در آنجا نیز شب‌های جمعه از ساعت ۷:۳۰ تا ۸ در برنامه ارتش شرکت و با ارکستر محمدعلی بهارلو برنامه اجرا می‌کرد. او از همان زمان با نام مستعار «ایرج» که نام برادرش بود به اجرا می‌پرداخت.

در سال ۱۳۳۰ اکبر گلپایگانی و جمشید مشایخی که هر دو از نام‌آوران و بزرگان هنر ایران در زمینه موسیقی و سینما هستند نیز در دانشکده افسری پذیرفته شدند و از همان زمان، دوستی ایرج و گلپا شکل گرفت و این دوستی ادامه یافت.

ایرج تا سال ۱۳۳۶ با ارکسترهای مختلف از جمله ارکسترهای ابراهیم منصوری، عبدالله جهان‌پناه، محمدعلی بهارلو، نصرالله زرین‌پنجه، مهدی خالدي، جواد لشکری، بزرگ لشکری و... برنامه اجرا کرد. در سال ۱۳۳۶ به دعوت داوود پیرنیا بنیان‌گذار برنامه «گلها» به این برنامه مشهور راه یافت و در نخستین همکاری خود با این برنامه «برگ سبز ۴۳» را در مایه شور-ابوعطا و با همکاری علی تجویدی و فرهنگ شریف و امیر ناصر افتتاح خواند.

او ضمن ادامه همکاری با برنامه «گلها»، آواز و ترانه‌های زیادی برای فیلم‌های فارسی اجرا کرد و هنرمندان برجسته‌ای چون محمدعلی فردین، منوچهر وثوق، رضا بیکی‌ایمانوردی و... ترانه‌های وی را لب‌خوانی می‌کردند.

خلق آثار ماندگار در برنامه «گلها» و همکاری با بزرگان چون علامه جلال‌الدین همایی، استاد حسن کسایی و استاد مرتضی محجوبی، بخشی از کارنامه درخشان ایرج است. ایرج در طول دوران پر بار فعالیت هنری خود، بیش از ۲۰۰۰ قطعه آواز، تصنیف و ترانه در برنامه‌های مختلف رادیویی، آثار سینمایی و آلبوم‌های موسیقی اجرا کرد.

او همچنین استادی بسیاری از جوانان علاقمند به آواز را برعهده داشت و شاگردان زیادی تربیت کرد.

برگزاری سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «زن، زندگی، آزادی»



اهدا شود، هنرمندی که آثارش بازتاب ارزش‌های آزادی، خلاقیت و ایستادگی زنان است. این تندیس با همکاری «بنیاد سینمایی مرجان و ماتیاس» تهیه خواهد شد. چند نهاد هنری دیگر و خانواده مرجان ساتراپی و ماتیاس رپا در تهیه این تندیس مشارکت خواهند داشت.

مراسم افتتاحیه جشنواره فیلم «زن، زندگی، آزادی» در تاریخ ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور) همزمان با سالگرد درگذشت مهسا ژینا امینی در شهر بریزین استرالیا به شکل حضوری و آنلاین برگزار خواهد شد.

مراسم اختتامیه در تاریخ ۲۰ سپتامبر همزمان در دو شهر استکهلم و شیکاگو و در تاریخ ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور) در زادروز مهسا ژینا امینی در تورنتو برگزار خواهد شد. فیلم‌های برگزیده در این جشنواره از ۱۶ تا ۲۱ سپتامبر در سینماهای اروپا، استرالیا، آمریکا و کانادا به نمایش در خواهد آمد.

عتیق رحیمی نویسنده و کارگردان، امسال رئیس هیئت داوران این جشنواره است. ویشکا آسایش، نیکی کریمی، مژگان ایلانلو، ریچارد فانگ، استفان لانس و کارولین پوسه اعضای هیئت داوران این دوره هستند. این جشنواره امسال در ترکیب هیئت داوران از سه زن ممنوع الکار در سینمای ایران و یک هنرمند از جامعه رنگین‌کمانی دعوت بعمل آورده است.

اسامی ۲۰ فیلم منتخب برای شرکت در رقابت نهایی در ۳۰ آگوست اعلام خواهد شد. رأی نهایی داوران در تاریخ ۱۶ سپتامبر در مراسم افتتاحیه توسط رئیس هیئت داوران عتیق رحیمی اعلام می‌شود.

● جشنواره بین‌المللی فیلم «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۴ با هدف مبارزه با سانسور، برابری جنسیتی و گسترش آزادی بیان آغاز بکار کرد و امسال سومین دوره آن برگزار خواهد شد.

● آثار منتخب و به نمایش درآمده در این فستیوال بر مبارزات زنان و دستاوردهای آن در سراسر جهان تأکید دارد.

● این جشنواره به صورت مستقل و بدون حمایت مالی توسط اعضای کانون هنرمندان ایرانی فیلم و تئاتر برون مرز «آیفتا» (AIFTA) برگزار می‌شود.

کتابخوانان - جشنواره بین‌المللی فیلم «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۴ با هدف مبارزه با سانسور، برابری جنسیتی و گسترش آزادی بیان تأسیس شد. آثار منتخب و به نمایش درآمده در این فستیوال بر مبارزات زنان و دستاوردهای آن در سراسر جهان تأکید دارد. این جشنواره به صورت مستقل و بدون حمایت مالی توسط اعضای کانون هنرمندان ایرانی فیلم و تئاتر برون مرز «آیفتا» (AIFTA) برگزار می‌شود.

نخستین دوره این جشنواره با الهام از جنبش زنان ایران برگزار شد و امسال سومین دوره خود را به مدت شش روز برگزار خواهد کرد. فیلم‌های برگزیده در این دوره در چندین شهر جهان به نمایش در خواهد آمد.

این جشنواره از امسال جایزه ویژه‌ای را با نام «مرجان ساتراپی»، نویسنده و کارگردان ایرانی-فرانسوی، به برنامه خود اضافه کرده است. جایزه‌ای که قرار است هر سال همراه با تندیس «مرجان ساتراپی» به یک هنرمند مهاجر

→ هست. به‌ویژه از آن رو که حکومت در داخل کشور، با وجود سرکوب بسیار شدید، اعدام روزانه افراد، ادامه بازداشت‌ها و شکل‌گیری تدریجی اعتراضات دانشجویی، نتوانسته است مردم را تحت کنترل خود درآورد.

نهادی افزود: «رژیم قادر به کنترل اوضاع در داخل کشور نیست. از همین رو مصمم است در عرصه بین‌المللی نیز اعتبار و حیثیت خود را از دست ندهد.»

فیروزه نهایندی، فرزند زنده یاد دکتر هوشنگ نهایندی (۱۹۳۲-۲۰۲۵) اقتصاددان، رئیس دانشگاه و دولتمرد ایرانی است که در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ وزیر آبادانی و مسکن، رئیس دانشگاه پهلوی از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱، رئیس دانشگاه تهران از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶، ریاست دفتر شهبانو فرح پهلوی از ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ و در سال ۱۹۷۸ وزیر آموزش عالی بود.



پروفسور نهایندی در سال ۱۹۵۵ در پاریس متولد شد و تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان فرانسوی تهران به پایان رساند. او سپس مدرک دکترای خود را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه آزاد بروکسل دریافت نمود.

او بخش عمده دوران فعالیت دانشگاهی خود را به‌عنوان استاد در دانشگاه آزاد بروکسل گذراند و در سال ۱۹۸۹ «مرکز مطالعات همکاری‌های بین‌المللی و توسعه» را در این دانشگاه بنیان نهاد و تا سال ۲۰۲۱ مدیریت این مرکز را بر عهده داشت.

پروفسور فیروزه نهایندی همچنین عضو «آکادمی سلطنتی علوم ماورای بحر بلژیک» است.

نهایندی، نخستین بار بخاطر پژوهش‌های خود درباره علل و پویایی‌های انقلاب ۱۳۵۷ ایران و انتشار کتاب «ریشه‌های انقلاب ایرانی» در سال ۱۹۸۸ شناخته شد. او بعدها دامنه تحقیقات خود را به نظریه‌های توسعه و تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع با اکثریت مسلمان گسترش داد.

در سال‌های اخیر، بخش عمده پژوهش‌های او بر جایگاه و وضعیت زنان در کشورهای مسلمان غیرعرب، از جمله ایران، افغانستان و ترکیه متمرکز بوده است.

از تازه‌ترین آثار منتشر شده او می‌توان به «زن بودن در ایران، کدام راه رهایی؟» (۲۰۲۳)، چهره‌های گوناگون، بازگشت به اسلام‌گرایی» (۲۰۲۳) و «زنان ایرانی، تکامل یا انقلاب» (۲۰۲۵) اشاره کرد.

منبع: کیهان لایف
ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

جدیدترین آمار مهاجرت نخبگان از ایران؛ آمریکا و امارات مقاصد اصلی جوانان دانش‌آموخته



پیش‌بینی می‌شود به علت شرایط جنگی طی یک سال اخیر که سبب تعطیلی بخش کنسولی و صدور ویزای برخی سفارتخانه‌ها شد و تغییر قوانین اقامتی در شماری از کشورها -از جمله ایالات متحده- سبب کاهش نرخ مهاجرت نخبگان خواهد شد. اما از آنجا که شرایط ناپایدار اقتصادی و سیاسی ادامه دارد، به نظر می‌رسد انگیزه مهاجرت در میان جوانان نخبه و دانش‌آموختگان افزایش یابد.

پیش از آغاز جنگ اخیر نیز آمارها از افزایش نرخ مهاجرت دانشجویان و نخبگان از ایران حکایت داشت. «خبرنامه امیرکبیر» دی‌ماه ۱۴۰۴ با استناد به تازه‌ترین داده‌های رسمی منتشر شده در آن مقطع از سوی مؤسسه آمار یونسکو (UIS) و همچنین آمارهای ملی کشورهای مقصد، اعلام کرد روند مهاجرت تحصیلی ایرانیان در سال‌های اخیر با شتابی کم‌سابقه ادامه یافته و به ثبت رکوردهای جدید منجر شده است.

داده‌های مؤسسه آمار یونسکو نشان می‌داد تعداد دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی در سال ۲۰۲۳ به ۶۰ هزار و ۹۹ نفر رسیده است. این رقم در سال ۲۰۲۲ برابر با ۴۹ هزار و ۵۳۴ نفر بوده و تنها در فاصله یک‌سال، افزایشی بیش از ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر را ثبت کرده است.

مقایسه این آمار با سال ۲۰۰۰ که شمار دانشجویان ایرانی در این مقاصد ۱۰ هزار و ۴۹۵ نفر گزارش شده بود، از رشد حدود شش برابری طی ۲۳ سال حکایت داشت؛ این آمار صرفاً شامل آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) و اروپای غربی بوده است و دانشجویان ایرانی در کشورهای مانند ترکیه، آسیای شرقی و اروپای شرقی را در بر نمی‌گرفت. همزمان، جدول «۱۰ مقصد اصلی دانشجویان ایرانی» که بر پایه جدیدترین داده‌های در دسترس تا پایان سال ۲۰۲۴ تنظیم شده بود، نشان می‌داد شمار کل دانشجویان ایرانی خارج از کشور از ۶۰ هزار و ۳۹۹ نفر در سال ۲۰۲۰ به ۱۱۰ هزار و ۸ نفر رسیده بود؛ افزایشی که بیانگر رشد ۸۲ درصدی این جمعیت در فاصله تنها چهار سال است.

سعید خدایگان همچنین گفته، «در سال ۱۴۰۳ روند آزادسازی مدارک تحصیلی برای دانشگاه‌های برتر در رشته‌های غیرپزشکی با ۳۰ درصد کاهش نسبت به سال قبل از آن مواجه بوده است. همچنین در بخش صدور گواهی «گود استندینگ» (Good Standing) برای جامعه پزشکی، شاهد کاهش ۱۸ درصدی درخواست‌ها بوده‌ایم. هرچند این آمار به معنای الزامات اولیه برای مهاجرت است، اما کاهش این شاخص‌ها نشان‌دهنده تغییرات محسوسی در روندهاست.»

قائم مقام «بنیاد ملی نخبگان» به دلایل کاهش روند آزادسازی مدارک تحصیلی یا درخواست گواهی «گود استندینگ» اشاره نکرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد افزایش چشمگیر نرخ ارز طی دو سال گذشته، تأمین هزینه مهاجرت و تحصیل در دیگر کشورها برای دانشجویان ایرانی را بسیار دشوار کرده است.

از سوی دیگر دولت بجای فراهم آوردن زیرساخت‌های رفاهی و امنیت شغلی برای نخبگان و دیگر دانش‌آموختگان دانشگاهی با ایجاد دست‌انداز در مسیر مهاجرت این افراد تلاش کرده تا نرخ مهاجرت را کاهش دهد. یکی از این اقدامات افزایش هزینه آزادسازی مدارک و وثیقه‌های خروج از کشور بوده است.

برای فونه در سال جاری آزادسازی مدارک دانشگاهی در ایران با تأیید دیوان عدالت اداری و مصوبات وزارت علوم و بهداشت، بین ۱۰ تا ۳۰ برابر درصد در رشته‌های مختلف افزایش یافت.

همچنین میزان وثیقه مورد نیاز برای مشمولان سربازی برای دریافت معافیت تحصیلی خارج از کشور نیز با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. بر اساس آخرین به‌روزرسانی سامانه خدمات الکترونیک پلیس «سخا» مبلغ وثیقه برای معافیت از خدمت و ادامه تحصیل در خارج مبلغ وثیقه ۸۰ میلیون تومان در سال گذشته به ۲۰۰ میلیون تومان افزایش یافته و مدت مجاز خروج برابر با طول دوره تحصیل است.

● قائم مقام «بنیاد ملی نخبگان» با اعلام آمار جدیدی از مهاجرت نخبگان از ایران گفته، بیشترین مهاجرت نخبگان در سنین ۲۷ تا ۳۳ سالگی انجام می‌شود.

● بر اساس این آمار برای رشته‌های غیرپزشکی، مقاصد اصلی شامل آمریکا (۳۶ درصد)، کانادا (۲۴ درصد)، آلمان (۷ درصد) و انگلستان (۵ درصد) است.

● در جامعه پزشکی نیز امارات با ۲۲ درصد، کانادا با ۲۰ درصد، آلمان با ۱۳ درصد و استرالیا با ۱۱ درصد، بیشترین مقاصد مهاجرتی را تشکیل می‌دهند.

● دولت بجای فراهم آوردن زیرساخت‌های رفاهی و امنیت شغلی برای نخبگان و دیگر دانش‌آموختگان با ایجاد دست‌انداز در مسیر مهاجرت این افراد تلاش کرده تا نرخ مهاجرت را کاهش دهد.

● در سال جاری آزادسازی مدارک دانشگاهی در ایران با تأیید دیوان عدالت اداری و مصوبات وزارت علوم و بهداشت، بین ۱۰ تا ۳۰ برابر درصد در رشته‌های مختلف افزایش یافت.

● همچنین رقم وثیقه مورد نیاز برای مشمولان سربازی برای دریافت معافیت تحصیلی خارج از کشور نیز از ۸۰ میلیون تومان در سال گذشته به ۲۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

قائم مقام «بنیاد ملی نخبگان» با ارائه آمار جدیدی از آمار مهاجرت نخبگان از ایران اعلام کرده، بیشترین مهاجرت نخبگان در سنین ۲۷ تا ۳۳ سالگی انجام می‌شود و آمریکا مقصد اصلی رشته‌های غیرپزشکی، و امارات مقصد پزشکان جوان ایرانی است.

سعید خدایگان، قائم مقام «بنیاد ملی نخبگان»، روز دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ در نشست خبری این بنیاد آمار جدیدی از مهاجرت نخبگان از کشور ارائه داد. این آمار با بررسی نخبگانی که طی یک دهه گذشته از ایران مهاجرت کردند، از امیدیه‌ها و نفرات برتر کنکور و رقابت‌های علمی، به دست آمده است.

سعید خدایگان گفته، بر اساس داده‌های سال ۱۴۰۳، نرخ ماندگاری در ایران در میان خانم‌ها ۸۲ درصد و در آقایان ۸۱ درصد بوده است. در خصوص رتبه‌های برتر کنکور سراسری نیز این نرخ ماندگاری در کشور به ۸۳ درصد می‌رسد.

وی افزوده، نرخ ماندگاری در سنین ۱۸ تا ۲۰ سال بسیار بالاست (حدود ۹۲ درصد برای آقایان و ۹۶ درصد برای خانم‌ها). با افزایش سن، فرصت‌های مهاجرت نیز تغییر می‌کند و بیشترین بازه سنی برای مهاجرت، بین ۲۷ تا ۳۳ سال است.

او همچنین درباره مقاصد اصلی مهاجرت نخبگان گفته برای رشته‌های غیرپزشکی، مقاصد اصلی شامل آمریکا (۳۶ درصد)، کانادا (۲۴ درصد)، آلمان (۷ درصد) و انگلستان (۵ درصد) است.

این آمار نشان می‌دهد در جامعه پزشکی نیز امارات با ۲۲ درصد، کانادا با ۲۰ درصد، آلمان با ۱۳ درصد و استرالیا با ۱۱ درصد، بیشترین مقاصد مهاجرتی را تشکیل می‌دهند.

او افزوده بسیاری از تصمیمات برای مهاجرت ناشی از فشارهای تورمی و وضعیت اقتصادی است و باید برای ایجاد بسترهای مناسب در داخل کشور تلاش بیشتری صورت گیرد.

مشکلات جسمی جواد علیکردی پس از چهار ماه انفرادی؛ کاهش شدید وزن و زخم‌های روی پوست



● جواد علیکردی وکیل دادگستری زندانی پس از حدود چهار ماه نگهداری در سلول انفرادی به بند ۶-۱ زندان وکیل‌آباد مشهد منتقل شده است.

● نگهداری این وکیل به مدت چهار ماه در سلول انفرادی سبب مشکلات جسمی، از جمله کاهش شدید وزن و بروز زخم‌هایی روی پوست او شده است.

● به گفته یک منبع نزدیک به خانواده علیکردی، محدودیت‌های ارتباطی او پس از انتقال به بند ۶-۱ زندان وکیل‌آباد مشهد نیز برای مدتی ادامه داشت و او امکان تماس تلفنی نداشت و ملاقات‌هایش با اعضای خانواده به صورت کابینی انجام می‌شد.

● جواد علیکردی شامگاه ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از برگزاری مراسم هفتم برادرش، خسرو، در شهر مشهد بازداشت شد.

جواد علیکردی وکیل زندانی پس از چهار ماه حبس در سلول انفرادی دچار مشکلات جسمی از جمله کاهش شدید وزن و زخم‌های پوستی شده است.

خبرگزاری «هرانا» روز سه‌شنبه ۲۰ مرداد گزارش داد جواد علیکردی وکیل دادگستری زندانی پس از حدود چهار ماه نگهداری در سلول انفرادی به بند ۶-۱ زندان وکیل‌آباد مشهد منتقل شده است. نگهداری این وکیل به مدت چهار ماه در سلول انفرادی سبب مشکلات جسمی، از جمله کاهش

شدید وزن و بروز زخم‌هایی روی پوست او شده است. یک منبع نزدیک به خانواده جواد علیکردی با اعلام این خبر به خبرگزاری «هرانا» گفته، جواد علیکردی در چهار ماهی که در سلول انفرادی بوده از ملاقات با خانواده نیز محروم بوده است. وی همچنین افزوده که جواد علیکردی در دوره انفرادی کاهش شدید وزن پیدا کرده. محدودیت‌های ارتباطی او پس از انتقال به بند ۶-۱ زندان وکیل‌آباد مشهد نیز برای مدتی ادامه داشت و او امکان تماس تلفنی نداشت و ملاقات‌هایش با اعضای خانواده به صورت کابینی انجام می‌شد.

به گزارش خبرگزاری «هرانا»، پس از دوره طولانی انفرادی، زخم‌هایی بر بدن جواد علیکردی مشاهده شده است. تا کنون اطلاعات مستقلاً درباره علت پزشکی این زخم‌ها و چگونگی رسیدگی درمانی به وضعیت او منتشر نشده است. جواد علیکردی شامگاه ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از برگزاری مراسم هفتم برادرش، خسرو، در شهر مشهد بازداشت شد. او خرداد امسال در شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال زندان و به اتهام «فعالیت تبلیغی برخلاف امنیت ملی موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات جاسوسی» به ۱۳ سال زندان محکوم شد.

بر اساس این حکم صادر شده جواد علیکردی همچنین به انضصال دائم از حرفه وکالت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال تبعید به شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان محکوم شد.

و بازداشت گسترده شرکت‌کنندگان در این مراسم انتقاد و اعلام کرد اسناد محرمانه‌ای درباره مرگ مشکوک برادرش در اختیار دارد که در صورت تداوم فشارهای مأموران آنها را علنی منتشر خواهد کرد.

به گفته نزدیکان خانواده، ساعاتی پس از انتشار این ویدیو، نیروهای امنیتی او را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. فعالان حقوق بشر می‌گویند بازداشت جواد علیکردی در واقع واکنشی به تلاش او برای طرح پرسش درباره نحوه مرگ برادرش و پیگیری حقیقت بوده است. خسرو علیکردی، وکیل سرشناس دادگستری و فعال حقوق بشر، در ۱۴ آذرماه ۱۴۰۴ به شکل مشکوکی در دفتر کار خود جان باخت. مقامات قضایی علت مرگ او را «ایست قلبی» اعلام کردند، اما خانواده و نزدیکانش این روایت را رد کردند.

به گفته خانواده، شواهدی مانند خونریزی غیرعادی در محل جان‌باخت خسرو علیکردی وجود داشته و همین مسئله تردیدها درباره روایت رسمی را افزایش داده است. خانواده علیکردی و شماری از وکلای دادگستری خواستار شفاف‌سازی درباره علت واقعی مرگ او شدند.

این وکیل ساکن مشهد طی سالهای گذشته از جمله وکلایی بود که بدون چشم‌داشت و بطور رایگان برای هموطنانی که در نقاط مختلف ایران قربانی ساختار سرکوب جمهوری اسلامی شده بودند وکالت کرد. او با فشارهای شدید امنیتی و قضایی روبرو بود. مدتها در زندان محبوس بود و ممنوع‌الخروج و در حالیکه دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه تهران بود ممنوع‌التحصیل شد. برادرش جواد نیز به علت فعالیت‌های برادرش با فشارهای امنیتی و قضایی روبرو بود.

آذرماه ۱۴۰۴ و در مراسم هفتم خسرو علیکردی هزاران شهروند به صورت خودجوش شرکت کرده و شعارهایی چون «پاینده ایران» و «جاویدشاه» سر دادند. همچنین شماری از فعالان مدنی از جمله نرگس محمدی، برنده جایزه صلح نوبل، در این مراسم شرکت کردند.

در این مراسم تعدادی از خانواده‌های دادخواه از جمله خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان جانبخته در اعتراضات ۱۴۰۱ که خسرو علیکردی وکیل آنها بود، و همچنین طایفه نظری موکل خسرو علیکردی و مادر مریم آروین وکیل جانبخته در اعتراضات ۱۴۰۱ حضور داشتند. مأموران امنیتی و یگان ضدشورش حکومت به سوی جمعیت حمله‌ور شدند، با شلیک گاز اشک‌آور و ساچمه برای پراکنده کردن جمعیت تلاش کردند و همچنین حاضران را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

بر اساس گزارش‌ها بیش از ۱۵ نفر از جمله علی آدینه‌زاده، رضا آدینه‌زاده، طایفه نظری، نرگس محمدی، هستی امیری، پوران ناظمی، نورا حق، عالیه مطلب‌زاده، اسدالله فخری، اکبر امینی، حسن باقری‌نیا، ابوالفضل ابری و سپیده قلیان بازداشت شدند.

همچنین فعالان پادشاهی‌خواه نیز گزارش داده‌اند که حیدر چاه چمنی، زندانی سیاسی سابق و کنشگر پادشاهی‌خواه، که در این مراسم پس از ضرب و جرح توسط مأموران حکومتی با صورت خونین شاهنامه خواند، توسط مأموران بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.

جواد علیکردی غروب روز ۲۱ آذرماه بازداشت شد. او پس از به خشونت کشیده شدن مراسم هفتم برادرش، با انتشار یک ویدیو به برخورد نیروهای امنیتی و انتظامی،

شکاف تورم میان دهک‌های درآمدی به بیش از ۱۵ درصد رسید؛ تورم سه رقمی در راه است



ریالی و دستمزدها افت می‌کند و نیروی کار، کارمندان، بازنشستگان و دهک‌های پایین که درآمد ثابت ریالی دارند بیشترین زیان را می‌بینند، چرا که ارزش واقعی دستمزد این گروه‌ها ماه به ماه کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، جهش ارزش دارایی‌های فیزیکی رخ می‌دهد و دهک‌های بالا که دارنده املاک، مسکن، خودرو، طلا و ارز هستند، نه تنها از تورم زیان نمی‌بینند، بلکه تورم باعث رشد چندبرابری ارزش دارایی‌های آنان می‌شود. به عبارت ساده‌تر، دهک دهم با اهرم دارایی‌های خود بر موج تورم سوار می‌شود، در حالی که دهک‌های اول تا چهارم زیر امواج سنگین گرانی غرق می‌شوند. همین ساز و کار باعث شده تا با وجود رکود اقتصادی، ثروت طبقه ممتاز جامعه رشد کند و طبقه متوسط به سمت دهک‌های پایین‌تر سقوط کند.

اینهمه در حالیست که طی سال‌های گذشته بارها فعالان کارگری و کارشناسان اقتصادی تأکید کردند دولت باید با افزایش رقم دستمزد، ارزش واقعی درآمد خانوارهای کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان را افزایش دهد تا قدرت خرید این اقشار تقویت شود. اگر چه هر ساله رقمی بر درآمد این اقشار افزوده می‌شود اما به علت اینکه نرخ تورم از نرخ افزوده شده بر درآمدها خیلی بیشتر است، در نتیجه ارزش واقعی درآمدها کاهش می‌یابد. به همین دلیل است که اقشار حقوق‌بگیر در ایران با وجود افزایش رقم دستمزد در هر سال، سید کالایی کوچکتری را نسبت به سال پیشتر با حقوق خود خریداری می‌کنند.

دولت اما با پرداخت کالابرگ الکترونیک - یا همان کوپن - مدعی جبران اختلاف ارزش کاسته شده درآمدها با هزینه زندگی اقشار کم‌درآمد شده است. تحلیلگران اما این ادعای دولت را رد کرده و معتقدند افزایش تورم حتی قدرت خرید ناچیز کالابرگ الکترونیک را نیز ناچیزتر کرده است. از سوی دیگر رقم کالابرگ الکترونیک که یک میلیون تومان ←

بیشتر از خانوارهای ثروتمند بوده است. در این گزارش آمده: «در سال ۱۴۰۳ حدود ۸۲ درصد از اقلام موجود در سبد مصرفی دهک اول - کم‌درآمدترین دهک - تورمی بالای ۲۰ درصد را تجربه کرده‌اند. این یعنی دامنه گرانی‌ها در سطح کالاهای پایه به قدری گسترده شده که تقریباً هیچ راه گریزی برای کاهش هزینه‌ها برای اقشار کم‌درآمد باقی نگذاشته است.

در مقابل، سبد مصرفی دهک دهم - پردرآمدترین دهک - شامل سهم بالاتری از خدمات، کالاهای بادوام، تفریحات و املاک است که رفتارهای تورمی متفاوتی دارند و حاشیه مانور بیشتری برای تغییر ترکیب مصرف یا پوشش ریسک تورمی به دارندگان آن می‌دهند.»

این گزارش افزوده مقایسه تورم زیرگروه‌های غیرخوراکی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۳ نشان می‌دهد در هر دو سال تورم کل و خوراکی برای دهک اول بیشتر از دهک دهم بوده است. در ۱۴۰۳ تورم غیرخوراکی نیز برای دهک اول بالاتر از سایر دهک‌ها بوده است.

در ادامه گزارش آمده، در دهک‌های پایین درآمدی، بیشترین نرخ تورم مربوط به گروه قند و شکر و شیرینی، حمل و نقل و اثاث و خدمات خانگی بوده است؛ اقلامی که مستقیماً با گران شدن مواد غذایی پایه و هزینه‌های جاری و اجتناب‌ناپذیر زندگی روزمره پیوند دارند. در نقطه مقابل و در دهک دهم، بیشترین افزایش قیمت در گروه‌های گوشت، روغن و چربی‌ها، بهداشت و درمان و تفریح و فرهنگ به ثبت رسیده است.

بر اساس گزارش «پژوهشکده پولی و بانکی» بانک مرکزی مسئله اصلی تورم در ایران تنها گرانی کالاها نیست، بلکه کارکرد تخریبی تورم به‌عنوان یک ماشین جابه‌جایی ثروت از فقرا به سمت ثروتمندان است. در شرایط تورم حاد، دو اتفاق بطور همزمان رخ می‌دهد. از یکسو ارزش دارایی‌های

تازه‌ترین گزارش «پژوهشکده پولی و بانکی» بانک مرکزی نشان می‌دهد، طی سال‌های گذشته همواره دهک‌های پایین درآمدی، تورم بیشتری را تحمل کرده‌اند و فشار تورمی بر خانوارهای فقیر بیشتر از خانوارهای ثروتمند بوده است.

در این گزارش آمده، در سال ۱۴۰۳ حدود ۸۲ درصد از اقلام موجود در سبد مصرفی دهک اول - کم‌درآمدترین دهک - تورمی بالای ۲۰ درصد داشته. این یعنی دامنه گرانی‌ها در سطح کالاهای پایه به قدری گسترده شده که تقریباً هیچ راه گریزی برای کاهش هزینه‌ها برای اقشار کم‌درآمد باقی نگذاشته است.

اگرچه هر ساله رقمی بر درآمد این اقشار افزوده می‌شود اما به علت اینکه نرخ تورم از نرخ افزوده شده بر درآمدها خیلی بیشتر است، در نتیجه ارزش واقعی درآمدها کاهش می‌یابد. به همین دلیل است که اقشار حقوق‌بگیر در ایران با وجود افزایش رقم دستمزد در هر سال، سید کالایی کوچکتری را نسبت به سال پیشتر با حقوق خود خریداری می‌کنند.

شکاف تورم نقطه به نقطه میان دهک اول یعنی کم‌درآمدترین قشر جامعه و دهک دهم به عنوان ثروتمندترین طبقه، در تیرماه به رقم ۱۵/۲ واحد درصد رسیده است. این اختلاف نشان می‌دهد سقوط قدرت خرید و فشار معیشتی به هیچ وجه بطور مساوی میان مردم تقسیم نشده و اختلاف طبقاتی نیز تشدید شده است.

تازه‌ترین گزارش «پژوهشکده پولی و بانکی» بانک مرکزی با عنوان «تحولات تورم در ایران؛ نگاهی به تغییرات ماهانه و سالانه آن براساس دهک‌های درآمدی» نشان می‌دهد طی سال‌های گذشته همواره دهک‌های پایین درآمدی، تورم بیشتری را تحمل کرده‌اند و فشار تورمی بر خانوارهای فقیر

مسعود پزشکیان درباره گران شدن بنزین: محاصره هستیم و نمی‌توانیم بنزین وارد کنیم!



● مسعود پزشکیان با بیان اینکه «دلار کم شده و پارسال ۶ میلیارد دلار بنزین وارد کردیم، اما امسال پول نداریم، در شرایط محاصره قرار داریم و نمی‌توانیم بنزین وارد کنیم» گفت: «وقتی می‌جنگیم، به هر حال کمبود پیدا می‌کنیم. ما خودمان را برای هرگونه سختی که در این مسیر وجود دارد آماده می‌کنیم.»

● افزایش قیمت بنزین- فارغ از شرایط جنگ و محاصره- از مدت‌ها پیش در دستور کار دولت پزشکیان قرار داشت و اکنون گام به گام در حال اجراست.

● سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، به تازگی با اشاره به کمبود روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین در ایران گفت: «حداکثر ظرفیت تولید پالایشگاه‌های کشور حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز است، در حالی که مصرف روزانه بنزین به حدود ۱۳۰ میلیون لیتر می‌رسد.»

● دولت از ششم امرداد نخستین گام عملی خود را در راستای افزایش قیمت بنزین برداشت و سهمیه دوم بنزین با نرخ سه هزار تومان را از ۷۰ لیتر به ۵۰ لیتر در ماه کاهش داد.

● طرح دیگری نیز مرتبط با اتومبیل‌هایی که بیش از ۲۰ سال عمر دارند مطرح است که آنها را در دسته «خودروهای فرسوده» قرار می‌دهد و از برخی خدمات از جمله سهمیه کامل بنزین محروم می‌شوند.

مسعود پزشکیان در آخرین اشاره به بحران کمبود بنزین گفته است که «دلار کم شده و پارسال ۶ میلیارد دلار بنزین وارد کردیم، اما امسال پول نداریم، در شرایط محاصره قرار داریم و نمی‌توانیم بنزین وارد کنیم». دولت طی هفته‌های گذشته سهمیه کارت سوخت برای تهیه بنزین یارانه‌ای را کاهش داد. اکنون همزمان با اظهارات مسعود پزشکیان، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مدعی شده: «درباره افزایش قیمت بنزین و کارت جایگاه، به اصطلاح هنوز جمع‌بندی صورت نگرفته است.»

مسعود پزشکیان عصر روز شنبه ۱۷ امرداد ۱۴۰۵ در یک نشست خبری احتمال افزایش قیمت بنزین را تأیید کرد و گفت: «موضوع تأمین بنزین و سایر حامل‌های انرژی، آن را در چارچوب سیاست‌های دولت در حوزه عدالت و مدیریت منابع مورد توجه قرار داد.»

مسعود پزشکیان افزود: «ما و شما باید بنشینیم و با هم همدل شویم. اگر روند ادامه پیدا کرد، چگونه باید این کمبودها و این روند را مدیریت کنیم؟ باید بپذیریم که اگر این اتفاق افتاد و نتوانستیم تولید کنیم و نتوانستیم بخریم، بالاخره باید مدیریت کنیم.»

رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی همچنین گفت: «ما در دولت باید هزینه‌هایمان را کم کنیم. هر مدیری نتواند هزینه خودش را کم کند، باید به او نمره منفی بدهیم؛ برای اینکه من نمی‌توانم در جنگ هزینه خودم را بالا ببرم، باید آن را کم کنم.»

پزشکیان در بخش دیگری از سخنانش با بیان اینکه «دلار کم شده و پارسال ۶ میلیارد دلار بنزین وارد کردیم، اما امسال پول نداریم، در شرایط محاصره قرار داریم و نمی‌توانیم بنزین وارد کنیم»، گفت: «وقتی می‌جنگیم، به هر

➔ به ازای هر نفر است با کسری رقم میان دستمزد و هزینه زندگی خانوارهای کم‌درآمد تناسبی ندارد.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده، تجربه پرداخت یارانه‌های نقدی طی سالیان گذشته یک درس بزرگ به همراه داشته و آن این است که نمی‌توان با موتور نقدینگی تورم ایجاد کرد و سپس با پاشیدن پول نقد آثار تخریبی آن را خنثی ساخت. تصمیم‌گیرندگان اقتصادی بارها کوشیده‌اند آثار سنگین تورم را با دستکاری یارانه‌ها یا اعطای بن‌های معیشتی مهار کنند، اما به دیوار بلند واقعیت اقتصاد برخورد کرده‌اند.

در ادامه این مطلب آمده تا زمانی که کسری بودجه مزمن، ناترازی شدید سیستم بانکی، رشد بی‌رویه نقدینگی و تحریم‌های اقتصادی باقی است، هرگونه پرداخت نقدی تنها باعث افزایش مجدد پایه پولی و دور تازه‌ای از تورم خواهد شد؛ دوری باطل که در آن پول پرداختی به مردم قبل از رسیدن به دستشان، ارزش خود را در بازار از دست می‌دهد. گزارش اخیر پژوهشکده پولی و بانکی اثبات می‌کند که ادعای حمایت از محرومان از طریق جراحی‌های قیمتی، بدون مهار تورم انتظاری و اصلاحات بنیادی، رؤیایی بیش نبوده است و کاهش موقت شکاف تورمی تنها چند ماه دوام آورده و با تبخیر قدرت خرید، شکاف به ارقام بالاتری بازگشته است.

اینهمه در حالیست که چشم‌انداز اقتصادی ایران نیز منفی است و به نظر می‌رسد خانوارهای کم‌درآمد در ماه‌های آینده با فشارهای اقتصادی بیشتری روبرو خواهند شد.

در همین رابطه محمدتقی فیاضی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی گفته: «چشم‌انداز تورم در ۱۴۰۵ بیشتر به سمت افزایش چشمگیر میل کرده است. این مهم در شرایطی است که هم اکنون تورم سالانه با رسیدن به نرخ ۶۶ درصد به بالاترین تورم تجربه شده در ۸۰ سال گذشته تبدیل شده است. حالا با محاصره دریایی فشار اقتصادی بر ایران هم افزایش پیدا کرده و با اقدامات دولت این انتظار که روند فزاینده ادامه یابد، بیشتر شده است.»

این کارشناس اقتصادی تأکید کرده: «در مورد تورم نقطه به نقطه من انتظار دارم تا شهریورماه با تورم سه رقمی مواجه شویم. تا پایان سال اگر همین وضعیت به اصطلاح شل کن و سفت کن در جنگ با آمریکا ادامه داشته باشد، به احتمال فراوان تورم سالانه هم به حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد در پایان ۱۴۰۵ خواهد رسید. هرچند اگر یک شوک ارزی دیگر وارد شود، این احتمال که تورم سالانه هم سه رقمی شود، زیاد خواهد شد.»

به عقیده محمدتقی فیاضی، «چند عامل بر تورم کشور تأثیری زیادی دارد از جمله نرخ ارز. اگر نرخ ارز بالا برود، باز هم تورم بالاتر خواهد رفت. با وضعیتی که کشور درگیر آن است و با محاصره دریایی که فروش نفت را به طور چشمگیری کاهش داده، انتظار می‌رود تا پایان سال باز هم قیمت ارز افزایش پیدا کند. افزایش نرخ ارز به شکل مستقیم بر نرخ تورم اثر خواهد داشت.»

او افزود: «بجز نرخ ارز، کسری بودجه دولت هم عاملی تعیین‌کننده برای افزایش تورم است. از آنجایی که کسری بودجه اغلب با استقراض از منابع بانکی تأمین می‌شود، این امر هم بر تورم و هم بر نرخ ارز می‌تواند تأثیر منفی بگذارد. از سوی دیگر افزایش تنش‌ها و شکل گرفتن همین فضای «نه جنگ، نه صلح» هم بطور جدی بر انتظارات تورمی اثر فزاینده خواهد داشت. من فکر می‌کنم تا پایان سال، دلار از ۲۰۰ هزار تومان عبور خواهد کرد. با تداوم محاصره، جنگ یا تحمیل شوک ارزی بیشتر، احتمال جهش‌های بزرگ هم وجود دارد.»

حال کمبود پیدا می‌کنیم. ما خودمان را برای هرگونه سختی که در این مسیر وجود دارد آماده می‌کنیم.»

وی «کاهش هزینه» را متوجه بخش آب و انرژی کرد و به بودجه‌پاشی‌ها به نهادهای حکومتی و هدر رفتن منابع کشور در ساختار هزارتوی فاسد و رانتی اشاره نکرد!

او گفت «روند گفتگو و تصمیم‌گیری در حال انجام است؛ مدیریت بنزین، مدیریت گاز، مدیریت برق، مدیریت آب، مدیریت منابع و مدیریت هزینه‌ها، به هر حال همه اینها مسائلی است که باید در این شرایط مدیریت شود.»

افزایش قیمت بنزین، فارغ از شرایط جنگ و محاصره، از مدت‌ها پیش در دستور کار دولت پزشکیان قرار داشت و اکنون گام به گام در حال اجراست.

با اینهمه فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت که همواره در ماه‌های گذشته افزایش قیمت بنزین را تکذیب و انکار می‌کرد، اکنون و ساعاتی پس از سخنان مسعود پزشکیان گفت: «درباره افزایش قیمت بنزین و کارت جایگاه، به اصطلاح هنوز جمع‌بندی صورت نگرفته است. هر زمان که جمع‌بندی انجام شود، آن را اعلام خواهیم کرد.»

فاطمه مهاجرانی همچنین تداوم طرح‌های مرتبط با تغییر سهمیه‌بندی بنزین را به عنوان بخشی از برنامه حذف یارانه بنزین و افزایش قیمت تأیید کرده و گفته: «بحث‌هایی مطرح شده بود که قرار است تخصیص سهمیه به صورت عدالت‌محور انجام شود؛ یعنی بر اساس تعداد خانوارها و مواردی از این دست.»

حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، به تازگی با اشاره به کمبود روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین در ایران گفته: «حداکثر ظرفیت تولید پالایشگاه‌های کشور حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز است، در حالی که مصرف روزانه بنزین به حدود ۱۳۰ میلیون لیتر می‌رسد.»

او افزود: «این اختلاف به معنای کسری روزانه نزدیک به ۲۰ میلیون لیتر بنزین است؛ شکافی که فشار زیادی بر نظام تأمین سوخت وارد کرده و مدیریت آن را با دشواری‌های فراوان همراه ساخته است.»

دولت از ششم امرداد نخستین گام عملی خود را

افشای نام «تراستی» اَبَرِدهکار؛ خرید ۴۰ نفتکش وزارت نفت با قیمت «آهن قراضه» و دریافت سفارش فروش ۹۰ میلیون بشکه نفت در یک سال!

● حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه ۱۹ مرداد اعلام کرد: «یکی از تراستی‌های آلوده، فردی به نام آقایاری است» که گفته می‌شود بیشترین میزان پول نفت بازنگشته به کشور مربوط به اوست. ساعتی بعد خبرگزاری «ایلنا» در یک گزارش نام کامل و اطلاعاتی از حسین آقایاری را منتشر کرد.

● حسین آقایاری متولد سال ۱۳۴۱ در تهران با پاسپورت ایرانی- افغانستانی در خارج کشور فعالیت دارد. همچنین گفته می‌شود وی پیش از وقوع جنگ ۴۰ روزه در دبی مستقر بوده است.

● حسین آقایاری فعالیت خود را از یک صرافی کوچک در «کسبه آهن» آغاز کرده اما در یک جهش عجیب، طی دو سال گذشته وارد معاملات بزرگ نفتی شده و به یکی از بزرگترین تراستی‌های فعال در ایران تبدیل شده است.

● آقایاری حدود ۴۰ فروند نفتکش و کشتی تجاری را با شرایط ویژه خریداری کرده و گفته می‌شود بخشی از این نفتکش‌ها از وزارت نفت و با قیمت‌هایی در حد «آهن قراضه» خریداری شده‌اند.

● او طی تنها یک سال از شرکت نفت بیش از ۹۰ میلیون بشکه نفت سفارش فروش می‌گیرد که برخی از نمایندگان مجلس این شرایط ویژه را در قالب بده و بستان در وزارت نفت عنوان و اعلام کرده‌اند که این اقدام بجز رانت و همکاری جریانی در وزارت نفت و شبکه بانکی قابل اجرا نبود.

● رئیس سازمان بازرسی کل کشور هفته نخست مرداد در یک برنامه صداوسیما با افشای اطلاعاتی درباره ارزهای بازنگشته به کشور گفته بود: «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برگرداند و از کشور هم خارج شد.»

یک روز پس از آنکه یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نام یکی از «تراستی»‌های اَبَرِدهکار را افشا کرد، خبرگزاری «ایلنا» اطلاعاتی درباره او منتشر کرد: حسین آقایاری با پاسپورت ایرانی- افغانستانی که از او به عنوان «بابک زنجانی جدید» یاد می‌شود در ساز و کار فاسد و رانتی جمهوری اسلامی توانسته طی یک سال سفارش فروش ۹۰ میلیون بشکه نفت ایران بگیرد و ۴۰ فروند نفتکش و کشتی تجاری را از وزارت نفت با قیمت «آهن قراضه» خریداری کند!

در هفته‌های گذشته و پس از آنکه رئیس سازمان بازرسی از تشکیل ده‌ها پرونده قضایی درباره عدم رفع

فرسوده امکان‌پذیر خواهد بود.»

همچنین این اتومبیل‌ها اجازه مسافركشی و یا فعالیت در تاکسی‌های اینترنتی را نخواهند داشت. تردد اتومبیل‌های فرسوده در کلانشهرها نیز با محدودیت همراه خواهد شد. همچنین نقل و انتقال و تعویض پلاک این ماشین‌ها در شهرهای بزرگ ممنوع می‌شود و تخلفات آنها از طریق دوربین‌های نظارتی ثبت و مشمول جریمه خواهد شد.

اینهمه نشان می‌دهد هشدارهای کارشناسان درباره پیامدهای کمبود بنزین ناشی از عدم سرمایه‌گذاری مولد در بخش پتروشیمی درست بوده و حالا جمهوری اسلامی برای تأمین بنزین مورد نیاز کشور با بحرانی جدی‌تر از سال‌های گذشته روبروست. مقامات حکومتی البته همه این سال‌ها انگشت اتهام را به سوی مردم دراز کرده و معتقد بودند مصرف بالای بنزین علت کمبود است!

در همین رابطه روزنامه «آرمان ملی» در گزارشی نوشته: «دولت به عنوان سیاست‌گذار کلان، متولی [مسئول] اصلی ایجاد تعادل در بازار انرژی است، اما در عملکرد دولت، تناقض‌های آشکاری دیده می‌شود. از یکسو، دولت نگران ناترازی است و از سوی دیگر، سیاست‌های تعرفه‌ای و ارزی، مانع از نوسازی ناوگان فرسوده شده است. بخش بزرگی از مصرف بنزین کشور توسط خودروهای فرسوده‌ای انجام

→ در راستای افزایش قیمت بنزین برداشت و سهمیه دوم بنزین با نرخ سه هزار تومان را از ۷۰ لیتر به ۵۰ لیتر در ماه کاهش داد. سهمیه دوم بنزین در بهار امسال و پس از آسیب به ذخایر سوخت در حملات نظامی اسرائیل و آمریکا در جنگ با جمهوری اسلامی نیز یکبار دیگر کاهش یافته بود. در اوایل جنگ دولت سهمیه را از ۱۰۰ لیتر به ۷۰ لیتر کاهش داده بود و به این ترتیب اکنون سهمیه دوم بنزین در کمتر از شش ماه نصف شده است.

بنزین در ایران با سه نرخ در سه سهمیه مختلف ماهانه ارائه می‌شود. نرخ ۱۵۰۰ تومانی، نرخ ۳۰۰۰ تومانی و نرخ ۵۰۰۰ تومانی. البته نرخ‌های دیگری نیز توسط ماشین‌های توزیع سوخت به ویژه در جاده‌های پرتدد مانند جاده تهران به شمال هم ارائه می‌شود که در مقاطع پرتدد سال به بیش از ۲۰ هزار تومان در هر لیتر هم می‌رسد.

اگرچه دولت ادعا دارد بنزین را گران نکرده اما با کاهش سهمیه دوم بنزین در عمل شهروندان ناچارند بنزین مورد نیاز را که پیشتر با سهمیه دوم و با نرخ ۳۰۰۰ تومانی تهیه می‌کردند، با نرخ سوم و با قیمت ۵۰۰۰ تومان برای هر لیتر تهیه کنند؛ موضوعی که به هر حال اثر خود را بر افزایش هزینه خانوار و پیامدهای تورم‌زای افزایش قیمت بنزین خواهد گذاشت!



می‌شود که تکنولوژی موتور آنها به چندین دهه قبل باز می‌گردد. دولت با کندی در اجرای طرح‌های اسقاط خودرو، عملاً اجازه می‌دهد این «ماشین‌های تشنه بنزین» همچنان در خیابان‌ها تردد کنند. علاوه بر این، سیاست‌های مربوط به سوخت‌های جایگزین نیز دچار سردرگمی است.»

این مطلب افزوده «صنعت CNG که زمانی به عنوان یک مزیت استراتژیک برای ایران مطرح بود، به دلیل عدم حمایت کافی از تولید خودروهای دوگانه‌سوز کارخانه‌ای و ضعف در شبکه جایگاه‌های عرضه، از مدار توجه خارج شده است. همچنین، فقدان یک استراتژی شفاف برای ورود خودروهای برقی و هیبریدی به ناوگان عمومی (تاکسی‌ها و اتوبوس‌ها) که می‌تواند بیشترین تأثیر را در کاهش مصرف بنزین داشته باشد، نشان‌دهنده نبود اراده جدی برای گذار انرژی است. دولت باید بجای تکیه بر «قیمت‌گذاری» به عنوان تنها ابزار کنترل مصرف، بر «تکنولوژی» و «جایگزینی» سرمایه‌گذاری کند.»

طرح‌های دیگری نیز با هدف افزایش درآمد دولت از محل حذف یارانه بنزین در دست اجرا است. طرح دیگری نیز مرتبط با اتومبیل‌هایی که بیش از ۲۰ سال عمر دارند مطرح است که آنها را در دسته «خودروهای فرسوده» قرار می‌دهد و از برخی خدمات از جمله سهمیه کامل بنزین محروم می‌شوند.

بر اساس این طرح، اتومبیل‌های سواری بنزینی که بیش از ۲۰ سال از زمان تولید آنها گذشته باشد، «بر اساس جزئیات جدید آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو، در گروه خودروهای فرسوده قرار می‌گیرند و با محدودیت‌های تازه‌ای مواجه خواهند شد.»

یکی از مهم‌ترین تغییرات پیش‌بینی‌شده، حذف سهمیه بنزین یارانه‌ای برای این اتومبیل‌ها است. بر این اساس، «خودروهای فرسوده سهمیه بنزین با نرخ اول و دوم را دریافت نخواهند کرد و صدور یا فعال‌سازی کارت سوخت آنها تنها در صورت ثبت‌نام در سامانه جایگزینی خودروهای

رفع نشده، به اتهام اخلاف در نظام اقتصادی به مراجع قضایی معرفی شده‌اند.»

رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزود: «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برنگرداند و از کشور هم خارج شد.»

چند روز پس از اظهارات رئیس سازمان بازرسی کل کشور، محمد معتمدی‌زاده سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی با ارائه آخرین جزئیات این پرونده‌ها اعلام کرد ۹۴ میلیارد یورو تعهد ارزی رفع نشده در اختیار شرکت‌های «تراستی» قرار دارد.

او صدور بی‌رویه کارت‌های بازرگانی را یکی از عوامل اصلی بروز این فساد اقتصادی دانست و تأکید کرد که شرکت‌های فاقد اهلیت، ابردهکاران ارزی و افراد پشت‌پرده این تخلفات باید به مردم معرفی شوند.



به گفته سخنگوی اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی «بخش قابل توجهی از ارزش‌های بازنگشته، مربوط به اشخاص و شرکت‌هایی است که برخی از آنها در حوزه نفت، پخش و پالایش فعالیت می‌کنند و این تخلفات از طریق شرکت‌های تراستی انجام شده است.»

او با اشاره به تشکیل پرونده‌های متعدد در این زمینه گفت: «پرونده‌ها تشکیل شده و حجم پرونده‌ها بسیار بالاست. حجم ارزی که بازنگشته، مبلغ بسیار بالایی است و بیش از ۹۴ میلیارد یورو اعلام شده است. موضوع بسیار حساس است و آن را پیگیری می‌کنیم و امیدواریم بتوانیم کمک کنیم.»

محمد معتمدی‌زاده همچنین خواستار اعلام نام بدهکاران متهم در پرونده ارزی بازنگشته شد و تأکید کرد: «بیشترین سوء استفاده‌ها در بازه زمانی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴، چه در زمینه صدور کارت‌های بازرگانی و چه در بخش پرداخت‌های ارزی و نحوه تخصیص ارز رخ داده است.»

متخلف بررسی عملکرد وزارت نفت، شرکت ملی نفت و شبکه بانکی کشور باید زیر ذره‌بین نهادهای امنیتی قرار بگیرد. اگر میلیاردها دلار از منابع نفتی بازنگشته، باید مشخص شود چه فرآیندی برای اعتبارسنجی تراستی‌ها وجود داشته است. اگر تضامین دریافت شده ناچیز بوده، چه کسی این تضامین را تأیید کرده است؟»

تراستی (Trustee) یا متصدی امانت یک اصطلاح حقوقی فرنگی برای امانتدار است و بنابراین می‌تواند به هر فردی که دارایی، اختیار یا موقعیت امانتداری یا مسئولیتی را به نفع دیگری در اختیار دارد، اطلاق شود. این افراد مجاز به انجام وظایف خاصی هستند اما مجاز به کسب درآمد نیستند. در ایران تراستی‌ها به عنوان افرادی شناخته می‌شوند که طی سال‌های گذشته برای فروش نفت و انجام نقل و انتقالات ارزی با هدف دور زدن تحریم‌ها و پولشویی

تعهدهات ارزی خبر داد، بار دیگر موضوع فسادهای اقتصادی ناشی از رانت در جمهوری اسلامی برجسته شد. به گفته رئیس بازرسی کل کشور اکثر متهمان این پرونده‌ها که تعداد آنها بیش از ۲۰ هزار نفر است «تراستی»‌هایی هستند که در سازوکار فروش نفت تحریمی ایران فعال بودند اما ارز حاصل از فروش نفت را بازنگرداند.

در همین حال حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی روز گذشته اعلام کرد که «یکی از تراستی‌های آلوده، فردی به نام آقایاری است» که گفته می‌شود بیشترین میزان پول نفت بازنگشته به کشور مربوط به اوست.

حسین صمصامی تأکید کرده بود که درباره «تعداد تراستی‌ها و عملکرد آنها» اطلاعاتی نیست و وزارت نفت باید آن را شفاف کند.

ساعاتی بعد از اعلام نام «آقایاری»، خبرگزاری دولتی «ایلنا» در یک گزارش نام کامل و اطلاعاتی از حسین آقایاری منتشر کرد. بر اساس این گزارش، حسین آقایاری متولد سال ۱۳۶۱ در تهران با پاسپورت ایرانی-افغانستانی، در خارج کشور فعالیت دارد. همچنین گفته می‌شود وی پیش از وقوع جنگ ۴۰ روزه در دبی مستقر بوده است.

«ایلنا» نوشته، بر اساس اطلاعاتی که دریافت کرده، شرکت OPS در بخش حمل و نقل و لجستیک و شرکت Vaio در حوزه تجارت، از مجموعه‌های منتسب به حسین آقایاری هستند. همچنین گفته می‌شود یکی از مدیران پرنفوذ سال‌های گذشته در گمرک کشور، نمایندگی وی در ایران را بر عهده دارد.

این گزارش افزود، حسین آقایاری فعالیت خود را از یک صرافی کوچک در «کسبه آهن» آغاز کرده اما در یک جهش عجیب، طی دو سال گذشته وارد معاملات بزرگ نفتی شده و به یکی از بزرگ‌ترین تراستی‌های فعال در ایران تبدیل شده است. البته گفته می‌شود این تراستی تازه ورود در همین مدت با فاصله قابل توجه نسبت به سایر همکاران خود در میان تراستی‌های آلوده به یکی از بزرگ‌ترین بدهکاران نفتی کشور تبدیل شده است.

خبرگزاری «ایلنا» همچنین به نقل از یک منبع آگاه نوشته، حسین آقایاری طی همین مدت دو سال، حدود ۴۰ فروند نفتکش و کشتی تجاری را با شرایط ویژه خریداری کرده و گفته می‌شود بخشی از این نفتکش‌ها از وزارت نفت و با قیمت‌هایی در حد «آهن قراضه» خریداری شده‌اند.

در بخش دیگری از این گزارش به حجم معاملات نفتی حسین آقایاری به عنوان «یکی از عجیب‌ترین بخش‌های» پرونده او اشاره شده و آمده: «او طی تنها یک سال از شرکت نفت بیش از ۹۰ میلیون بشکه نفت سفارش فروش می‌گیرد که برخی از نمایندگان مجلس این شرایط ویژه را در قالب بده و بستان در وزارت نفت عنوان و اعلام کرده‌اند که این اقدام بجز رانت و همکاری جریان‌ی در وزارت نفت و شبکه بانکی قابل اجرا نبود.»

خبرگزاری «ایلنا» میزان بدهی حسین آقایاری به وزارت نفت را چند میلیارد دلار عنوان و او را «بابک زنجانی جدید» خوانده «که توانسته با بهره‌گیری از شگردهای پیشکسوت و خالق این ترندها رقم جدیدی از غارت ملی را ثبت کند.»

«ایلنا» نوشته «اینجاست که سؤال اصلی دوباره خود را نشان می‌دهد که چرا وقتی بدهی ایجاد شده بود، فرآیند فروش نفت متوقف نشد؟» و «اگر یک تراستی در بازپرداخت منابع قبلی دچار مشکل شده بود، چه نهادی اجازه داد مجدداً نفت بیشتری در اختیار او قرار گیرد؟» در ادامه این پرسش مطرح شده که «در پرونده تراستی‌های

فعالیت داشته‌اند. پنجم امرداد ۴۰۵ ذیح‌الله خدائیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، با حضور در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی از دستور غلامحسین محسنی اژهای رئیس قوه قضاییه برای پیگیری پرونده‌های ارزی توسط هیئتی ویژه خبر داد.

ذیح‌الله خدائیان گفت بر اساس اطلاعات دریافتی از بانک مرکزی، ۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی دارای تعهدات ارزی ایفا نشده بودند که مجموع تعهدات رفع نشده آنان حدود ۹۴ میلیارد یورو برآورد شده است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزود: «این افراد در سه گروه دسته‌بندی شدند: ۲۲۵ شخص دارای بیش از ۵۰ میلیون یورو تعهد رفع نشده، ۲ هزار و ۸۲۷ شخص دارای تعهد بین ۳ تا ۵۰ میلیون یورو بودند و ۱۷ هزار و ۶۲۴ شخص نیز کمتر از ۳ میلیون یورو تعهد رفع نشده ارزی داشتند.»

او همچنین گفت: «۲۱۹ شخص حقیقی، حقوقی و شبه‌دولتی با مجموع حدود ۲۳/۵ میلیارد یورو تعهد

تصویر تکاندنده از اقتصاد ایران با قرار گرفتن آمارها و شاخص‌ها کنار یکدیگر



● مسعود نیلی، اقتصاددان، آمارها و شاخص‌های اقتصادی سال‌های گذشته را در کنار هم آورده که نشان می‌دهد بحران ساختاری در جمهوری اسلامی چگونه سبب شده اقتصاد ایران تحت فشارهای همه‌جانبه قرار بگیرد.

● نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا کنون و در یک بازه زمانی هشت ساله، تقریباً ۵۰ برابر شده است. این در حالیست که در بازه‌های زمانی مشابه در گذشته، حداکثر چهار برابر می‌شده است.

● سطح عمومی قیمت‌ها در همین فاصله زمانی، کمی بیش از ۱۹ برابر شده، در حالی که در فاصله‌های مشابه قبلی، حدوداً ۳/۵ تا ۳/۸ برابر می‌شده است. در مورد خوراکی‌ها، افزایش قیمت در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا کنون بیش از ۳۴ برابر شده است. در حالی که در بازه‌های مشابه قبلی، این نسبت حدوداً چهار برابر بوده است.

● تولید ناخالص داخلی که معمولاً در بازه‌های تقریباً هشت ساله حدوداً ۱/۵ برابر می‌شده، از سال ۱۳۹۷ تا کنون رشد بسیار اندکی داشته و درآمد خالص ملی سرانه در همین فاصله، تقریباً ۱۲ درصد کاهش یافته است.

اقتصاد ایران دچار وضعیتی بحرانی است که از یکسو با تشدید رکود تورمی روبروست و از سوی دیگر فقر و بیکاری و فلاکت سبب سقوط اکثر جمعیت کشور به زیر خط فقر و از بین رفتن قشر متوسط شده است. هنگامی که شاخص‌ها در کنار قرار می‌گیرند واقعیت تکاندنده اقتصاد ایران را به تصویر می‌کشند.

مسعود نیلی اقتصاددان در سرمقاله روز یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ روزنامه «دنیای اقتصاد» با تیتَر «ایران فردا و تصمیم امروز» آمارها و شاخص‌های اقتصادی سال‌های گذشته را در کنار هم آورده که نشان می‌دهد بحران ساختاری در جمهوری اسلامی چگونه سبب شده اقتصاد ایران تحت فشارهای همه‌جانبه قرار بگیرد. در این مطلب از جمله آمده، نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا کنون تقریباً ۵۰ برابر شده است. این در حالیست که در بازه‌های زمانی مشابه در گذشته، حداکثر چهار برابر می‌شده است. ضمن اینکه این ۵۰ برابر شدن در مسیری هموار اتفاق نیفتاده و به‌صورت هفت بحران بزرگ ارزی، مانند زلزله‌های شدید، اقتصاد ایران را لرزاند و خرابی‌هایی بزرگ بجا گذاشته است.

از سوی دیگر سطح عمومی قیمت‌ها در همین فاصله، کمی بیش از ۱۹ برابر شده، در حالی که در فاصله‌های مشابه قبلی، حدوداً ۳/۵ تا ۳/۸ برابر می‌شده است. در مورد خوراکی‌ها، افزایش قیمت در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا کنون، بیش از ۳۴ برابر شده است. در حالی که در بازه‌های مشابه قبلی، این نسبت حدوداً چهار برابر بوده است.

همچنین تولید ناخالص داخلی که معمولاً در بازه‌های تقریباً هشت ساله حدوداً ۱/۵ برابر می‌شده، از سال ۱۳۹۷ تا کنون رشد بسیار اندکی داشته و درآمد خالص ملی سرانه در همین فاصله، تقریباً ۱۲ درصد کاهش یافته است.

آمارهای ارائه شده همچنین نشان می‌دهد در فاصله ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳، تقریباً ۱۶ میلیون نفر به جمعیت زیر خط فقر افزوده شده و البته برآوردی از تحولات پس از آن، هنوز اعلام نشده است. این رقم، هیچ مشابه قبلی ندارد.

مسعود نیلی افزوده، از نظر اشتغال، در حالی که از سال ۱۳۹۸ حدود ۵ میلیون نفر به جمعیت در سن کار اضافه شده، به میزان خالص اشتغال تنها ۴۰۰ هزار نفر افزوده شده

در گزارش خبرگزاری «ایلنا» آمده: «تداوم تورم سه‌رقمی در بخش خوراکی‌ها، فاصله چشمگیر میان دستمزد و هزینه‌های معیشت و نگرانی از بروز شوک‌های قیمتی جدید، از جمله در بازار سوخت، نشانه‌های روشنی از این واقعیت است که فشار هزینه‌های زندگی بر خانوارها همچنان پابرجاست؛ واقعیتی که به هیچ شکل قابل انکار نیست.»

آلبرت بغزیان استاد اقتصاد دانشگاه تهران به خبرگزاری «ایلنا» گفته: «جزئیات آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد فشار اصلی تورم همچنان بر کالاهای خوراکی متمرکز است. تورم نقطه به نقطه گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در تیرماه به ۱۲۸/۱ درصد رسیده است. اگرچه این نرخ نسبت به ۱۳۳/۹ درصد خردادماه اندکی کاهش یافته، اما همچنان بیانگر آن است که خانوارها برای خرید همان سبد غذایی نسبت به تیرماه سال گذشته بیش از دو برابر هزینه پرداخت می‌کنند.»

آلبرت بغزیان افزوده: «همزمان شکاف میان درآمد و هزینه خانوارهای کارگری نیز همچنان عمیق است. بر اساس برآوردهای رسمی، سبد معیشت حداقلی کارگران در اسفندماه سال گذشته حدود ۴۵ میلیون تومان برآورد شد، در حالی که حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵ معادل ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان تعیین شد که در نهایت با مزایای مزدی به حدود ۲۲ میلیون تومان رسید؛ امروز اما محاسبات مستقل نشان می‌دهد نرخ سبد معیشت حداقلی حدود ۷۰ میلیون تومان است؛ به این ترتیب، یک کارگر حداقل‌بگیر برای تأمین حداقل هزینه‌های زندگی، ماهانه با کسری بیش از ۴۰ میلیون تومانی روبروست؛ شکافی که کاهش مستمر قدرت خرید را به یکی از مهم‌ترین پیامدهای تداوم تورم تبدیل کرده است.»

او نسبت به برنامه دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان برای افزایش قیمت بنزین در چنین شرایطی هشدار داده و گفته: «افزایش قیمت بنزین فقط هزینه حمل و نقل را بالا نمی‌برد، بلکه به دلیل انتظارات تورمی، می‌تواند به افزایش قیمت طیف گسترده‌ای از کالاها به ویژه مواد خوراکی منجر شود و فشار مضاعفی بر سفره خانوارها وارد کند.»

و به این ترتیب طی هفت سال، هر سال، بطور متوسط، بیش از ۷۰۰ هزار نفر به جمعیت در سن کار افزوده شده، اما سالانه تنها ۵۷ هزار شغل جدید اضافه شده است. همین باعث شده که جمعیت غیرفعال به اعداد غیرمتعارف در بازه ۳۹/۵ تا ۴۰ میلیون نفر در فصول اخیر برسد. یعنی از کل جمعیت حدود ۶۶/۵ میلیون نفر در سن کار، حدود ۴۰ میلیون نفر وارد بازار کار می‌شوند و حدود ۲/۵ میلیون نفر هم بیکارند. بنابراین از تمام جمعیت در سن کار ۶۶/۵ میلیون نفری، تقریباً ۴۲ تا ۴۲/۵ میلیون نفر، هیچ نقشی در ایجاد درآمد ندارند و تنها حدود ۲۴ تا ۲۴/۵ میلیون نفر کار می‌کنند که شامل کارهای پاره‌وقت هم می‌شود. نکته بسیار مهم این است که بخش غالب جمعیت غیرفعال و بیکار را جوانان در بازه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند.

مسعود نیلی با اشاره به بحران بیکاری که در بهار ۱۴۰۵ عمیق‌تر از پیش شده و فقر گسترده در میان اقشار مختلف، هشدار داده است: «خطای استراتژیک اینست که این شاخص‌ها را تنها عدد تلقی کنیم و فراموش کنیم که آنها اصلاً عدد نیستند، بلکه زندگی‌اند.»

این اقتصاددان افزوده: «زندگی آنانی که امروز بیمارند یا می‌توانند به دارو و درمان دسترسی پیدا کنند و علاج شوند یا حیاتشان به تقدیری که خودمان رقم زده‌ایم، احاله می‌شود. زندگی جوانانی که می‌توانند شغل پیدا کنند و زندگی‌های دیگری را بیافرینند نیز به ورطه‌های ناامیدی، اعتیاد و جرم و جنایت سوق داده شوند.»

بحران معیشتی که مسعود نیلی بر آن تأکید دارد در گزارش‌های مختلف میدانی و آماری منتشرشده نیز بطور گسترده مورد تأکید قرار می‌گیرند. در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به آمارهای مرکز ایران از تورم تیرماه گزارش داده، خانوارها برای خرید سبد کالا و خدمات مشخص که در تیرماه سال گذشته تهیه می‌کردند، اکنون بطور متوسط باید ۸۷/۹ درصد هزینه بیشتری بپردازند. بنابراین، هرچند شتاب رشد قیمت‌ها اندکی کاهش یافته، اما هزینه تأمین کالاها و خدمات همچنان نسبت به سال گذشته به شکل قابل توجهی رشد کرده است.

افزایش مبلغ قبوض؛ راه جدید دولت برای جبران کسری بودجه



● مبلغ قبض آب، برق، گاز و تلفن در تیرماه که مربوط به دو ماه خرداد و تیرماه است نسبت به ماههای پیشین با افزایش ۴ تا ۱۰ برابری روبرو شده و موجی از شوک و خشم را در میان مردم ایجاد کرده است.

● مقامات وزارت نیرو ادعا دارند این افزایش به علت افزایش مصرف مشترکان با گرم شدن هوا بوده است.

● برخلاف ادعای مقامات وزارت نیرو بسیاری از تحلیلگران معتقدند دولت با افزایش مبلغ قبوض، به دنبال افزایش درآمد خود و جبران کسری بودجه است.

● مدیر شرکت مخابرات از افزایش ۴۵ درصدی تعرفه حداقل هزینه نگهداری خطوط تلفن ثابت در سال ۱۴۰۵ خبر داده و گفته این افزایش، حدود دو هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان درآمد بیشتر نسبت به سال گذشته برای این شرکت ایجاد خواهد کرد.

مبلغ قبوض آب، برق، تلفن و گاز بدون اعلام قبلی با افزایش قابل توجهی روبرو شده و شوک جدید مالی به هزینه خانوارها وارد آورده است. اگرچه برخی مقامات دولت مدعی هستند این افزایش فقط نتیجه مصرف بیشتر شهروندان است اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند دولت با افزایش رقم قبوض در حال جبران کسری منابع است.

مبلغ قبض آب، برق، گاز و تلفن در تیرماه که مربوط به دو ماه خرداد و تیرماه است نسبت به ماههای پیشین با افزایش ۴ تا ۱۰ برابری روبرو شده و موجی از شوک و خشم را در میان مردم ایجاد کرده است.

بر اساس گزارشها رقم برخی قبوض از مبالغ چند صد هزار تومانی در ماههای گذشته ناگهان با افزایشی چند برابری به چند میلیون و حتی چند ده میلیون تومان افزایش یافته است.

مقامات وزارت نیرو ادعا دارند افزایش رقم قبوض به علت افزایش مصرف مشترکان با گرم شدن هوا بوده است؛ موضوعی که با توجه به تعیین سقف رقم الگوی مصرف سبب شده، با افزایش مصرف از سقف تعیین شده رقم قبوض هم به صورت تصاعدی افزایش یافته است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده خانواری که در دورههای گذشته بهطور منظم رقمی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان برای صورتحساب برق پرداخت می کرد، در دوره اخیر ناگهان با قبض یک میلیون تومانی مواجه شده که به معنای جهش چهار تا پنج برابری در یک دوره کوتاه است.

این گزارش افزوده یک مشترک خانگی روایت می کند که در یک ماه برای واحد مسکونی شان قبض آب ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی صادر شده، در حالی که تمام اعضای خانواده اشتغال داشته و الگوی مصرف غیرعادی نداشته اند. در موردی دیگر، یک شهروند از جهش قبض گاز از ۱۳۰ هزار تومان به ۸ میلیون تومان خبر می دهد؛ رقمی که معادل حدود یک سوم دریافتی ماهانه اوست و در عمل امکان مدیریت سایر هزینه های ضروری زندگی را از او سلب می کند.

همچنین در مجتمع های مسکونی، صادر شدن قبوض ۲۱ میلیون تومانی آب برای یک ساختمان چهار واحدی و متعاقب آن صدور قبض های متمم چند میلیونی با مهلت دو روزه، با جهش قبوض برق از ۳۰۰ هزار تومان به نزدیک ۳ میلیون تومان، نشان می دهد که الگوی محاسبه جدید چه فشار خردکننده ای بر سبد معیشت اقشار مختلف وارد

آورده است. برخلاف ادعای مقامات وزارت نیرو بسیاری از تحلیلگران معتقدند دولت با افزایش ارقام قبوض، به دنبال افزایش درآمد خود و جبران کسری بودجه است. رد چنین تحلیلی در اظهارات مسعود پزشکیان و مدیر شرکت مخابرات نیز به چشم می خورد.

مسعود پزشکیان به تازگی در اظهاراتی با توجه به محدودیت های مالی برای دولت از جمله محاصره دریایی و کاهش درآمدهای ارزی گفته «مدیریت بنزین، مدیریت گاز، مدیریت برق، مدیریت آب، مدیریت منابع و مدیریت هزینه ها، به هر حال همه اینها مسائلی است که باید در این شرایط مدیریت شود».

پزشکیان با بیان اینکه شرایط جنگی به طور طبیعی با محدودیت، کاهش منابع و افزایش هزینه ها همراه است، افزود «وقتی می جنگیم، به هر حال کمبود پیدا می کنیم. ما خودمان را برای هرگونه سختی که در این مسیر وجود دارد آماده می کنیم».

از سوی دیگر محمد جعفرپور، مدیر شرکت مخابرات ایران، نیز از افزایش ۴۵ درصدی تعرفه حداقل هزینه نگهداری خطوط تلفن ثابت در سال ۱۴۰۵ خبر داده و گفته است این افزایش، حدود دو هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان درآمد بیشتر نسبت به سال گذشته برای این شرکت ایجاد خواهد کرد.

بر اساس اظهارات مدیر شرکت مخابرات، دریافت «آب و نم» یا حداقل هزینه نگهداری خط تلفن ثابت برای نخستین بار در سال ۱۴۰۴ به صورت قانونی در تعرفه ها لحاظ شد. به گفته او، دریافت این مبلغ در سال گذشته حدود شش هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان درآمد برای شرکت مخابرات ایران ایجاد کرده است.

به گفته مدیر شرکت مخابرات این تعرفه در سال ۱۴۰۵ حدود ۴۵ درصد افزایش یافته است. او پیش بینی کرده که در نتیجه این افزایش، درآمد این شرکت از محل حداقل هزینه نگهداری خطوط تلفن ثابت، حدود دو هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بیشتر از سال گذشته شود.

محمد جعفرپور گفته که بر اساس این ارقام، مجموع درآمد پیش بینی شده شرکت مخابرات از این محل در سال

۱۴۰۵ به حدود ۹ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

افزایش مبلغ قبوض با اعتراض و انتقاد گسترده شهروندان روبرو شده و حتی برخی رسانه های حکومتی را وادار به واکنش کرده است. از جمله روزنامه «اطلاعات» هفته جاری در انتقاد به افزایش چند برابری هزینه برق و آب نوشته «دولت باید ساده توضیح دهد که آیا الگوی مصرف کاهش یافته و مردم را از محدوده خوشمصرفی خارج کرده است؟ آیا الگوی مصرف برای یک منزل ۸۰ متری واقعی است؟ دولت باید درصد افزایش و نحوه محاسبه را شفاف کند و شرکت ها درباره سودآوری و هزینه کرد وجوه پاسخگو باشند».

روزنامه «اطلاعات» به مقامات دولت هشدار داده «در شرایط جنگ و محاصره، فشار بر مردم بیشتر شده؛ دریافت پول اضافی با هر ترفندی، نارضایتی عمومی را افزایش می دهد».

وبسایت «اقتصاد ۲۴» نیز به هدف دولت برای افزایش درآمد و جبران کسری بودجه اشاره کرده و نوشته گزارش های رسمی دیوان محاسبات و اظهارات مقامات ارشد اقتصادی از کسری شدید و ساختاری بودجه در سال های اخیر حکایت دارد؛ کسری های سنگینی که حاصل عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده و رشد هزینه های جاری است. در شرایطی که دولت با تنگنای شدید منابع مواجه بوده و امکان استقراض مستقیم از بانک مرکزی یا برداشت بی رویه از صندوق توسعه ملی به دلیل تبعات تورمی شدید آن با محدودیت هایی همراه است، دستکاری نرخ خدمات عمومی به ابزاری دسترس پذیر برای جبران کسری منابع تبدیل می شود.

کارشناسان می گویند دولت در بودجه سالانه درآمدهای چند ده هزار میلیاردی از محل فروش برق و آب هدف گذاری می کند. با تغییر الگوی تعرفه گذاری و دستکاری پله های مصرف، این درآمدها می تواند تا دو برابر افزایش یافته و به رقمی در حدود ۸۰ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برسد. این جابه جایی منابع مالی که بدون شفافیت کافی صورت می گیرد، در واقع نوعی تامین مالی کسری بودجه از جیب عموم مصرف کنندگان است که بار سنگین آن مستقیماً بر دوش طبقات مولد و اقشار کم درآمد جامعه قرار می گیرد.

تکاندهنده و باورنکردنی؛ جنگل‌تراشی در استان گیلان برای دفن زباله!



حفاظت از محیط زیست استان گیلان، در گفتگو با روزنامه «پیام ما» نشان می‌دهد مشکلات محیط زیست استان گیلان فراتر از موضوع دفن زباله در اراضی جنگی سراوان است. او گفته: «در چند سال اخیر تلاش شده تا با خاکریزی بر روی زباله‌های سراوان منطقه تا حدی نجات یابد و حالا دیگر نمی‌توان روی این تل عظیم خاک که زیرش پر از زباله است، زباله جدید اضافه کرد.»

او همچنین گفته: «بحران سراوان، نتیجه دهه‌ها انباشت مشکلات در مدیریت پسماند استان است. مشکلات امروز تنها به محدوده دفن‌گاه محدود نمی‌شود و بخش وسیعی از اکوسیستم گیلان را تحت تأثیر قرار داده است. ریشه این بحران را باید در عقب‌ماندگی بیش از چهار دهه‌ای مدیریت پسماند جستجو کرد. طی این سال‌ها نه تفکیک زباله از مبدأ به شکل مؤثر اجرا شده، نه حجم پسماند ورودی کاهش یافته، نه فرایند تولید کمپوست به ظرفیت واقعی خود رسیده و نه میزان پسماند باقیمانده یا «ریجکت» کاهش پیدا کرده است. در نتیجه، بخش قابل توجهی از زباله‌ها همچنان راهی دفن‌گاه سراوان می‌شود.»

مدیرکل حفاظت از محیط زیست استان گیلان مشکل را تنها در اضافه کردن زمین برای دفن پسماند نمی‌داند بلکه مسئله اصلی را نبود مدیریت در شیرابه‌ها عنوان می‌کند: «هزاران هکتار از اراضی تالابی، مصب رودخانه‌ها و زیست‌بوم‌های پایین‌دست به دلیل نفوذ شیرابه زباله‌ها آسیب دیده‌اند؛ شیرابه‌ای که از طریق رودخانه‌ها وارد تالاب انزلی شده و در نهایت به دریای خزر می‌رسد. ما هنوز در گیلان سامانه‌ای مؤثر برای تصفیه شیرابه نداریم. قرار بود شیرابه تولیدشده در کارخانه کود آلی تصفیه شود،

مکان‌یابی و توسعه محل‌های دفن زباله تعیین شده و همه دستگاه‌های مسئول باید بر اساس این ضوابط عمل کنند. در این میان سازمان حفاظت محیط زیست نقش تعیین‌کننده دارد و هرچا دفن پسماند سلامت انسان یا محیط زیست را تهدید کند، این سازمان مکلف به دخالت است.

کامران پورمقدم، معاون امور جنگل و سخنگوی سازمان منابع طبیعی، با اشاره به اینکه توسعه محل دفن پسماند سراوان سابقه‌ای بیش از دو دهه دارد گفته: «در تمام این سال‌ها تأکید بر این بود که بجای توسعه دفن‌گاه، از روش‌های نوین مدیریت پسماند استفاده شود، اما اکنون بار دیگر درخواستی برای الحاق عرصه‌ای جدید از سوی استانداری و در کارگروه مدیریت پسماند استان، به این مجموعه منتقل شده است.»

او در گفتگو با روزنامه «پیام ما» تأکید کرده: «بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد بخشی از عرصه پیشنهادی، پوشش جنگلی و درختی دارد؛ به همین دلیل، معاونت امور جنگل سازمان منابع طبیعی تیمی کارشناسی را برای بازدید میدانی به گیلان اعزام کرده است. قرار است در هفته آینده، ابعاد مختلف این پرونده بررسی شود. وسعت محدوده مورد درخواست نیز بین سه و نیم تا پنج هکتار برآورد شده است.»

کامران پورمقدم افزوده: «اگر مدیریت پسماند همچنان بر پایه توسعه دفن‌گاه پیش برود و روش‌های جایگزین به کار گرفته نشود، این روند پایانی نخواهد داشت و دفن‌گاه ناچار به توسعه‌های مکرر خواهد بود.» این موضوع به گفته او «می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اکوسیستم جنگل‌های هیرکانی وارد کند.»

از سوی دیگر اظهارات فرهاد حسینی طایفه، مدیرکل

اگرچه جنگل‌خواری و جنگل‌تراشی برای ویلاسازی در استان‌های شمالی ایران سال‌هاست با اعتراض فعالان محیط زیست روبروست اما اکنون در اقدامی تکاندهنده و باورنکردنی قرار است سه و نیم تا پنج هکتار از اراضی جنگی در سراوان استان گیلان برای دفن زباله واگذار شود.

معاون امور جنگل و سخنگوی سازمان منابع طبیعی: «اگر مدیریت پسماند همچنان بر پایه توسعه دفن‌گاه پیش برود و روش‌های جایگزین به کار گرفته نشود، این روند پایانی نخواهد داشت و دفن‌گاه ناچار به توسعه‌های مکرر خواهد بود.»

در «قانون مدیریت پسماند» و ضوابط مصوب شورای عالی حفاظت از محیط زیست، شرایط مشخصی برای مکان‌یابی و توسعه محل‌های دفن زباله تعیین شده و همه دستگاه‌های مسئول باید بر اساس این ضوابط عمل کنند.

قرار است سه و نیم تا پنج هکتار از اراضی جنگی در سراوان استان گیلان برای دفن زباله واگذار شود. پیشتر نیز گزارش‌هایی از جنگل‌تراشی در این منطقه برای دفن زباله منتشر شده بود.

اگرچه جنگل‌خواری و جنگل‌تراشی برای ویلاسازی در استان‌های شمالی ایران سال‌هاست با اعتراض فعالان محیط زیست روبروست، اما اکنون در اقدامی تکاندهنده و باورنکردنی قرار است چندین هکتار از جنگل‌های استان گیلان تراشیده و به محل دفن زباله تبدیل شود.

در «قانون مدیریت پسماند» و ضوابط مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست، شرایط مشخصی برای

هشدار یک اقتصاددان: بدون اصلاحات ساختاری، پایان جنگ حکم «مُسکن» دارد و اقتصاد را از مسیر باطل کنونی خارج نمی‌کند



مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در گفتگو با وبسایت «فرارو» درباره ریشه‌های مشکلات اقتصادی ایران گفته «هر فردی که کمترین آشنایی با ساختار اقتصاد ایران داشته باشد، به خوبی درک می‌کند که اقتصاد ما همچنان به شکلی افراطی به درآمدهای حاصل از فروش نفت وابسته است. با وجود آنکه در سال‌های ابتدایی انقلاب بارها بر شعار رهایی اقتصاد از وابستگی به نفت تأکید شد، اما در عمل به دلیل سوءمدیریت‌ها و فقدان کارآمدی لازم، نه تنها از میزان این وابستگی کاسته نشد، بلکه اتکای کشور به خام‌فروشی نفت و سایر منابع طبیعی افزایش نیز یافت.»

این اقتصاددان معتقد است که چنین ساختار معیوبی اقتصاد ایران را در برابر تحولات و تکان‌های خارجی به شدت آسیب‌پذیر و حساس کرده است: «زمانی که شریان‌های حیاتی و شاخص‌های اقتصادی یک کشور تا این حد به صادرات نفت گره خورده باشد، بدیهی است که هرگونه تغییر و تحولی در عرصه روابط خارجی، به‌صورت مستقیم و فوری روی متغیرهای اقتصادی داخل کشور تأثیر می‌گذارد.» او در بخش دیگری از این گفتگو تأکید کرده: «تمام زیگراگ‌ها و نوسانات شدیدی که طی سال‌های در شاخص‌های اقتصادی تجربه کرده‌ایم، ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ با میزان تنش یا آرامش ما در حوزه روابط خارجی داشته است.»

مرتضی افقه با اشاره به استمرار وابستگی ساختاری اقتصاد ایران به درآمدهای ارزی و نیاز مبرم کشور به واردات، گفت: «با در نظر گرفتن این واقعیت که اقتصاد ما همچنان بر پاشنه فروش نفت می‌چرخد و تأمین بسیاری از کالاهای اساسی بخش تولید و مصرف به واردات گره خورده

● در حالی که مقامات دولت طی ماه‌های گذشته تلاش می‌کنند تا مشکلات بخش‌های مختلف اقتصاد ایران را به «شرایط جنگی» مرتبط سازند اما کارشناسان تأکید دارند اغلب مشکلات موجود حاصل عملکرد ساختار معیوبی است که جمهوری اسلامی در نزدیک به نیم قرن گذشته ایجاد کرده است.

● مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه: «خاستگاه اصلی اغلب این معضلات و مشکلات، کاملاً داخلی است و پدیده‌هایی مانند جنگ و تحریم تنها باعث شده‌اند تا این مشکلات عیان‌تر شده و سرعت تخریب‌شان دوچندان شود.»

مرتضی افقه اقتصاددان هشدار داده بدون یک جراحی عمیق در ساختارهای فکری و نظام تصمیم‌گیری کشور، حتی فروکش کردن کامل تنش‌های نظامی و پایان جنگ نیز نخواهد توانست اقتصاد ایران را از مسیر باطل فعلی خارج کند.

در حالی که مقامات دولت طی ماه‌های گذشته تلاش می‌کنند تا مشکلات بخش‌های مختلف اقتصاد ایران را به «شرایط جنگی» مرتبط سازند اما کارشناسان تأکید دارند اغلب مشکلات موجود حاصل عملکرد ساختار معیوبی است که جمهوری اسلامی در نزدیک به نیم قرن گذشته ایجاد کرده است.

شاخص‌های تکان‌دهنده امروز اقتصاد کشور از جمله تورم عمومی بالای ۸۰ درصد و تورم بالای ۱۲۰ درصد مواد غذایی در عرض چند هفته جنگ ایجاد نشده است و در ادامه روند معیوب سال‌های گذشته نمایان شده است. نرخ بیکاری به شدت افزایش یافته و شاخص فلاکت نیز رکوردی جدید در اقتصاد ایران ثبت کرده و به بیش از ۹۰ رسیده است.

اما این بخش از چرخه مدیریت پسماند تا کنون بطور کامل محقق نشده [تحقق نیافته] و همین مسئله یکی از مهم‌ترین چالش‌های محیط زیست استان است.»
فرهاد حسینی طایفه با اشاره به عملکرد کارخانه «کود آلی» می‌گوید که این مجموعه نسبت به سال‌های گذشته پیشرفت‌هایی داشته است، اما هنوز تا رسیدن به شرایط مطلوب فاصله دارد. بر اساس برنامه‌ریزی‌ها قرار بود تنها حدود یک‌سوم پسماند پس از پردازش به‌عنوان ریجکت به سراوان منتقل شود، اما این هدف هنوز تحقق نیافته و حجم بالای زباله‌های ورودی، نیاز به توسعه مداوم «دفعگاه» را ایجاد کرده است.

به گفته او، «ظرفیت دفعگاه سراوان کاملاً پر شده و در سال‌های اخیر به صورت لایه‌لایه تسطیح و خاک‌پوشانی شده است. حالا ناچار به توسعه در شب‌ها و دره‌های مجاور هستیم؛ وضعیتی که از نگاه محیط زیستی، راه حلی پایدار محسوب نمی‌شود.»

او با بیان اینکه «اگر مدیریت پسماند مطابق قانون اجرا شود و پردازش و تفکیک از مبدأ به درستی انجام گیرد، اساساً نباید این حجم از ریجکت وارد سراوان شود» گفته: «تجربه تلخ سراوان باعث شده افکار عمومی نسبت به احداث هرگونه سایت جدید دفن زباله حساس باشند. حتی بررسی‌های انجام‌شده برای ایجاد دفعگاه در مناطقی مانند رودبار نیز با مخالفت مردم روبرو شده است. از همین رو، استان ناچار است همزمان با استفاده از ظرفیت دفعگاه‌های موجود، اصلاح ساختار مدیریت پسماند را با جدیت دنبال کند.»

رها کردن زباله و فاضلاب از جمله در استان‌های شمال ایران مدت‌هاست خبرساز شده و حتی آلودگی رودخانه‌های شمال کشور بر اثر شیرابه زباله و فاضلاب سبب افزایش آمار ابتلا به انواع بیماری در این استان‌ها شده است. عباس محمدی کنشگر محیط زیست پیشتر گفته بود استفاده بی‌رویه از سم و کود و رها ساختن فاضلاب و شیرابه زباله‌ها در رودخانه‌های شمال کشور سبب آلودگی آب در این مناطق شده و نرخ ابتلا به برخی سرطان‌ها را افزایش داده است.

ابراهیم فلاحي رئیس اداره محیط زیست شهرستان‌های سوادکوه نیز با ارائه آماری تکان‌دهنده اعلام کرده روزانه ۶۰ هزار لیتر فاضلاب انسانی وارد رودخانه «تلار» می‌شود. بیش از یک سال پیش نیز هادی حق‌شناس استاندار گیلان اعلام کرده بود: «زمانی که شهر رشت، حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ سال پیش، در میان دو رودخانه زرجوب و گوهررود بنا شد، انتخاب بسیار درستی بود؛ زیرا این رودخانه‌ها بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب جاری داشتند، ماهیگیری در آنها رواج داشت و از نظر آب‌وهوا و حاصلخیزی زمین بسیار مناسب بودند. اما امروز این دو رودخانه به مسیر فاضلاب تبدیل شده‌اند.»

هادی حق‌شناس توضیح داده بود: «فاضلاب از این رودخانه‌ها به سمت رودخانه پیربازار و سپس به تالاب انزلی جاری می‌شود. از محل همین استاندارد، تقریباً ۱۵ کیلومتر در جلو و ۱۰ کیلومتر در عقب‌تر، این رودخانه‌ها به این شکل ادامه می‌یابند و در نهایت به تالاب انزلی می‌ریزند. بالاتر از این مسیر، شهری به‌نام «شهر صنعتی رشت» قرار دارد که در آن بیش از ۲۰ هزار نفر مشغول به کار هستند. این شهر صنعتی روزانه حدود ۱۵ هزار مترمکعب پساب صنعتی را وارد این دو رودخانه می‌کند. همچنین، فاضلاب انسانی شهرهای رشت، انزلی، صومعه‌سرا، خمam، ماسال، فومن و بیش از ۷۰۰ روستا نیز به این رودخانه‌ها سرازیر می‌شود و درنهایت به تالاب انزلی می‌رسد.»

نابودی طبقه متوسط؛ یک اقتصاددان: اقتصاد ایران وارد دوره «آبرتورم» شده است

● «شاخص فلاکت» که جمع نرخ بیکاری و تورم است در تابستان ۱۴۰۵ به مرز ۹۶ درصد رسیده و در ۱۹ استان حتی از ۱۰۰ درصد نیز عبور کرده است؛ آماري که روایتگر همزمان گرانی و بیکاری، سقوط رفاه، و کاهش امید به آینده در بخش بزرگی از جامعه است.

● افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم در ایران سبب بروز «قحطی مدرن» شده است؛ «قحطی مدرن» اصطلاحی اقتصادی و توضیح شرايطی است که مواد غذایی به اندازه کافی در بازار وجود دارد، اما مردم به دلیل تورم بالا و کاهش شدید قدرت خرید، توانایی مالی خرید مواد مغذی و اقلام اساسی را ندارند.

● اقشار کم‌درآمد، به علت درآمدهای محدود، سید مصرفی غیرمتنوعی دارند که شامل اقلام ضروری شامل خوراک، درمان، و اجاره مسکن و حمل و نقل است. در چنین شرایطی فشار ناشی از تورم برای اقشار کم‌درآمد که اقلام مصرفی آنها تورمی بیش از تورم عمومی اقتصاد دارند، بیشتر از اقشار پردرآمد است که سید مصرفی متنوعی شامل سفر، تفریح، آموزش غیردرسی و... دارند.

● محمود جامساز اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی: داده‌ها نشان می‌دهد که وارد آبرتورم شده‌ایم. وقتی چند ماه متوالی تورم بالای ۸۰ درصد باشد و میل به کاهش نداشته باشد، قطعاً آبرتورم محسوب می‌شود.

افزایش هزینه زندگی، درآمدهای ناکافی و شکست پی در پی برنامه‌های ناکارآمد حمایتی دولت از اقشار کم‌درآمد به موج فقر در کشور بیش از پیش دامن زده است. بحران گرانی دامن طبقه متوسط را نیز گرفته بطوری که بخش زیادی از این طبقه نیز با وجود اشتغال و درآمد، توان تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی را ندارند و به زیر خط فقر رانده شده‌اند.

«شاخص فلاکت» که جمع نرخ بیکاری و تورم است در تابستان ۱۴۰۵ به مرز ۹۶ درصد رسیده و در ۱۹ استان حتی از ۱۰۰ درصد نیز عبور کرده؛ آماري که روایتگر همزمان گرانی و بیکاری، سقوط رفاه، و کاهش امید به آینده در بخش بزرگی از جامعه است.

بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در محدوده ۸/۱ درصدی و نرخ تورم نقطه به نقطه حدود ۸۸ درصد است. جمع این دو نرخ رسیدن فاجعه‌بار شاخص فلاکت به مرز ۱۰۰ درصد را نشان می‌دهد.

که این دو مسئله حل نشود، تورم ما بالا و مانا باقی می‌ماند. البته اگر اصلاحات صورت گیرد، تورم می‌تواند مجدداً به کانال ۳۰ تا ۵۰ درصد بازگردد.»

مرتضی افقه نیز تأکید کرده: «خاستگاه اصلی اغلب این معضلات و مشکلات، کاملاً داخلی است و پدیده‌هایی مانند جنگ و تحریم تنها باعث شده‌اند تا این مشکلات عیان‌تر شده و سرعت تخریب‌شان دوچندان شود.»

این اقتصاددان افزوده: «برآیند آنچه از تصمیمات، قوانین مصوب و اظهارنظرها استنباط می‌شود، نشان‌دهنده حاکمیت اولویت‌هایی غیرتوسعه‌ای و ضدتوسعه است. زمانی که دستیابی به پیشرفت و رفاه اقتصادی در صدر اولویت‌ها قرار نداشته باشد، چگونه می‌توان دستاوردی جز گسترش فقر و فلاکت را انتظار کشید؟ نشانه‌های پسرفت اقتصادی در تمامی سال‌های گذشته وجود داشته است، اما پمپاژ درآمدهای نفتی مانع از نمایان شدن آثار واقعی آنها می‌شد. تشدید تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ صرفاً این وضعیت وخیم را در برابر چشمان همگان قرار داد.»

به گفته مرتضی افقه، «هنگامی که از صعود شاخص فلاکت -که ترکیب شومی از تورم و بیکاری است- سخن می‌گوییم، دیگر جایی برای شعار دادن و تکیه بر آمل و آرزوها باقی نمی‌ماند و باید واقع‌بین باشیم. معنای بیکاری، هدررفت و اتلاف سرمایه‌های انسانی است؛ همان‌گونه که تورم، معنایی جز نابودی سرمایه‌های مادی ندارد. تداوم این وضعیت، صرفاً به کاهش قدرت خرید خانوارها ختم نخواهد شد، بلکه پیامدهای ویرانگر و بلندمدتی برای سرمایه انسانی کشور به همراه دارد. کشوری که با شاخص فلاکت بالا دست‌به‌گریبان است، باید منتظر افزایش موج مهاجرت متخصصان و نخبگان خود نیز باشد.»

او همچنین پایان جنگ را به معنای حل مشکلات ارزیابی نکرده است: «حتی اگر فرض کنیم که همین فردا تمام سایه‌های جنگ برچیده شود، شاید مشکلات ما در کوتاه‌مدت کمتر شود، اما در بلندمدت اقتصاد کشور مجدداً به وضعیت بحرانی قبل بازمی‌گردد. بنابراین، حتی در صورت عدم وقوع جنگ نیز، شاخص‌های اقتصادی ما در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ تنها اندکی بهتر از اعداد امروز می‌بود. جنگ صرفاً به عنوان یک تسریع‌کننده عمل کرد، اما متأسفانه در این میان به بهانه‌ای برای توجیه بی‌کفایتی‌های گذشته نیز تبدیل شد.»

بر اساس ارزیابی‌های این اقتصاددان، رؤیای اصلاح وضعیت معیشتی مردم، بدون دگردیسی عمیق در ساختارهای فکری و نظام تصمیم‌گیری امکان‌پذیر نیست: «گشایش در معیشت و رفاه تنها زمانی محقق می‌شود که ساختارهای مبتنی بر نظام‌های ارزشی ضدتوسعه، به‌طور بنیادین اصلاح شوند؛ فرآیندی که ذاتاً زمان‌بر بوده و در کوتاه‌مدت قابل حل نیست» و «کاهش تنش‌های خارجی و پایان جنگ می‌تواند همچون یک سوپاپ اطمینان، بخشی از فشارهای فوری را از روی اقتصاد ایران بردارد، اما تا زمانی که معماری داخلی و جهان‌بینی حاکم بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تغییر نکند، هیچ بهبودی پایدار و ماندگار نخواهد بود.»

دیگر اقتصاددانان نیز معتقدند در صورت عدم تغییرات و اصلاحات ساختاری، پایان جنگ و حتی آزادشدن پول‌های بلوکه‌شده نخواهد توانست اقتصاد ایران را از مدار بحران خارج کند.

آلبرت بغزیان، کارشناس اقتصاد، معتقد است پایان تنش‌های خارجی، افزایش درآمدهای نفتی، رفع تحریم‌ها و آزادسازی منابع ارزی از پیش‌شرط‌های کنترل تورم و بهبود اقتصاد کشور است اما در نهایت باید اصلاحات ساختاری صورت بگیرد.

است، می‌توان انتظار معجزه‌ای داشت. تا زمانی که گره‌های کوری نظیر سایه جنگ، تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های شدید در روابط پولی و مالی بین‌المللی، بن‌بست FATF و تنش‌های نظامی در سطح منطقه و جهان گشوده نشود، ایجاد هرگونه تغییر مثبت و پایدار در وضعیت کشور دور از ذهن خواهد بود.»

با اینهمه او معتقد است صرف حل و فصل چالش‌های خارجی به تنهایی مشکلات اقتصادی کشور حل نمی‌شوند: «ساختارهای اجرایی ناکارآمد، همچون آفتی به جان اقتصاد کشور افتاده‌اند و به همین دلیل است که هر روز شاهد وخیم‌تر شدن شاخص‌های اقتصادی هستیم. شاید دم‌دستی‌ترین راه‌حل این باشد که به تنش‌های فعلی و جنگ پایان دهیم و ارتباطی سازنده با جهان خارج برقرار کنیم؛ اما باید توجه داشت که این اقدامات تنها شروط لازم هستند، نه کافی. ما در داخل کشور نیازمند یک خانه‌تکانی اساسی و بنیادین هستیم.»

شاخص فلاکت از زمستان پارسال (۱۴۰۴) تا بهار امسال یعنی در فاصله یک فصل جهش سهمگینی داشته و از ۷۴/۲ واحد به ۹۱/۱ واحد رسیده است. این جهش ناشی از افزایش تورم نقطه‌ای زمستان ۱۴۰۴ از ۶۶/۶ درصد به ۸۲ درصد در بهار ۱۴۰۵ و همچنین افزایش نرخ بیکاری از ۷/۶ درصد در زمستان ۱۴۰۴ به ۹/۱ درصد در بهار ۱۴۰۵ است.

افزایش رقم «شاخص فلاکت» به معنای سقوط قدرت خرید مردم، تضعیف امنیت شغلی و افزایش نگرانی و بی‌اطمینانی اقتصادی است. تورم در حالی رکوردهای پنج دهه گذشته را پشت سر گذاشته که دولت همچنان برای جبران کسری بودجه به راهکارهای تورم‌زا متوسل است.

استقراض از بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی از جمله اقداماتی تورم‌زای مرسوم در دولت‌های جمهوری اسلامی برای جبران کسری بودجه است.

حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی با اشاره به بازار ارز چندنرخه در ایران توضیح داده که دولت ارز مورد نیاز واردات را به واردکنندگان اختصاص نمی‌دهد و در نتیجه واردات کالاها از طریق بازارهای ارزی که نرخ آنها به نرخ بازار آزاد نزدیک است صورت می‌گیرد. افزایش هزینه واردات با ارز گرانتر هم به معنای افزایش قیمت کالاهای وارداتی، یا کالاهای تولید داخل است که مواد اولیه آنها از طریق واردات عرضه می‌شود.

وی هشدار داده: «احتمالاً در صورتی که این روند ادامه داشته باشد طی یک تا دو ماه آینده شاهد موج جدیدی از تورم خواهیم بود که دلیل اتفاق افتادنش هم عمدتاً تحت تأثیر نرخ ارزی است که الان افزایش پیدا کرده است و ربط چندانی به کسری بودجه و نقدینگی ندارد، چرا؟ چون افزایش نرخ ارز مستقیماً قیمت کالاها را بالا می‌برد.» محمد صادق الحسینی دیگر اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی نیز به تازگی در یک گفتگو اعلام کرده که تورم ماندگار است و تا پایان سال سه‌رقمی می‌شود. به عقیده او دو موتور ایجاد تورم «ارز ترجیحی و کسری بودجه دولت» و «عدم انجام اصلاحات انرژی» همچنان روشن هستند و تورم را از کانال ۳۰ - ۴۰ درصد به ۸۰ درصد رسانده‌اند. در این میان چشم‌انداز اقتصاد کشور از بین رفته و سبب هجوم به بازارهای دارایی می‌شود.

او با بیان اینکه «ایران در حال ورود به دوره‌های تورمی است که تا به حال تجربه نکرده» گفت «ما تورم مزمن داشتیم، اما اینکه تورم تا این حد بالا برود و بماند، سابقه نداشته است. به نظر می‌رسد این تورم «مانا» است، زیرا دو موتور ایجاد تورم که یکی «ارز ترجیحی و کسری بودجه دولت» و دیگری «عدم انجام اصلاحات انرژی» است، همچنان روشن هستند. تا زمانی

پرقدرت وارد چرخه پولی کشور شده و با توجه به قدرت خلق پول بانکها، نقدینگی چند برابر شده است. این نقدینگی به جای هدایت به سمت تولید، به بازارهای موازی و سفته‌بازی سرازیر شده و در نتیجه، افزایش قیمت‌ها را شاهد هستیم.»

این اقتصاددان افزوده «در حوزه سیاست خارجی، تحریم‌ها و محدودیت‌های مبادلات پولی و مالی با جهان، به‌ویژه تحریم‌های نفت و گاز، مانع از دسترسی کافی به منابع ارزی شده است. هر چند با دور زدن تحریم‌ها توانستیم به مقدار کمی از منابع دسترسی پیدا کنیم، اما این منابع برای تامین نیازهای اقتصادی کشور کافی نبوده است.»

محمود جامساز تأکید کرده وقتی چند ماه متوالی تورم بالای ۸۰ درصد باشد و میل به کاهش نداشته باشد، قطعاً ابرتورم محسوب می‌شود: «در سال‌های اخیر با افزایش تنش‌ها و جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، تورم به وضعیت

قرار دارد. در چنین شرایطی فشار ناشی از تورم برای اقشار کم‌درآمد که اقلام مصرفی آنها تورمی بیش از تورم عمومی اقتصاد دارند، بیشتر از اقشار پردرآمد است که سبد مصرفی متنوعی شامل سفر، تفریح، آموزش غیردرسی و ... دارند.

در این میان آنچه طی روزهای گذشته و پس از انتشار آمار تورم تیرماه مورد بحث قرار گرفته، ورود اقتصاد ایران به محدوده «آبر تورم» است. در شرایط آبر تورم افزایش بسیار سریع، شدید و خارج از کنترل قیمت‌ها سبب سقوط ارزش پول ملی یک کشور می‌شود. آبر تورم حاصل بروز عوامل مختلف و همزمان در اقتصاد کشور است. برای مثال یکی از نشانه‌های ابرتورم رسیدن نرخ تورم ماهانه به محدوده ۵۰ درصد است.

به همین علت از آنجا که تورم ماهانه اقتصاد ایران زیر ۱۰ درصد اعلام شده برخی اقتصاددانان همچنان معتقدند شرایط موجود در اقتصاد ایران با بروز پدیده آبر تورم

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی درباره پیامدهای افزایش «شاخص فلاکت» نوشته، وقتی شاخص فلاکت از ابعاد منطقی خارج می‌شود، اولین قربانی آن «پسرانداز» و «امید به آینده» است. در چنین فضایی، طبقه متوسط به سرعت تحلیل رفته و به زیر خط فقر سقوط می‌کند. برنامه‌ریزی برای خرید خانه، ازدواج، تحصیل یا حتی یک سفر ساده جای خود را به تلاش روزمره برای «زنده ماندن» و از پس هزینه‌ها برآمدن» می‌دهد. آسیب‌های اجتماعی نظیر افزایش آمار طلاق، سرقت‌های خرد، مهاجرت نخبگان و ناامیدی نسلی، همگی میوه‌های تلخ همان درختی هستند که ریشه‌اش در شاخص فلاکت بالای ۹۰ درصد تغذیه می‌شود.

اینهمه در حالیست که افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم در ایران سبب بروز «قحطی مدرن» شده است؛ «قحطی مدرن» اصطلاحی اقتصادی و توضیح شرایطی است که موادغذایی به اندازه کافی در بازار وجود دارد، اما مردم



هولناکی افزایش یافته است. تورم نقطه‌به‌نقطه در مردادماه ۸۸ درصد و تورم معیشتی ۱۳۵ درصد گزارش شده است. اخیراً گزارش‌هایی منتشر شده که در هشت استان، تورم بالای ۱۰۰ درصد ثبت شده است. این داده‌ها نشان می‌دهد که وارد ابرتورم شده‌ایم. وقتی چند ماه متوالی تورم بالای ۸۰ درصد باشد و میل به کاهش نداشته باشد، قطعاً ابرتورم محسوب می‌شود.»

به عقیده این اقتصاددان «ما طی ۴۷ سال گذشته بیش از ۱۸۰۰ میلیارد دلار به‌طور آشکار درآمد نفتی داشته‌ایم و میلیاردها دلار نیز در بخش پنهان اقتصاد وارد کشور شده است. اگر یک چهارم این درآمد صرف زیرساخت‌ها می‌شد، یا مانند نروژ، قطر، عربستان و کویت، صندوق ذخیره ارزی خود را تقویت می‌کردیم، اکنون با ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار ذخیره، می‌توانستیم در برابر تحریم‌ها مقاومت کنیم. اما متأسفانه صندوق ذخیره ارزی خالی شده و خزانه نیز تهی است.»

فاصله دارد. این در حالیست که اقتصاددانان دیگری با توضیح ابعاد مختلف آنچه در روند تورمی اقتصاد ایران جریان دارد معتقدند اقتصاد کشور وارد فاز آبر تورم شده است.

محمود جامساز اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» گفته «سال‌هاست که با تورم دو رقمی مزمن مواجه هستیم که در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است. این تورم ریشه در سیاست‌های داخلی و خارجی دارد. در حوزه سیاست اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی که اجرا می‌شوند، نتوانسته‌اند اقتصاد را با توجه به منابع موجود، در مسیر توسعه و رفاه ملی هدایت کنند.»

به گفته محمود جامساز «تخصیص منابع متناسب با نیازهای واقعی اقتصاد صورت نگرفته است. هر سال کسری بودجه افزایش یافته و بانک مرکزی برای جبران آن، ناچار به چاپ اسکناس شده است. این اسکناس‌ها به‌عنوان پول

به دلیل تورم بالا و کاهش شدید قدرت خرید، توانایی مالی خرید مواد مغذی و اقلام اساسی را ندارند. در چنین شرایطی مشکل کمبود تولید نیست، بلکه ریشه بحران، فقر اقتصادی و ناتوانی در تأمین معیشت است.

از سوی دیگر آمارهای اقتصادی نه تنها بیانگر ثبت رکوردهای جدید در تورم اقتصاد ایران است بلکه شکاف عمیق میان تورم تجربه شده در میان دهک‌های پردرآمد و کم‌درآمد است. دهک‌های کم‌درآمد در عمل تجربه تورمی به مراتب بیشتر از اقشار پردرآمد دارند.

علت این موضوع نیز اینست که اقشار کم‌درآمد، به علت درآمد‌های محدود، سبد مصرفی غیرمتنوعی دارند که شامل اقلام ضروری شامل خوراک، درمان، و اجاره مسکن و حمل‌ونقل است. افزایش تورم در اقتصاد ایران نیز مشمول اقلام اساسی است.

بطور مثال در حالیکه تورم عمومی اقتصاد در کانال ۸۰ درصد است، تورم گروه خوراکی‌ها در کانال ۱۲۰ درصد

پرونده فساد کلان اقتصادی «تراستی»ها؛ یک نماینده مجلس خواهان افشای نام ابریدهکاران ارزی شد

داشته‌اند، برخوردی جدی و سنگین صورت گیرد؛ زیرا آن‌ها هم باید پاسخگو باشند».

پنجم مرداد جاری ذبیح‌الله خدائیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، با حضور در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی دستور غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه برای پیگیری پرونده‌های ارزی توسط هیئتی ویژه خبر داد.

ذبیح‌الله خدائیان گفت بر اساس اطلاعات دریافتی از بانک مرکزی، ۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی دارای تعهدات ارزی ایفا نشده بودند که مجموع تعهدات رفع‌نشده آنان حدود ۹۴ میلیارد یورو برآورد شده است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزود «این افراد در سه گروه دسته‌بندی شدند؛ ۲۲۵ شخص دارای بیش از ۵۰ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده، ۲ هزار و ۸۲۷ شخص دارای تعهد بین ۳ تا ۵۰ میلیون یورو بودند و ۱۷ هزار و ۶۲۴ شخص نیز کمتر از ۳ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده ارزی داشتند.»

او همچنین گفت «۲۱۹ شخص حقیقی، حقوقی و

بازنگردانده‌اند.

اکنون محمد معتمدی‌زاده سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی با ارائه آخرین جزئیات این پرونده‌ها اعلام کرده ۹۴ میلیارد یورو تعهد ارزی رفع‌نشده در اختیار شرکت‌های «تراستی» قرار دارند. او صدور بی‌رویه کارت‌های بازرگانی را یکی از عوامل اصلی بروز این فساد اقتصادی دانسته و تأکید کرد که شرکت‌های فاقد اهلیت، ابریدهکاران ارزی و افراد پشت‌پرده این تخلفات باید به مردم معرفی شوند.

به گفته سخنگوی اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی «بخش قابل توجهی از ارزهای بازنگشته، مربوط به اشخاص و شرکت‌هایی است که برخی از آن‌ها در حوزه نفت، پخش و پالایش فعالیت می‌کنند و این تخلفات از طریق شرکت‌های تراستی انجام شده است.»

او با اشاره به تشکیل پرونده‌های متعدد در این زمینه گفت: «پرونده‌ها تشکیل شده و حجم پرونده‌ها بسیار بالاست. حجم ارزی که بازنگشته، مبلغ بسیار بالایی است

● محمد معتمدی‌زاده سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی: پرونده‌ها تشکیل شده و حجم پرونده‌ها بسیار بالاست. حجم ارزی که بازنگشته، مبلغ بسیار بالایی است و بیش از ۹۴ میلیارد یورو اعلام شده است. وی همچنین صدور بی‌رویه کارت‌های بازرگانی را یکی از عوامل اصلی بروز این فساد اقتصادی دانسته و تأکید کرد که شرکت‌های فاقد اهلیت، ابریدهکاران ارزی و افراد پشت‌پرده این تخلفات باید به مردم معرفی شوند. ● به گفته رئیس سازمان بازرسی کل کشور، «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برنگرداند و از کشور هم خارج شد.»

● ولی‌الله سیف، رئیس پیشین بانک مرکزی، با بیان اینکه «تراستی‌ها معمولاً «آدم‌های مورد وثوق» بودند، گفته در برخی موارد تراستی‌ها خارجی بودند؛ از جمله افراد عرب و هندی، و حتی موردی وجود داشته که یک تراستی هندی از این اعتماد سوء استفاده کرده است. سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی اعلام



شبه‌دولتی با مجموع حدود ۲۳/۵ میلیارد یورو تعهد رفع‌نشده، به اتهام اخلاف در نظام اقتصادی به مراجع قضایی معرفی شده‌اند.»

به گفته رئیس سازمان بازرسی کل کشور «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برنگرداند و از کشور هم خارج شد.»

تراستی (Trustee) یا متصدی امانت یک اصطلاح حقوقی است که معمولاً به کسی که در موقعیت امانت قرار دارد گفته می‌شود و بنابراین می‌تواند به هر فردی که دارایی، اختیار یا موقعیت امانت یا مسئولیتی را به نفع دیگری در اختیار دارد، اطلاق شود. این افراد مجاز به انجام وظایف خاصی هستند اما قادر به کسب درآمد نیستند. در ایران تراستی‌ها بعنوان افرادی شناخته می‌شوند که طی سال‌های گذشته برای فروش نفت و انجام نقل و انتقالات

و بیش از ۹۴ میلیارد یورو اعلام شده است. موضوع بسیار حساس است و آن را پیگیری می‌کنیم و امیدواریم بتوانیم کمک کنیم.»

محمد معتمدی‌زاده همچنین خواستار اعلام نام بدهکاران متهم در پرونده ارزهای بازنگشته شده و تأکید کرده «بیشترین سوءاستفاده‌ها در بازه زمانی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴؛ چه در زمینه صدور کارت‌های بازرگانی و چه در بخش پرداخت‌های ارزی و نحوه تخصیص ارز رخ داده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده «ما باید با کسانی که ترک فعل داشته‌اند و همچنین افرادی که آگاهانه در موضوع عدم احراز اهلیت صنفی کوتاهی کرده و زمینه خروج چنین حجم عظیمی از ارز از کشور و بازنگشتن آن را فراهم کرده‌اند، برخورد کنیم. این افراد باید هم به مردم معرفی شوند و هم با آن‌هایی که در این روند ترک فعل

کرده همچنان ۹۴ میلیارد یورو تعهد ارزی رفع‌نشده‌ی در اختیار شرکت‌های تراستی وجود دارد. صدور کارت‌های بازرگانی به ویژه در فاصله سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ مهمترین عامل بروز چنین فساد رانتی و گسترده‌ای در اوج تحریم‌ها بوده است.

در هفته‌های گذشته اعلام رسمی آمار نجومی تعهدات ارزی رفع‌نشده -یا به بیان دیگر ارزهای ناشی از تجارت خارجی که به کشور بازنگشته- خرساز شده و توجه افکار عمومی را به سوی «تراستی»ها جلب کرده است.

«تراستی»ها شرکت‌های رانتی-مافیایی هستند که وظیفه تجارت خارجی با هدف دور زدن تحریم‌ها را بر عهده داشتند. هفته نخست امرداد جاری قوه قضاییه از تشکیل پرونده برای ۵۹ شرکت «تراستی» خبر داد که ۲۰۰ میلیون دلار ارز حاصل از فروش نفت ایران را به کشور

بیانیه جمعی از کنشگران و زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه: تمامیت ارضی ایران از کاسپین تا خلیج فارس خط قرمز ماست



خلیج فارس نه قابل تغییر نام است و نه قابل واگذاری. جزایر و مرزهای ایران نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت و تمامیت سرزمینی این کشورند. ما باور داریم هر توافقی که در دوران جمهوری اسلامی و بدون پشتوانه و رضایت ملت ایران، حقوق تاریخی و منافع ملی کشور را مخدوش کند، باید در آینده ایران آزاد و ملی، با حضور نمایندگان واقعی ملت و بر پایه منافع ایران، مورد بازنگری و تعیین تکلیف قرار گیرد. ما از همه ایرانیان، در داخل و خارج از کشور، می‌خواهیم در برابر هر اقدامی که تمامیت ارضی و منافع ملی ایران را تهدید می‌کند، سکوت نکنند. ایران فروشی نیست. کاسپین فروشی نیست. خلیج فارس فروشی نیست. و هیچ قدرت خارجی، هر که باشد، صاحب یک وجب از خاک ایران نیست. ما زندانیان سیاسی پادشاهی‌خواه، اگرچه امروز پشت میله‌های زندان محبوسیم، اما صدای ایران را با خود به این دیوارها آورده‌ایم و اعلام می‌کنیم: تا زمانی که ایران آزاد، آباد و سربلند شود، تمامیت ارضی ایران خط قرمز ما خواهد بود. ما امضاکنندگان این بیانیه، هرگونه واگذاری، معامله یا تضییع حقوق تاریخی و سرزمینی ایران در دریای کاسپین و دیگر پهنه‌های سرزمینی کشور را محکوم می‌کنیم.

پاینده ایران
جاوید شاه

*اسامی امضاکنندگان به دلایل امنیتی محفوظ است.

به نام نامی ایران
ما، جمعی از زندانیان سیاسی پادشاهی‌خواه ایران، از پشت دیوارهای زندان و در شرایطی که آزادی از ما سلب شده است، اما شرافت و عشق به ایران از ما گرفته نشده، با صدایی رسا اعلام می‌کنیم:

دریای کاسپین، خلیج فارس و وجب به وجب خاک ایران، قابل معامله، واگذاری و بخشش نیست. با نگرانی عمیق، اخبار و گزارش‌های مربوط به هرگونه توافق، معاهده یا تصمیمی که بتواند حقوق تاریخی و قانونی ایران در دریای کاسپین را تضعیف کند، دنبال می‌کنیم و هرگونه اقدام جمهوری اسلامی در جهت واگذاری منافع ملی ایران به بیگانگان، به ویژه روسیه، را به شدت محکوم می‌کنیم. حکومتی که مشروعیت خود را در میان ملت ایران از دست داده و در برابر مردم خود ایستاده است، حق ندارد درباره سرزمین، مرزها و منافع نسل‌های آینده ایران تصمیم بگیرد. هیچ توافقی که بدون اراده و رضایت ملت ایران و برخلاف منافع ملی کشور منعقد شود، از نگاه ما مشروعیت ندارد. ایران ملک شخصی هیچ حکومت، حزب یا فردی نیست. ایران میراث مشترک همه ایرانیان است؛ میراثی که از نسل‌های پیشین به ما رسیده و ما وظیفه داریم آن را سالم و سربلند به نسل‌های آینده بسپاریم.

ما صریح و بی‌ابهام اعلام می‌کنیم: تمامیت ارضی ایران خط قرمز ماست. دریای کاسپین نه کالای معامله است و نه ابزاری برای جلب رضایت قدرت‌های خارجی.

→ ارزی با هدف دور زدن تحریم‌ها و پولشویی فعالیت داشته‌اند.

فرشاد مؤمنی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی روز گذشته با اشاره به فساد و رانت توزیع شده در تجارت خارجی جمهوری اسلامی گفته «مهمترین کانون نزاع‌های رانتی در ایران، مسئله ارزهای خام‌فروشانه است. حالا این خام‌فروشی می‌خواهد نفت باشد، گاز باشد یا مشابه آن.»

فرشاد مؤمنی با اشاره به پرونده جدید گشوده شده در قوه قضاییه درباره ارزهای بازنگشته به کشور گفته «راه‌های زیادی وجود داشته و امکان بازگرداندن ارز فراهم بوده است. آنچه در این میان رخ داده، بیشتر ناشی از نبود نظارت و پیگیری جدی در این موضوع بوده است. این‌گونه نیست که فقط تحریم‌ها عامل این مسئله باشد. شاید در برخی موارد محدود، بخشی از مشکلات ناشی از تحریم بوده باشد، اما در مجموع، این موضوع بهانه‌ای برای سوءاستفاده شده است.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز در گزارشی اعلام کرده که نقطه آغاز فعال شدن شبکه «تراستی»‌ها به سال ۱۳۹۷ و خروج دونالد ترامپ از برجام و بازگرداندن شدن تحریم‌ها باز می‌گردد. دوره‌ای که دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی فعال بود. بر اساس گزارش روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته «تراستی»‌ها محصول شرایط بازگشت تحریم‌ها بودند؛ شبکه‌هایی که قرار بود بخشی از خلأ ایجادشده در نظام مالی بین‌المللی را پر کنند.

قابل توجه اینکه ولی‌الله سیف، رئیس پیشین بانک مرکزی، در گفتگو با «دنیای اقتصاد» گفته «تراستی‌ها معمولاً «آدم‌های مورد وثوق» بودند؛ یعنی فردی که اعتماد نسبت به او وجود داشت و گاهی یک ایرانی با پاسپورت خارجی بود که به نام خودش پول‌ها را جابه‌جا می‌کرد تا ارتباط مستقیم با ایران مشخص نباشد.»

به گفته سیف، در برخی موارد تراستی‌ها خارجی بودند؛ از جمله افراد عرب و هندی، و حتی موردی وجود داشته که یک تراستی هندی از این اعتماد سوءاستفاده کرده است. او تأکید کرده بود که فعالیت تراستی‌ها ذاتاً با ریسک همراه است و صرافی یا مجموعه‌ای که با آنها کار می‌کند، این ریسک را می‌پذیرد؛ به همین دلیل نرخ‌های این شبکه‌ها نیز معمولاً بالاتر از مسیرهای عادی است!

این سخنان رئیس وقت بانک مرکزی نشان می‌دهد از ابتدا هم اعتماد کافی به تراستی‌ها و اینکه ارزهای حاصل از تجارت خارجی ایران در شرایط تحریم را بازگرداندن وجود داشته اما هیچ سازوکار نظارتی برای فعالیت آنها تعریف نشده است.

اینهمه در حالیکه توضیحات مطرح شده از سوی مقامات مختلف حکومتی نشان می‌دهد حتی مشخص نیست مسئول سازماندهی و نظارت بر فعالیت «تراستی»‌ها کدام نهاد حکومتی است.

اگرچه تصور بر اینست که وزارت نفت نهاد اصلی فرآیندهای مرتبط با «تراستی»‌ها است اما محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، پیشتر گفته وظیفه وزارت نفت صرفاً در حوزه فروش نفت، بازاریابی و مذاکره با مشتریان تعریف می‌شود و نحوه وصول ارز و حساب‌هایی که وجوه باید به آنها واریز شود، از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شود.

با توجه به سخنان محسن پاک‌نژاد، وزارت نفت در مدیریت مالی و ارزی تراستی‌ها نقشی ندارد و مسئولیت این بخش برعهده بانک مرکزی است. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در بخشی از سخنانش در صداوسیما گفت که تراستی‌ها مورد اعتماد «دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی، شمام (شورای عالی امنیت ملی) و بانک‌ها» هستند.



شروط جمهوری اسلامی برای بازگشایی «تنگه هرمز»:
جی دی ونس: رژیم ایران چندپاره شده است



صف طولانی بنزین در استان هرمزگان



آمریکا شبکه‌ای از صرافیه‌ها و شرکت‌های دلالی مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد



تاکید سنتکام بر ادامه «محاصره دریایی» جمهوری اسلامی همزمان با مذاکرات بر سر وضعیت «تنگه هرمز»



شاهزاده رضا پهلوی: تلاش جمهوری اسلامی برای تصویب «کنوانسیون آکنائو» مغایر با منافع ملی ایران است



رژیم ایران و استراتژی وقت‌گشی و تفرقه در جبهه‌ها
نگاه دیگران



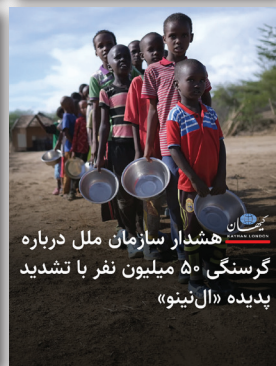
اقتصاد بدون ترمز، در سایه‌ی تنگه هرمز



مسعود پزشکیان درباره گران شدن بنزین: محاصره هستیم و نمی‌توانیم بنزین وارد کنیم!



نابودی طبقه متوسط؛ یک اقتصاددان: اقتصاد ایران وارد دوره «ابرتورم» شده است



هشدار سازمان ملل درباره گرسنگی ۵۰ میلیون نفر با تشدید پدیده «ال‌نینو»



حقوق کارکنان دانشگاه علوم پزشکی «ایران‌شهر» از ابتدای سال پرداخت نشده است



الجزء: هسته‌های تحت حمایت سپاه پاسداران در عراق کوچک‌تر و مخفی‌تر می‌شوند



خنثی ساختن یک شبکه پهنای وابسته به جمهوری اسلامی در عراق؛ بازداشت سه نفر از عوامل سپاه پاسداران



تصویر نکانهنده از اقتصاد ایران با قرار گرفتن آمارها و شاخص‌ها کنار یکدیگر



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: تا وقتی آمریکا شروط جمهوری اسلامی را نپذیرد تنگه هرمز باز نخواهد شد



بدهی ۱۷ میلیارد دلاری شرکت نفت به صندوق توسعه ملی



کمای دیپلماسی؛ محصول مذاکره برای مذاکره



عضو اتاق بازرگانی: مردم باید بدانند درآمد ناشی از گرانی بنزین کجا مصرف می‌شود



تأیید حکم اعدام رسول رضایی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌۴۰۴، در دیوان عالی کشور



پایانه جمعی از کنشگران و زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه: تمامیت ارضی ایران از کاسپین تا خلیج فارس خط قرمز ماست



تکانهنده و باورکردنی: جنگل‌تراشی در استان کیلان برای دفن زباله!



گوشت بوفالو هندی وارد سفره مردم ایران شد



ایران فروشی نیست!



خسارت گسترده قطع برق به صنعت لبنیات



زندگی «نسبه» کارگران در ایران: چرخه ویرانگر گرانی و حقوق‌های ناچیز عقب‌افتاده



پازگشت تعدادی از متخصصان روس به نیروگاه اتمی بوشهر



دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی باید بابت کشتن سربازان آمریکایی و معترضان ایرانی غرامت بپردازد



انتشار نام بیش از ۷۰ معترض دی ۴۰۴ زیر حکم «اعدام» قرار دارند



عبدالرحمن الراشد تحلیلگر عربستانی: «ائتلاف» علیه رژیم ایران در سه جبهه نگاه دیگران



«توافق مکه»: دفاع در مقابل اسرائیل یا در برابر جمهوری اسلامی؟



افشای نام «تراستی» اتریدهاکار: خرید ۴۰ نفتکش وزارت نفت با قیمت «آهن قراضه» و دریافت سفارش فروش ۹۰ میلیون بشکه نفت در یک سال!



منابع منطقه‌ای: حادثه میان یک نفتکش و نیروهای نظامی در دریای عمان



مشکل «جنگ ناتمام» و سیاست حمله نظامی همراه با معامله! نگاه دیگران



افزایش قیمت جهانی نفت: ارز و طلا در ایران گران شد



پرونده فساد کلان اقتصادی «تراستی» ها: یک نماینده مجلس خواهان افشای نام ابردهکاران ارزی شد



دادگاه کیفری دمشق بشار اسد و برادرش را غیابی به اعدام محکوم کرد



کاسپین: ایران چه حقوقی داشت و چه حقوقی در خطر است؟



از کارتر و گروگانگیری سفارت تا ترامپ و به گروگان گرفتن تنگه هرمز



خبرنگار «الجزیره»: مذاکرات بر سر وضعیت تنگه هرمز «به نقطه اول برگشت»



ربودن و قتل یک مداح حکومتی: فیلم کشته شدن مداح برای خانواده‌اش ارسال شد



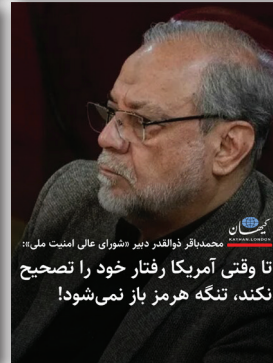
ایرج، خواننده و استاد پیشکسوت آواز ایران، درگذشت



العربیة: فرمانده قدس سپاه خواستار تعویق اجرای انحصار سلاح در دست دولت عراق شد



احکام «مجتبی خامنه‌ای» برای شش فرمانده ارشد نیروهای مسلح: حسین طائب به قدرت بازگشت



محمدباقر قزوین‌دیر «شورای عالی امنیت ملی»: تا وقتی آمریکا رفتار خود را تصحیح نکند، تنگه هرمز باز نمی‌شود!



شکاف تورم میان دهک‌های درآمدی به بیش از ۱۵ درصد رسید: تورم سه رقمی در راه است



«موفقیت فاجعه‌بار» توفان الاقصی: شکستی که معادلات سراسر خاورمیانه را دگرگون کرد نگاه دیگران



وزیر بهداشت درباره بحران کمبود و گرانی دارو: هند از ابتدای جنگ و در واکنش به انسداد تنگه هرمز دارو به ایران صادر نکرده است



اعدام دست‌کم ۹۱۶ نفر در ایران از ابتدای سال جاری میلادی



افزایش مبلغ قبوض: راه جدید دولت برای جبران کسری بودجه



جدیدترین آمار مهاجرت تخمین از ایران: آمریکا و امارات مقاصد اصلی جوانان دانش‌آموخته



عکس هفته | ورود لکه‌های نفتی به جنگل «حرا» قشم

آلودگی نفتی سواحل جنوبی قشم وارد جنگل «حرا» در این جزیره شده است. با گذشت بیش از یک هفته از آلودگی نفتی سواحل جنوب و آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از آن، همچنان منشاء آن نامشخص است. ذخیره‌گاه زیست‌کره حرا در محدوده قشم و تنگه خوران، بزرگ‌ترین مجموعه مانگرو در امتداد سواحل خلیج فارس معرفی شده است. این جنگل‌ها همچنین مانند یک سد طبیعی در برابر فرسایش سواحل و نفوذ آب دریا عمل می‌کنند و توانایی بالایی در ذخیره کربن دارند.